سعید نفیسی





تاریخ شهریاری

شاهنشاه رضا شاه پهلوی

از ۳ اسفندماه ۱۲۹۹ تا ۲۴ شهریورماه ۱۳۲۰

از انتشارات

شورای مرکزی جشنهای بنیادگزاری شاهنشاهی ایران

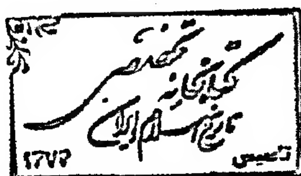
تهران
۱۳۴۴

سازمان‌چاپ و انتشارات کیهان

سعید نفیسی

تاریخ شهریاری
شاهنشاه رضا شاه پهلوی

از ۳ اسفندماه ۱۲۹۹ تا ۲۴ شهریورماه ۱۳۲۰



از انتشارات

شورای مرکزی جشنهای بنیادگذاری شاهنشاهی ایران

تهران
۱۳۴۴

«... خوشوقتم که از این راه اکنون پایتخت ایران بصورت یک مرکز دوستی و
تفاهم درآمده و جلوه گاه کوشش شرافتمندانه ای برای استیلای فروغ دانش و
بینش بر تاریکی جهل و نادانی شده است ولی در این فرصت می باید توجه همه افراد
ملت ایران را بدین موضوع مهم جلب کنم که آنچه تاکنون در این مورد شده انجام
کار نیست بلکه فقط آغاز کار است ما باید بیش از پیش و با استفاده از تمام عوامل و امکانات
برای پیشرفت نهضت مبارزه با بیسوادی در کشور خویش بکوشیم ...»

(از پیام ملوکانه بمناسبت پیکار جهانی با بیسوادی)

دیباچه

این‌کتاب مقدمه‌ای فهرست‌مانند ازتاریخ شهریاری (زمامـداری) شاهنشاه رضاشاه پهلوی از٤ اسفندماه ١٢٩٩ تا ٢٤شهریورماه ١٣٢٠ است. جزییات وقایع این مدت برای تاریخ ایران چنان اهمیت داردکه هریك ازآنها درخوربحثی جداگانه است، وکتابهای چند درین زمینه باید پرداخت . این‌کتاب تنها راهنمایی برای‌کسانیست‌که می‌خواهنـد بررسی کامـل در زمینه های مختلف تاریخ این‌دوره بکنند وامیدوارم دوستداران تاریخ ایران دنبالهٔکار را بگیرند .

این‌کتاب شگون مخصوصی دارد وآن اینست‌که درآغازسال بیست وپنجم جلوس جانشین شایسته‌وفرزند برومند آن شاهنشاه‌بزرگ‌اعلی حضرت محمدرضاشاه پهلوی انتشارمی‌یابد وازشورای مرکزی جشن‌های بنیادگذاری شاهنشاهی ایران‌که وسایل انتشارآنرا فراهم آوردند سپاسگزارم .

پایان امردادماه ١٣٤٤

سعید نفیسی

تیره روزیهای ایران در دورهٔ فرمانروایی قاجارها

دورهٔ صدوسی وچهارسالهٔ فرمانروایی طایفهٔ قاجار برایران از ۱۲۰۰ تا ۱۳۴٤ قمری بدترین دورهٔ تنزل وانحطاط کشورما درسراسرتاریخ است . آقا محمدخان در دورهٔ تاخت وتازکوتاه خودقسمتی ازنواحی ازدست رفتهٔ ایران را درمشرق ومغرب پس گرفت ، اما این یگانه پیشرفتیست که قاجارها دردوران فرمانروایی خودکردند و پس ازآن همیشه وهمه جا ایران را ناتوان تر ساختند .

دورهٔ فرمانروایی سی وهشت سالهٔ فتحعلی شاه از۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ قمری سراسردورهٔ سرشکستگی بوده است . نخست نیروی ایران دربرابرافغانها چنان سست شدکه ناحیهٔ هرات نیز ازدست ایران رفت وبافغانستان پیوست . جنگ اول با روسیه از۱۲۱۹ تا ۱۲۲۸ نه سال تمام کشید ونتیجهٔ آن عهدنامهٔ گلستان وازدست رفتن متصرفات ایران در قفقازبود . جنگ دوم که از ۱۲٤۱ تا ۱۲٤۳ سه سال کشیدمنتهی بعهدنامهٔ معروف ترکمان چای شدکه دولت مغلوبی می بایست ناچار دربرابردولت غالبی امضاکند و برتریهایی درخاك خود برای آن بشناسد وازآن پس دول اروپایی هریك آن برتریها را بدست آوردند واتباع ایشان درایران حکم مخدوم ایرانیان را پیداکردند . درمغرب نیز در۱۲۲۱ا واز۱۲۲۷ تا ۱۲۲۸ واز۱۲۳٦ تا ۱۲۳۹ سه بار درمیان ایران وعثمانی جنگ درگرفت و نتیجهٔ آن نیز ازدست رفتن برخی ازنواحی غربی ایران شد .

دورهٔ فرمانروایی چهارده سالهٔ محمد شاه از ۱۲۵۰ تا ۱۲٦٤ قمری شامل جنگ هرات در۱۲۵۳ وقیام آقاخان محلاتی درهمان سال وباردیگر در۱۲۵٦ دوره‌ای بودکه آنرا مقدمهٔ آشفتگی‌های فراوان دوره‌های بعد باید دانست .

دردورهٔ فرمانروایی چهل ونه سالهٔ ناصرالدین شاه از۱۲٦٤ تا ۱۳۱۳ قمری رقابت روس وانگلیس درایران باوج خود رسید ودولت ناتوان ایران جزآنکه گاهی باین وگاهی بآن تسلیم شود وبرای رهایی ازدرخواست‌های بی‌پایان ایشان منافعی بدولتهای دیگراروپا وامریکاکه امیدوار بودندزیاده رویهای روس وانگلیس راجبران کنندبدهدچارهٔ دیگرنداشتند . این دوره را دورهٔ امتیازهای بی‌حد وحصر باید دانست ودرضمن چادرنشین‌های مسلح شمال وجنوب ایران که بیشتردست‌نشاندهٔ بیگانگان بودندروزبروز درراهزنی وپریشان‌کردن اوضاع گستاخ‌تر ودلیرتر می‌شدند . دولت ایران که خودرا دربرابرتمدن جدید ناتوان می‌دید یگانه راه توانایی خودرا دشمنی وستیزه بارواج تمدن اروپایی واندیشهای آزادی‌خواهی می‌دانست وازین رهگذرها روزبروز زندگی برمردم ایران دشوارتر ودامنهٔ بیدادکارگزاران دیوان‌گشاده‌تر می‌شد . درین دوره نواحی هرات در۱۲۷۳ ومرو وخیوه در۱۲۹۹ قمری یکسره ازدست ایران رفت.

دردورهٔ فرمانروایی یازده سالهٔ مظفرالدین شاه از۱۳۱۳ تا ۱۳۲٤ قمری ایران هم‌چنان راه‌زوال وناتوانی را می‌پیمود تاآنکه منتهی شد بتصویب قانون اساسی در۱٤ ذیقعدهٔ ۱۳۲٤ قمری.

دورهٔ فرمانروایی دوسال وپنج ماهـهٔ محمـد علیشاه از۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ قمری دورهٔ بسیارآشفته وپریشان‌کشمکش وزد وخورد درمیان هواخواهان حکومت مشروطه ودرباریان بوده است.

دورهٔ فرمانروایی هفده سال وده ماههٔ سلطان احمدشاه از ۱۳۲۷ تا ۱۳٤٤ قمری را باید بدو دوره تقسیم کرد. دردورهٔ اول تا ۲۷ شعبان ۱۳۳۲ شش سال ودوماه سلطان احمد شاه صغیربود ودوتن نایب‌السلطنه‌کارهای‌کشور را بدست‌گرفتند. در دورهٔ دوم‌که وی مسئولیت‌کارهای ایران را برعهده داشت درسراسرجنگ جهانـی اول از۱۳۳۳ تا ۱۳۳٦ قمری چهارسال خاك ایران میدان تاخت وتـاز لشکریان و هواخواهان متفقین (روس وانگلیس وفرانسه ودیگران) ومتحدین (آلمان واتریش و عثمانی) وپس ازآن‌گرفتارعواقب وخیم جنگ جهانی بود.

مهمترین مراحل زندگی پهلوان ما

۲٤ اسفند ماه ۱۲۵۷ شمسی ولادت شاهنشاه رضاشاه پهلوی فرزندعباسقلی خان سرهنگ فوج سوادکوه ازخاندان اصیل ایرانی درروستای الاشت ازتوابع‌سواد کوه درخاك مازندران ..

۵ آذرماه ۱۲۵۸ درگذشت پدر شاهنشاه .

۱۲۷۸ ورود بخدمت بریگادقزاق درتهران .

۱۲۹٤ رسیدن بدرجهٔ سرهنگی .

۱۲۹۷ رسیدن بدرجهٔ سرتیپی .

٤ اسفند ماه ۱۲۹۹ کودتا ورسیدن بدرجهٔ فرماندهی‌کل قوا .

۷ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۰ رسیدن بپایهٔ وزارت جنگ .

۲۵ تیرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای سران فارس .

اول شهریورماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای‌کردان آذربایجان .

مهرماه ۱۳۰۰۰ پایان سرکشیهای سران مازندران .

۱۱ مهرماه ۱۳۰۰ پایان فتنه‌ای‌که درمشهد روی داده بود .

آذرماه ۱۳۰۰ پایان سرکشیهای جنگلیان ومیرزاکوچك‌خان درجنگل گیلان.

۱۵ آذرماه ۱۳۰۰ تشکیل ارتش متحدالشکل وانحلال قزاق خانه وژاندارمری وغیره واخراج بیگانگان ازارتش .

۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۰ پایان فتنه‌ای‌که درتبریز روی داده بود .

۱۳۰۱ تأسیس نیروی هوایی .

۱۳۰۱ تأسیس ادارهٔ‌کل طرق وشوارع دروزارت‌فلاحت وتجارت‌وفواید عامه وآغازکارراه سازی .

۱۳۰۲ تأسیس جمعیت شیروخورشید سرخ ایران .

٦ آبانماه ۱۳۰۲ رسیدن بپایهٔ نخست وزیری .

فروردین ۱۳۰۳ تشکیل‌کابینهٔ دوم .

۱٦ فروردین ۱۳۰۳ الغای القاب وامتیازات .

۱٦ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۳ ایجاد خدمت نظام عمومی .

۱۰ آذرماه ۱۳۰۳ پایان فتنهٔ خوزستان .

اردی‌بهشت ماه ۱۳۰٤ تأسیس بانك پهلوی قشون (بانك سپه) .

۱۳۰٤ تأسیس ادارات ثبت احوال درشهرستانها .

۱۷ خردادماه ۱۳۰٤ آغاز اقدام بساختمان راه آهن سرتاسری .

۹ آبانماه ۱۳۰۴ پایان زمامداری قاجارها وانتخاب شاهنشاه بریاست حکومت موقتی .
۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ انتخاب مجلس مؤسسان بشاهنشاهی ایران .
۲۶ آذرماه ۱۳۰۴ بتخت نشستن شاهنشاه .
۲۰ بهمن ماه ۱۳۰۴ آغاز ساختمان راه‌آهن سرتاسری .
۵ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۵ تاج‌گذاری .
۷ اردی‌بهشت ۱۳۰۵ ایجاد تلگراف بی‌سیم .
۲۰ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۶ لغوکاپیتولاسیون وانحلال دادگستری وتجدید سازمان آن .
۲۸ امردادماه ۱۳۰۷ تأسیس بانك ملی .
۱۳۰۸ تشکیل نیروی دریایی .
۶ خرداد ماه ۱۳۰۹ لغو امتیازچاپ اسکناس بانك شاهنشاهی ایران .
۱۳۱۰ لغو امتیاز دارسی .
۱۳۱۱ امتیاز جدید نفت شرکت نفت ایران وانگلیس .
۱۳۱۳ مراسم هزارهٔ فردوسی .
۱۳۱۳ تأسیس دانشگاه تهران .
۲۵ تیرماه ۱۳۱۲ تأسیس بانك‌کشاورزی .
۱۳۱٤ گشایش هنرستان وپرورشگاه یتیمان شاهپور برای ۱۳۰ دختر و ۷۰ پسر .
۱۷ دیماه ۱۳۱٤ نهضت بانوان ورفع حجاب .
۱۳۱٤ وضع نخستین مقررات‌کارگری .
۱۳۱۶ تقسیم کشور بده استان .
۵ مهرماه ۱۳۱۶ گشایش‌کارخانهٔ دخانیات .
۲۷ امرداد ماه ۱۳۱۷ بهم پیوستن راه‌آهن شمال وجنوب وپایان‌کار راه‌آهن سرتاسری .
۱۳۱۸ تأسیس بانك رهنی .
٤ اردی‌بهشت ماه ۱۳۱۹ افتتاح نخستین فرستندهٔ رادیو .
۲ شهریورماه ۱۳۲۰ رسیدن راه‌آهن مشهد بنیشابور .
۳ شهریورماه ۱۳۲۰ ورود لشکریان متفقین ازشمال وجنوب بایران .
۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰ استعفای ازسلطنت ومهاجرت ازایران .
چهارشنبه ٤ امردادماه ۱۳۲۲ درگذشت ناگهانی درشهریوهانسبورگ در افریقای جنوبی .
۱۷ اردی‌بهشت ماه ۱۳۲۹ انتقال پیکرشاهنشاه ازقاهره بآرامگاه زاویهٔ شاه عبدالعظیم درتهران .

استقلال ایران

ویکتوربرار دانشمند فرانسوی در آغازکتابیکه درباره انقلاب ایران نوشته است می‌گوید: «ایران نه ملتست ونه ودلت» . این بهترین معرفی ازوضع ایران درپایان دورهٔ قاجارهاست وگویندهٔ این سخن نه غرض ورزی ودشمنی‌کرده ونه مبالغه‌کرده است. زیراکه ملت یعنی‌آن جمعی ازمردم‌که درزبان واخلاق وعادات ورسوم ومعتقدات ودین ولباس وزندگی اجتماعی وامید وآرزو وحتی درخشم وغضب وکینه ونفرت یکسان بیندیشند وباهم همداستان وشریك باشند .

راستی‌هم‌که درآن زمان ایرانیان درهیچ یك ازین مظاهرانسانی اتفاق‌کلمه نداشتند ودرفصل دیگری‌که دربارهٔ اوضاع اجتماعی خواهد بود درین زمینه بیشتر سخن خواهم راند .

درآن زمان ایران دولت هم نبود ، زیرا دولت یعنی آن نیروی حاکمه‌ای‌که از میان‌مردم برخاسته باشد ومسئول سرنوشت وخوب وبد مردمی باشدکه آنرا برانگیخته‌اند . آنست‌که شب وروزبرای آن مردم دلسوزی‌کند ، آسایش ونیك روزی مردم را ازهرحیث فراهم آورد ، درهرروزی مردم را بسوی پایهٔ دیگری ازپیشرفت وترقی وکمال ببرد ، زندگی شبانروزی امروز وفردای آن مردم را ازهرحیث تأمین کند ، حتی نقشه‌های عاقلانه برای آیندهٔ آن مردم بکشد ، عرض وناموس وجان ومال همهٔ مردم را درکمال خوبی حفظ‌کند وهمهٔ خطرهای جانی ومالی را دفع‌کند ، ازهیچ وسیلهٔ ارشاد وهدایت خودداری نکند ، یعنی مهربان‌ترین پرستار وسرپرست ودوست وخدمتگزار ودستیار آن مردم باشد . این صفاتیست‌که درآن دوره بهیچ‌وجه درآنچه دولت ایران می‌گفتند نبود . بیش ازصد سال بودکه دولت ایران یکی ازناتوان‌ترین دولتهای جهان بشمارمی‌رفت . درروی نقشهٔ جغرافیا مستقل بود یعنی ظاهراً استقلال داشت وجزومستعمرات بشمار نمی‌رفت اما اگرکسی اوضاع آن روزجهان را درست بسنجد می‌بیندکه حال آن ازهرمستعمره‌ای زارتربود زیراکه دول استعماری لااقل درآبادانی مستعمرات خود می‌کوشیدند .

کسانیکه آن دوره را درك نکرده‌اند شاید نتوانند باورکنندکه روزی درکشور ما هرگاه می‌خواستند هیئت دولتی تشکیل دهند می‌بایست پیش ازوقت ازبیگانگان اجازه بگیرند وناچار درین صورت فلان‌کنسول هم حق داشت فلان حاکم را درقلمرو خود بپذیرد وحتی تاجرباشی آن‌کنسول نیزحق رای داشت .

شاید این نکته را هم نتوانند باورکنندکه ایران تنها ازدوهمسایهٔ آن روزخود می‌توانست وام بگیرد . ازکالاهای این همسایگان‌کمتر ازکالاهای‌کشورهای دیگرگمرك می‌گرفتند تا درایران ارزان‌تر بفروش برسد . اگراین همسایگان مبلغی بایران وام

می‌دادند دولت ایران نمی‌توانست آنرا بی‌اجازهٔ ایشان خرج کند ومی‌بایست بمصرفی که ایشان تعیین می‌کردند برساند .

درعهدنامه‌هایی که دول اروپابازیردستان‌خود امضامی‌کردند حق کاپیتولاسیون برای خود می‌گرفتند وآن حق عبارت ازین بودکه اتباع ایشان پیرو قوانین ونظامات کشورخود بودند ونه قوانین ونظامات‌کشوری‌که بآنجا رفته بودند. درایران نیز اتباع بیگانه این برتری را نسبت بایرانیان داشتند . اگربیگانه‌ای بیك ایرانی مبلغی مقروض بود تنهاکنسول آن‌کشوربیگانه می‌توانست مطابق رسوم‌کشورخود وی‌را وادارکندکه وام خودرا بپردازد وبسا می‌شدکه‌کنسول این‌کاررا نمی‌کرد وحق ایرانی پایمال می‌شد. هم‌چنین اگربیگانه‌ای یك ایرانی را می‌کشت آن قاتل را مطابق قوانین‌کشورش محاکمه می‌کردند . محکمهٔ مخصوص‌برای این‌کار ازنمایندهٔ کنسول ونمایندهٔ وزارت‌امورخارجه تشکیل می‌شد وگرنه اعتبارنداشت . بهمین جهت یکی ازادارات مهم وزارت امورخارجهٔ آن روزگار ادارهٔ محاکمات بود ووزارت امورخارجه درهرشهرایران‌که اتباع بیگانه بودند مأموری داشت‌که باو «کارگزار» می‌گفتند ووی را برای این می‌فرستادندکه این‌گونه حقوق وامتیازات ومنافع بیگانگان را حفظ کند .

یك عده ازایرانیان برای تأمین منافع پست خود تبعیت بیگانه راگرفته بودند وعده‌ای نیز «تحت‌الحمایه» یعنی دست پروردهٔ بیگانه بودند وایشان نیز همان امتیازها را داشتند . چنانکه اگریك ایرانی مسلمان تبعه یا تحت‌الحمایهٔ بیگانگان می‌بودکنسول آن دولت ارث اورا مطابق قوانین وحتی عادات ورسوم‌کشور خود تأمین می‌کرد. بیشتر ازکنسولگریها عضو زیردستی داشتند بعنوان«تاجرباشی»که مرد توانایی‌بشمارمی‌رفت وسرنوشت اقتصاد قلمرو وی بدست او بود .

یکی ازجنبه‌های بسیارشگفت حق‌کاپیتولاسیون این بودکه درتهران قصابانی بودندکه تبعه وتحت‌الحمایهٔ دولت انگلستان بشمارمی‌رفتند ونرخ‌گوشت را بی‌رضایت وموافقت سفارت انگلستان نمی‌توانستند تعیین بکنند . هرجنایتکاری مـی‌توانست باصطلاح آن روز درسفارت‌خانه‌ای یاکنسول خانه‌ای «بست بنشیند» یعنی برای اینکه ازکیفر ومجازات رهایی بیابد بآنجا پناه ببرد وبسا شدکه‌کسانی درسفارت‌خانه‌ای یا کنسول خانه‌ای بست نشستند وبمقصود خود رسیدند .

بطریق اولی هربدکاری‌که ازایران بیرون می‌رفت ازهرکیفری درامان بود زیرا که قرارداد استرداد مجرمین تنها درمیان‌کشورهایی بسته می‌شدکه خودرا با یك‌دیگر برابرمی‌دانستند وکشورهایی مانند ایران باکشورهای استعماری را پست‌تر ازخود می‌شمردند .

درایران دامنهٔ این امتیازات بجایی رسیده بودکه چون جایگاه‌تابستانی سفارت انگلستان درقلهك بود سراسرآن آبادی جزوخاك انگلستان شمرده می‌شد ونه‌تنهـا شهربانی ایران حق دخالت درکارهای آنجا را نداشت حتی‌کدخدای قلهك را سفارت انگلستان عزل ونصب می‌کرد . جایگاه تابستانی سفارت روسیهٔ تساری هم درزرگنده بود وآن سفارت نیزهمان امتیازات را درآن ناحیه داشت .

عواقب اقتصادی این امتیازات بمراتب بیش اززیانهای سیاسی واجتماعی آن بود زیراکه اساساً این‌گونه عهدنامها برای تأمین سود دولتهای بزرگ بزیان دولتهای کوچك بود. چندبارکه درایران‌کارخانه‌ای برای تولیدکالای ضروری ساختند چون کالای این‌کارخانه ارزان‌تر ازکالایی‌که ازآن‌کشور وارد می‌کردند تمام می‌شد ازیك‌طرف بهای کالای خودرا موقتاً وبحالت مصنوعی پایین بردند وازطرف دیگر فشارآوردند تاآن کارخانه را ببندند وکارخانهٔ قندکهریزك وکارخانهٔ نخ‌بافی تهران همین سرنوشت را پیداکرد. برخی ازامتیازات درگوشه وکنارایران باعث خونریزی هم شده است.

بدین‌گونه جای تردید نیست‌که بیش ازصد سال استقلال‌ایران درمنتهی درجهٔ سستی ولرزندگی بود وباندك بادی ممکن بود ازپای درآید. چندین‌بارکشور ما تا پای پرتگاه زوال وانقراض رسید وتنها حوادث روزگار واوضاع جهان استقلال ایران را نجات داد.

کسانیکه مرزهای ایران را دردویست سال پیش درنظربگیرند وبا مرزهای ایران در پایان دورهٔ قاجارها بسنجید می‌بینیدکـه درین دوره یك ثلث از خـاك ایران ازدست رفته است.

دردورهٔ صفویه دولت ایران یکی ازنیرومندترین ومشهورترین دولتهای جهان بود وحتی بارها دولتهای بزرگ اروپا پیروی ازسیاست ایران درجهان‌کردند. ایرانیان نیروهای دولت پرتغال راکه یکی ازنیرومندترین دولتهای آن‌روزگار بود ازخلیج فارس راندند ودستهای ایشان را ازجزایر خلیج‌کوتاه‌کردند، اما تدریجاً ناتوانی ایران بجایی رسیدکه درمجلس صلح ورسای درپایان جنگ‌جهانی‌اول‌نمایندگان‌بسیاری ازکشورهای کوچك را پذیرفتند وبنمایندهٔ ایران راه ندادند وحتی ازشنیدن سخنان ایران‌خودداری کردند.

سالیان دراز ایران باهمسایگان خود اختلافهای سرحدی داشت‌که بپایان نمی‌رسید زیراکه البته دعاوی دولت ناتوانی راکسی نمی‌پذیرد. درین مدت چندین‌بار سپاهیان بیگانه برای اینکه دولت ایران را بتسلیم دربرابرخود وادارکنند وارد ایران شدند وحتی یك بار تاچند فرسنگی شمال تهران رسیدند. حتی دریکی ازقراردادها قیدکرده بودند ایرانیان درارتش ایران نباید ازپایهٔ سرهنگی ببالا بروند. بسیاری از اعیان واشراف وملاکان وسرمایه‌داران ایران بودندکه یا رسما تبعه ویاتحت‌الحمایهٔ بیگانگان بودندومستشارمالیهٔ امریکایی ایران‌که‌خواست مالیات‌یکی‌ازین تحت‌الحمایگان را وصول‌کند درنتیجهٔ نزدیك شدن سپاهیان بیگانه بتهران ناچار ازایران رفت. حتی اتفاق افتادکه دولت ایران خواست وزیرمختارخودرا دریکی ازپایتختهای اروپا عزل کند وازعهده برنیامد.

ورود سپاهیان بیگانه ازراه بوشهر بتنگستان ودشتی ودشستان وازراه جلفا بتبریز وکشتارهای ایشان مخصوصاًدرتبریز ورشت‌وبمباران‌گنبدامام‌هشتم درمشهد ازحوادث بسیارناگوار دورهٔ زمامداری قاجارهاست‌که هریك ازآنها درخورکتابـی جداگانه است.

دربرخی ازموارد عدهٔ افراد ارتش ایران را معین‌کرده بودند ودولت ایران حق تجاوز ازآن عده را نداشت . دزدان وراهزنان ومردم چادرنشین مسلح را بسرکشی تشویق وتقویت میکردندودربیشترحوادث داخلی وغارتگریهایی‌که روی می‌داد دست بیگانه درکار بود. تقریبا درهرگوشه‌ازایران‌گردن‌کشی بودکه‌ازخارج اورا نیرومی‌دادند.

اسنادی‌که ازپایان دورهٔ حکمرانی قاجارها درایران مانده است نشان می‌دهد که استقلال ایران چگونه سست ولرزان بوده وچگونه مردم‌کشور ازآینده مأیوس‌بودند وتصورنمی‌کردند روزی برسدکه ایران‌کاملا مستقل باشد .

در۱۹۰۷ میلادی عهدنامه‌ای درمیان روسیه وانگلستان بامضا رسید وایران را بسه منطقه تقسیم کردند .

درشمال‌منطقهٔ نفوذ روسیه بود ودرآن منطقه دولت ایران‌حق نداشت‌امتیازی بانگلیسها بدهد .

درجنوب منطقهٔ نفوذ انگلیس بود واتباع روسیه نمی‌توانستند درآنجاامتیازی بدست آورند . درمیان این منطقه یك منطقهٔ بیطرف بودکه درآن اتباع هردودولت حق امتیازداشتند . یك نقشهٔ ایران بخط وزبان فارسی چاپ‌کرده بودند وحدود این سه منطقه را درآن معلوم‌کرده بودند .

درسال دوم جنگ جهانی اول در۱۹۱۵ عهدنامهٔ محرمانه‌ای بسته شد ودرآن عهدنامه منطقهٔ بی‌طرف را ازمیان برده وایران را بدو منطقهٔ نفوذ روسیه وانگلستان تقسیم کرده بودند . این برتریهایی راکه بیگانگان برای خود قایل بودندکاملا حق مشروع خود می‌دانستند زیراکه پس ازشکست ایران در۱۲۴۳ قمری یعنی ۱۴۲ سال‌پیش ازین که درمیان روسیه وایران عهدنامهٔ ترکمان چای بسته شده بود درآن عهدنامه برای دولت غالب حقوق ومزایایی منظورکرده بودند . پس ازآن دولتهای دیگرکه عهدنامه‌ای با ایران امضاکردند همان حقوق وامتیازات را برای خودگرفتند وآنرا حقوق «دول کاملةالوداد » نام‌گذاشته بودند .

یکی از مظاهر حقوق‌کاملةالوداد همان حق کاپیتولاسیون بود . این برتری که بیگانگان نسبت بایرانیان داشتند سبب شده بودکه درحقیقت مردم ایران‌بیگانگان را موجود خارق العاده وبرتر ازخود می‌پنداشتند وچنان دربرابرایشان مرعوب بودند که نه تنها پیروی ازیشان بلکه تشبه‌بآنان‌راوسیلهٔ مباهات و برتری خود می‌دانستند.

یك نکتهٔ جالب اینست‌که درتهران چند مدرسه بودکه بیگانگان اداره می‌کردند وکودکان ایرانی را زبان ورسوم وعادات خود می‌آموختند . پدرانیکه پسران متعدد داشتند هریك رایکی ازین مدرسه‌ها می‌گذاشتندکه‌سیاست‌هرکدام غلبه‌می‌کردازآن بهره‌مندگردند ولی نتیجه معکوس بود زیرا هربرادری بسته باحساساتی‌که دروتولید کرده بودند با برادران دیگرخود اختلاف عقیده داشت‌که ناشی ازاختلاف سیاست مدیران مدرسه‌ای بودکه درآنجا تربیت شده بود . بدین‌گونه ایرانیان دربرابراستیلای بیگانگان چنان مرعوب شده بودند وخودرا نسبت ببیگانه خفیف وسرشکسته می‌دیدند که هراتفاقی درزندگی داخلی خانواده‌ای روی می‌داد آنرا نتیجهٔ تحریك بیگانگان

می‌دانستند . درهرجای ایران‌کسانی بودندکه‌آشکارا ازانتساب ببیگانه فخرمی‌کردند و آنرا باعث رونق وپیشرفت‌کارخود می‌دانستند .

یکی ازمظاهراین سرشکستگی این بودکه هروقت می‌خواستند قدمی دراصلاح بردارند ازیکی ازکشورهای بیگانه مستشار می‌آوردند . اما حق نداشتند. ازهرکشوری که می‌خواهند مستشاربگیرند وازکشوری می‌آوردندکه همسایگان با موافقت یك‌دیگر معین می‌کردند .

این اصول باعث شده بودکه همهٔ مظاهراستقلال‌کشورازارتش‌گرفته تااقتصاد ودادگستری وامنیت داخلی وشهربانی وپست وتلگراف وگمرك دردست بیگانگـان‌بود که‌گاهی هم عنوان وزیربایشان می‌دادند . پیداست‌که این مستشاران مصلحت ایران‌را رعایت نمی‌کردند زیرا درکار خود اندك آزادی نداشتند واگر درکاری پیشاپیش اجازه نگرفته بودند بهرگونه مانع برمی‌خوردند . چنانکه مرگان شوسترمستشارمعروف مالیهٔ ایران‌که‌گستاخی‌کرده وخواسته بود مالیات پس افتادهٔ یکی ازتحت‌الحمایگان بیگانه را وصول‌کند ناچارشد دربرابرتهدیدکارگزاران روس ورسیدن سپاهیان روسیه بینگی امام بیرون دروازهٔ تهران ازایران برود .

ناگوارترین مرحلهٔ این مداخلات اینست‌که مدتهای مدید ببهانـهٔ امنیت و پاسبانی ازاتباع خود وحفظ منافع ایشان لشکریان بیگانه درولایات وشهرهای ایران بوده‌اند وچنانکه پیش ازین اشاره رفت درشهرهای مختلف حـوادث ناگواری پیش آورده‌اند وکسانی‌راکه معلوم نیست چه‌گناهی داشته‌اند بی آنکه محاکمه بکنند تنها بفرمان وفتوای افسری یاکنسولی ویا ماموردیگری روز روشن بدار زده‌اند واین‌گونه کارها راحتی درمستعمرات خود نمی‌کردند ودرآنجا اگرمی‌خواستندکسی را نابودکنند برای حفظ ظاهرمحاکمه‌گونه‌ای می‌کرده‌اند .

یکی ازمظاهر مداخلات بیگانگان درجزییات اموراقتصادی این‌بودکه دربرخی ازمراکز اقتصادکشورمردی راکه هیچ برتری نژادی وموروثی واکتسابی وعملی نداشت عنوان تاجرباشی می‌دادند تا واسطهٔ داد وستدهای ایشان باشد ووی بمنتهی درجه مغرور بود چنانکه درخیابانهاکه درشکه می‌تاخت درشکه‌چی او خودرا بالاتر ازآن می‌دانست‌که رعایت مردم رهگذررابکند و خبردار بگوید زیرا اگرکسی آسیبی می‌دید بازخواستی درمیان نبود .

یکی ازمظاهربسیارزنندهٔ این مداخلات وناتوانی دولتهای ایران‌دربرابربیگانگان اینست‌که درجنگ جهانی اول‌که متفقین یعنی روسیه وانگلستان وفرانسه با متحدین یعنی آلمان واتریش وعثمانی درزد وخورد بودند وهردو ایران را نیزمیدان جنگ‌کرده بودند با آنکه ایران اعلان بی‌طرفی‌کرده بود افسران سوئدی‌که برای تعلیم ژاندارمری آمده بودند هواخواه آلمانها ومتحدین بودند وبا افراد ایرانی واسلحهٔ ایرانی وبودجه‌ای که ازخزانهٔ ایران می‌گرفتند حتی درنزدیکی تهران با سپاهیان متفقین جنگ‌کردند و عده‌ای ازسیاست‌مداران برای پیوستن بکارگزاران آلمان ازتهران رفتـند وبایشان «مهاجرین» گفتند . درجنوب ایران نیزکارگزاران مستعمرات انگلستان عده‌ای‌ازایرانیان را بنام «پلیس جنوب» مسلح ومزدورکردند .

نکته‌ای‌که هیچ مورخ منصفی ردنخواهدکرد اینست‌که ایران درسراسرتاریخ خود زیانی راکه ازدورهٔ قاجارها برده ازدورهٔ دیگر نبرده است زیرا که حتی مدت استیلای بیگانگان باندازهٔ صد وسی‌وچهارسالهٔ فرمانروایی قاجارها نبوده است. درین دوره بزرگترین زیانی‌که ایران درتاریخ خود برد این بودکه پیش ازآن همیشه ازهیچ کشوری درتمدن وعلم ومعرفت عقب نبود ودرردیف متمدن‌ترین ملل جهان بشمار می‌رفت وبسیاری ازملل دیگرازتمدن ایران برخوردار می‌شدند. اگربتاریخ تمدن‌جدید بنگرید می‌بینیدکه همهٔ این بساط عظیم واین دستگاه مهم تمدن جدید درصدسال از آغازقرن نوزدهم تا آغاز قرن بیستم میلادی فراهم شده است واین درست همان موقعیست‌که ایران درنتیجهٔ حکمرانی قاجارها درمنتهای ناتوانی وپریشانی بوده‌است ونه تنها نتوانسته است درتمدن جدید انبازباشد بلکه ازقافلهٔ تمدن یکسره عقب‌افتاد وهنگامی‌که ازین خواب صدساله برخاست فرصت ازدست رفته بود ومی‌بایست برای پذیرفتن تمدن جدید دوبرابردیگران رنج ببرد.

شکی نیست‌که جهان امروزجهان دانش وهنر وتمدنست وهرکسی ازکاروان ارتش وهنر وتمدن بازبماند زندگی او همیشه قرین دریغ وحسرت خواهد بود والبته روزی راکه پایان این درماندگی باشد روزجشن‌وشادی‌خواهدگرفت ومردبزرگی که‌آن روزگار را سپری‌کرده است همیشه در تاریخ احترامی خاصی خواهد داشت.

مردان بزرگ درتاریخ فراوانند ودرهردوره‌ای‌کسانی بوده‌اندکه دررشته‌های مختلف‌کارهای مهمی‌کرده‌اندکه درتمدن اساسی‌بشماررفته‌وآدمی زادگان ازآن‌بهره‌مند شده‌اند. درمیان این مردان بزرگ کسانیکه پایه‌گذارتمدنی بوده‌اند وروزگار نابهرگی‌را بپایان رسانیده‌اند وبنیادی‌گذاشته‌اندکه پس ازایشان نیز مانده است وبنام ایشان درتاریخ خوانده شده است چندان فراوان نیستند. رضاشاه‌پهلوی ازکسانی بوده‌است که سرنوشت ایران رادگرگون‌کرده ومسیرتاریخ را تغییرداده است. دوره‌ای‌که وی شهریار ایران بود همیشه درتاریخ عنوان خاصی خواهد داشت. درمباحث آیندهٔ این کتاب خوانندگان درخواهند یافت‌که پس ازتامین استقلال ایران چه‌کارهای بزرگی درامنیت‌کشور وتشکیل ارتش نوین واصلاحات اداری وقضایی واجتماعی واقتصادی وپیشرفت‌کشاورزی وهنر ودانش وفرهنگ ووسایل ارتباط وبهداری‌عمومی یعنی در نهادن پایه‌های اساس تمدن جدید دردورهٔ شهریاری این شاهنشاه بپایان رسیده‌است.

گامهای بلندکه درین دوره درراه تامین استقلال ایران برداشته شده شامل‌این نکات بسیارمهمست:

نخست اخراج عناصربیگانه ازارتش ایران، یکی ازیادگارهای شوم دوران ناتوانی آن بودکه دولت ایران خود ازعهدهٔ اداره‌کردن وامنیت‌کشوربرنمی‌آمد وچنانکه پس‌ازین نیزبحث خواهم‌کرد همهٔ نیروی دولت برای امنیت واداره‌کردن‌کشور باین بزرگی‌که ۱٦٤٤۰۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد منحصر بیك دیویزیون‌قزاق‌باافسران روسی ویك عده ژاندارم با افسران سوئدی ویك بریگاد مرکزی بودکه آنرا هم بافسران سوئدی سپرده بودند. پیداست‌که فرماندهی بیگانگان درارتش‌کشوری چگونه بنیاد ملیت واستقلال آن‌کشوررا سست می‌کند. بهمین جهت تشکیل یك ارتش ملی ورهایی

نیروی نظامی ایران ازعناصری‌که هریك تابع یك سیاست دیگربودند چگونه درتامین استقلال ایران موثربوده است . درضمن این اقدام مهم دراوضاع داخلی‌کشور ازجهت دیگرمؤثربوده‌است وروح دوگانگی واختلافی‌که درمیان افراد قزاق وافراد ژاندارم بواسطهٔ احساسات فرماندهشان بوده است بدین وسیله ازمیان رفته ومتحدالشکل شدن ارتش قهرا اتحاد فراهم‌کرده است .

۲ـ نکتهٔ دوم اینست‌که درنواحی مختلف ایران مخصوصا درمجاورت مرزهـا عناصری بودندکه فرمان بردار حکومت مرکزی نبودند وپیروی ازنیات دولت‌نمی‌کردند وسرانشان دست نشاندهٔ بیگانگان بودند . ناچار برای‌تامین استقلال‌کشور می‌بایست دستشان ازکارکوتاه شود. درین زمینه شاهنشاه ایران‌کارهای بسیارمهمی برای دفع سرکشی‌ها وفتنه‌ها درخراسان وآذربایجان وخوزستان وگیلان وفارس ولرستان و کردستان و استرآباد و مازندران وسیستان وبلوچستان کرد .

می‌توان‌گفت درمدت سه‌سالی‌که پس ازتشکیل ارتش متحدالشکل باین‌کارمهم مشغول بودند درحقیقت برخی ازنواحی ایران راکه ازحکومت مرکزی جدا شده ودم ازنافرمانی می‌زدند دوباره بایران پیوستند ومانند آن بودکه آنها را فتح‌کرده باشند. دربرخی‌ازین نواحی بنیادی‌گذاشته شده‌بودکه ممکن‌بود نتایج وخیم داشته‌باشد.ازآن جمله رابطهٔ خراسان مدتی بودکه با حکومت مرکزی‌گسسته شده بود . درآذربایجان نیز سرکشی‌قیام‌کرده ورابطه‌ای با پایتخت نداشت . خوزستان نیزسالیان دراز بودکه مستقل وازایران جدا شده بود وشیخ‌خزعل پیشوای اعراب محمره (خرم‌شهر) خودرا پادشاه مستقلی می‌دانست ومالیات را بنام خود می‌گرفت وبا بیگانگان قرارهایی بمیل خود می‌گذاشت . درنواحی دیگرچادرنشینان مسلح وراهزنان هریك استقلالی داشتند وپیوسته همسایگان خود ومسافران را غارت می‌کردند . بهمین جهت برای تامین‌امنیت واستقلال لازم بودکه بتاخت وتازهای جنگلیان درگیلان وسرکشان ماکو وساوجبلاغ (مهاباد) وبجنورد وقوچان وچادرنشینان قشقایی وبختیاری وشاهسون ومریوان و اورامان وسنجابی وکلهر وایلات خمسهٔ فارس واعراب بنی‌طرف درخوزستان ودشتی ودشتستان وممسنی‌وبلوچ وطوایف مختلف لرستان خاتمه بدهند وهریك ازین وقایع ازمباحث مهم تاریخ این دوره است .

۳ـ قدم مهم دیگری‌که درراه استقلال ایران برداشته شد لغوقراردادسال ۱۹۱۹ میلادی با انگلستان بود وتفصیل آن باختصاراینست‌که پس ازجنگ جهانی اول وازپا درآمدن متحدین ونیروگرفتن موتلفین درسیاست جهان وپیش‌آمدن انقلاب روسیه و استقرار رژیم‌کمونیست درآن‌کشوروبرخی پیشامدها درمرزهای شمالی ایران دولت انگلستان‌که منافع خودرا درایران درخطرمی‌دید وازآن جنگ بسیاربهره‌مند شده ودر نتیجهٔ تجزیهٔ دولت عثمانی سرزمین عراق را نیزتحت‌الحمایهٔ خودکرده بود ومنتهای ناتوانی مادی ومعنوی ایران را می‌دید قراردادی با دولت ایران امضاکردکه بموجب آن دولت ایران اینك‌که تعادل درمیان سیاست روس وانگلیس بهم خورده ودیگرمانعی دربرابرانگلستان نبود امورمالی‌ونظامی خودرا بمستشاران وفرماندهان انگلیسی‌بسپارد. پیداست‌که این قرارداد درحقیقت استقلال ایران را ازمیان می‌برد وایران را دست

نشاندهٔ انگلستان می‌کرد تاجایی‌که قرارگذاشته بودند ایرانیان ازدرجهٔ سرهنگی بالاتر نروند . برای این‌کار نیروی نظامی‌راکه در جنگ‌ببهانهٔامنیت‌فارس وکرمان‌وخوزستان ازافراد ایرانی وافسران بیگانه تشکیل داده بودند ظاهرا منحل‌کردندودرصدد برآمدند مالیه‌واقتصادایران‌رانیزبکارگزاران‌انگلیسی بسپارند و چند تن ازیشان مدتی در ایران ماندند .

این‌کارهای اساسی‌که پی درپی ویکی پس ازدیگری بپایان‌می‌رسیدسبب شدکه مردم ایران اندك اندك ازخواب صد ساله برخاستند واین‌کارهای مهم را یك‌یك‌می‌دیدند واوضاع را باگذشته می‌سنجیدند.

بهمین جهت درمهرماه ۱۳۰۳ جنب‌وجوش درگرفت وازگوشه وکنارمردم نفرت دیرین خودرا نسبت بزمامداران قاجارآشکارکرد ودیگرکسانی راکه نتوانسته بودند ایران را ازآن حال سستی بیرون بیاورند شایستهٔ فرمانروایی ندانستند .

سرانجام در۹ آبانماه ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی ایران بخلع خاندان قاجار از سلطنت ایران رای داد ومجلس مؤسسان برای تعیین سرنوشت ایران تشکیل شد ودر ۲۱آذرماه نمایندگان ملت ایران تاج وتخت‌سه هزارسالهٔ خودرا بشاهنشاه رضا شاه پهلوی سپرد وبدین‌گونه حق خدمات چندساله را شناخت وسپس درروز یکشنبهٔ ٤ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۵ شاهنشاه تاج برسرنهاد .

پیش از این اشاره رفت که چگونه عهدنامهای سابق سدی در برابر استقلال ایران بود . پس از الغای حق کاپیتولاسیون قهرا می‌بایست عهدنامهای تازه‌ای در میان ایران و کشور های دیگر بسته شود و عهدنامهای سابق را لغو کنند . دولت شوروی در آغاز تشکیل خود عهدنامهایی‌را که ایران باروسیهٔ تساری امضا کرده بود لغو کرد و ناچار عهدنامهٔ ترکمان چای که اساس و بنای عهدنامه‌های ایران با کشور های دیگر بود از میان رفت و اینك موقع آن رسیده بود با دولتهایی که سابقا عهدنامهایی با ایران داشته‌اند عهدنامه‌یی منعقد شود که در آنها هیچ برتری دربارهٔ اتباع‌بیگانه‌نسبت باتباع ایران قایل نشوند .

بدین‌گونه پس‌از الغای حق کاپیتولاسیون عهدنامهای جدیدی بادولتهای‌شوروی و ترکیه وافغانستان وعراق و آلمان واتریش وبلژیك و چین‌ودانمارك و مصر واستونی ودول متحدهٔ آمریکای شمالی و فنلاند و فرانسه وانگلستان و یونان و حجاز ونجد و مجارستان وایتالیا وژاپون ولتونی و لیتوانی ونروژ و هلاند ولهستان و سوئد وسویس و چکوسلاواکی پی‌درپی بامضا رسید و در همهٔ این عهدنامها شئون و حیثیات دولت ایران کاملا رعایت شده و برابری کامل برقرار گشته‌است . چنانکه پس از این دربارهٔ اصلاحات قضایی بحث خواهم کرد اندیشهٔ الغای حق کاپیتولاسیون درآغازسال ۱۳۰٦ پیش آمد و در یك سال این نتایج بسیار مهم فراهم شد .

درضمن الغای عهدنامهای سابق دولت ایران امتیازهای زیان‌بخش را که‌سابقاً ببیگانگان داده بودند ویادگار دوره‌ای بود که مردم ایران بحقوق مشروع خود پی‌برده بودند وزیانهای اقتصادی واجتماعی‌وسیاسی فراوان دربرداشت لغوکرد ازآن‌جمله

امتیاز های راهداری و کشتی‌رانی و تلگراف وامتیاز حفریات علمی بدولت فرانسه بود که لغو شد و شیلات دریای خزر که امتیاز آن با بیگانگان بود بصورت شرکت ایرانی درآمد وامتیاز انتشار اسکناس بتوسط بانك شاهنشاهی ایران نیزدرین دوره لغو شد.

یکی از مظاهر آشکار استحکام استقلال ایران توجهی بود که درخارج ازکشور ما در محافل مختلف نسبت بایران پیدا شد وایران در سیاست بین‌الملل اعتباری یافت که پیش‌از آن مطلقا نداشت وبهمین جهت رؤسای دولتها و مردان سیاست‌جهان که درزمانهای گذشته بایران نیامده بودند نسبت بایران متوجه شدند وسفرهایی‌بایران کردند که مهم‌ترین آنها بدین قرارست: امیر امان‌الله خان پادشاه سابق افغانستان در ۱۳۰۷. جعفر پاشا عسکری وزیر جنگ‌عراق در ۱۳۰۹. رشدی‌آراس وزیر امورخارجهٔ ترکیه در ۱۳۱۰. ملك فیصل پادشاه عراق و نوری سعید رئیس‌الوزرای آن کشور در ۱۳۱۱. امیر فیصل ولیعهد حجاز ونجد در ۱۳۱۱. کاراخان قایم مقام کمیسر امور خارجهٔ شوروی در ۱۳۱۲. گوستاو آدلف ولیعهد سوئد در ۱۳۱۳. نوری سعید وزیر امور خارجهٔ عراق باردوم در ۱۳۱٤. شاه محمودخان وزیر جنگ افغانستان در ۱۳۱٥. دکتر شاخت وزیر اقتصاد آلمان در ۱۳۱٥. دکتر رشدی‌آراس وزیر امور خارجهٔ ترکیه و فیض محمدخان وزیر امور خارجهٔ افغانستان و ناجی الاصیل وزیر امور خارجهٔ عراق در ۱۳۱٦.

در جامعهٔ ملل و در مجامع بین‌المللی که درین دوره تشکیل یافت همه جا نمایندگان ایران با نمایندگان کشور های مستقل جهان همدوش بوده‌اند چنانکه در کنفرانس خلع‌سلاح ودیوان‌داوری‌بین‌الملل مقام خاصی داشته‌اند ودرشورای جامعهٔ ملل انتخاب شده‌اند و یك‌بار نمایندهٔ ایران بریاست شورای جامعهٔ ملل انتخاب شد و اینها همه مظاهر استقلال تام ایران وبدست آوردن اعتبار واهمیت خاصی در سیاست جهانست.

آخرین قدمی که درین‌دوره پیش از جنگ جهانی دوم برداشته شده امضای پاکت سعدآباد درمیان‌ایران‌وعراق وترکیه‌وافغانستانست‌که وزرای امورخارجهٔ چهار کشور در ۱۳۱٦ در کاخ سعدآباد آنرا امضا کردند واتحادی برای حفظ منافع یك دیگر فراهم ساختند. انعقاد این پاکت‌بهترین دلیل رشدسیاسی ایران شدزیراکه ابتکارآن بادولت ایران‌بود ونخستین باربود که‌در آسیاعهدنامه‌ای‌درمیان چند دولت‌بسته‌میشد.

دیگر از مظاهر استقلال سیاسی ایران در جهان آن روز اینست که در هر کشوری رعایت حقوق ایران را نکرده‌اند ایران نیروی آنرا داشته است اعتراض کند چنانکه یك بار بواسطهٔ بی‌احترامی که بایران کرده بودند روابط سیاسی خود را بادولت فرانسه و باردیگر با دول متحدهٔ آمریکای شمالی قطع کرد و آن دولتها در رفع کدورت ایران برخاستند.



شاهنشاه ایران در ایستگاه فوزیه

امنیت کشور

در سراسر دورهٔ قاجارها ناامنی همهٔ ایران را فرا گرفته بود. پادشاهان صفوی پس از جان فشانی های بسیار ایران راکه در نتیجهٔ ضعف تیموریان از هم گسیخته بود دوباره استقلال بخشیدند و باهم تألیف و ترکیب کردند و ناچار دست عناصر فتنه جوی و ماجری‌جوی کوتاه شده‌بود. مخصوصاً در سلطنت‌شاه عباس اول امنیت کامل در ایران فراهم شده و تجارت و صنعت رونق کامل داشت. پس‌از وی اندك اندك صفویان ناتوان شدند واز گوشه وکنار سرکشان برخاستند و منتهی بفتنهٔ افغان شد و یکی از سیاه ترین روزهای تاریخ در ایران پیش آمد. نادر شاه دوباره امنیتی فراهم ساخت و سرکشان را بجای خود نشاند اما دورهٔ فرمانروایی وی چندان نکشید و پس ازو دورهٔ پریشانی روی داد و کریم‌خان زند نتوانست همهٔ ایران را فرمان بردار خود کند. افغانستان از ایران جدا شد و بازماندگان نادرشاه خراسان را از دست ندادند و در نواحی دیگر گاه گاه سرکشانی برمی‌خاستند از آن جمله قاجارها بودند. روی هم رفته دورهٔ کریم خان هم دورهٔ آسایش و امنیت کامل نبود. پس از کریم‌خان اوضاع وخیم‌تر شد ودر دورهٔ صدو سی‌وچهار سالهٔ استیلای قاجارها هرگز ایران از امنیت برخوردار نشد.

درین دوره گذشته از چادرنشینان مسلح و راهزنانی که جان و مال مردم راهگذر از تاخت وتازهای ایشان در امان نبوده‌است چند بار که پادشاهی ازمیان رفته مدعیانی برمی‌خاسته‌اند و جنگهای داخلی درمی‌گرفته‌است. چنانکه پس از مرگ فتحعلی شاه و محمد شاه مدتی در میان مدعیان کشمکشی برپا بوده‌است.

ذکر ناامنیها و جنگهای داخلی که سراسر تاریخ قاجار ها را فرا گرفته است درخورکتاب بزرگیست ومن تنها بحوادث پایان این دوره تا ۱۲۹۹ قناعت می‌کنم.

درین دوره قوهٔ حاکمه ودولت مرکزی تنهابرقلمرو محدودی در اطراف‌تهران فرمانروایی داشت ودرهر ناحیه‌ای‌سرکشانی بودندکه‌ذکر ایشان پس ازین خواهدآمد.

چنانکه سابقا باختصار اشاره کردم خوزستان که در زمانهای قدیم یکی از آبادترین نواحی ایران و سرزمین زرخیزی‌بود در نتیجهٔ ناتوانی‌دولت یکی‌ازویران‌ترین ولایات ایران شده بود و منابع ثروت و کشاورزی آن از کار افتاده بود. چادرنشینان عرب مانند بنی‌طرف وبنی‌کعب ازسالیان دراز درآنجا رخنه‌کرده بودند وتقریبا درمدت سی سال این سرزمین تاریخی ازایران جدا بود واز حکومت مرکزی پیروی نمی‌کرد و حتی شیخ‌خزعل که دم از استقلال می‌زد مالیات را بنفع خود می‌گرفت وبا بیگانگان روابط شخصی داشت.

لرستان نیز همواره میدان تاخت و تاز چادرنشینان غارتگر لر بود واز زمان کریم خان زند ببعد رابطهٔ لرستان با حکومت مرکزی گسسته شده بود واز یك سوی تا خوزستان واز سوی دیگر تاسرزمین اراك وسلطان‌آباد هرمسافر و کاروان بازرگانی که ازآنجا می‌گذشت دوچار کشتار و تاراج می‌شد .

ناحیهٔ کرمانشاهان نیزازقدیم میدان سرکشی چادر نشینان کلهر و سنجابی و گوران و جزآن بود که حوادثی پیش می‌آوردند که تا مدتی دولت مرکزی را گرفتار می‌کرد .

کردستان هم پس‌از کریم‌خان زند یکسره از حکومت مرکزی جدا شده بود و طوایف کرد مانند اورامانی و مریوانی و گلباغی و مکری و کلیایی نه تنها پیوسته با یك دیگر در زدوخورد بودند واز حکومت مرکزی پیروی نمی‌کردند و کارگزاران آنرا بخود راه نمی‌دادند بلکه برهمسایگان خود نیز می‌تاختند ودولت ایران ناگزیر بود هر چندیك بار نیرویی بـرای دفع آنها بفرستد ولی بااین هـمه کـوششها نمی‌توانست ایشان را فرمان‌بردار خود کند .

آذربایجان نیز که درسیاست واقتصاد مهم‌ترین ایالت ایران‌بود همواره‌میدان تاخت وتازه چادر نشینان دیگر بشمار میرفت و کم می‌شد امنیت کامل در آن ایالـت بزرگ برقرار باشد . در جنوب ومغرب آن‌سرزمین کردها و طوایف چادرنشین‌آسوری یا کلدانی نصرانی کـه بایشان «جلو» می‌گفتـند و در شمال چـادرنشینان شاهسون بایك دیگر در زدوخورد بودند و گاهی مردم شهرها گرفتار کشتار و تاراج این دستـه یا آن دسته می‌شدند و گاهی هم زدوخورد در شهرها در می‌گرفت .

در گیلان‌هم طوایف مختلف دربرخی ازنواحی سرکشی می‌کردند و مخصوصاً طالشی‌ها دعوی خودسری داشتند واتباع و پیروان میرزا کوچك‌خان که بنام جنگـلی معروف شده بودند چند سال رابطهٔ آن سرزمین را با حکومت مرکزی گسسته بودند و سفرایی از مرکز بآنجا واز آنجا بمرکز می‌آمدند .

در مازندران نیز برخی از نواحی بود که کمتر روی آسایش وامنیت بخـود می‌دید ومخصوصاً ناحیهٔ سوادکوه مسکن‌طوایفی بود کـه چندین بـار سرکشی و فتنه‌جویی کرده بودند .

استرآباد یکی از ناامن ترین نواحی ایران بود زیرا که ترکمانان مخصوصـاً طوایف یموت و کوکلان وتکه مـدتهای مدید بهیچ وجه فرمان بردار حکومت مـرکزی نبودند و پیوسته‌در حال طغیان ودزدی وراهزنی بسر مبردند و همیشه‌در راه خراسان در کمین کالا وراهگذربودند ونه‌تنهاازکشتار وتاراج باك‌نداشتند بلکه‌زن وکودك‌را اسیر می‌کردند وبا خود می‌بردند واز ایشان بهره‌مند می‌شدند .

درخراسان نیز که ظاهرا امن‌ترین وآرام‌ترین ناحیهٔ ایران بود همواره چادرـ نشینان سرکش غارتگر در نواحی مختلف در تاخت و تاز بودند ودر برخی از نواحـی مخصوصاً کردان بجنورد و قوچان فرمان‌بردار حکومت مرکزی نبودند و چادرنشینان دیگر از نژاد هزاره وکلالی ودیگران نیز سرکشی می‌کردند .

بلوچستان ظاهرا از نواحی ایران بود اما در سراسر دورهٔ قاجار ها ناحیهٔ مستقلی بشمار می‌رفت و هیچ ماموری از مرکز بآنجا راه نیافته بود و چادر نشینان بلوچ نیز خودسر و مستقل بودند واز تاخت وتاز وراهزنی باك نداشتند .

سرزمین فارس هم که مرکز تمدن قدیم ایران و زادگاه هخامنشیان وساسانیان بود نیز بیشتر گرفتار پریشانی و ناامنی بود زیرا که طوایف مختلف از چند نژادپیوسته در آنجا بایك‌دیگر در زدوخورد بودند واز کشتار وتاراج مردم فارس خودداری نمی‌کردند چنانکه طوایف قشقایی از یك سو و قبایل ممسنی و کوه‌گیلویه و دشتی و دشتستان و تنگستان وایلات خمسه از سوی دیگر نه تنها با یك دیگر زدوخورد می‌کردند بلکه مزاحم زندگی مردم آبادیها نیز می‌شدند .

کرمان هم هرچند ظاهرا یکی از آرام‌ترین نواحی ایران بشمار می‌رفت طوایف مختلف بلوچ وترك نیز در آنجا چادر نشین بودند و بیشتر وسایل ناامنی را فراهم می‌ساختند و بکشاورزان و پیشه‌وران زیانهای بسیار می‌رساندند .

حتی در نواحی مرکزی ایران در گوشه و کنار چادر نشینان مسلح دیگر بودند که آسایش وامنیت را ازمیان می‌بردند وایشان‌نیز براهزنی روزگار می‌گذراندند چنانکه طوایف بختیاری از اطراف اصفهان گرفته تا خوزستان و لرستان همه جا راهزنی و غارتگری می‌کردند . از طرف دیگر طوایف خلج در ناحیهٔ ساوه وزرند و قم نیز تاخت و تاز می‌کردند و گروه هایی از طوایف عرب و شاهسون و کرد و غیره تا اطراف تهران و نواحی شهریار و ورامین وخوار و ساوجبلاغ می‌آمدند ودر ضمن آنکه بسردسیر و گرمسیر می‌رفتند در سر راه از راهزنی خودداری نداشتند .

بدین گونه می‌توان گفت در آن روزگار ایران کشوری بود که در هر گوشهٔ آن چادر نشینان مسلح وراهزن امنیت و آسایش را دستخوش تاخت وتازهای خود می‌کردند و پیوسته ازین سو بآن‌سو می‌رفتند چنانکه مردم آبادیها و کشاورزان هرگز از دستبرد های ایشان در امان نبودند و بسیاری از روستاهای کشور دوچار این غارتگریها می‌شدند بطوری که بیشتر از آنها قلعه و حصار داشتند تا از دستبرد راهزنان در امان بمانند . در هر راهی که مردم آمدورفت داشتند در سرگردنه‌ها وپیچ وخمها در تاریکی شب راهزنان در کمین بودند و نه تنها تاراج و کشتار می‌کردند بلکه زن وبچه را باسیری می‌بردند و تامدتی بساط برده فروشی در نواحی مختلف گسترده بود . بیشتر ماموران و کارگزاران دولت و ادارات و بنگاههای بازرگانی و صنعتی و اقتصادی داخلی و حتی خارجی چاره جز آن نداشتند که بایشان باج بدهند تا بهمان قناعت کنند ودست از تاراج بکشند . اگر آماری از کسانی که بدست این راهزنان کشته شده‌اند برداشته بودند معلوم می‌شد که کشتار ایشان کم‌تر از کشتار بیماریهای واگیر نبوده و چنان می‌نماید که درین مدت سراسر کشور گرفتار این بلای جانکاه بوده که کمتر از وبا وطاعون وهربیماری دیگر نبوده است .

چنانکه سابقاهم اشاره کردم بیشتر ازاین چادر نشینان راهزن و تاراجگر را عناصر بیگانه نیرو می‌دادند و حتی آشکار اسلحه ومهمات بایشان می‌دادند و گاهی

ماموران رسمی خود را بمیان ایشان می‌فرستادند و سران آنها را رسما تحت‌الحمایهٔ خود قرار می‌دادند و گاهی نیز قراردادهایی با ایشان امضا می‌کردند مانند قراردادی که بادولتی مستقل امضا کرده باشند واین بستگی‌ها را از مفاخر خود می‌دانستند .

پس‌ازین خوانندگان خواهنددیدکه گذشته ازین‌شرارتهای چادرنشینان مسلح کسان دیگر درین دوره ازراههای‌دیگر دعوی خودسری داشته ومدتهای مدید ناحیه‌ای را میدان تاخت و تاز خودقرار داده‌اند .

این‌جا قهرا اندیشه‌ای پیش می‌آید وآن اینست که ایران یکی از قدیم ترین کشور های متمدن جهانست ودر سه‌هزار سال پیش در زمانی که همهٔ ملتهای متمدن امروز پا بدایرهٔ تمدن نگذاشته بودند اساس تمدن استوار خودراگذاشته و در بسیاری از ادوار تاریخ جهان در تمدن مادی و معنوی برکشور های دیگر برتری داشته است . دریغاکه این کشور درین دورهٔ صدوسی‌وچهار ساله بدین‌گونه سیر قهقرایی کرده‌است. زیرا تردیدی نیست هر کشوری که افراد آن با یك دیگر سازگار نباشند و یك‌دیگر را بکشند واموال یك‌دیگر را بیغما ببرند وزنان و فرزندان یك‌دیگررا برده‌کنند و بفروشند و هیچ وسیله‌ای برای منع این نابکاریها وایجاد آسایش وامنیت وجود نداشته باشد نمی‌توان آن کشوررا متمدن دانست واگر پیش‌از آن چنین اوضاعی برقرار نبوده‌است باید گفت در تمدن سیر قهقرایی کرده است .

بدین نکته نیز باید توجه کرد که در آن زمان هرکس درایران سفر کرده متوجه شده‌است که در هرگوشهٔ این کشور بزرگ که زمانی در نتیجهٔ پیوستگی و یگانگی‌افراد خود جهانیان را خیره کرده بود زبانی و عادات واخلاقی وآداب ورسوم‌خاصی بوده که درآن‌گوشهٔ دیگر تغییر می‌کرده ودر حقیقت در هرقدم از قلمرو ایلی بقلمرو ایل دیگر می‌رفتند و در میان این دوایل سرحدی بود که برای عبور از آن گذرنامه لازم بود زیرا که اگر رئیس وسرکردهٔ ایل اجازه نمی‌داد وایل بیکی وایل خانی دستور نداده بود نمی‌توانستند وارد آن ناحیه بشوند وبسا می‌شدکه‌تاکسی‌باج نمی‌داد باوراه نمی‌دادند. هنگامی که جنگلیان برگیلان استیلا یافته بودند مردی بنام نمایندهٔ جنگل در تهران بود وکسی که می‌خواست از تهران بگیلان برودمی‌بایست ازوجواز ودر حقیقت‌گذرنامه بگیرد و در منجیل که حکم سرحد در میان گیلان و تهران را داشت بگماشتگان میرزا کوچك‌خان و جنگلیان نشان بدهد تا بتواند از آنجا بگذرد و وارد گیلان بشود .

شاید خوانندگان گمان کنند که لااقل در اندرون شهرها امنیت بوده و مردم درامان می‌زیسته‌اند ومثلا مردم تهران در شهر گرفتاری نداشته‌اند . گذشته از آنکه در هر شهری یك عده مردم نابکار بنام «الواط» و «لوطی» بودند که بهوی و هوس در مستی و عربده جویی ممکن بود راهگذری رابکشند عوامل دیگر برای ناامنی در شهر واطراف آن بود و بهمین جهت بسیاری از شهرهای ایران خندق وبرج وباروحصار داشت و دروازه هایی بود که هرشب می‌بستند و حتی در میان محلات مختلف‌یك شهر مثلا در شهر تبریز دروازه بود ودر تهران نیز محلهٔ ارگ که مرکز سلطنت و دستگاه دولت بود از چهار طرف دروازه داشت و میدان سپه نیز دروازه داشت تا مردم این

محله مزاحم محلهٔ دیگر نشوند و همین که پاسی از شب می‌گذشت رفت و آمد درکوی وبرزن شهررا مانع می‌شدند و معمول بود بپاسبانان «اسم شب» می‌دادند یعنی کلمه‌ای محرمانه را بکسانی که می‌توانستند رفت و آمد کنند می‌گفتند و وی آنرا در گوش پاسبانان می‌گفت تا اجازهٔ رفتن باو بدهند . سپس که افسران سوئدی برای شهربانی تهران استخدام کردند ایشان ورقه‌ای چاپی با مهر وامضا و عکس صاحب ورقه‌بکسانی که طرف اعتماد بودند می‌دادند تاهنگام ضرورت شب‌بتوانندازخانهٔ خود بیرون بروند.

درین زمینه نکتهٔ بسیار مهم اینست که این کار های مهم که برای استقرار امنیت در ایران شده است و قدمهای بلندی که رضاشاه پهلوی درین راه برداشت در مدت بسیار کوتاهی با سرعتی بی‌نظیر که در هیچ یك از ادوار تاریخ ایران نظیر نداشته است صورت گرفت زیرا از آغاز سال ۱۳۰۰ تا تیرماه ۱۳۰۹ که اسمعیل سمیتقورئیس ایل شکاك در آذربایجان گرفتار ارتش ایران شد واین آخرین واقعه ناامنی وبی‌نظمی بود تنها هشت سال وچهار ماه کشید یعنی ناامنی و بی‌نظمی را که بیش از صدو سی سال وسایل آن در ایران فراهم شده بود درین اندك مدت از میان بردند اما در سراسر این مدت ارتش ایران مشغول زدوخورد نبوده و در هرسالی بیش از چند ماه گرفتاری نداشته است وناچار ناامنی وبی‌نظمی صدوچند ساله درمدتی کمتر از آن‌پایان رسیده است .

پیداست که برای رسیدن باین نتیجه نخست می‌بایست سپاه نیرومندی در ایران فراهم شود ودست بیگانگان را از آن کوتاه کنند وافسران بیگانه را از نظام ایران برانند ودسته های مختلف را متحدالشکل کنند تا بتوانند بدان وسیله دست راهزنان و سرکشان را کوتاه کنند بهمین جهت بمحض اینکه‌این نیروی تازه‌فراهم شد و وسایل کار آماده گشت بی‌درنگ بکار آغاز کردند و یك یك نواحی مختلف ایران که از حکومت مرکزی جدا شده بودند و هریك دم از استقلال می‌زدند فرمان‌بردار شدند . مراحل مختلف این کار بسیار مهم بدین‌گونه است :

نخستین ناحیه خراسان بود که پس‌از سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ محمدتقی خان پسیان فرمانده لشکریان آن سرزمین دربرابر حکومت مرکزی‌ایستادگی می‌کرد ورابطهٔ خود را با تهران قطع کرده بود ودر سال ۱۳۰۰ پس از چند ماه کوشش این غائله رفع شد .

پس ازآن می‌بایست همت بامنیت آذربایجان بگمارند زیراکه درآنجا هم ابوالقاسم‌خان لاهوتی فرمانده نیروی آن ایالت درتبریز برای مخالفت با متحدالشکل شدن ارتش قیام‌کرده بود وازپذیرفتن دستورهای حکومت مرکزی سرپیچی می‌کرد وپس ازفرستادن عده‌ای بآذربایجان وزدوخوردی درتبریز آن ایالت نیز بحکومت مرکزی‌پیوست .

پس ازآن می‌بایست باوضاع خوزستان وامن‌کردن آن سرزمین توجه‌کنند زیرا چنانکه پیش ازین اشاره کردم نزدیك سی‌سال بودکه شیخ خزعل رئیس یکی ازقبایل عرب خوزستان درمحمره (خرم شهر) دستگاه مستقلی برای خود فراهم‌کرده بود و

درباری تشکیل داده بود وچنان دعوی استقلال داشت‌که مالیات را ازمردم خوزستان بنام خود می‌گرفت ومانند پادشاهان عرب سواحل وجزایرخلیج فارس عنوان «شیخ محمره» یعنی عنوان سلطنت برای خود قائل بود . این ناحیه نیزپس ازلشکرکشی‌که شاهنشاه خود درآن شرکت داشت دوباره بایران ملحق‌گشت وپس ازسی‌سال‌سرزمین خوزستان تابع حکومت مرکزی شد .

پس ازآن واقعه متوجه سرزمین‌گیلان ورفع غائلهٔ جنگلیان شدند زیراکه از اواسط جنگ جهانی اول ومقارن انقلاب روسیه میرزاکوچك‌خان درگیلان‌گروهی را مسلح‌کرده وتدریجا سراسرآن ناحیه را فرمان بردارخودکرده ورابطهٔ آن سرزمین با طهران مدتهاگسیخته بود وجنگلیان حکومت مستقلی تشکیل داده وکم‌کم شهررشت را نیزگرفته بودند وسپس درآنجا حکومت انقلابی وشوروی با وزارت‌خانه‌های مستقل تشکیل داده بودند ونزدیك بهفت سال این ناحیه ازایران پیوسته درحال پریشانی و آشفتگی بود وچنانکه پیش ازین اشاره رفت حتی سرحد خودرا درمنجیل درآغازخاك گیلان‌معین‌کرده‌بودندورفت‌وآمد مردم‌بسته‌باجازهٔایشان‌بود . پریشانی‌این ناحیه بجایی رسیدکه چون حکومت انقلابی دررشت بکارآغازکرد جمعی‌کثیر ازمردم‌گیلان بقزوین و تهران مهاجرت کردند وباکمال پریشانی وسرگردانی اززادگاه خود دورشدند وحتی عده‌ای پیاده این راه دراز را تاتهران پیمودند وحکومت انقلابی دارایی ایشان را ضبط کرد . شاهنشاه فرماندهی سپاهیانی راکه مامورآرامش‌گیلان شده بودند خود بعهده گرفت ودراندك مدتی این فتنه نیز فرونشست .

سپس بامنیت‌آذربایجان‌همت‌گماشتند زیراکه‌درآن‌ایالت ازدیربازپیشامدهای ناگوار روی می‌داد وپس ازاعلان مشروطیت دیگرآذربایجان روزخوش ندید: چندی شاهسونها وصمدخان شجاع الدوله درتبریز فرمانروایی‌کرده بودند وسپاهیان روسیهٔ تساری ببهانهٔ حفظ منافع اتباع خود درنواحی مختلف آن سرزمین جای‌گرفتند واز کشتارکسانیکه ایشان را مخالف خود می‌دانستند نیز دریغ نداشتند . سپس درجنگ جهانی اول طوایف مختلف ترك وکرد وآسوری ولشکریان روسیه وعثمانی درنواحی مختلف آذربایجان درزد وخورد بودند وازآن جمله هریك بنوبت شهرارومیه (رضائیه) را قتل وغارت‌کردند . سپس قیام شیخ محمد خیابانی ودعوی استقلال آذربایجان‌روی داد چنانکه آن ایالت را ازایران جدا دانستند ودولت مستقلی بنام «آزادیستان» در تبریزتشکیل دادند وهیچ رابطه با حکومت مرکزی نداشتند . چنانکه پیش ازین‌نیز اشاره رفت پس ازآن ابوالقاسم لاهوتی درتبریز قیام‌کرد وپس ازدفع وی بازامنیت در سراسرآذربایجان برقرارنشد ، چنانکه سرکشانی چند مانند اسمعیل سمیتقو و اقبال‌السلطنهٔ ماکویی ودیگران باقی مانده بودندوتا تیرماه۱۳۰۹ که سمیتقو دستگیرشد ناامنی درآذربایجان فرمانروا بود وسرانجام آن ناحیه نیزامنیت یافت .

پس ازآن بامنیت لرستان پرداختند . این ناحیه نیز ازسالیان دراز پناهگاه چادرنشینان مسلح ودزدان وراهزنان بود ودرسراسردورهٔ استیلای قاجارهاکمتر می‌شدکه فرمان بردارحکومت مرکزی باشد وبهمین جهت‌کسی را جرات آن نبودکه ازآنجا بگذرد . طوایف بیابان‌گرد لرهای پشت‌کوه‌که بچندین طایفهٔ مختلف تقسیم

می‌شدند وگذشته ازتاراج نواحی مجاور بایك دیگرنیزبیشتر درزد وخورد بودندکاملا خلع سلاح شدند وایشان‌را ازکمین‌گاه‌هایی‌که .قرنهادرآنجا بوده‌اند بآبادانی‌ها بردند و شهرنشین کردندواین‌کارمدتی‌مدید فرصت‌لازم داشت وسرانجام درآغاز سال ۱۳۰۷ بپایان رسید . بدین‌گونه لرستان نیز بحکومت مرکزی ایران پیوست .

ناحیهٔ دیگرنیزکه مردم چادرنشین آن بیشتردرسرکشی ونافرمانی بـودند کردستان بود ومی‌توان‌گفت پس ازدوران صفویه دیگرامنیت بخودندیده بودوپیوسته درپریشانی وآشفتگی بود وطوایف مختلف‌کرد چون قبایل اورامان ومریوان وگلباغی ومکری وکلیایی وغیره همواره با یك دیگر درزد وخورد بودند وبنواحی اطراف دستبرد می‌زدند وباحکومت مرکزی‌بیشتررابطه نداشتند. ازطرف دیگرکردان ناحیهٔ‌کرمانشاهان مانندکلهر وسنجابی وگوران وغیره سراسرآن نواحی را میدان تاخت وتازخودکرده بودند. درین نواحی تا ۱۳۰٦ قدمهای بلند برای استقرار امنیت برداشته شده‌است.

ازسوی دیگرپس ازختم فتنهٔ مشهد وکشته شدن محمدتقی‌خان پسیان هنوز برخی ازنواحی خراسان مانند بجنورد وقوچان‌کاملا امن‌نشده بودوبرخی‌ازچادرنشینان مسلح تیموری درمرز ایران وافغانستان درشرارت خودباقی‌بودند وسرانجام این‌ناحیه نیزآرام شد .

درمازندران هم هنوز عناصرسرکشی بودندکه می‌بایست ایشان نیز فرمان بردار حکومت مرکزی شوند ودرآنجا نیزنیروهای دولتی سرکشان ازآن جمله سردار مؤید سوادکوهی را مطیع حکومت مرکزی‌کردند .

پیش ازاین اشارهٔ مختصری بوضع ناحیهٔ استرابادکردم‌که ترکمانان درآنجـا ازدیرباز فتنه می‌کردند ودستبردها وراهزنیهای ایشان درسرراه خراسان سالیان دراز پریشانی فراهم آورده بود . ناچارمی‌بایست ترکمانان را نیز ازکشتار وتاراج بازدارند وایشان را شهرنشین‌کنند واین‌کار در۱۳۰۵ بپایان رسید .

درتیرماه ۱۳۰۵ آخرین گروه ازفتنه‌جویان وسرکشان‌که درسلماس باقی مانده بود بدست نیروی دولتی خلع سلاح شد. در۱۳۰۷ غلامرضاخان والی‌پشت‌کوه سرکردهٔ غارتگران لرستان پس ازپیشرفت سپاهیان ایران درآن ناحیه ازایران‌گریخت وازآن پس لرستان نیزآرام شد .

دربهمن ماه ۱۳۰۷ دوست محمدخان بلوچ‌که سرکردهٔ راهزنان وسرکشان بلوچستان بود مغلوب نیروهای دولتی‌گردید وازآن پس این ناحیه نیزکه سالیان دراز فرمان‌بردارحکومت مرکزی نبود آرام شد .

درخردادماه ۱۳۰۸ آخرین عناصرماجری‌جو وفتنه‌طلب‌که‌درفارس مانده‌بودند یعنی طوایف چادرنشین بهارلو وقبایل لرستان وایل‌قشقایی‌که هنوز دم ازخودسری می‌زدند فرمان‌بردارشدند .

درتیرماه ۱۳۰۹ اسمعیل سمیتقوسرکردهٔ ایل شکاك آذربایجان‌که خود و پدرانش سالیان‌دراز بانیروهای دولتی زد وخوردکرده بودند ووی نیز چندین‌بار با ارتش روبروشده بود درآخرین جنگی‌که باقوای دولتی‌کردکشته شد ونه‌تنها سراسر آذربایجان فرمان‌بردارحکومت مرکزی شد بلکه همهٔ خاك ایران ازسرکشان پاك شد

وبهمین جهت این تاریخ را می‌توان تاریخ پایان پذیرفتن دورهٔ سرکشیها ونافرمانیها دانست وازآن پس ایران ازامنیت‌کامل برخوردارگشت وچنانکه پیش ازین اشاره رفت اززمان شاه عباس اول دیگرچنین دورهٔ آسایش درایران پیش نیامده بود .

درین میان نکتهٔ بسیارمهم اینست‌که دوران سرکشی وآشوب و فتنه وکشتارو تاراج‌که پس ازشاه عباس اول روزبروز دامنهٔ آن درایران‌گسترده شده وبالاکشیده است بدین آسانی درمدتی‌کمترازهشت سال بپایان رسید ودرسراسرمملکت مردمی‌که سالیان درازبود روی آسایش ندیده بودند بدین‌گونه ازامنیت برخوردارشدند .

پیداست نتایجی‌که بدین‌گونه فراهم شده ازآن جهت بوده است‌که مردبزرگی رشتهٔ درهم‌گسیختهٔ‌کارهای‌کشوررا بدست‌گرفته ووسایل مادی ومعنوی چنین‌کار بزرگی را فراهم آورده است . ناچار برای این‌کار بیش ازهرچیز ارادهٔ بسیارقوی وعزم راسخ وایستادگی وپشت‌کاری‌که تنهاگاه‌گاهی درمردان بزرگ فراهم شود مؤثر بوده است .

هرکس‌که اندك بررسی درتاریخ ارتش ایران بکند می‌بیندکشوریکه درروزگار هخامنشیان واشکانیان وساسانیان وپس ازآن درهمه ادوارتاریخ‌کهن خود تازمان صفویه ونادرشاه وکریم‌خان ارتشی داشت‌که نه تنها حدودکشوررا پاسبانی می‌کرده بلکه سرکشان وفتنه‌جویان داخلی را نیز فرمان بردارخود میکرده است دربسیاری از موارد یادگارهای درخشان‌گذاشته‌است وآخرین واقعهٔ مهم آن محاصرهٔ بصره درزمان کریم‌خان زند بوده است .

ازآغاز قرن نوزدهم میلادی‌که اصول جدید درجنگ پیدا شد ایران درنتیجه گرفتاری درچنگال‌کارگزاران ناشایسته ودوگانگی‌ونفاق‌وجنگهای داخلی خانگی‌ونادانی وبی‌خبری ازسیرتمدن جهان نه تنها ازکشورهای دیگرعقب افتاد بلکه ازآرام‌کردن داخله خودنیزناتوان‌ماندوازعهدهٔ‌گردن‌کشانی مانند نایب‌حسین‌کاشانی وماشاء الله‌خان پسرش ورضاجوزانی وعلی‌خان‌سیاه‌کوهی وامثال ایشان‌که هریك‌عدهٔ معدود تاراجگر را با خود همدست‌کرده بودند برنمی‌آمد . یگانه دلیل این ناتوانی‌آن بودکه درکشورهای دیگرسلاحهای تازه واصول جدید درفنون جنگ‌آوری بکارمی‌بردندکه‌کارگزاران ایران ازآنها محروم بودند ودربیشترموارد ارتش‌ایران تفنگ وتوپ‌سرپر قدیمی راهم بقدر کفایت نداشت وبارهاشدکه سلاح چادرنشینان مسلح‌که ازبیگانگان یاری می‌دیدند از سلاح سپاهیان نیروی دولتی بهتر وتازه‌تربود . روحیهٔ سربازان نیزکه دولت مرکزی نمی‌توانست زندگی ایشان را تامین‌کند وخوراك‌وپوشاك لازم‌را بایشان‌برساندباندازه‌ای ضعیف بودکه ازعهدهٔ حفظ جان خود برنمی‌آمدند ودرآن دوره‌بارها پیش‌آمده است‌که دولت عده‌ای سربازرا برای سرکوبی‌راهزنی فرستاده ووی‌آنهارابرهنه‌کرده وباصطلاح کت آنها را بسته وگاهی وارون سوارخرکرده وبازگردانده است .

داستانی از آن زمان در میان مردم هست که شاید هنوز برخی از خوانندگان بیاد داشته باشند وآن اینست که درین دورهٔ خواری و ناتوانی زمانی مهمان محترمی می‌بایست وارد بوشهر شود و بعادت معمول آن زمان بفرمانده سپاهیان دستور داده بودند هنگام ورود او وپیاده شدن از کشتی چند تیر توپ بیندازد و چون وی‌این کار را

نکرد وازو بازخواست کردند که بچه دلیل این کار را کرده‌است گفت : بهزارویك دلیل ، دلیل اول آنست که گلوله وباروت نداشتم .

پیش ازاین هم اشاره کردم در آن دوره عدهٔ سپاهیان ایران را می‌بایست بیگانگان معلوم کنند ودولت حق نداشت از آن عده تجاوز کند . تازه همان عده هم روی کاغذ بود و هرگز حاضر خدمت نبودندواگر حقوقی بنامشان پرداخته می‌شد افسران بافراد نمی‌دادند وبارها سربازان در میدان سپه تهران که آن روز میدان توپخانه می‌گفتند برای مطالبهٔ حقوق خود ازدحام می‌کردند و باصطلاح «یاعلی می‌کشیدند». بهمین‌جهت بود که بسیاری از سربازان با همان لباس نظامی گذران خود را از راه دیگر بدست می‌آوردند ، مثلا هیزم شکن یا تخم‌مرغ فروش بودند و یا بدرخانهٔ این و آن نوکر می‌شدند . مناصب مهم نظام حتی سرهنگی و سرتیپی ارثی بود که‌گاهی ببچهٔ نوزاد نیز می‌دادند و چنانکه پس‌ازین دربارهٔ اصلاحات نظامی بحث خواهم کرد درین دوره سرهنگان و سرتیپان نابالغ بسیار دیده شده است واین مناصب را بکسانی‌هم می‌دادند که هرگز در نظام خدمت نکرده بودند و نمی‌کردند .

یکی از مهم‌ترین کارهایی که در راه استقلال امنیت ایران شد قانون خدمت نظام‌بود که‌در آبانماه ۱۳۰۵ باجرای آن آغاز کردند وکسانی که ازجامعه‌شناسی آگاهند می‌دانند که چنین کاری چه اهمیتی در روحیات ملتی دارد . خدمت نظام برای جوانان سودهای فراوان دارد . نه تنها در تقویت روح ملی و حس میهن پرستی و نیروی‌مردی ومردانگی و جان فشانی در راه کشور بسیار مؤثرست بلکه در پرورش جسم و جان جوانان نیز آثار بسیار دارد و در تن درستی و کار کشتگی ایشان نیز اثر می‌گذارد .

بهترین وسیلهٔ استقرار اینست که در ضمن اوضاع ایران را پس‌از استقرار آن نشان می‌دهد سفرهاییست که هرچند یك بار وگاهی چند بار در سال شاهنشاه ایران بنواحی مختلف کشور می‌کرد ودرین سفرها شخصا بجزئیات‌کارها می‌رسید واز نزدیك در پیشرفت کار مراقبت می‌کرد و فهرست آن سفرها بدین‌گونه‌است :

در خرداد ماه ۱۳۰۵ سفر ملایر . در امرداد ماه آن سال سفرگرگان و خراسان تا قوچان و بجنورد . در مهرماه همان سال سفر مازندران وکرانهای دریای خزر .

در شهریور ماه ۱۳۰۶ سفر آذربایجان . در مهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

در فروردین ماه ۱۳۰۷ سفر قزوین و سفر بروجرد و لرستان . درامرداد ماه همان سال سفر گیلان . در مهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان . در آبانماه آن‌سال سفر خرم‌آباد و دزفول و خرمشهر واز آنجا ببوشهر و شیراز و اصفهان .

در مهر ماه ۱۳۰۸ سفر آذربایجان و گیلان و مازندرن و گرگان . در دیماه آن سال سفر خوزستان .

در آبانماه ۱۳۰۹ سفر مازندران و گرگان و خراسان و سیستان و بلوچستان وکرمان و یزد ونایین و نطنز و کاشان و قم .

در اردی‌بهشت ماه ۱۳۱۰ سفر گیلان . در شهریور ماه آن سال سفر گیلان و

آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان . در آبانماه آن سال سفر مازندران و گرگان . در بهمن ماه آن سال سفر دیگر بمازندران برای افتتاح کارخانه نخ‌ریسی شاهی .

در اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۱۱ سفرمازندران. درشهریور همان سال سفرمازندران و گیلان . در مهرماه همان سال سفر بجنوب ایران و خوزستان ولرستان برای حضور در موقع ورود کشتی های ناوگان ایران . در آذر ماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

در فروردین ماه ۱۳۱۲ سفر مازندران . در امرداد ماه همان سال سفر دیگر بمازندران برای افتتاح راه چالوس . در مهرماه همان سال سفر آذربایجان و کردستان و کرمانشاهان . در آبانماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

در اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۱۳ سفرمازندران. درخرداد ماه آن‌سال سفرآذربایجان واز آنجا بترکیه . در مهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان .

در آبانماه ۱۳۱٤ سفر مازندران و گرگان و گیلان .

در اردی‌بهشت ماه ۱۳۱۵ سفر مازندران و گیلان . در مهرماه همان سال سفر دیگر بمازندران و گرگان .

در فروردین ماه ۱۳۱٦ سفر بمغرب و جنوب ایران . در مهرماه آن سال سفر مازندران و گرگان و گیلان .

در اردی‌بهشت ماه ۱۳۱۷ سفر مازندران و گیلان .

در شهریور ماه ۱۳۱۸ سفر بخوزستان و جنوب ایران برای افتتاح راه‌آهن سرتاسری . در مهرماه آن سال سفر مازندران .



اصلاحات نظامی

در دورهٔ قاجار ها ارتش ایران که در زمان نادر شاه بفتح هندوستان کامیاب شده و تادهلی رفته بود چندان ناتوان شده بود که از عهدهٔ راهزنان اطراف تهران هم برنمی‌آمد. پیش‌ازین اشاره رفت که افراد این ارتش چه حالی داشتند و چگونه در خواری و تنگ دستی زندگی می‌کردند. افسران آن بیشتر از فن خود عاری بودند و تربیت نظامی نداشتند. مناصب نظامی را حتی بکودکان نوزاد و نابالغ می‌دادند. میرزا محمدعلی خان سروش اصفهانی شمس‌الشعرا شاعر بزرگ قرن گذشتهٔ ایران دربارهٔ یکی ازین سرهنگهای نابالغ زمان خود سروده است:

نه حاجت مشق‌و زحمت جنگ ترا — نه در صف کارزار آهنگ ترا
در کارتوآن نشان سرهنگی نیست — مام تونخست زاده سرهنگ ترا

در همین زمینه نیز گفته است:

مشق چپ وراست چون دهی شکررا — طفلی تو ودست چپ ندانی از راست

همین نکته را بزبان دیگر چنین سروده‌است:

بی زحمت مشق، بی‌صدمهٔ جنگ — مادر مرو را زادست سرهنگ

وباز بزبان لطیف تری گفته است:

مادر بقسم دست نهادی بشکم — گفتی: بسرعزیز سرهنگ قسم

کسانی که از اوضاع ارتش ایران در آن زمان آگاهند می‌دانند که شاعر درین زمینه هیچ مبالغه نکرده‌است. روزنامهٔ ملانصرالدین که بزبان ترکی در آن روزگار در تفلیس چاپ می‌شد کاریکاتوری ساخته بود که پسر بچهٔ چهارپنج‌ساله‌ای را با لباس سرتیپی نشان می‌داد و مادرش باو می‌گفت: سرتیپ جان، بیا برویم حمام. او گریه می‌کرد و می‌گفت: نمی‌آیم. بالاتر ازدرجهٔ سرهنگ و سرتیپ درجهٔ‌میرپنج وامیرتومان وامیر تویان بود واین درجات را نیز بکسانی که ازفن نظام آگاه‌نبودند می‌دادند. کلمات سالار و سردار و سپهدار و سپهبد و سپهسالار جزو القاب شده بود و بارها شد که‌این القاب‌را بکسانی دادند که‌از فنون جنگ بی‌خبر بودند وحتی این‌گونه القاب را بکودکان هم داده‌اند. در نقاشیها و عکسهای آن زمان دیده می‌شود که لباسهای رسمی مناصب مهم را بتن کودکان کرده و نشانها و حمایلهای نظامی را بایشان بسته‌اند.

همه ارتش کشور پهناور ایران که می‌بایست از یك میلیون و ششصد و چهل و چهارهزارکیلومتر مساحت پاسبانی‌کند وامنیت این ناحیه بدین وسعت را فراهم آورد از چند صد تن تجاوز نمی‌کرد که هنگام قدرت باصول بنیچه از روستاها می‌گرفتند بدین‌گونه‌که هرعدهٔ معین از مردم‌آن‌روستا می‌بایست چندتن سرباز بدهد

و هزینه نگاهداری و حتی بهای اسب و اسلحه و لباس آنها را در میان مردم روستا سرشکن می‌کردند و در سراسر مدتی که آن سرباز در خدمت نظام بود هزینهٔ اوبعهدهٔ آن مردم بود . گذشته ازین یك عده سربازان و سواران چریك هم بودند بدین‌گونه که مردم هر محل یك عده را برای پاسبانی آن محل معین می‌کـردند و یك تن از روسای محل فرمانده آن عده می‌شد و پیداست آن عده که از محل خود آشنایی کامل داشتند چگونه بر مردم اجحاف و تعدی می‌کردند . در اواخر این دوره که دولت حتی نیروی‌آن کـه سرباز بنیچه و چریك بگیردنداشت همه افراد مـزدور بودند و داوطلبانی بودند که چون کار دیگر نمی‌یافتند سرباز می‌شدند و چنانکه پیش ازین اشاره رفت افسران حقوق این عده را از خزانهٔ دولت می‌گرفتند و بایشان نمی‌دادند و ایشان هم چاره‌ای جز نوکری و فروشندگی دوره‌گرد نداشتند .

از همهٔ ترقیهایی که در مدت صدسال در اسلحه سازی شده بود ارتش ایران بی‌نصیب بود . در بسیاری از شهرهای ایران هنوز توپهای سرپر که درزمان شاه‌عباس از پرتغالی های جزیرهٔ هرمز گرفته بودند در میدانهای عمومی وسیلهٔ خیـره کردن و ترساندن مردم بود . در برخی از شهرها هم توپهای سرپری بودکه درزمان فتحعلی‌شاه افسرانی که ناپلئون بایران فرستاده بودریخته بودند . ازآن‌توپها درمیدان ارگ ومیدان سپه تهران هم بود که اکنون در باشگاه افسران و در حاشیهٔ دیوار هـای ساختـمان کارپردازی ارتش گذاشته‌اند . زنبورکهایی را که از زمان نادر شاه مانده بود هنوز بکار می‌بردند وتفنگهای سر پر مندرس درانبار ها بودکه‌سرانجام بیرون آوردندودر ساختن طارمی ونرده‌بجای چوبهای‌خراطی شده بکاربردند ازآن‌جمله نرده‌ای‌بود در چهارسوی باغچه‌ای در میان میدان سپه تهران . میدان سپه امروز در آن زمان میدان توپخانه نام داشت و در سه طرف آن انبارهایی در کف زمین ساخته بودند که روزی در هر یك از آنها توپی جاداده بودند اما دراین اواخر همهٔ آنهاتهی بود و تنها یك توپ در ضلع غربی میدان روبروی ساختمانی که اکنون ادارهٔ راهنمایی شهربانی در آنجاست بودکه ظهرها برای آنکه مردم تهران از ساعت آگاه شوند ودر ماه رمضان در موقع افطـار و سحری آنرا خالی می‌کردند .

در دورهٔدوم قانون‌گذاری برای سرکوبی سرکشان وراهزنان‌که بعنوان‌حمایت از حکومت استبداد در گوشه و کنار برمی‌خاستند و سرکشی می‌کردند مقداری اسلحهٔ جدید از کارخانهٔ شنیدرکروزو در فرانسه نسیه خریده بودند و مبلغ مختصری بهای آنرا نتوانسته بودند در مدت بیست سال بپردازند وآن کارخانه هم‌چنان مطالبه می‌کرد ودولت هم آنرا آشکارا جزو دیون خود بحساب می‌آورد و سرانجام پس از سپری‌شدن دورهٔ قاجار ها این وام پرداخته شد .

وضع ارتش ایران درین دوره بدین‌گونه بود و همهٔ ارتش کشوری که در دوره های مختلف از نیرومندترین ارتشهای جهان و دارای بهترین اسلحه هـرزمان بود در پایان این دوره منحصر بود بیك دیویزیون قزاق بفرماندهی افسران روسی‌که می‌توان گفت دیویزیون‌کامل هم نبود ویك‌عده ژاندارم بفرماندهي افسران سوئدی که عده‌ای

از آنها در زد وخورد باسپاهیان روسیه بنفع‌آلمانها درجنگ اول کشته و پراکنده شده بودند و افسرانشان نیز بیشتر مهاجرت کرده بودند.
بجز قزاق و ژاندارم یك عده سرباز بنام بریگاد مرکزی هم بود که در روزهای آخر این دوره استخدام کرده بودند.
پیداست که این‌عده قلیل چگونه می‌توانسته است ازعهدهٔ پاسبانی یك میلیون و ششصد و چهل وچهار هزار کیلومتر مساحت وپانزده میلیون جمعیت آن روز ایران برآید. این عده بزحمت بده هزار نفر می‌رسید و هر صدو شست وچندکیلومتر مربع یك پاسبان و هر هزار و پانصد ایرانی یك مستحفظ داشت.
نکتهٔ جالب اینست که‌درین دوره در حدود نصف جمعیت ایران چادرنشینان مسلح بیابانگرد و راهزن بودند یعنی لااقل هفت میلیون در کمین مردم شهرنشین می‌زیستند و برای دفع این عدهٔ چادرنشین مسلح دولت ایران تنها ده هزار سرباز داشت یعنی در حقیقت در برابر هفتصد تن سرکش بیش از یك تن سرباز نبود و آنهم فرد بیچاره‌ای که چند ماه بچند ماه حقوق و علیق اورا پس ازآنکه افسران سهم خودرا برداشته بودند می‌دادند وبا اسلحهٔ کهنهٔ مندرس می‌بایست در برابر هفتصد تن از جان گذشته که بیگانگان بهترین اسلحه را باو رسانده بودند پایداری کند. ناچار آن نیروی پایان این دورهٔ استیلای قاجار ها بهیچ وجه نمی‌توانست در ایران امنیت فراهم کند و پاسبان مرزهای کشور باشد. این نکته را هم باید در نظر گرفت که از مرز های شمال غربی و شمال شرقی و مشرق و جنوب شرقی چادرنشینان مسلح بیگانه بارها بخاك ایران تجاوز کرده‌اند و دولت ایران در برابر ایشان ناتوان بوده است.
بهمین جهت اصلاحات نظامی و تأسیس ارتش نیرومند مهم‌ترین کاریست که رضاشاه پهلوی در دورهٔ شهریاری خود کرده‌است. انصاف باید داد که کلمهٔ اصلاح و تکمیل را برای ادای این مقصود نمی‌توان بکار برد، زیرا اصلاح و تکمیل وقتیست که چیزی بوده باشد که نقص آنرا برطرف کنند و آنرا بهتر کنند. ارتش دورهٔ قاجارها در حقیقت هیچ بود ومی‌بایست ارتشی از نوبوجود آورد وایجادکرد.
شاهنشاه پهلوی برای رسیدن باین‌مقصودنخستین کاری که کرد این‌بود:همان عدهٔ موجود را در آغاز کار فورا متحدالشکل کرد و عنوان قزاق و ژاندارم را که یادگار دوره های دوگانگی و نفاق بود از میان برد و افسران بیگانه را از هرملتی که بودند از ارتش راند. مناصب و درجات دروغی وافتخاری را که جز سر شکستگی و رسوایی چیزی در برنداشت لغو کرد واصول تازه‌ای برای مناصب نظامی و ترتیب ارتقاء از درجه‌ای بدرجهٔ دیگر تنظیم کرد و آنرا تابع خدمات افسران قرارداد یعنی باصطلاح نظامی کادری برای ارتش ایران ترتیب داد که تا آن زمان نبود.
سپس ارتشی بااصول جدید تشکیل دادند واز سازمانهای ارتشهای جدید جهان پیروی کردند و صنوف مختلف را هم چنان که در ارتشهای کشور های متمدن امروز هست ترتیب دادند.
البته یکی از مزایایی که می‌بایست وارد ارتش ایران بشود روح میهن پرستی

در میان افراد ارتش و اتفاق و اتحاد کامل با سایر افراد ملت ایران بود زیرا که نه تنها درین مدت افسران بیگانه‌روح وطن پرستی را در زیردستان خود ندمیده بودند بلکه بواسطهٔ ورود در سیاست و مداخله بسود دسته‌ای و بزیان دستهٔ دیگر هر طبقه‌ای از مردم ایران سپاهیان طبقهٔ دیگررا ازخودبیگانه ودشمن می‌دانست چنانکه مثلا درمیان قزاق وژاندارم‌نفاقی‌که‌کم ازدشمنی نبود وجود داشت. بهمین جهت اخراج افسران بیگانه ازقسمت‌های مختلف ارتش اهمیت خاص داشت وتنها باین وسیله بودکه یگانگی واتحاد مطلق درمیان افراد ارتش برقرارمی‌شد.

قدم مهم دیگری‌که برداشتند افزایش عدهٔ افراد ارتش ایران وتطبیق آن با وضع جغرافیایی ومرزهای‌کشور واحتیاجات داخلی بود وسرانجام نه لشکردرنه‌استان تشکیل یافت وگذشته ازآن پنج تیپ مستقل درنواحی دیگرفراهم آمد وازهرحیث احتیاجات ایران ازحیث امنیت وپاسبانی داخلهٔ مملکت وتامین رفاه وآسایش مردم واجرای احکام دولت وخلع سلاح چادرنشینان مسلح وحفظ وحراست حدود وثغور کشورتامین شد چنانکه درایران امنیتی فراهم شدکه سیصدسال بودکسی ازآن یاد نداشت.

پیش ازین هم اشاره رفت‌که یکی ازکارهای بسیارمهم درین دوره برقراری خدمت نظام وظیفه درایران درسال ۱۳۰۵ بود. پیداست‌که اینکار درتقویت روح میهن‌پرستی دراصلاحات اجتماعی تا چه اندازه‌اهمیت دارد زیرا تردیدی نیست تاهمهٔ مردم‌کشور مستقیما درپاسبانی ازدیارخود شرکت نکنند وخود مستحفظ خاك خود نباشند هرگزاستقلال آن‌کشورتامین نخواهدشد. ازروزیکه این قانون اجری شد و جوانان را برای پاسبانی ازایران دعوت‌کردند احساسات وطن‌پرستی درایران روزبروز بیشتر نیروگرفت. این‌کار نتایج‌گوناگون داشت وگذشته ازآنکه جوانان مسئولیت خود را درپاسبانی ازمیهن خویش حس‌کردند عملیات وتمرین‌های نظامی درتن درستی‌ایشان نیزموثرافتاد وروستا زادگان‌که یکسره ازفراگرفتن معلوماتی بی‌بهره مانده بودند در سربازخانها با سواد شدند وسطح فکری‌ایشان بسیار بالا رفت وسبب پیشرفت ایشان درزندگی اجتماعی شد.

درقسمت‌های فنی ارتش نیزپیشرفتهایی‌که درین دوره فراهم شده باندازه‌ایست که درخورکتاب مخصوصیست. ازآن جمله‌است تشکیل صنوف جدید وتهیهٔ تازه‌ترین اسلحه برای ارتش ایران. ازحیث صنوف جدید یکی ازمهم‌ترین‌کارها ایجاد نیروی هوایی را در۱۳۰۳ باید دانست ودرپایان این دوره نیروی هوایی ایران‌کاملا احتیاجات کشوررا تامین میکرد وحتی بسیاری ازلوازم هواپیمایی را درایران درکارخانه بزرگ ومهمی‌که برای این‌کار دایرشدکارگران وکارشناسان ایرانی می‌ساختند. اهمیت هواپیمایی درنظام جدید آشکارست وپیداست اینکار چه ضرورتی‌داشته است.

پس ازاین ایجاد نیروی دریایی ایرانست‌که درسال ۱۳۱۱ بمرحلهٔ عمل پیوست ونخستین ناوهای جنگی ایران بخلیج فارس رسید. این نکته نیز درزندگی ایران‌کمال اهمیت را دارد، زیراکه ایران ازجنوب بدریای آزاد پیوسته است‌که باوقیانوس هند

منتهی می‌شود ودرکرانهٔ خلیج فارس سرحدات عریض داردکه گذشته ازتجارت و اقتصاد درامنیت ایران نیزپاسبانی ازآنها اهمیت فراوان دارد . درسراسرتاریخ ایران هرگز بحریهٔ نیرومندوتوانایی دردریاهای ایران وجود نداشته است زیراکه درزمان هخامنشیان برای لشکرکشی بیونان باستعانت ازبحریهٔ فنیقیان نیازمند شدندودرزمان ساسانیان که یکی دوجنگ دریایی پیش آمد ازدیگران یاری جستند . درزمان شاه عباس اول درجنگ با پرتغالیان بحریهٔ انگلستان با ایران یاری کرد . نادرشاه هم که درصدد تهیهٔ بحریه افتادکاری ازپیش نبرد ومجال نیافت که این کارمهم را بپایان برساند. بدین گونه اولین نیروی دریایی ایران درین دوره فراهم شد .

دیگر ازصنوف جدیدی که درین دوره درارتش ایران فراهم آمد ایجاد نیروی موتوردار وارادههای جنگی ووسایل ضدهوایی وغیره است که ازجدیدترین وسایل فراهم کردند .

نکتهٔ دیگری که دراصلاحات نظامی اهمیت فراوان دارد ایجادکارخانهای اسلحه سازی وتامین وسایل تجهیزات نظامیست . درین دوره همهٔ افراد ارتش ایران را بجدیدترین اسلحه وتجهیزات نظامی مجهز کردند وکارخانهای اسلحه‌سازی درخاك ایران اسلحه وتجهیزات لازم را بدست کارگران ایرانی می‌ساختند و همهٔ نیازمندیهای ارتش ایران را تامین کردند ودیگراحتیاجی بواردکردن اسلحه وخرید آن ازکشورهای دیگر نبود وهرگونه سلاح رااز کالیبر بزرگ تا کالیبرکوچك درایران ساختند و چند هزار کارگرایرانی درین کارخانها بکارآغازکردند . این کارخانها باندازه‌ای اهمیت داشت که درجنگ دوم جهانی برای کمك رساندن بارتش شوروی ازآنها بهره‌مند شدند .

جنبهٔ مهم دیگراصلاحات نظامی دریندوره تعلیمات نظامی وتاسیس آموزشگاهها ومدارس نظامیست که سابقا درایران ده یك آن هم وجود نداشت . درین دوره جوانان ایرانی تازه‌ترین رموز فنون نظامی را درکشورخود فرامی‌گیرند . سابقاگاهی دولت ایران دوسه جوان را برای تحصیل بمدارس نظامی اروپا ومخصوصا فرانسه فرستاده بود . درآغازاین دوره نیزعده‌ای باروپا رفتند وفنون مختلف نظامی را فراگرفتند . در ضمن دبستانها ودبیرستانهای نظام وآموزشگاههای متعدد برای هریك ازصنوف وتربیت افراد وافسران جزء دایرشد وافسران جوانیکه تحصیل کرده بودند ماموروتربیت ایشان شدند . ازدانشکدهٔ افسری ودانشگاه جنگ درتهران هرسال عده‌ای افسرکارکرده و کارآزمودهٔ درس خوانده بیرون آمدند .

پیداست که تعلیمات نظامی برای تشکیل ارتش نیرومندی که پاسبان استقلال کشور باشد تا چه اندازه اهمیت دارد وافراد ارتش که معلومات لازم را درفن خود نداشته باشند هرگزکامیاب نخواهند شد .

برای پیشرفت این مقصود بسیارمهم درهرسال عدهٔ بسیارنظامنامه وآیین‌نامه وکتاب ورسالهٔ فنی برای راهنمایی وتعلیم افراد ارتش ایران انتشاریافته است .

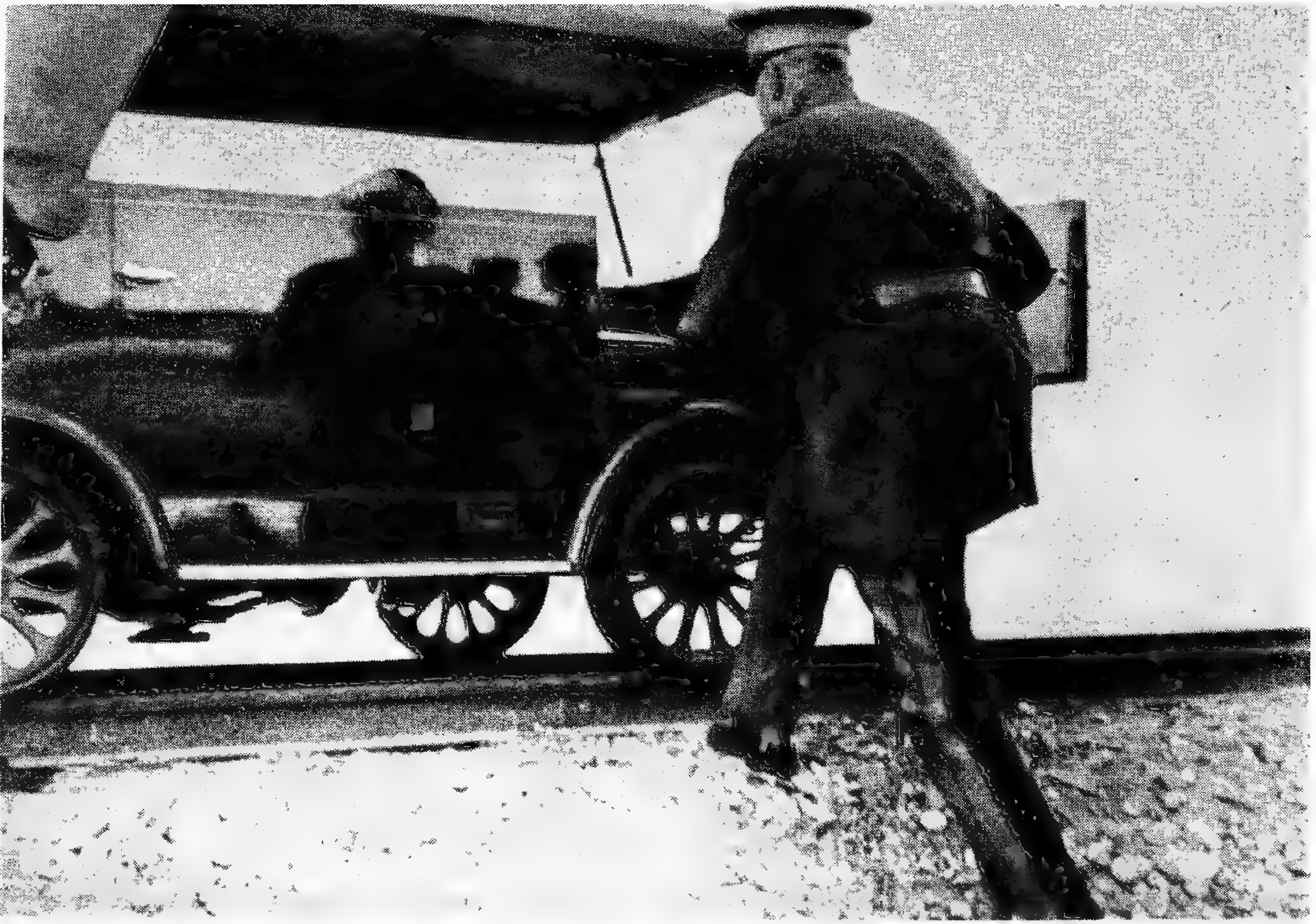
برای اینکه اهمیت اصلاحات نظامی درین دوره کاملا محسوس باشد همین‌قدر کافیست درنظربگیریم که درآغاز این‌دوره‌در ۱۳۰۰ بودجه ارتش ایران درسال نودمیلیون ریال‌بوده ودرسال ۱۳۲۰ این مبلغ‌بپانصد ونود وسه میلیون وصد وبیست ویك هزار و پانصد وبیست وچهارریال رسیده است .

اصلاحات اداری

دردوره‌های گذشته همواره ادارات ایران وچرخهایی‌که می‌بایست‌کارهای کشور را بگردانند بهیچ‌وجه ازعهدهٔ اداره‌کردن‌کشوری باین وسعت برنمی‌آمدند. صفویه درایران تشکیلاتی داده بودندکه درآن زمان بهترین سازمانهای اداری جهان بود وهمهٔ نیازمندیهای‌کشوررا تامین میکرد. مخصوصا درزمان شاه عباس اول قلمرو وسیع صفویه‌که تقریبا دوبرابر ایران امروزبود درکمال امن وآسایش وراستی ودرستی وعدل وداد اداره می‌شد.

پس ازصفویه درنتیجهٔ انقلابهای داخلی وضعف وسستی دولت ادارات ایران دربدترین مراحل آشفتگی‌وپریشانی افتاده بود. مخصوصادردورهٔ قاجارها ستم وبیداد ماموران‌دولت بجایی‌رسیده بودکه مامور دولت یا «مأمور دیوان» را درآن زمان نمایندهٔ ستمگری وزورگویی می‌دانستند واصطلاح« حکم دیوان» مرادف با بیداد وستم بود. درآن‌دوره سالیان درازمشاغل دولتی را بمزایده می‌گذاشتند وهرکس بیشتر رشوه می‌دادباو رجوع‌می‌کردند. چون‌حساب‌وکتابی درکارنبود ودولت‌بازپرسی وبازخواست نمیکرد آنکس‌که برای رفتن بماموریتی مبلغ‌گزافی پرداخته بود البته تا بمحل می‌رسید چون می‌دانست بزودی احضارش خواهندکرد وچندان مجال‌برای جبران ضررندارد از همان روزاول شتابان بتعدی آغازمیکرد وآنچه زورش می‌رسید یا ازدستش برمی‌آمد بزور واکراه وحتی بحبس وشکنجه ازمردم بی‌پناه میگرفت. البته چون می‌بایست‌عده‌ای ازمتنفذان پایتخت را هم خشنودکند وبایشان نیز سهم بدهد تا هرچه بیشتر برسرکار بماند چندین برابرحرص وطمع خود ازمردم می‌گرفت. پیداست‌که زیردستانش نیز مانند وی بودند وهمه سهمی داشتند وحقی می‌خواستند. اینست‌که ازفراش‌گرفته تا حاکم جزغارت‌کردن مردم‌کاری نداشتند. درین دوره مالیات هرناحیه را بحاکم آنجا مقاطعه می‌دادند وپیداست‌که اوهم چندبرابرآنچه مقرربودازمردم می‌گرفت‌وکسی‌ازو بازخواست نمیکرد.

دردورهٔ مشروطیت ظاهرا اداراتی باصول جدید تاسیس‌کرده بودند وظاهراین بودکه ادارات منظمی ووزارت خانه‌هایی هست وقوانینی وضع‌شده‌که‌بآنها عمل میکنند ولی درحقیقت باطن‌کارتغییرنکرده بود زیراکه هم چنان متنفذان محلی واشرار و سرکشان باقی بودند و مامورانیکه نمایندهٔ دولت ناتوان وبی‌اراده‌ای ووزارت‌خانهٔ سستی بودند درهرمحل پیرو طمع وغرض همان متنفذان وسران محل بودندکه همه کارها دردست ایشان بود وهمه درپایتخت دستیارانی داشتند وبزور یا تطمیع مقاصد خودرا پیش می‌بردند. این سران محلی وکیل آن ناحیه‌را ازدست‌نشاندگان وهمدستان



شاهنشاه ایران در یکی از میدانهای عملیات نظامی

خود بمجلس شورایملی می‌فرستادند وایشان در آنجا وزیران وکارگزاران عمده را بتأمین مقاصد نامشروع موکل حقیقی خود وادار میکردند .

بهمین جهت درتمام دورهٔ فرمانروایی قاجارها ادارات ایران دربدترین احوال بود وتعدی وظلم وحق شکنی ورشوه خواری رواج کامل داشت وگذشته ازین وسایل پنهانی وحیف ومیاها وبهره یابی‌های نامشروع که درآن زمان بآنها «مداخل» می‌گفتند کرارا دیده شده‌است که ماموردولت پولهای ابواب‌جمعی خود وموجودی صندوق محل خدمت خودرا آشکار برداشته وکسی ازونگرفته است .

ادارات رسمی ایران درسراسراین مدت بهیچ‌وجه آن دلسوزی‌ووظیفه‌شناسی وحق پرستی‌راکه لازمهٔ بنگاه‌های دولتی وکارگزاران دولتست نداشته‌اند وبهمین‌جهت دولت در نظر مردم ایران مرکز بیدادگری و بی‌عدالتی و مامور دولت مظهر زور و اجحاف و ستم بوده است و هربلا و مصیبتی را از دولت می‌دانسته‌اند . حق هم داشته‌اند زیرا در عمر خود جز تعدی و اجحاف چیزی از مامور دیوان ندیده بودند و بهیچ‌وجه دستگاه دولتی در صدد تهیهٔ وسایل آسایش ورفاه مردم‌کشور برنیامده است . دردورهٔ پیش ازمشروطیت‌که اصلا قانونی درمیان نبود ویگانه رسم معمول دلخواه وحتی هوی وهوس‌کارگزاران دولت بود ودردورهٔ مشروطیت هم‌که‌گاهی مجلس شورای ملی تشکیل می‌شد ویکی چند قانون ناقص‌بتقلید ازقوانین اروپا وضع‌کرده بودند وبیشترآنها با اوضاع ایران سازگارنبود تازه همان قوانین را دربارهٔ مردم ناتوان وبی‌کس اجری میکردند ومتنفذان بهیچ‌وجه تابع قانون نبودند وقانون تنها وسیلهٔ تازه‌ای بودکه برای غرض‌رانی بدست ماموران دولت افتاده بود .

دردوره‌های‌گذشته دامنهٔ تعدی ماموران دولت چنان بالاگرفته بودکه درزبان مردم ایران مثل شده بودکه «حکم حاکمست ومرگ مفاجاة» ، یعنی حکم حاکم را با مرگ ناگهان برابرمی‌دانستند واجل معلق یاوبا ویاطاعون می‌پنداشتند. بارها پست‌ترین ماموردولت یعنی فراش حکومت یا تحصیلدار مالیه یا ماموروسربازگیری ویا قراسوران (ژاندارم) وارد دهی شده وهمهٔ مردم ده ازدست اوفرارکرده‌اند وهرسال‌گروه بسیاری ازمردم ایران برای رهایی ازشرماموران دولت بکشورهای مجاور ایران مانند خاك عثمانی وروسیه وهندوستان هجرت میکردند وهرکس وسیله می‌داشت یا تبعه ویا تحت‌الحمایهٔ دولت بیگانه‌ای می‌شد تا بدین وسیله خود وکسان ودارایی خود را حفظ کند .

بهمین‌جهت اصلاحات اداری راکه درزمان شاهنشاه پهلوی شد باید اهمیت بسیارداد . یکی ازمراحل این اصلاحات استحکام مبانی مشروطیت وحکومت‌ملی بود. مشروطیت درایران در۱۳۲٤ قمری برقرارشد وتاپایان دورهٔ سلطنت قاجارها بیست سال ازآن می‌گذشت .

مشروطیت ایران درنخستین‌گام با مخالفت سخت دربار روبروشد وهنوز دو سال ازآن تاریخ نگذشته بودکه مجلس را بتوپ بستند ومشروطیت را تعطیل‌کردند و

پس ازآن یك سال مجلس درکارنبود . با آنکه ازآن ببعد دیگرظاهرا مخالفی برای تشکیل مجلس نبود همواره ادوارقانونگذاری درمواقعیکه لازم می‌بود تشکیل نمی‌یافت وکرارا وقفه‌هاودوره‌های‌فترت پیش آمد چنانکه درمدت بیست سال ازپایان دورهٔ قاجارها تنها سه دورهٔ مجلس شورای ملی تا ۱۳۰۰ منعقد شد وده دورهٔ دیگر آن دردورهٔ زمامداری شاهنشاه پهلوی تشکیل یافته‌است .

ازآغاز تاپایان اسفندماه ۱۳۱۵ درمجلس ۱۲۸۶ قانون بتصویب رسیده وتنها ۸۲ قانون پیش از ۱۳۰۰ وضع شده و۱۲۰۴ قانون دردورهٔ شهریاری شاهنشاه پهلوی ازمجلس گذشته است .

درسراسراین دوره از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ده دورهٔ مجلس مرتبا پی درپی تشکیل شده وهیچ دورهٔ فترت ووقفه‌ای پیش نیامده است .

گذشته از مجلس شورای‌ملی یکی از مظاهر مشروطیت انجمن های شهرداریست . هرچندکه قانونی بنام قانون بلدیه ازمجلس اول‌گذشت ودرهمان موقع انجمن‌های بلدی تشکیل‌یافت اما پس ازتعطیل مجلس اول دیگرانجمن بلدی درهیچ شهری تشکیل نشد تاآنکه دربن‌دوره‌در۱۳۰۹ قانون دیگری‌گذشت وازآن‌تاریخ‌همواره انجمن‌های شهرداری درهمهٔ شهرها تشکیل یافته‌است .

دردوران پهلوی‌که مجلس شورای ملی ایران مرتبا تشکیل یافته قوانین مهم بسیارازمجلس گذشته وآنها را اجری‌کرده‌اند وحال آنکه دردورهٔ پیشین اگرقانونی می‌گذشت تنها درروی‌کاغذ بود ودرموقع اجری رعایت همهٔ مقررات آنرا نمیکردند؛ زیراکه همهٔ مردم دربرابرآن مساوی نبودند . این قوانین بیشتربهانه‌ای دردست کارگزاران وادارات دولتی بودکه ازآن بهره‌جویی‌کنند واغراض خودرا پیش‌ببرند .

دربارهٔ استحکام مبانی مشروطیت این نکته را هم بایددرنظرگرفت‌که‌درمجلس اول‌انتخابات را صنفی‌کرده بودند باین معنی‌که درپایتخت هرصنفی نماینده‌ای ازخود انتخاب میکرد والبته نتیجه این می‌شدکه هرکس درآن صنف بیشترنفوذ داشت ویا ریاست آن صنف را داشت بمجلس می‌رفت . اعیان واشراف را هم جزو صنف بشمار آورده بودند وایشان هم درمجلس نماینده داشتند . درولایات حتی این ترتیب هم رعایت نمی‌شد وبهرشهری یا ناحیه‌ای یك یا چند نماینده داده بودند . سپس درمجلس دوم انتخابات را عمومی ومستقیم‌کردند ولی نتیجه این بودکه ملاکان وسرمایه‌داران و متنفذان هرمحل وروسای ایلات وسیلهٔ انتخاب خود ویاکسان خودرابدست‌کشاورزان وزیردستان عامی خود انتخاب میکردند ویاکسی‌راکه‌کاملا مطیع وهمدست وحتی‌وظیفه خوارشان‌بود بمجلس می‌فرستادند وببرخی‌ازایلات حق‌فرستادن نماینده بمجلس‌داده بودند . بدین‌گونه همان حکومت ملوك‌الطوایف وهمان حکومت ایلیاتی بصورت حکومت انتخابی درآمده بود ودرحقیقت مجلس شورای ملی عبارت بود ازهمان رؤسای ایلات ومتنفذان وملاکان یاکسان ودست نشاندگان ووظیفه خواران ایشان .

درضمن چون دولت درولایات قدرتی نداشت وبیشتر ازنواحی‌کشور مدتهابود که فرمان بردار مرکز نبودند حتی ازعهدهٔ دریافت مالیات هم برنمی‌آمد چه‌برسد باینکه

قوانین را با بی‌طرفی ومساوات کامل اجری کند وانگهی تازه اگرمی‌خواست قانون را اجری کند ماموری که فرستاده بود دراجرای آن کوتاهی می‌ورزید یا خیانت میکرد . درین دوره نه قانونی برای محاکمهٔ وزیران ونه قانونی برای محاکمهٔ کارگزاران دولت وجودداشت واین دوطایفه ازهربازخواست وبازپرسی یکسره معاف ومصون بودند . بهمین جهت قانون محاکمهٔ وزراکه درتیرماه ۱۳۰۷ گذشت وقانون جزای عمال دولت که دردیماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید هریك درحدخود اهمیت خاص داشته وازمهم‌ترین اصلاحات اداری بشماررفته‌اند .

نکتهٔ دیگراینست که کارگزاران دولت درکارخود دوام وبقا نداشتند وهیــچ قانونی حقوقشان را حفظ نمی‌کرد وعزل ونصب‌ایشان تابع مقررات مخصوص نبود و بسته بمیل این وآن بود . ناچارازیشان انتظارنمی‌رفت که بکارخود دل‌گرم وبآیندهٔ خود مطمئن باشند وتفاوتی درمیان خادم‌وخاین‌نبود . بهمین‌جهت قانون استخدام کشوری که در آذرماه ۱۳۰۱ بتصویب رسید و قانون استخدام قضاة که در اسفندماه ۱۳۰۶ وضع شد درراس اصلاحات اداری بود واوضاع ناگوارسابق‌را درهم نوردید. ازطرف دیگر قانون مجازات‌اختلاس که‌درآذرماه۱۳۰۶ گذشت وقانون‌مجازات‌ارتشا که‌درتیرماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید نیزقدمهای مهمی بودکه درراه اصلاحات اداری برداشته شد ودر تغییراوضاع سابق وتصفیهٔ اخلاق ماموران دولت ومنع نادرستی بسیارموثرشد.

گام دیگری که درین دوره درراه استحکام مبانی حکومت ملی برداشته شد این بودکه دردوره‌های سابق نمایندگان ملت همواره ازمقام خود وحق‌رایی‌که درانتخاب وزرا داشتند بهره‌جویی میکردند وبوسیلهٔ مقام وکالت میکوشیدند بوزارت یابکارهای مهم‌برگزیده شوند یا درخدمات دولتی ترقی‌کنند . درآن زمان معروف بود می‌گفتند «وکالت‌نردبان وزارتست» وبهمین‌جهت همواره درکارهای‌دولت اشکال تراشی‌میکردند ودولت را دروظایف خود آزاد نمی‌گذاشتند . ماموران دولت هم درنتیجهٔ ملاحظه‌ای که ازیشان داشتند ازخواهشها وتوقعهای بی‌حد وبی‌جای ایشان نمی‌توانستند شانه تهی‌کنند .

بهمین جهت درتیرماه ۱۳۰۶ قانونی‌گذشت‌که ماموران دولت را ازانتخاب شدن محروم‌کرد ودرضمن وکلا را ازقبول‌کارهای دولتی منع‌کرد . بدین‌گونه آن‌اوضاع دیرین درهم نوردیده شد وباین وسیله ادارات دولتی استقلال یافتند .

در نتیجهٔ وضع این قوانین کارگــزاران نادرست و رشوه خواران خود را در معرض محاکمه دیدند وتاسیس دیوان جزای عمال دولت وبرقراری‌هیئت‌های بازرسی واجرای قوانین وتعمیم آن برهمهٔ مردم‌کشور اصلاح مهمی درکار ادارات دولتی پیش آورد . بدین‌گونه ازیك‌سو ماموران دولت بوسیلهٔ قوانین ومقرارتیکه ایشان را درکار خود استوارمیکرد نسبت بآیندهٔ خود مطمئن شدند وبوسیلهٔ برقراری حقوق انتظار خدمت وبازنشستگی درکارخود پابرجا وثابت‌گشتند. ازسوی دیگر قوانینی‌که‌کارگزاران نادرست وراشی‌ومرتشی‌راکیفر می‌دادومحاکمی‌که مخصوصا برای این‌کار تشکیل شد خاین را از خیانت ترساند و خادم را بخدمت تشویق‌کــرد . ناچار در ایران اندیشه‌ای

پیدا شدکه سالیان دراز بود ازایران رخت‌بربسته بود وآن این بودکه‌خدمت‌کردن و درستکار بودن پاداش وخیانت‌کردن ونادرست بودن کیفردارد ، درصورتیکه پیش‌ازآن همه دراندیشهٔ آن بودندکه هرچه زودتر وهرچه بیشتربارخودرا ببندند وباین وآن متوسل بشوند تا زودتر بسرانجامی برسند وسرمایه‌ای فراهم‌کنندکه بدرد روز مبادا وروزگار بی‌کاری بخورد،یعنی آن روزی‌که زیردست‌ترومتنفذتری بمیان بیایدوکارشان را ازدستشان بگیرد واوهم بنوبت خود بهمین اصول رفتارکند تا دیگری گوی را از میدان برباید .

قدم مهم دیگری‌که درین دوره دراصلاحات اداری برداشته شد تقسیم ایران بده استان بود که هراستانی بچند شهرستان وهرشهرستانی بچند بخش وهربخش بچند دهستان تقسیم شد وهریك ازین چهارقسمت بیك مامورمسئول سپرده شد. بدین‌گونه ایران را بنابراوضاع جغرافیایی ومقتضیات طبیعی وسیاسی وغیره بنواحی معینی تقسیم‌کردند . پیش ازآن تقسیمات اداری ایران ترتیب معینی نداشت وبعضی نواحی بود که در حقیقت خود کشور پهناوری بشمار می رفت وسراسر آن‌سپرده بیك والی یا فرمانفرما بود که مطلقا ازعهدهٔ اداره‌کردن آن برنمی‌آمد واگرسالها درآنجا می‌ماند بهیچ وجه ازاحوال واوضاع آن ناحیهٔ پهناورآگاه نمی‌شد . تردیدی نیست‌که این وضع یادگار دوره‌های قدیم وحتی روزگارحکومت ملوك‌الطوایف وحکومت ایلیاتی بودکه مثلا سرزمین‌کردهاکردستان وسرزمین لرهالرستان باشد . برعکس‌گاهی ناحیهٔ بسیارکوچکی راهم بدلیلی‌که معلوم نبود مستقل‌کرده بودند . پیداست‌که با اصول‌سابق کسی نمی‌توانست وسایل رفاه وآسایش مردم نواحی مختلف را فراهم‌کند ودرآبادانی قسمت‌های‌کشور بکوشد وشکی نیست‌که هرچه تقسیمات‌کشوری‌کوچکتر باشد اداره کردن وآبادکردن وپاسبانی ازآن آسان‌ترست واین اصلاح را می‌توان ازاصلاحات اداری‌مهم دانست .

نکته‌بسیارمهمی که‌در اصلاحات اداری‌باید درنظرگرفت کوتاه‌شدن‌دست‌بیگانگان وبی‌نیازی‌ازمستشاران‌خارجیست،سابقاً اشاره رفت‌که‌دردورهٔ‌گذشته‌بیگانگان‌تاچه‌اندازه درکارها دخالت‌داشتند واگرخودنمی‌خواستند یانمی‌توانستنددست‌داشته‌باشندبدست مستشاران بیگانــه منافــع خود را تامین‌می‌کردند . تردیدی نیست که هر ملتــی که برشد رسیده باشد همهٔ کارهای خودرا خــود بدست می‌گیرد واز بیگــانه خود را بی‌نیاز می‌کند واین نکته رادردوران‌گذشته‌درمدت‌صد سال‌که نیازمندی بتمدن جدید را احساس کردند دولت ایران نتوانست‌تامین کند زیرا گذشته از ناتوانی دولــت بی‌اطلاعی کارگزاران و مسئولان امور مانع‌ازآن‌بودکه اوضاع اداری ایران بامقتضیات روزگار تطبیق کند . بهمین جهت «فرنگی» در ایران نفوذ واحترامی پیدا کرده بود کــه چون در سرکار بود نه تنها زیردستانش‌بلکه همهٔ افراد ازو پیروی و فرمان‌برداری می‌کردند . مثلا اگر رئیس مالیهٔ ولایتــی‌اروپایی یا امریکایی می‌بود مردم آن ناحیه مالیات را زودتر می‌پرداختند . قهراً رعب و هــراسی از فرنگی و مستشار فرنگی در

میان مردم‌پیدا شده‌بودکه یاازومیترسیدندو یا شرم می‌کردند و پیداست که همین وضع چگونه بیگانگان را بر اوضاع ایران‌مسلط‌کرده بود ودولتها نیزوجود مستشار را برای تامین نفوذ خود لازم میدانستند .تردیدی نیست که بااین اصول هرگزدولت ایران نمی‌توانست پاسبان همهٔ منافع‌مادی‌و معنوی کشور باشد و کارگزارانش رموز جدید ادارهٔ مملکت را فرا بگیرند و روزی‌از وجود بیگانه بی‌نیاز شوند . نظری‌بتاریخ دورهٔ پیشین نشان می‌دهد چگونه در مدت‌صدسال پی درپی مستشار بایران آورده بودند و هرگز ازیشان بی‌نیاز نشده‌بودندزیرا که هرگز هیچیك ازین مستشاران آن دلسوزی راکه کارگزاران دولتی می‌بایست داشته باشند نداشتند و البته چنین توقعی از بیگانه نمی‌توان داشت . ازطرف دیگر هیچیك آزیشان یك تن از زیردستان خودرا تربیت‌نکرده بود تاروزی‌بتواند جانشین او بشود زیرا که البته صلاح و صرفهٔ هرمستشاری در آن بود که‌همیشه بوجود او محتاج باشند . بهمین جهت بود که درین چند سال تقریباً ازهمهٔ‌کشورهای اروپا و امریکا از فرانسه و انگلستان و آلمان وروسیه و بلژیك وایتالیاو اتریش وسوئد و دانمارك وسویس و هلند و دول متحدهٔ امریکا و غیره مستشار بایران آوردند وحتی فرماندهی قسمت‌های مختلف ارتش ایران را بافسران بیگانه سپردند .

بهمین جهت یکی از مهم‌ترین مراحل‌اصلاحات اداری رادرین دوره بی‌نیازی از وجود کارگزاران و مستشاران بیگانه‌باید دانست و ارتش ومالیه وگمرك و پست و تلگراف و صنایع وراه‌آهن وژاندارمری‌و شهربانی بکلی از وجود بیگانگان بی‌نیاز شد و نه تنها هیچ خللی بکار وارد نیامد بلکه کارهای کشور بمراتب بهتر از دوره‌ای که مستشاران درسرکار بودند پیش رفت.

اصلاحات قضایی

در دورهٔ استیلای قاجارها برایران‌عدالت درایران چنان نایاب بود و مردم کشور چنان در آرزوی عدالت بودند که چون اندکی بیدار شدند و بحقوق خود پی‌بردند در روزهای نخستین انقلاب‌خواستار «عدالتخانه» بودند و پیش از آنکه بفواید حکومت مشروطه پی ببرنددرخواستی جز عدالت نداشتند.

در زمان هخامنشیان که دولت‌ایران‌متمدن‌ترین دولت آنروزگار بود همواره پادشاهان بزرگ ایران بداد پروری معروف بودند و با رعایای شاهنشاهی پهناور خود که قسمت عمده از دنیای‌آن روز را فرا می‌گرفت با کمال عدل وداد رفتار می‌کردند. در دورهٔ ساسانیان نیزتوجه خاصی نسبت بدادگستری وداوری داشته‌اند و مؤبدان که طبقهٔ تحصیل کردهٔ کشور را تشکیل می‌دادند مامور رسیدگی بشکایتهای مردم و انتشار عدالت بودند. از اسنادی که از دورهٔ ساسانیان باقی‌مانده کارنامهٔ‌اردشیر بابکان و کارنامهٔ خسرونوشین‌روانست و در آنها همه‌جا بداد ــ خواهی توصیه‌کرده‌اند. حتی در دورهٔ اسلامی خلفای عباسی اصول عدالت و قضاوت را از ایرانیان تقلید کردند. در دوره های اسلامی نیز پادشاهان ایران بعدالت‌پروری و انصاف معروف بوده‌اندو برخی ازیشان خود در روزهای معینی در جاهای عمومی مجلس مظالم تشکیل می‌دادند و مردم مستقیما بایشان رجوع می‌کردندودادخواهی می‌کردند. داستانهای‌بسیار درین‌زمینه درکتابها هست از آن جمله نوشته‌اند که امیر اسمعیل سامانی‌در زمستان وبرف و سرما در میدان‌عمومی می‌ایستاد ودادخواهان باورجوع میکردند. حتی ازکسانی که‌بیشتر اوقات خودرا در جنگها می‌گذراندند مانند محمود غزنوی‌توجه بعدالت را نقل کرده‌اند. وزیران بزرگ ایران مانند ابوالفضل بلعمی وعمیدالملك کندری و نظام‌الملك طوسی درین زمینه توجه خاصی داشته‌اند. سخن‌سرایان بزرگ ایران همه در آثار خود پادشاهان وکارگشایان را بدادگستری‌تشویق‌کرده‌اند و حتی پادشاهان مغول را که بیگانه بوده‌اند بدین‌کار برانگیخته‌اند.

در زمان صفویه سازمان وسیعی درایران بوده وروحانیان را بدرجات‌ومناصب چند تقسیم کرده بودند و در هر ناحیه‌یك عده قاضی و مفتی مامور رسیدگی بنیازمندیهای مردم و رفع ظلم و بیدادبودند. پس از ضعف صفویه در دورهٔ آشفتگی که نزدیك دویست سال کشیدکم‌کم‌این اصول قدیمی متروك شد و روحانیان از اختیارات خود بهره‌جویی کردند و همهٔ‌کوشش خود را بجلب نفع خود متوجه ساختند و احکام ناسخ و منسوخ و تجاوزبحقوق مردم دامنهٔ وسیع یافت وکاربجایی رسید که پیش از دورهٔ مشروطیت اگرهم‌از دستبرد کارگزاران دیوان چیزی برای

مردم می‌ماند تازه دستخوش آز و طمع روحانیان بود که قوهٔ قضایی را در دست داشتند ، چنانکه سبب عمدهٔ انقلاب ۱۳۲٤ قمری و جنبش مشروطیت این بود که مردم از گوشه و کنار عدالت می‌خواستندودرگام نخست بهیچ‌وجه نامی ازمشروطیت نبود و چنانکه پیش ازین اشارت رفت‌مردم« عدالت‌خانه » میخواستند و همه درین درخواست هم‌آهنگ بودند .

در دورهٔ مشروطیت دادگستری بسیار ناقص تشکیل‌داده بودند و درظاهر محاکم و دادگاههایی بود اما درحقیقت عدالتی درمیان نبود چه اولا عدلیه را نتوانسته بودند از نفوذ روحانیان نجات‌دهند و عده‌ای از همانها را بعنوان قاضی برکرسی نشانده بودند و حتی در مجلس‌اول قانونی گذرانده بودند که پنج تن از « علمای طراز اول » در مجلس باشند وهر قانونی تا ایشان آنرا نپذیرفته‌اند اعتبار نداشته باشد . ثانیا نفوذ روسای محلی ومتنفذان و اعیان و اشراف کاملا در عدلیه پا برجا بود وایشان چه مستقیما و چه بوسیلهٔ وکلایی که در مجلس شورای ملی گماشتگانشان بودند ریاست دادگستری‌رابرای کسی که فرمان بردارشان باشد می‌گرفتند . تازه اگر قاضی حکمی میدادو محکمه رای خود را اظهار می‌کرد آن‌حکم اجری نمی‌شد چنانکه‌درموقع انحلال‌عدلیه‌درسال ۱۳۰۵ معلوم شد بیست ویك‌هزار از دعاوی مردم درعدلیه مانده و کسی‌بآنهارسیدگی نکرده و اگر هم رسیده بود اجری نشده بود . همین اوضاع ببیگانگان حق‌می‌داد که حق کاپیتولاسیون برای خودقائل شوند و بهیچ‌وجه بدادگستری ایران تن‌در ندهند و اتباع خود را از رجوع به دادگاههای ایران باز دارند و محاکم‌مخصوصی در وزارت امور خارجه تشکیل می‌شدکه باحضور نمایندهٔ رسمی آن‌دولت‌بیگانه رسیدگی می‌کرد . مرتضی‌قلی‌خان صنیع‌الدوله وزیر مالیه را در وسط روزدر مرکز شهر تهران کشتند و چون قاتل او تبعهٔ دولت تساری بود قصاص ندید .

پیش ازین باختصار اشاره رفت که ظاهراً از سه دورهٔ قانون‌گذاری قوانینی گذشته بودکه تنها در روی کاغذ بود وکسی‌بآن رفتار نمی‌کرد و اگر هم رفتار میکردند بیشتر برای آن بود که بسود خود اقدام‌کنند . ناچار قوانین دادگستری نیز همین حال را داشت و از هر حیث ناقص بود وقوانین اساسی‌مهم که تکلیف مردم را معلوم کند ورعایت حقوق مردم را در آن کرده‌باشند وضع نشده بود ، چنانکه قانون‌مدنی وقانون‌جزای‌عرفی‌که‌اساس‌زندگی‌مردمست‌نوشته نشده بود و هرگز مجلس جرات نکرده بود از ترس نفوذ روحانیان نامی ازقوانین مدنی و عرفی ببرد و اگر محکمه‌ای در زمینه‌ای رایی می‌داد ممکن بود حاکم‌شرعی رایی دیگر بدهد و آن حکم محکمه را باطل کند و برخلاف آن رأی بدهد ، چنانکه نظایر آن در آن دوره بسیار دیده شده است .

درنتیجهٔ این اوضاع حقوق مردم‌که‌اساس‌تمدن روی‌آن‌گذاشته شده‌دستخوش هوی و هوس این و آن بود و روحانیانی‌که‌دستبرد می‌رساندند کسی بازخواست ازیشان نمی‌کرد. سابقا هم اشاره رفت‌که‌ماموران دولت و وزیران مسئول نیزمورد بازخواست نبودند و هیچ محکمه‌ای‌نمی‌توانست‌ایشان‌را محاکمه کند. پیداست

که باچنین وضعی عدالت درمیان نبود وتنها بهانه‌ای بود که مردم ناتوان و بی‌کس رامحکوم کنند چنانکه در آن موقع این‌گونه‌مردم همیشه می‌گفتند « عدلیه برای ما بیچارگانست » .

وضع محاکم باندازه‌ای ننگین بود که مکرر مرافعات بیست ساله و بیست و پنج ساله پیش آمده است ، یعنی در مدت‌بیست سال و بیست و پنج سال قضاة نتوانسته‌اند و یا نخواسته‌اند و جرات‌نکرده‌اند تکلیف را معلوم کنند و رای خود را بدهند . در آن زمان در روزنامها مردم‌مکرراز دادگستری می‌نالیـدند و اعلان منتشر می‌کردند و مرافعات و ادعاهای‌خود را در روزنامه درج می‌کردند . ازآن جمله در آن دوره برخی مرافعات بود کـه حکـم تاریخ را پیدا کرده بود واز بس در روزنامها و محافل از آن بحث کرده بودندو بر سر بازارها طرح کرده بودند جـزو مسایل دولتی و سیاست کشور شده بودمانند موضوع شرکت عمومی یا موضوع ممسنی و جزیرهٔ هرمز و معادن خاك‌سرخ‌و مالکیت برخی از املاك که حتی سبب عزل و نصب وزرا و یا بر سر کار آمدن واز کار افتادن دولتها می‌شد و کتابها و رساله‌های متعدد دربارهٔآنهاچاپ‌کرده‌اند . کار عدلیه باندازه‌ای تباه شده بود که همهٔ ماجری‌جویان و هوچیان معروف آن زمان‌و گوش‌بران و کلاه‌برداران یا مدعی بودند و یاوکیل مرافعه و یاکارچاق‌کن‌دادگستری‌و راستی‌کار بجایی رسیده بود که هرکس نمی‌توانست سرگردنه را بگیرد ودل وجرات این کار را نداشت در عدلیه دست وپا پی برای خود می‌کرد و مردم برای این‌گونه وکیلان دادگستری اصلاحی وضع کرده بودند و ایشان را «شرخر» می‌نامیدند .

وضع محاکمات جنایی از محاکمات‌حقوقی هم ننگین‌تر بود . می‌تـوان گفت درین‌دوره محاکمات جنایی اصلا وجود نداشت و نه‌تنها دزدان و راهزنان و اشرار معروف درکار خود کاملا آزاد بودند و درسراسر این دوره یك دزد و راهزن را محاکمه نکردندبلکه‌هرمغرض وماجری‌جویی‌نیز درکار خود آزاد بود . درین دوره بارها کمیته‌های ترور و آدم‌کشی در شهر هـای‌مختلف در روز روشن تنها بهوی وهوس این و آن مردم را کشته‌اند و تاریخ این‌دوره پرازین‌گونه وقایع ناگوارست و هرگز درصدد کشف آن برنیامده‌اند و گاهـی‌ماموران شهربانی نیز با آنها همدسـت بوده‌اند . اگر هم اتفاقا کشف شده تازه‌کسی را بمجازات نرسانیده‌اند و بلکـه برعکس بی‌اعتنایی و بی‌قیدی دولت این‌جنایت‌کاران را گستاخ‌تر کرده است . چنانکه در تمام این مدت تنها در سال اول‌مشروطیت یك دفعه یك محاکمه جنایـی تشکیل شد و قاتلان فریدون زردشتی ازبازرگانان تهران را محاکمه می‌کردند و گفتند که چون مقتول زردشتی و قاتل‌مسلمان بوده قصاص منحصر بآنست که قاتل را چوب ببندند و چند تازیانه بزنند.پس‌ازآن دیگر درایران پیش نیامد که جانی و قاتلی را مجازات کنند و چند تن را که‌بدار زدند برای پیشرفت مقاصد سیاسی بود یا کسانی بودند که در راهزنی‌های خودباجی را که می‌بایست نداده بودند .

بدین‌گونه اصلاح عدلیهٔ ایران‌وتاسیس‌دادگستری با اصول جدید و اصلاحـات

قضایی در راس کارهای مهمی بود که درین‌دوره بپایان رسید و در اواخر سال ۱۳۰۵ عدلیهٔ قدیم منحل شد و پس از چندی‌دوباره بااصول جدید دادگاه‌هایی باعضویت قضاتی که شرایط پیشین دریشان نبود در۱٦ اردی‌بهشت ماه ۱۳۰٦ تشکیل یافت و سازمان جدید آن در همهٔ شهرها گسترده‌شد و چنانکه پیش ازین اشاره رفت‌قوانین مهمی دربارهٔ محاکمهٔ وزیران و کارگزاران‌دولت بتصویب رسید و باجری گذاشته شد . بدین‌گونه از هر حیث امنیت قضایی‌برای مردم ایران از هر طبقه فراهم آمد و بریشان ثابت شد که آن اصول دیرین‌درهم نوردیده شده و مفهوم حقیقی و واقعی دادگستری فراهم آمده است .

نکتهٔ مهم دیگری‌که‌درضمن اصلاحات‌قضایی و سازمان دادگستری نوین باید متوجه آن بود تأسیس ادارهٔ ثبت اسناد واملاك درکشوربست‌زیراکه‌یگانه راه‌تشخیص حق هرکس‌واحترام بحقوق مردم‌همینست‌و پیش‌ازآن چنانکه اشاره رفت وسیله‌ای برای حفظ حق مردم در میان نبود وهرکس هرچه داشت دستخوش حرص و آز این و آن بود و هر دم ممکن بود متنفـذورمندی بانواع وسایل آنرا از دست وی بیرون بیاورد . ثبت در محاضر شرع هم‌بهیچ وجه وسیله و وثیقهٔ مطمئن بشمار نمی‌رفت ، زیرا که احکام ناسخ ومنسوخ‌هیچ حد و قاعده نداشت ومکرر دیده شده است که چند تن سند مالکیت همان ملك‌را در دست داشته‌اند که نه تنها چندحاکم شرع صادر کرده بودند بلکه گاهی همهٔ آن‌اسناد متضاد را یك تن نوشته بود ومعلوم نمی‌شد مالك حقیقی کیست . بهمین‌جهت‌چنانکه درکشورهای متمدن معمول شده بود می‌بایست در ایران هم یك ادارهٔ‌رسمی‌تابع وزارت دادگستری برای تشخیص حق مردم باشد که املاك و مستغلات را دردفترهای آن ثبت‌کنند و مالك حقیقی بدین وسیله شناخته شود و حقوق وی ازتصرف‌دیگران مصون باشد و هیچ‌کس حق‌دیگری را نرباید . بدین‌گونه تشکیل ثبت اسناد رادر ایران از مهم‌ترین مراحل اصلاحات قضایی باید دانست و رشد مدنی‌وسیاسی‌ایران را درین دوره می‌رساند .

البته پس‌از تأسیس این اداره می‌بایست ترتیبی هم در ثبت معاملات و دادوستدهای مردم بدهند تا هر معامله‌ای‌در دفتری‌رسمی و معتبر ثبت شود و با اصول معین قانونی صورت بگیرد ، تا هم‌اعتبار معامله در آن محرز باشد وهم دولت دراجرای آن‌ورعایت شرایط آن‌نظر داشته‌باشد و آنرا ضمانت کند و هم هنگام‌مرافعه کسی‌که حق‌داردسندقطعی دردست داشته‌باشد وبدین‌گونه دادرسی آسان و مطمئن باشد . البته این‌ترتیب بامحضر های‌شرعی‌که اساس پابرجایی نداشت و از کارهای یك دیگر خبـر نداشتند ودولت نیز ازکارشان بی‌خبر بود و نمی‌توانست در آن نظارت کند و احکام آنها کم‌کم از اعتبارافتاده بود و قهرا مردم دیگر بآنها اعتماد نداشتند سر نمی‌گرفت . زیرا این ترتیب‌دیگر پایدار نبود و نمی‌توانستند آن احکام را اجری‌کنند ودادگاه ها همیشه درزحمت‌و مردد بودند . پس ناچار می‌بایست دفتر های رسمی برای ثبت معاملات و زناشویی‌و طلاق و خرید و فروش و بخشش واجاره و این‌گونه‌کارها چنانکه در کشورهای‌متمدن‌جهان تاسیس‌کرده‌اند درایران نیز تشکیل شود و بهمین جهت دفتر های رسمی تاسیس شد .

درین زمینه گام بسیار بزرگی که برداشته شده است وسایلیست که برای تنظیم امور شخصی و خانوادگیست که‌مخصوصا در تصفیهٔ اخلاق و حفظ‌حیثیت خانواده و تربیت خانوادگی و ترتیب ارث‌اهمیت بسیار داشته است. در ایران‌سالیان دراز ازین نکته غفلت کرده بودند و ترتیب‌درستی درین‌کار نبود. ازآن جمله موضوع ازدواج و طلاق که دقت لازم را در آن‌نمی‌کردند نابسامانی های بسیار در خانواده‌ها فراهم‌می‌کرد و بهره‌جویی ازآن‌می‌کردند. این مفاسد یادگار دوران‌آشفتگی و پریشانی اوضاع بود و قهرا می‌بایست‌روزی در رفع آن بکوشند. بهمین جهت درین دوره یك رشته قوانین درین زمینه‌وضع شد و ترتیبی درین‌کار دادند. دربارهٔ طلاق نیز می‌بایست شرایطی فراهم کنندکه دشواریهای سابق را از میان ببرد. نیز حداقل ازدواج را در قانون معین‌کردند تا از حد نصاب و رشد طبیعی کمتر نباشد و معاینهٔ صحی پیش از ازدواج نیزمقرر شد که فواید آن حاجت ببحث ندارد. بدین‌گونه دفترهای‌مخصوصی برای‌ازدواج و طلاق در سراسر کشور تشکیل یافت و مشکلاتی‌که قرنها درمیان بود بدین وسیله‌ازمیان رفت و اصولی که با تمدن امروزی جهان مطابق باشد برقرار شد. پیداست‌که‌بهمین وسیله چه اصلاح اجتماعی واخلاقی و مدنی درجامعهٔ ایران راه یافت.

درمیان قوانین بسیار مهمی که درین‌دوره بتصویب رسیده است قانون مدنی اهمیت خاصی دارد. پیداست داشتن‌قانونی که تکلیف همهٔ افراد جامعه را در زندگی اجتماعی و روابط با یك دیگر معلوم‌کند چگونه جزو ضروریات هر ملت متمدنیست. قانون مدنی حقوق و وظایف‌افراد را معلوم می‌کند و مسایل مهم ازدواج و طلاق و ارث و معاملات و مشاغل وجزآن را معلوم می‌کند و نمایندهٔ رشد هر جامعه است. شکی نیست که تنها امتیازملت متمدن از ملت وحشی داشتن این‌گونه قانونهای اجتماعی و مدنی و عرفیست. درتمام مدتی که پیش ازین دوره حکومت مشروطه برقرار بوده و دستگاه قانون‌گذاری‌وجود داشته‌است نفوذهای گوناگون و منافع برخی از طبقات جامعه و مداخلهٔ‌عناصر مختلف و اوضاعی که شرح آن بسیار مفصل خواهد شد مانع بوده است‌که‌قانون‌گذاران بوضع‌چنین قوانینی جرات کنند ودولت‌هم جرات آن‌را داشته باشدکه‌پیشنهاد کند و حتی جرات نداشته‌اندنامی از آن ببرند. چنانکه در ۱۲۹۵ قانون‌بسیارمعتدلی بنام قانون جزای عرفی هیئت وزیران تصویب کرد که هرگز اجری نشد، بمحض آنکه این خبر انتشار یافت همهمهٔ شگفتی از گوشه و کنار برخاست‌وسرانجام‌آن قانون را نادیده و ناشنیده گرفتند. فهرست مهم‌ترین قوانینی که درین دوران‌از ده دورهٔ قانون گذاری گذشته است بدین‌گونه‌است:

قانون هیئت منصفه که در ۱۰ آذرماه ۱۳۰۱ تصویب شد و در ۲۹اردیبهشت ۱۳۱۰ آنرا اصلاح کردند یکی از قدمهای‌بزرگیست که دراصلاحات‌قضایی برداشته شده است.

قانون علامات صنعتی و تجارتی که در ۹ فروردین ۱۳۰٤ وضع شده و در حفظ حقوق و مالکیت مردم اهمیت بسیاردارد.

قانون سجل احوال که در ۱٤ خرد‌اد ۱۳۰٤ بتصویب رسید و در ۲۰ امرداد ۱۳۰۷ اصلاح شد ودر ۱۱ آذر ۱۳۱۰ باردیگر آنرا اصلاح کردند.

قانون استخدام قضاة و صاحب‌منصبان پارکه و مباشران ثبت اسناد که در ۲۸ اسفند ماه ۱۳۰۸ وضع شده‌است .

قانون‌حکمیت که در ۲۹ اسفند ۱۳۰٦ بتصویب مجلس رسید و در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۰۸ اصلاح شد .

قانون تعیین مرجع دعاوی بین افرادو دولت که در ۱۹ اردی‌بهشت ۱۳۰۸ وضع شد و در ۱۳ آبان ۱۳۰۹ اصلاح شد .

قانون اصول تشکیلات عدلیه که در۲۷ تیرماه ۱۳۰۷ تصویب شد و در ۷ آبان ۱۳۱۵ اصلاح کردند.

قانون محاکمات نظامی که در ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید .

قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌کنند در ۳ امرداد ۱۳۰۷ تصویب شد .

قانون دفترهای اسناد رسمی در۱۳ بهمن ۱۳۰۷ .

قانون مجازات راجع بانتقال مال غیر در ۵ فروردین ۱۳۰۸ .

قانون محاکم شرع که در ۱٤ خرداد۱۳۰۸ بتصویب رسید و در ۹ آذر ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون مرور زمان در ۲ تیرماه ۱۳۰۸ .

قانون شهادت و امارات در ۲۳ تیر ماه ۱۳۰۸

قانون تابعیت که در ۱٦ شهریور ۱۳۰۸ وضع شد و در ۲۹ مهر ۱۳۰۹ متمم آن بتصویب رسید .

قانون ثبت اسناد و املاك که در ۱۱ مهر ۱۳۰۸ وضع شد و یك‌بار در ۲۱بهمن ۱۳۰۸ و بار دیگر در ۲٦ اسفند ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون تامین مدعی به در ۲٦ اسفند۱۳۰۸

قانون طرز جلوگیری از تصـرفات‌عدوانی در ٤ اردی‌بهشت ۱۳۰۹ .

قانون تسریع محاکمات در ۳ تیرماه۱۰۳۹ .

قانون تعاون قضایی در ۲٤ تیر ماه ۱۳۰۹ .

قانون مامورین صلح در۲٤ تیر ماه ۱۳۰۹ .

قانون محاکمات جنایی در اول‌امردادماه ۱۳۰۹ .

قانون تصدیق انحصار وراثت که در ۱٤ مهر ماه ۱۳۰۹ وضع شد و در ۲۷ تیرماه ۱۳۱۳ اصلاح شد .

قانون مجازات قطاع‌الطریق که در ۹خرداد ۱۳۰۰ بتصویب رسید و در ٦ آذر ۱۳۱۰ اصلاح شد .

قانون مجازات مقدمین برعلیه امنیت‌واستقـلال مملکت در ۲۲ خرداد ۱۳۱۰

قانون مجازات مجرمین در امورنظام‌وظیفه در ۲۳ امرداد ۱۳۱۰

قانون انکار زوجیت در ۲۰ اردی‌بهشت ۱۳۱۱ .

قانون ثبت شرکتها در ۲ خرداد ۱۳۱۰ .
قانون ثبت علائم و اختراعات دراول تیر ۱۳۱۰ .
قانون ازدواج در ۲۳ امرداد ماه ۱۳۱۰ .
قانون اعسار و افلاس در ۲۵ آبان ۱۳۱۰ .
قانون تجارت در ۱۳ اردی‌بهشت ۱۳۱۱ .
قانون اوزان و مقیاسها در ۱۸ دیماه ۱۳۱۱ .
قانون اموال بی‌صاحب در ۱٦ اردی‌بهشت ۱۳۱۳ .
قانون مدنی که از ٦ بهمن ۱۳۱۳ تا ۲۰ فروردین ۱۳۱٤ تدریجا تصویب شده و سپس در اول مهرماه ۱۳۱٤ و ۸ آبانماه ۱۳۱٤ بقیهٔ آن بتصویب رسیده است .
قانون وکالت که در ۲۰ شهریور ۱۳۱٤ بتصویب رسیده و در ۵ و ۲ بهمن ۱۳۱۵ اصلاح شده‌است .
قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری در ۲۸ دیماه ۱۳۱٤ .
قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در ۲۹ آذر ۱۳۱۵ .

ازین فهرست مختصر پیداست که در چهارده سال ونیم ازین دوره چهل قانون مهم که هر یك در اصلاح اوضاع ایران درزمینه‌های مختلف منتهای اهمیت و لزوم را داشته و قانون‌گذاران سابق مطلقا ازآنها غافل بوده‌اند و اوضاع پریشان آن روزگار مانع از وضع آنها شده است بتصویب رسیده و بموقع اجری گذاشته‌اند. مهم‌ترین قوانینی که برای اصلاح اوضاع ایران لازم بود تا ۲۹ آذرماه ۱۳۱۵ وضع شد و از آن پس دستگاه قانون‌گذاری مشغول وضع قوانین فرعی یا تکمیل و توضیح قوانین سابق بود .

این فهرست بهترین دلیلست که درین دورهٔ فرخنده چه گامهای بلند در راه ترقی ایران برداشته‌اند و از هر حیث وسایل رشد اخلاقی و سیاسی ایرانیان فراهم آمده و ملت ایران دارای همان قوانین وهمان اصول قضایی و حقوقی که همهٔ ملل متمدن جهان دارند شده‌است .

اصلاحات اجتماعی

یکی از جنبه‌های مهم اصلاحاتی که شاهنشاه پهلوی در دورهٔ شهریاری خود کرده است اصلاحات اجتماعیست که فصل مهمی در تاریخ ایران گشوده و همیشه در زندگی ایران موثر خواهد بود . البته تاریخ بشر از حیث مردان بزرگی که کارهایی از پیش برده‌اند و بنیادهایی در تمدنها گذاشته‌اند چندان تهی دست نیست وتاریخ ایران قطعا بر تاریخ کشورهای دیگر جهان ازین حیث برتری دارد . شکی نیست که در هر عصر و زمانی مردان بزرگی درایران زیسته‌اند که آثار مادی و معنوی ایشان قرنها پایدار مانده‌است . بزرگان ایران درهر زمینه‌ای از تمدن مادی و معنوی جهان آثاری جاودانی گذاشته‌اند. در هررشته و در هر علم و فن که بنگریم بنام يك عده از ایرانیان برمی‌خوریم که قسمت‌عمده پیشرفت‌های آن فن از ایشانست . بهمین جهت می‌توان گفت ایرانی عادت‌دارداز وجود بزرگان دیار خود برخوردار شود و ازین سرچشمهٔ فیض سرمدی متنعم گردد . پس خاصیتی در نژاد ایرانی هست که از آغاز تاریخ بدان خو گرفته است وآن اینست که قدر و پایهٔ بزرگان کشور خود را می‌داند .

این نکته را هم باید درنظر داشت که‌درمیان بزرگان جهان بیشتر کسانی‌بوده‌اند که در فنی مخصوص و رشته‌ای خاص‌کارمهمی از پیش برده‌اند ، یعنی تنها در فن خود تسلط فوق‌العاده داشته‌اند و آدمی‌زادگان را رهین انکشاف یا اختراع و یا سرمشق بزرگی‌کرده‌اند و بهمین جهت‌مقام‌بلندی را در جهان بدست آورده‌اند و پرتو خاصی بر تاریخ روزگار خود افکنده‌اند .دربرابر ایشان عده‌ای معدود از بزرگان هستند که نوابغ جهانگیر بوده‌اند . یعنی‌کسانی که اختصاص بدورهٔ معین و ناحیهٔ محدودی و فن مشخصی نداشته‌اند وچنان‌کار مهمی‌ازپیش‌برده‌اندکه‌همهٔ آدمی‌زادگان در هر عصر و زمانی ازآن بهره‌مند شده‌اندو آثار آن همواره درجهان مانده است .

شمارهٔ این‌نوابغ جهانگیر کمست‌وبرای رسیدن بدین مقام روح بسیاربزرگی می‌خواهد که مسلط برهمه شئون زندگانی‌باشد و در رشته‌ها و زمینه‌های متعدد قوهٔ ابتکار و اختراع در آن باشد و بهمین‌جهتست که شمارهٔ ایشان بسیار کمست .

عدهٔ‌دیگر ازمردان بزرگ مؤسسان‌تمدنها و تجددها در زندگی هستند و بنیاد نوینی در زندگی اجتماعی گذاشته‌اند . درایران تاکنون پنج تن ازین بنیادگذاران داشته‌ایم: یکی کورش بزرگ ، دوم اردشیر بابکان ، سوم امیراسمعیل سامانی ، چهارم عضدالدولهٔ دیلمی و پنجم شاه‌اسمعیل صفوی که هر يك اساس تمدنی در ایران گذاشته‌اند و در بسیاری از مظاهر زندگی‌آثاری ازیشان مانده است وتاقرنها خواهد ماند . این مردان بزرگ روش زندگی راتغییر داده و جریان تاریخ را دگرگون کرده‌اند . بهمین جهت درمیان اصلاحاتی‌که درهرکشوری می‌شوداصلاحات‌اجتماعی

در راس همه کارهاست و مرد بزرگ آن‌کسیست که طرز فکر جامعه و جزئیات زندگی مردم را تغییر دهد و در همهٔشئون‌بهبودی فراهم سازد وبنیادی در زندگی بگذارد که همه چیز آن با آنچه بوده است فرق داشته باشد و نه تنها در کلیات بلکه در جزییات زندگی نیز اصلاحات کند ۰ این‌اساس باید زوال و انقراض دورهٔ گذشته‌را جبران کند و دوره مجد و عظمتی فراهم‌آورد ۰ بدین جهتست که باید اصلاحات اجتماعی شاهنشاه پهلوی را از مهم‌ترین‌مراحل دوره شهریاری وی دانست ۰

برای اینکه خوانندگان درست باهمیت این اصلاحات اجتماعی پی ببرند لازمست که اوضاع اجتماعی ایران را دردورهٔ استیلای قاجار ها بدانند ۰ شواهد بسیار هست‌که جامعهٔ ایران‌دردورهٔگذشته‌دوچار منتهی درجه ذلت وخواری و فساد و زبونی شده بود که لازمهٔ هر انقراضست‌و همیشه در مواقع دشوار و باریك تاریخ پیش از زوال دیده می‌شود ۰ بسیاری ازمامسد اخلاقی نتیجهٔ سالها پریشانی و آشفتگی و ناامنی و ناتوانی بود ۰ نیروی‌مادی و معنوی از دست رفته بود و دلیری و دلاوری در هیچ کاری دیده نمی‌شد .مردم برای هیچ چیز نشاط و سروری را لازمهٔ زندگیست نداشتند و در همه‌کاربی‌قید بودند ۰ دویست سال‌جنگهای خانگی و نفاق‌و دوگانگی و ناامنی شبانروزی وگرفتار متنفذان و راهزنان و ستمگران و کارگزاران غارتگر دولت بودن درهای فرج‌را از هرسو بسته و هرآرزویی را ازمیان برده بود ۰ مداخلات بیگانگان عزت نفس راکه یکی از شریف‌ترین‌خصال آدمیست نابود کرده بود و در نتیجهٔ این پریشانیها و درضمن تعلیمات زیان بخش دورویی و تزویر در همه‌جا رخنه افگنده بود و آن دلاوری ودلیری که لازمهٔ ملت زنده است وبزرگترین حوادث تاریخ را فراهم کرده و ایرانیان‌بارها آنرا ببهترین‌وجهی نمودار کرده‌بودند از ایران یکسره رخت بربسته بود ۰ بهمین‌جهت یك سلسله اصلاحات اجتماعی در ایران کمال ضرورت را داشت و مقدم برهراصلاح دیگری بود .شك نیست‌که ویرانی هردیاری بسته بروحیات مردم‌آن دیاراست‌و مادیات همیشه تابع فکر واندیشه است ۰ هرجاکه اندیشه ناتوان‌گردد مادیات هم روبتباهی می‌گذارد و بهمین جهت در چنین مواردی اصلاحات معنوی‌وفکری واجتماعی‌برهر اصلاح‌دیگر باید مقدم‌باشد ، زیرا هر چه در آبادی و عمران بکنند تا مردمی بدان درجه از رشد و شایستگی نرسیده باشند که قدر آنرا بدانند و آنرا نگاه‌بدارندآن اساس مادی استوار نخواهد ماند و هرچه بسازند در اندك زمانی بباد ویرانی‌می‌رود. بدین‌جهات مصلحان بزرگ وپدید آورندگان تمدنها وشرایع‌اصلاحات‌اجتماعی‌را برهرکاری مقدم دانسته‌اند و نخست افکار و اخلاق را اصلاح‌کرده‌اند و پس ازآن بسراغ مادیات رفته‌اند ۰ دزین دوره نیز اصلاحات معنوی و اجتماعی گوناگون درایران شده است که هریك درحد خود اهمیت خاصی‌دارد وجای‌آن دارد که‌آنهارادر راس پیشرفت های ایران در دوران پهلوی بدانیم ۰

پیش‌ازاین اشاره رفت‌که اصلاح وضع خانواده و ازدواج و طلاق را باید از هرچیزمهم‌تر دانست زیراکه‌جامعه همواره‌از خانواده‌ها تشکیل می‌شود و جامعهٔ برومند آنست‌که خانواده درآن مقدس ومحترم و خلل‌ناپذیر باشد و یگانگی و اتحاد



مطلق درمیان افرادآن برقرارگردد .

علمای جامعه‌شناس گفته‌اندکه‌خانواده‌وطن کوچکیست یعنی افراد در خانواده درس وطن پرستی می‌گیرنـد و وطن ازخانواده‌ها تشکیل می‌شود و هرکس در خانواده وطن خود را نشناسد پی بعظمت‌آن نخواهد برد ، زیرا تردیدی نیست که هرکس خانوادهٔ خود را دوست نـداشته‌باشد وطن خودراهم دوست نخواهدداشت. درایران در نتیجهٔ تعدد زوجات و زنهای‌متعه (صیغه) وعقدی وطلاقهای بی‌مورد وجابرانه اتحاد و اتفاق از میان افرادخانواده رفته بود و یگانگی و پیوستگی‌که لازمهٔ هرجامعهٔ قوی و ملت برومندیست‌بمرور زمان رخت بـربسته بود . افراد خانواده نسبت بیك‌دیگر بیگانه وبی‌قید وحتی دشمن یك دیگر بودند و پدر نیز از همسران متعدد و فرزندانی‌که ازچند مادربودند بیگانه بود و قهرا تربیت خانوادگی که پایهٔ تربیت ملیست وجود نداشت . درضمن اصلاحات اجتماعی می‌بایست‌باصلاح خانواده و تشکیل‌خانواده‌های متحد ومتفق‌بپردازند و یگانه راه ایجاد خانواده های برومند این بود که حق طلاق راکه تنها باشوهر بود و شرط و قیدی در آن نبود محدود کنند و هردو طرف یعنی زن و مردرا در آن مساوی سازنـد و برای تعدد زوجات نیز قیود وشرایط دشواری برقرارکنندکه مانع از هوسرانی و تولید بدبختی و نفاق در میان خانواده‌ها باشد و این‌اصلاح اجتماعی مهم درین دوره بعمل آمد و این نکته درتاریخ اصلاحات این دوران‌اهمیت بسیار دارد .

دیگر از اصلاحات اجتماعی این دوره‌که آن نیز اهمیت فراوان دارد استحکام مبانی ملیت ایرانست . یکی از خصایص‌برجستهٔ ملت ایران همیشه این بوده است که از زمانهای بسیار قدیم و در روزگاری‌که هیچ ملت دیگری این احساسات را نداشته پایهٔ ملیت خودرا براساس بسیاراستواری گذاشته است و درتاریخ خود همیشه جنبش‌ها و قیامهای مردانه برای‌اخراج بیگانگان کرده است . اما در دورهٔ گذشته این حس مردی و مردانگی بسیارسست شده بود و درصدسال پیش‌ازین دوران یکسره از میان رفته و نابودگشته‌بود ، چنانکه تاریخ درین صد و سی سال استیلای قاجارها نشان می‌دهد . از آن‌گذشته در زمانهای اخیر ملیت در جهان مصداق دیگری پیداکرده بودکه ایرانیان‌بدان پی نبرده بودند . پیش ازآن وثیقهٔ ملیت اشتراك دین و زبان بود ، بهمین جهت‌جنگهای داخلی‌که ناشی از اختلاف دین بود درمیان مردمی‌که از یك نژاد بودند و یك‌زبان داشتند روی می‌داد و کرارا کشور را گرفتار اختلال و پریشانی می‌کرد . درجهان امروز ملیت عبارتست از اشتراك نژاد و افکار و آرزوهای بشری و فرهنگ ،یعنی همهٔ مردمی‌که ازیك نژاد و از یك‌اصل و ریشه‌اند ومانند یك دیگر فکر می‌کنند وآرزوها و امیدهای مشترك و احساسات و عواطف یکسان دارند از یك ملت بشمارمی‌روند و حق دارند سرزمینی مخصوص بخود داشته باشند و حکومت مستقلی‌بدلخواه خود تشکیل بدهند و در اختیار مقدرات خود آزاد ومجازباشند .آرزوهای‌ملی خودرا پیش ببرند و همهٔ افرادی که این شرایط را داشته باشند و این افکار وآرزوها دریشان گردآمده باشد در هرجاکه

باشند حق دارند بیك دیگر ملحق شوند وهیچ مانع اصلی و فرعی نباید در برابر این مقصود مقدس باشد.

درایران‌هم لازم بود فکر ملیت باین‌مصداق جدیدکه سابقه نداشت‌پرورش‌یابد و بنیاد ملیت ایران را بهمین اصول استوارکنند. برای پیشرفت این مقصود یك رشته اصلاحات اجتماعی درایران شده است: مهم‌ترین آنها ایجاد حس وحدت درمیان ایرانیانست. شکی نیست‌که پیش ازین‌ایرانیان بواسطهٔ نفاقی‌که در میانشان بود ملت واحدی را تشکیل نمی‌دادند. البته درایران مردمی بودندکه‌باصطلاح‌سیاسی برای امتیاز ازملل دیگرایشان‌را ایرانی‌می‌نامیدندو ظاهرا تابع دولت واحدی بودند و چنانکه سابقا اشاره رفت استقلال گونه‌ای داشتنداما هیچ وحدت و اتحادی درمیان نبود و تنها مردم یك شهرباهم روابطی داشتند واهالی شهر دیگررا بیگانه می‌دانستند. بدین گونه درهرناحیه مردمی منفرد و منزوی‌زندگی می‌کردندکه بامردم نواحی دیگرمطلقاً رابطه و رفت‌وآمد نداشتند و تنها رابطهٔ ایشان بایك‌دیگر پای‌تخت بودکه اگر اتفاقا چند تن ازیشان برای کاری بپای تخت‌می‌رفتند دوسه روزی با مردم ناحیهٔ دیگر روبرو می‌شدند. درنتیجهٔ حکومت های‌ایلیاتی و ملوك‌الطوایف چند هزار ساله و تسلط بیگانگان در هر گوشه‌ای از ایران‌مردمی زندگی می‌کردندکه ازحیث معتقدات و لباس و زبان و حتی عادات و رسوم و اخلاق با مردم همسایه اندك شباهتی نداشتند، بلکه بکلی بیگانه بودند و هیچ‌فکر ونفع مشترکی ایشان‌را بهم‌نمی‌پیوست، بلکه برعکس نفع هریك درضرر دیگری بودو این‌گروه با آن‌گروه می‌جنگید و آنراغارت می‌کرد و این دسته آن دسته را می‌کشت وپیوسته در حال جنگ و تعرض نسبت بیك دیگریا دفاع خود بودند. همهٔ نیروهای‌روزمرهٔ ایشان صرف حفظ حقوق حیوانی خورد و خواب بود و هیچ فکر عالی بشری‌در میان نبود، یعنی مجال آنرا نمی‌کردند که باین افکار بپردازند. ناچار درآن زمان‌چنین ملتی را نمی‌شد ملت واحد بگویند و روح وحدت و یگانگی مطلق درمیان‌ایرانیان‌نبود و هردسته و گروهی دلسوزی و توجه نسبت بدسته و گروه دیگر نداشت وهرگزاندیشهٔ حفظ منافع و دفع ضرر آنرا نمی‌کرد. بهمین جهت لازم بود وحدت ویگانگی درمیان افراد مختلف و طوایف و قبایل گوناگون مردم ایران‌که همه از یك‌نژاد بودند و تنها اختلافات ظاهری وجزیی بسیار درمیانشان بود فراهم شود. درین‌راه برای رسیدن باین نتیجه قدمهای بلند درایران برداشتندکه هریك ازآنها درحدخود بسیار مهم و بسیار مؤثر بوده است.

یکی ازآن اقدامات متحدالشکل‌کردن‌مردم و از میان بردن لباسهای گوناگون و رنگارنگ سابق بودکه خود وسیلهٔ اختلاف‌ظاهری بشمارمی‌رفت وهمین سبب می‌شد که‌مردم خودرا ازیك دیگر بیگانه می‌دانستندو می‌دیدندکه باهم اتحاد و اتفاق ندارند.

وسیلهٔ دیگرکه بسیا راهمیت داشت‌شهرنشین‌کردن مردم چادرنشین بیابان‌گرد بود. گذشته از اهمیتی‌که این‌کار در امنیت‌کشور و در اقتصاد و آبادانی داشت در ایجاد روح وحدت و استوار کردن بنیادملیت ایران نیزاهمیت بسزایی داشته‌است.

اصلاح اجتماعی مهم دیگری که درایران شد ایجاد روح میهن‌پرستیست. البته وطن‌پرستی در دوره‌های قدیم تا دویست‌سال پیش بمصداق و مفهوم دیگری یعنی

بمصداق قدیمی سابق معمول در ایران‌وجود داشته است و ایرانیان بکشور و آب و خاك خود دلبستگی داشته‌اند اما آن‌مصداق و مفهوم در جهان تغییرکرده و میهن‌پرستی امروز بجزوطن‌پرستی دویست‌سال پیشست و تازه این مصداق و مفهوم هم درین دویست سال پیش ازمیان رفته‌بود ، زیراکه آدمی زاده قهراً پای بست نفع مادیست و درزادگاه ناامن وپریشان روزگارکه مردم آن تا اندازه‌ای تهی‌دست وخوار و سرشکسته باشند بکسی خوش نمی‌گذردو نفع‌کسی تأمین نمی‌شود . بهمین جهت‌اگر مردم دروطن خود ناراحت و در معرض‌خطرباشند می‌کوشند جان خودرا بدربرند. درآن زمان این معنی درذهن مردم بدین‌گونه نقش می‌بست‌که :

وطن آنجاست کازاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد

یا آنکه می‌گفتند :

سعدیا ، حب وطن‌گرچه حدیثیست‌قدیم نتوان مرد بسختی که من این جا زادم

بدین‌گونه دردویست سال‌گذشته این‌مصداق و مفهوم کهن نیز ازمیان رفته بود، چنانکه هرسال جمعی‌کثیر از مردم ایران‌هجرت می‌کردند و شمارهٔ مهاجران ایرانی درکشورهای بیگانه و مخصوصاً در روسیه‌و ترکیه و عراق و هندوستان و جزیره‌ها و کرانه‌های خلیج فارس بسیار بود . پس‌ناچارمی‌بایست درمیان اصلاحات اجتماعی و معنوی‌که درین دوره می‌شد حس وطن‌پرستی را بمصداق جدید و امروزی خود یعنی بدان مصداقی‌که ملل دیگربدان قایلندبر قرارکنند .

مصداق امروزی وطن‌پرستی اینست‌که هرکس آب و خاك وجایگاه نیاگان و زادگاه خودرا بی‌هیچ قید و شرطی دوست‌بدارد و هرچه بدان متعلقست چه خوب و چه بد بسرحدستایش و باکمال ایمان وحضور قلب بپرستد و آنرا برهرچه‌دیگران دارند ترجیح بدهد . اگر هم آزاری درکشور خود دید دست ازآن برندارد وآنرا ترك نکند و درهرموقع آماده باشدکه جان‌خودرا بدهد و همه‌کوششهای شبانروزی او باید برای خدمت بزادگاه و جان فشانی‌درراه آن باشد . بکوشدکه هرروزی بیش‌از روز پیش خودرا برای خدمت‌آماده کند ووجود او سودمندتر باشد . دربرابر این‌کار بهیچ پاداش مادی چشم نداشته باشد وجزاجر معنوی ومزد اخلاقی چیزی‌نخواهد و حتی برای تشویق و تحسین‌هم‌کاری راانجام ندهد . بهمین خشنود باشدکه وظیفهٔ مقدس خود و شریف‌ترین تکلیف انسانی‌خود را انجام داده است و درضمن در هر کاری‌که هست بکوشدکه هر روز خدمت‌وی از روز دیگر سودمندتر باشد .

مصداق وطن‌پرستی و میهن‌دوستی‌که امروز درهمهٔ کشورهای متمدن جهان پسندیده است همینست و این مصداق ومفهوم نیزمی‌بایست درایران پیدا شود و این درراس اصلاحات مهم اجتماعی بودکه‌بی‌هیچ شکی در دورانهای‌گذشته حتی در گرماگرم خونریزی و جان فشانی دورهٔانقلابات وجود نداشته است و در عصر پهلوی بی‌هیچ شك و تردیدی اساس آن‌گذاشته شد . بدین وسیله اساس ملیت ایران نیز بنیاداستواری پذیرفت واستقلال‌سیاسی کشور نیز تأمین شد . ازآن روز ایرانیان توانستند کاملا باستقلال خودامیدوار و مطمئن باشند و بدین‌گونه در آینده همواره ایران از هرتعرضی مصون‌خواهد ماند ، زیراکه اساس ملیت برمبانی

محکم گذاشته شده و روح میهن‌پرستی کاملا دمیده شده و غرورملی که شریف‌ترین غریزهٔ طبیعی و فطری آدمی زادگانست درایران ریشه‌گرفته وقهرآروزبروز برومندتر می‌شود .

بایدمتوجه بودکه‌بهترین‌وسیله‌برای ایجاد این احساسات تأسیس نظام‌وظیفه و خدمت سربازی بوده‌است که پیش ازین فواید آن‌گفته شد .

دیگر از وسایل مهمی‌که در اصلاحات‌اجتماعی بدان توجه کردند تعظیم شعایـر ایران و احترام ببزرگان تاریخ ایران بود ،زیرا تردیدی نیست مردمی رشیدونیرومند می‌شوندکه بزرگان خودرا بزرگ بدانند .بزرگداشت و پرستش بزرگان و پیروی از کارهای ایشان قهرا نیرویی حتی در وجودناتوان‌ترین‌کس فراهم می‌کند و ایمان و رسوخی در دلها جای می‌دهدکه نیروی‌فکری و حتی بدنی را می‌افزاید و همواره آدمی را بکوشش و جهاد درراه خدمت ووظیفه برمی‌انگیزد و اورا آرزومند می‌کند که‌بدان مرد بزرگ تاسی‌کند وهمان‌کارهایی‌راکه او کرده است انجام بدهد .

دیگر از قدمهایی‌که برای تامین این مقصود برداشته شد قانون لباس وطنی و تشویق مردم باستعمال کالاهای میهن بودکه‌گـذشته از اثراخلاقی و اجتماعی اثر اقتصادی نیزداشته است . در۲۹ بهمن ماه۱۳۰۱ قانون‌استعمال لباس وطنی ازمجلس گذشت و پس از آن دردوره‌های بعد یك‌سلسله نمایشگاه های کالاهای وطنی در تهران و شهرهای عمدهٔ کشور ترتیب دادندو بیشترآن نمایشگاه‌ها را شاهنشاه ایران خود افتتاح می‌کرد و دستور برای بهبودو ترقی مصنوعات می‌داد . شکی نیست‌که یکی از عوامل ترقی و رشد هرملتی اینست‌که نیازمندیهای خودرا درکشورخود فراهم کند تا ازحیث لوازم زندگی بدیگران محتاج‌نباشد و درآمد ملی خودرا برای واردکردن آنها از دست ندهد . در ضمن ترجیح‌کالای‌داخلی برکالای خارجی نیز یکی از مظاهر ملیت و میهن پرستی هرملتیست و بهمین‌جهت بودکه درین دوره باین کار اهمیت خاصی داده شد .

دیگر از اصلاحات اجتماعی که درین‌دوره شد لغو امتیازات و عناوین و القاب قدیم بودکه از هرحیث مورد مضحکه و استهزاء شده بود و مخصوصاً درخارج از ایران انعکاس بسیاربدی داشت وآن‌عناوین و لقبها را که بزبانهای اروپـایی ترجمه می‌کردند بسیار مضحك می‌شد و باعث‌سرشکستگی ایرانیان درخارج بود. دردورهٔ گـذشته مخصوصاً در دوران استیـلای‌قاجارها القاب و عناوینی‌که برای شرف و افتخار خادمان‌کشور و جامعه وضع شده‌بود مانند درجات نظامی یکسره از مصداق و مفهوم حقیقی خود دور افتاده و مانندهمه چیز تنها تابع جانب‌داری و هوی و هوس شده بود . عناوین و القاب مهم را نه‌تنها ارثی کرده بودند و بکودکان نابالغ هم می‌دادند بلکه دامنهٔ لقب بجایی‌کشیده شده‌بودکه هرکس‌راهی بیکی ازکارگزاران دولت داشت لقب می‌گرفت و اگر لقب نداشت‌آنرا سرشکستگی خود می‌دانست و حتی اشخاصی‌هم بخود لقب می‌دادند و پدر ومادرها بنوزاد خود لقب می‌دادند ونشانها و افتخارات بهرهٔ کسانی می‌شد که انـدك‌شایستگی دریشان نبود . بهمین جهت در ۱۵ اردی‌بهشت ۱۳۰٤ قانونی‌گذشت که‌القاب و مناصب نظامی وکشوری وعناوین

راکه بمنتهی درجهٔ مبالغه رسیده‌بود لغو کردند واین نیز یکی از اصلاحات مهم اجتماعی بود . پس از آن نشانهای سابق را که بمنتهی درجهٔ مبالغه رسیده بود و بمردم نالایق داده‌بودند وشان آنها ازمیان‌رفته بود نیز لغو کردند و بدین وسیله احترام و افتخاری برای امتیازات رسمی‌ایران فراهم شد .

دیگر از گامهایی که در اصلاحات‌اجتماعی برداشته شد و پیش ازین نیز بدان اشاره رفت بزرگداشت از مفاخرایران و تعظیم بزرگان بود . در دورهٔ‌گذشته در نتیجهٔ ناتوانی و سستی و خواری که‌مدت بیش از صد سال مردم ایران دوچار آن بودند یکسره مفاخر ملی خودراکه هیچ‌ملتی در جهان نمی‌تواند باآن رقابت کند فراموش‌کرده و از مقام مهمی‌که ایران درتاریخ‌بشرداشته است غافل مانده بودند و غروری که لازمهٔ این افتخارات تاریخیست‌در نتیجهٔ نومیدیها و ناکامیها از میان‌رفته بود . کسانی هم که ازین بی‌اعتنایی دردمی‌کشیدند جز نوحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی راه دیگری نداشتند .گاهی هم کسانی برمی‌خاستندکه‌بزرگان‌تاریخ‌ایران‌بی‌احترامی می‌کردند و این را دلیل بر تجدد خودمی‌دانستند . ناچار یکی از کارهایی‌که در استحکام مبانی ملیت ایران‌و اصلاح‌اوضاع‌اجتماعی می‌بایست بکنندبزرگداشت‌بزرگان تاریخ این کشور و متوجه کردن مردم کشوربعظمت مقام ایشان بود . بدین‌گونه درین دوره قدمهای بلند درین راه برداشته شد .در هر مورد که وسیله‌یی بدست آمد از یادآوری مفاخر ایران خودداری نکردند ونه تنهااقدامات مهم درتعمیر بناهای‌تاریخی و حفریات علمی شد بکه در تعظیم و تکریم‌بزرگان ایران نیز کارهایی کردند که در ایران و خارج از ایران انعکاس فراوان‌داشته‌است‌ونه‌تنها ایرانیان‌بلکه‌بیگانگان نیز بمقام و پایهٔ بزرگان ایران در تمدن جهان‌متوجه شدند و در مراکز مهم عالم این نکتهٔ بسیار مهم منعکس شد .

ازآن جمله جشنهای هزارسالهٔ فردوسیست‌که درپاییز ۱۳۱۳ گرفته شد ویکی از حوادث بین‌الملل بشمار رفت ، زیراکه‌نه تنها درایران جشن باشکوهی گرفته شد و کنگره‌ای تشکیل یافت که نمایندگان‌بسیاری ازکشورهای‌جهان وایران شناسان درآن شرکت‌کردند وهنگام‌گشایش آرامگاه‌فردوسی بدست شاهنشاه ایران حاضر بودند بلکه درپای‌تخت‌ها و شهرهای مهم کشورهای بیگانه و ازآن جمله چهار شهر اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی‌مجالس‌متعدد برپا شد و دربرخی از پای‌تخت‌ها نام فردوسی را برخیابانها و میدانهای‌بزرگ گذاشتند و بدین وسیله رشد ملی ایران و مقام ایرانیان درمیان ملل زندهٔ امروز جهان‌ثابت شد .

دیگرجشن هفتصدسالهٔ تالیف‌گلستان‌و بوستان بودکه در سال ۱۳۱۶ گرفته شد و بدین وسیله عظمت مقام سعدی نیز دربرابر جهانیان ثابت گشت . تردیدی نیست که این گونه‌کارها دراصلاح‌اوضاع اجتماعی‌ایران و استحکام بنیاد ملیت و ایجاد غرور ملی وپرورش حس میهن‌پرستی تاچه‌اندازه اهمیت داشته است ویکی از مؤثرترین وسایل برای تأمین این مقصود عالی بوده‌است . شکی نیست‌که بدین وسیله ایرانیان از آن نومیدی و ناکامی‌که در نتیجهٔ‌اوضاع‌اسف‌انگیز دورهٔ گذشته فراهم شده بود بیرون آمدند و روح مردی و مردانگی‌زنده شد .

دیگر از اصلاحات اجتماعی مهم درین‌دوره وضع قوانین مدنی بوده است که سابقا هم بدان اشاره کردم و گفتم داشتن‌این گونه قانونهای‌مدنی‌و عرفی نشانهٔ‌متمدن بودن و رشید بودن هر ملتیست و یگانه‌نتیجهٔ همه انقلابها و جنبشهای مهم و ظهور شرایع و افکار بزرگیست‌که در تاریخ بشرپدید آمده است و کسانی‌که وسایل وضع چنین قوانینی را فراهم آورده‌اند همیشه‌اصلاحات اجتماعی مهم کرده‌اند . البته پیشرفت‌های سیاسی ونظامی واصلاحات اداری‌واقتصادی وصنعتی و آبادانی‌کشور و نظایرآن‌که از خصایص راهنمایان وپیشوایان بزرگ مللست کارهای بسیار مهمیست‌که درتاریخ همیشه می‌ماند اماگذاشتن پایهٔ تمدن معنوی و فکری وتغییر روحیات و افکار ملل بمراتب بزرگ‌تر ووالاترست و کاریست‌که از همه‌کس ساخته نیست و نتیجهٔ آن درتاریخ بمراتب بالاترازاصلاحات مادیست ، زیرا که مادیات دستخوش زوال و انقراض و ویرانی وانهدامست و برعکس افکار و احساسات همیشه می‌ماند و پشت بپشت و نسل‌بنسل در میان ملل پایدارست . بهمین جهتست که اصلاحات معنوی یعنی اصلاحات اجتماعی و فکری این دوره را باید اهمیت خاص داد وتغییراتی‌راکه درزندگی‌معنوی و فکری ایران درین اندك مدت فراهم شد در منتهی درجهٔ اهمیت دانست . قطعاً تاریخ نویسان همیشه درین مورد ازشگفتی و ستایش خودداری نخواهند کرد و این‌فصل در تاریخ ایران فصل بسیار مهمی خواهد بود .

در زمینهٔ‌اصلاحات اجتماعی بایدآنچه‌راکه در ضمن بحث از اصلاحات قضایی گفته شد در نظرآورد و اصلاح امورخانواده‌و مسئلهٔ ازدواج و طلاق و تعدد زوجات و عقد منقطع و معاینهٔ صحی پیش از ازدواج‌و اثرمهمی‌که این اصلاحات اجتماعی در تاریخ ایران‌گذاشته‌است ازنظر دور نکرد .کسانی‌که در جامعه‌شناسی دست دارند می‌دانند قوانین مدنی وعرفی‌که درین دوره‌وضع شده و نتایجی‌که ازاجرای آنهابدست آمده است تاچه اندازه در تغییر اوضاع‌ایران و ساختن ایران نوین مؤثر بوده‌است و نمایندهٔ چه رای رزین و اندیشهٔ دوربین‌و احساسات بزرگیست .

جای هیچ شك نیست‌که هرزوال وانقراض و ذلت وخواری‌که ملتی وجامعه‌ای گرفتار آن شود نتیجهٔ تباهی اندیشه‌های‌افراد آن ملتست وهمه کارهای شبانروزی و حرکات و سکنات هرقومی بسته بافکارومعتقدات آن قومست و تاافکار و معتقدات آن قوم دگرگون نشود نمی‌توان امیدروزبهی‌داشت . بهمین جهت درین دوره توجه خاصی‌که باصلاحات معنوی و اجتماعی وفکری در ایران شد و قوانین مدنی‌که‌درین مدت وضع واجری شد فکر بسیار بلند وصائبی بودکه همیشه تاریخ بیاد خواهد داشت .

اهمیت فوق‌العادهٔ این اصلاحات بیشتر از این جهتست که تمدن آدمی در هر نقطه‌ای از سطح زمین بنیادی بگذارد نیروی‌بسیار بزرگ‌و زورمندی دارد که با سرعتی شگرف در سراسر جهان انتشار می‌یابد و هیچ نیرویی را تاب برابری وایستادگی باآن نیست . خواهی نخواهی اقوام و ملل دور یا نزدیك بیك دیگر با شتابی هرچه بیشتر پیروی از آن می‌کنند و همهٔ نیروی بشری در همین نیروی تمدنست . یگانه سبب

خواری وسرشکستگی ایران در دوره های پیشین وامانده بودن از کاروان تمدن بشری بود وقطعا می‌بایست‌هرروزکه‌ایران تکانی‌می‌خورد وبخود می‌آمدآن دستگاه کهن از کار افتاده را درهم نوردد و همهٔ مظاهر تمدن جدید را بی چون و چرا بپذیرد و کاملا خودرا برای زندگی نوین آماده ومجهزکندیعنی‌بصورت متمدن‌ترین‌ملل جهان درآیدو تمدن مادی و معنوی امروز را حتی در جزئیات بپذیرد ورنه محکوم بنیستی می‌بود.

مخصوصا از ملت ایران بیش از هر ملت دیگری این انتظار می‌رفت زیرا که ایرانیان در زندگی هفت هزار سالهٔ خود همواره پیشوای تمدن هر عصر و یکی از مهم‌ترین کار گزاران تمدنهای بشری بوده‌اند. بهمین جهت امتیاز خاصی که‌عصر پهلوی در تاریخ ایران دارد اینست که در اندك مدتی با کمال سرعت هریك از وسایل و هریك از مظاهر مادی و معنوی و ظاهری و باطنی تمدن جدید را پذیرفت واگر تنها باخذ مادیات بسنده می‌کرد و عوالم معنوی تمدن را نمی‌پذیرفت اساس بسیار سستی نهاده بود که هیچ انتظار بقا از آن نمی‌رفت. البته شرط عقل ورای صائب این بود که هم جنبهٔ مادی و هم جنبهٔ معنوی را درین کار رعایت کنند تا درپی مادیات معنویاتی هم باشد که همواره نگاهبان و پاسبان آن مادیات باشد.

یکی از کارهایی که در اصلاح امور اجتماعی ایران شده تغییر لباس و قبول ظاهر ملل متمدن امروز جهانست که اساس آن بوسیلهٔ قانون متحدالشکل کردن البسهٔ اتباع ایران در داخلهٔ مملکت گذاشته شد و در دیماه ۱۳۰۷ بتصویب رسید واز اول فروردین ۱۳۰۸ اجری شد. کمترین فایدهٔ این قانون و کار هایی که پس از آن کردند این بود که ایرانیان را یك سان و یك رنگ کرد و آن همه اختلاف صوری را که قهرا باعث اختلافات باطنی و نفاق می‌شد از میان برداشت ودر وحدت روح ملی ایران اثر بسیار بزرگی بخشید. زیرا هیچ تردید نیست چنانکه از قدیم گفته‌اند «ظاهر عنوان باطنست» و هر ملتی که افرادش در ظاهر باهم اختلافی داشته باشند قهراً خواهی نخواهی در باطن هم با یك دیگر یك دل و یك جهت نخواهند بود و همین اختلاف لباس یکی از دلایل مسلم نفاق و دوگانگی مردم ایران با یك دیگر بود. قطعا کسانی که گروهی را بالباس دیگری بجز لباس خود می‌دیدند از خود نمی‌دانستند و بیگانه می‌شمردند.

نتیجهٔ دیگر این اقدام این بود که تا ایرانیان اروپا ییان را بالباس دیگری بجز لباس خود می‌دیدند همیشه برتری خاصی برای ایشان قایل بودند و خود را زیردست و دست نشانده واحیانا پیرو دستور ایشان می‌پنداشتند و غرور ملی که ضامن استقلال هر کشوریست در نهاد ایرانیان راه نمی‌یافت. اما همین که ازین حیث هم امتیازی برای ایشان باقی نماند حس ملیت در ایران چنانکه می‌بایست نیرومند شد. بهمین جهتست که این اصلاحی که شاید بنظر برخی از کوته بینان چندان مهم نباشد اهمیت خاص داشته است ودر وحدت روح ملی ایران و استوار کردن مبانی ملیت ما بسیار مؤثر و شاید یکی از موثرترین عوامل بوده باشد.

دیگراز اصلاحات‌اجتماعی بسیارمهم که‌درین دوره‌شده‌وهرایرانی که‌شاهدآن‌بوده است باید فخر کند که آن روز را دیده است موضوع آزادی زنان ورفع حجاب در ۱۷

دیماه ۱۳۱٤ بوده‌است. باکمال جرات می‌توان گفت که در تاریخ هیچ دیاری کاری بدین دشواری بدین آسانی بپایان نرسیده است. در ضمن هیچ تردیدی نیست که این واقعه مهم ترین واقعهٔ تاریخ این دوره است و همهٔ جهانیان را غرق حیرت و استعجاب‌کرده است. هیچ شك نیست که تاریخ نویسان همیشه مرد بزرگی را که برانگیزندهٔ این‌واقعه بوده است اگر هم کارهای مهم دیگری از پیش نبرده بود در شمار مردان درجهٔ اول تاریخ ایران می‌شمردند.

آشکار ترین علامت و ظاهر ترین دلیل فساد و زبونی و تباهی اوضاع ایران و درماندگی و ویرانی کشور ما در زمانهای گذشته همین بود که زنان ما و نیمی از جامعهٔ ما در حجاب بودند و اندك شرکتی در زندگی اجتماعی نداشتند. قطعا آن روزی که حجاب ازمیان رفت ملت ایران ازبزرگترین موانع‌ترقی رهایی‌یافت.زیرا شکی‌نیست‌که حجاب‌زنان یادگارتاریك‌ترین دورانهای‌انحطاط آدمی‌زادگانست،هیچ‌مردمنصفی درهیچ گوشه از جهان نمی‌تواند منکر شود که حجاب زنان ودر پرده بودن ایشان با هیچ یك از احساسات و عواطف عالی بشری و با هیچ عقل و منطق و برهان و دلیل درست نمی‌آید وعلامت مسلم دورهٔ نادانی وبربریت ملوك‌الطوایفست. چنانکه قطعا حجاب از عادات قدیم نژاد سامیست ویادگار مردمیست که دختر داشتن را ننگ می‌دانستند ودختران خود را زنده بگور می‌کردند و بهیچ وجه بملل نژاد آریایی مربوط نیست که از نخستین روز تمدن زن را صاحب اختیار زندگی کرده بودند. این عادت زشت را ایرانیان قدیم نخست از آسوریان تقلید کرده بودند و مدتهای مدید در ایران یك قسم تجمل بود که اعیان واشراف خودخواه در حق خود قایل بودند و زنان خود را بیرون نمی‌آوردند و نمی‌گذاشتند کسی زنانشان را ببیند چنانکه در ایران هم تازمانهای آخر تنها در شهرها بود ودر روستاها ودر میان چادر نشینان رواج نداشت.

در هر حال رفع حجاب وآزادی زنان ایران را ازین قید جان فرسای بهر عنوان که بگیریم بحق باید در راس اصلاحات اجتماعی این دورهٔ خجسته قرار دهیم و از وقایع بسیار مهم تاریخ ایران بشماریم. قطعا آن روزی که زنان ایران از آن ذلت و خواری و بردگی رهایی یافتند و وارد زندگی اجتماعی شدند و در کارهای کشور خود شرکت کردند در اوضاع ایران انقلاب عظیمی روی داد که آثار آن از آن پس در سراسر تاریخ درخشید واز هرحیث که بنگریم سرنوشت ملت ایران از آن روز ببعد دگرگون شد.

دیگر از اصلاحات اجتماعی که‌درین دوره شده تسهیل امور زندگی عمومیست واین نکته باندازه‌ای محسوسیست که‌محتاج بهیچ‌گونه دلیل نیست زیرا زندگی پیش از دوران پهلوی ودورهٔ استیلای قاجار ها معلومست ودر کتابهای متعدد ضبط کرده‌اند وهنوز کسانی در ایران هستند که آن دوره را بیاد دارند و می‌دانند که زندگی دگرگون شد. هرروز قدمی بسوی‌رفاه وآسایش انفرادی برداشتند. همهٔ‌وسایل مادی ومعنوی زندگی ملل متمدن در ایران فراهم آمد که یك قسمت از آن مربوط بصنایع و قسمت دیگر مربوط بزندگی شهر نشینی واصلاحات شهریست وپس از این درآنها بحث

خواهم کرد .

دیگر از اصلاحاتی که درین دوره شده اصلاح امور موقوفاتست . پیش از این دوره موقوفات در ایران حال زاری داشت ویکی از منابع مهم بهره جویی روحانیان بود . در تمام این مدت و حتی در دوران انقلاب نتوانسته بودند و جرأت نکرده بودند کار موقوفات را سروسامانی بدهند وکاری بکنند که عواید آنها صرف آسایش مردم و نفع عموم بشود . ناچار می‌بایست درین دوره ترتیبی بدهند که‌درآمد موقوفات زیر نظر وبامراقبت دولت بمصرفی‌که واقف معین کرده‌است برسد وبهمین‌جهة اصلاحاتی را که درین دوره درکار موقوفات ایران شده است‌بایدازاصلاحات اجتماعی‌دانست‌که در آبادی واقتصاد کشور اثر مهمی داشته است .

دیگراز اصلاحات اجتماعی ومعنوی که‌در دورهٔ پهلوی‌در ایران‌شده وپیش‌ازاین هم بدان اشاره رفت وحدت روح ملی ایران‌وایجاد یگانگی درمیان‌افرادایرانی بوده‌است. در دوره‌های گذشته در نتیجهٔ حکومت ملوك‌الطوایف وایلیاتی و اصول چادر نشینی و بیابان گردی و بواسطهٔ انقلابات داخلی ونا امنی های بی‌حدو حساب که چندین قرن دامنهٔ آن کشیده شده بود و بواسطه اختلاف عادات ولباس وعقاید و آراء وزبان وغیره بهیچ وجه وحدت ملی و نژادی در ایران وجود نداشت و چنانکه سابقا اشاره کردم یك مورخ فرانسوی نوشته بود ایران ملت نیست ودر حقیقت مجموعه‌ای بود بی‌تناسب و نامربوط از عقاید گوناگون که بهیچ وجه با یك دیگر پیوستگی وارتباط و حتی گاهی وجه اشتراك نداشتند . پیوسته با یك دیگر در ستیز و پرخاش و تعصب ورزی بودند وهیچ روح واحدی در میان این آرای مختلف متضاد نبود . البته می‌بایست روزی روح وحدت را در ایران بدمند و عناصر متضاد این کشور را باهم تالیف و ترکیب کنند یعنی در حقیقت ملتی از نو بسازند واین نیز یکی ازاصلاحات اجتماعیست که‌در ایران نتیجه بخشیده است .

اصلاحات شهری

درین دوره برای رفاه و آسایش مردم درشهر ها و مراکز اجتماع اصلاحات بسیار مفیدی شده است که بحث در آنهانیز ضرورت دارد. تردیدی نیست که غرض اصلی و منظور حقیقی از تشکیل دولت ها در همه جا در روز نخست این بوده است‌که جامعهٔ متمدن ومردم‌شهرنشین نیازمندیهای مشترك دارند که هیچ کس بتنهایی نمیتواند آنها را برآورد. هنگامی که جامعه تشکیل شده است افراد آن از میان خود کسانی را که برجسته بوده‌اند ومی‌توانسته‌اند راهنما و پیشوا ومسئول زندگی باشند و نیازمندیهای مشترك و عمومیشان را در کمال خوبی برآورند برگزیده‌اند و اختیاراتی بدیشان داده‌اند و ازیشان برای پیشرفت مقصود تمکین کرده‌اند. آن برگزیدگان هم حوائج و ضروریات مشترك‌آن‌گروه‌را بعهده‌گرفته‌اند وبهترین وجهی‌آنراادا کرده‌اند بهمین جهت نخستین تکلیف و مهم ترین وظیفهٔ طبقهٔ حاکمه و هر حکومتی آنست که همهٔ وسایل رفاه و آسایش مادی و معنوی و ذوقی و حتی وسایل تفریح و تفنن افراد آن قوم را در هر جنس و هرسن که باشند با منتهای دلسوزی و ببهترین شکلی که‌ممکن باشد فراهم کند. متاسفانه تا پیش ازعصر پهلوی‌دولت ایران این‌وظیفه را انجام‌نمی‌داد و بکلی از آن قاصر و مقصر بود و هیچ یك از وسایل تأمین این مقصود را فراهم نکرد. چنانکه شهرهای بزرگ و کوچك ایران که در زمانهای دور بسیار آباد و ضرب‌المثل جهانیان بوده‌اند و در دوره های پریشانی و آشفتگی ویران شده بودند در دورهٔ قاجار ها سالیان دراز ویران افتاده بودند وکسی اندك توجهی در بارهٔ شهر نشینان نمی‌کرد.

کسانی که دورهٔ استیلای قاجار هارا درك کرده‌اند بیاد دارند که وضع شهرها و آبادیها در آن دوره چه بود و گذشته از نادانی که در همه جا محسوس بود منظرهٔ خرابی مادی و بی‌اعتنایی کارگزاران دولت بآن نیز در سراسر کشور دیده می‌شد و بهیچ وجه شایستهٔ ملتی که هفت هزار سال تمدن پیاپی داشته است وحتی در دورهٔ صفویه شهرهای آن در سراسر جهان بزیبایی و عظمت شهرت داشت نبود. وضع هر شهر ایرانراکه باوضع‌آن دردورهٔ قاجارها بسنجیم می‌بینیم که قیاس‌کردنی نیست.

در دورهٔ پهلوی در میان آن توده های خاك وخاکستر و خاشاك که تا آغاز آن دوره مسکن نژاد ایرانی بود و شهرهای ایران را تشکیل می‌داد ساختمان های رفیع باشکوه زیبا و خیابانهای عریض با صفا روز بروز بیشتر شد. گل زمستان وگردو خاك تابستان جای خودرا بسیمان و آسفالت و سنگ فرش و غیره داد. آن کوچه های تنگ وتاریك که در شب‌کمین‌گاه دزدان و بدکاران بود روشن وپاکیزه‌در زیرپرتوچراغها

درخشیدن گرفت و راستی اگر کسی این وضع را باوضع پیشین می‌سنجید نمی‌توانست باور کند که دراندك مدتی این تغییر حاصل شده است وباور کردنی نیست که وقتی این مناظر را چگونه گل و لای و غبار و ظلمت و خوف و هراس فرا گرفته بود .

پیش ازاین دوره دربسیاری از شهر های ایران برخی ازمحلات برج و بارو و دروازه داشت که شبها می‌بستند تا مردم از بدکاران در امان باشند . در بیشتر شهرها کوچه‌ها راعمدا با پیچ و خمهای متعدد می‌ساختند تا مردم بتوانند در هرخم کوچه از خانهٔ خود دفاع کنند . در برخی از شهرهای دیگر عمداً خانهارا در گودی می‌ساختند و چندین پله بود تا بکف حیاط برسند تا کسی سواره نتواند بدانجا وارد شود .

بهمین جهتست که یکی از کارهای مهم این دوره را اصلاحات‌شهری بایددانست، کسانی که پیش از دورهٔ پهلوی از تهران بیرون رفته‌اند و در آن دوره نیز بشهری کـه دیده بودند سفر کرده‌اند می‌دانند که در اندك مدتی چه‌پیشرفتهایی درین زمینه بدست آمده‌است . هیچ شهری در ایران نیست که بناهای چند بسیار محکـم و زیبا در آن نساخته باشند . هیچ شهری نیست که مبالغ گزاف برای رفاه و آسودگی مردم آن از حیث ساختمان بناها و تسطیح و گشاد کردن واصلاح کوچه ها و خیابانها و میدانها و پاکیزگی وروشنایی شهر و بهداری و فراهم آوردن وسایل آسایش مردم در آن خرج نکرده باشند . جاهایی که سابقا بیغوله و مغاك بود درین دوره با نهایت پاکیزگی و صفا تبدیل بگردشگاه مردم شهر شد .

در بسیاری از شهرها بناهای باشکوه از قـدیم بود که در نتیجه‌بی‌کسی‌وبی قیدی چند قرن بی‌پرستار وبی پاسبان در زیر بادو باران و آفتاب مانده بود واگر این دوره چند سال دیرتر آغاز می‌شد قهرا از پا در افتاده و تل خاك وخاکستر شده بود . همهٔ آنها را باکمال دلسوزی تعمیر کردند و برخی از آنها همان جلوهٔ روز نخستین را پیداکرد. برای‌اینکه خوانندگان نمونه‌ای از کارهایی که درین زمینه شده است داشته باشنـد همین کافیست‌صورت مبالغی را که تنها برای تعمیر بناهای دورهٔ صفویـه در اصفهان درین دورهِ کرده‌اند و مدت زمان وعدهٔ کارگرانی را که بـرای این کار لازم بوده است فراهم کنند . قطعا ارقامی بدست خواهد آمد که مورد تعجب خواهد شد .

گذشته از آن در هر شهری از ایران درین دوره برای مؤسسات صنعتـی و کارخانها و غیره ساختمانهای فراوان کرده‌اند . نیز برای شهرداریها و شهربانی ها و ادارات مالیه وگمرك ودبستانها ودبیرستانها و بیمارستانها و سربازخانها و مؤسسات ارتش و بحریه و هواپیمایی و بانك و غیره وایستگاههای راه‌آهن ساختمانهای دیگـر بوجود آورده‌اند و حتی هرجا که لازم بوده است پلهای باشکوه ساخته‌اند . می‌توان‌گفت که اگر کسی تنها شمارهٔ سنگ ها و آجرهایی‌را که دریندوره در ایران برای ساختمانها و خیابان سازی و غیره روی هم یا پهلوی هم گذاشته‌اند بدست آورد و کوچك ترین کاری‌را که درین مدت درین زمینه شده‌است حساب کندوآنرا در میان‌عدهٔ‌روزهای این مدت تقسیم‌کند می‌بیند درین اندك مدتی که حتی در عمر اشخاص هم هیچ حساب نمی‌شود روزی چقدر سنگ و آجر بمصرف رسیده است .

اگر بتاریخ ساختمانهای ایران رجوع کنید می‌بینید که پس از زمان شاه‌عباس تا آغاز دورهٔ پهلوی در سراسر ایران هیچ بنای عمومی عام‌المنفعهٔ مهمی نکرده‌اند ویك پل بزرگ ساخته نشده و هر بنایی که کرده‌اند یا مردم نیکوکار از کیسهٔ فتوت خود کرده‌اند یا بناهایی برای تفریح و تفرج و خوشگذرانی پادشاهان آنهم با کمال بی‌سلیقگی فراهم آورده‌اند . پلها ومساجد و مدارسی هم که اشخاص از روی عقیدهٔ شخصی بپول خود ساخته‌اند هروقت اختیار و تولیت آن بدست دولت افتاده است مانند آن بوده است که در ویرانی آن عمدا کوشیده‌اند و عمد کرده‌اند که زودتر از میان برود .

یکی از نمونه های بی قیدی دورهٔ استیلای قاجار ها اینست که در اصفهان ساختمان های باشکوه و مجلل زنان صفویه را که معروف جهان بوده است عمدا خراب کرده‌اند . شاید خوانندگان باور نکنند که برخی از آنها باندازه‌ای محکم بوده است که نمی‌توانسته‌اند با بیل و کلنگ از میان بردارند وشبانه آنها را توپ بسته‌اند ! آثاری که از دوره های گذشته اکنون در اصفهان باقیست ده یك آن ساختمانهاییست که پیش از دورهٔ قاجار ها در آنجا بوده است . بسیاری از شهرهای دیگر ایران همین حال را دارند .

بهمین جهتست که از حیث اصلاحات شهری و عمران وآبادی ورفاه وآسایش عمومی دورهٔ پهلوی‌را بایدیکی از برجسته‌ترین‌دوره های تاریخ ایران دانست . ساختمان کارخانها و مؤسسات صنعتی وراه‌ها و پلها وبندرها و راه‌آهن و دبستانها و دبیرستانها و بناهای دیگر برای آموزش و پرورش وبیمارستان ها و غیره نیز از مباحث مهم این دوره است ودر فصول آینده در هر مورد ذکری از آنها خواهد آمد .

گذشته ازین ساختمانها و خیابان سازیها روشنایی شهرها نیز از کارهایی‌بوده که درین دوره اهتمام خاص در آن کرده‌اند و شهر وآبادی بزرگی در ایران نیست که نیروی برق را در آنجا برای روشنایی فراهم نکرده باشند . باید در نظر داشت که در دوران قاجار ها یکی از مظاهر شهرهای بزرگ و کوچك ایران تاریکی معابر در شبها بود وبهمین جهت بودکه ایرانیان عادت کرده بودند بمحض اینکه هوا تاریك می‌شد بخانهٔ خود پناه می‌بردند واصلا نه تنها شب از خانه بیرون آمدن شجاعت وجان‌خود را بخطر انداختن بود بلکه کم کم بمرور زمان شب بیرون آمدن را کار ننگین دانسته بودند وکار اشخاص پست وبی‌سرو پا بشمار می‌رفت وتازه اگر کسی برای کار لازمی شب از خانه بیرون می‌رفت اگر گرفتار دزد و قاتل نمی‌شد و جان بدر می‌برد می‌بایست چراغ‌کش و فانوس‌کش باخود بردارد تا در چاه و چاله نیفتد . مردمی که وسیله داشتند چراغ روشن کردن در بالای در خانهٔ خود را ثواب می‌دانستند . در سراسر ایران تنها تهران دستگاه چراغ برق داشت و آنهم تنها در اوایل شب روشن بود .

دیگر از اقدامات برجسته‌ای که درین دوره برای رفاه و آسایش و تن درستی مردم در شهرها و آبادیها شده بنگاه های بهداری از درمانگاه و بیمارستان و آسایشگاه است ودرمبحثی که‌مخصوص اصلاحات بهداشتی‌خواهد بوددرین باب بحث‌خواهم کرد.

در رأس اصلاحات شهری تشکیل ادارات شهرداری قانونی وانجمن های

شهرداری را باید دانست . پیداست که انجمن های شهرداری مانند مجلس شورای ملی از مبانی مشروطیتست ودر مجلس اول قانونی بعنوان قانون بلدیه گذشته ودر برخی‌از شهرهای ایران انجمن بلدی بنا برآن قانون تأسیس کرده بودند . پس‌از مجلس اول دیگر انجمن های بلدی در ایران تشکیل نیافت و آن قانون عاطل و باطل ماند تا اینکه دردورهٔ پهلوی قانون دیگری گذشت وانجمن های شهرداری در سراسر کشور تشکیل شد . بدین گونه در هر شهری مردم انجمن شهرداری خودرا انتخاب کردند وکارهای شهر را مردم شهر بعهده گرفتند و وسایل رفاه و آسایش بدین وسیله از هر حیث فراهم شد وبهمین جهت روزی نبود که در هر شهری گامی برای آسودگی مردم وآبادانی آن شهر برداشته نشد .

دیگر از اصلاحات شهری که درین دوره‌شده واثر بسیار مهمی درآبادی کشور ورونق شهرهای ایران داشته شهرنشین کردن ایلات چادرنشین و بیابان‌گرد ایرانست که چندین هزار سال بهمان حال سرگردانی و خانه بدوشی ازین‌سو بآن سو می‌رفتند و همواره مخل آسایش وامنیت کشور بودند وپیش ازین بزیانهایی که‌می‌رساندند اشاره کردم . پیداست که این کار مهم یعنی شهر نشین کردن ایشان نه تنها درامنیت وآسایش مردم کشور اثر بسیار مهمی داشته است و خلع سلاح هزاران تن مردم بیابان‌گرد که تابع هیچ اصل و قانونی نبوده‌اند چه کار اساسی بوده است بلکه در آبادانی کشور نیز بسیار مؤثر شد واین جماعات کثیر مردمی که در زیر چادر در بیابانها می‌زیستند وبهیچ وجه در زندگی اجتماعی شرکت نداشتند و هیچ یك از وظایف اجتماعی را بعهده نمی‌گرفتند هنگامی که در شهرها و قصبه ها وروستاهای کشور جا گرفتند جزو طبقهٔ مفید وکارآمد جامعه شدند ودر کار با مردم دیگر شریك گشتند و قهرا در تولید ثروت و ترقی صنعت و تجارت ایران وجودشان مفید شد . بدین‌گونه از حالت بدوی بیرون آمدند وپا بمرحلهٔ تمدن گذاشتند و راستی نتیجه این کار این شد که چندین هزاربلکه چند میلیون برافراد مؤثر کشور افزوده شد و در ضمن ناامنی ودزدی وراهزنی هم که کار شبانروزی ایشان بود یکسره ریشه کن شد . بهمیـن جهتست که این کار را از مهم‌ترین کارها و یکی از مفیدترین اصلاحات اجتماعی باید دانست .

دیگر از اصلاحات اجتماعی که درین دوره بجا آمده اصلاح تقویم ایرانست . ایرانیان دردورهٔ هخامنشان تقویم خاصی داشته‌اند ودردورهٔ ساسانیان تقویم اوستایی را که همان تقـویم کنونی باشد اختیار کرده‌اند . در سراسر این مـدت تقویم ایران تقویم شمسی یعنی تابع گردش خورشید بوده است و روز اول بهار یعنی روز اعتدال ربیعی‌را آغاز سال قرارداده و سال‌را شامل ۳۶۵ روز دانسته‌اند . در تقویم اوستایی‌که در دورهٔ ساسانی معمول شده سال شامل دوازده ماهست وهرماه شامل سی‌روز . برای سی‌روز ماه سی‌نام ازنامهای ایزدان وامشسپندان واصطلاحات دینی‌دیگرآیین زردشت اختیار کرده بودند ودوازده نام از آن سی نام را بماهها نیز داده بودند بهمین جهت در هرماهی یك روز پیش می‌آمد که نام روز ونام ماه یکـی بود و آن روز را روز جشـن می‌گرفتند . چون هرسال شامل دوازده ماه سی روزه تنها شامل ۳۶۰ روز می‌شد پنج

روز آخر سال را جداگانه حساب می‌کردند و ایام تعطیل پایان سال بود و آنرا «وهیزك» یا«بهیزك» یا«اندرگاه» می‌گفتند. درضمن ساعت‌های اضافی هر سال‌را چون بحساب نیاورده بودند نوروز و روز اول سال تغییر می‌کرد ودر فصول مختلف قرار می‌گرفت .

در آغاز دورهٔ اسلامی تقویم قمری را که تازیان در صدر اسلام وضع کرده بودند واعمال دینی تابع‌آن شده بود در ایران نیز اختیار کردند و چون درین تقویم در میان آنکه ماه ۲۹روزیا۳۰ روزست بیشتر تردید پیش‌می‌آمد در آغاز دورهٔمشروطیت برای کارهای اداری یك‌تقویم شمسی نجومی که تابع منطقةالبروج و صور فلکی بود و ۳٦٥ روز می‌شد در ادارات دولتی پذیرفتند . این تقویم شامل دوازده ماه تابع حرکت آفتاب‌دربرجها بودبدین‌گونه:حمل۳۱ روز،ثور۳۱ روز، جوزا ۳۲روز،سرطان۳۱روز، اسد ۳۱روز، سنبله ۳۱روز،میزان۳۰ روز، عقرب ۳۰روز، قوس ۲۹ روز ، جدی ۲۹ روز ، دلو ۳۰ روز ، حوت ۳۰ روز . پیداست که این تقویم سابقهٔ تاریخی متمد درایران نداشت و عده روزهای ماههای آن مختلف یعنی از ۳۲ روز تا ۲۹ روز بود و مردم نمی‌توانستند آنرا بیاد داشته باشند و همیشه اشکال پیش می‌آمد . درضمن از زمان مغول در ایران معمول شده بود که هر دوازده سال را یك دوره می‌گرفتند و برای هر سال یك نام مغولی داشتند که پس‌از دوازده سال تکرار می‌شد و هرسالی را بنام یکی از جانوران می‌خواندند که نام آنها بفارسی اینست : موش ، گاو ، پلنگ ، خرگوش ، نهنگ ، مار ، اسب ، گوسفند ، بوزینه ، خرس ، سگ ، خوك .

با این همه تقویم شمسی اوستایی دورهٔ ساسانیان در ایران مانده وفراموش نشده بود و جشنهای‌آن مانند نوروز و مهرگان و سده بیش و کم معمول بود و حتی در کارهای کشاورزی برای تعیین موقع هرکاری در میان کشاورزان و دهقانان باقی مانده بود . منتهی چون در زمان یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی اصلاحی در آن کرده بودند آنرا تقویم یزدگردی می‌نامیدند و در نتیجهٔ بحساب نیاوردن چند ساعت‌اضافی هرسال، نوروز که می‌بایست در اول بهار باشد بتابستان افتاده بود. جلال‌الدین ملکشاه سلجوقی چند تن از اختر شناسان ایران از آن جمله امام عمر خیام را مامور کرد که اصلاحی درین تقویم بکنند وایشان در سال ٤٦٧ این اصلاح را کردند ودوباره نوروز و آغاز سال را در اول بهار قرار دادند و آن تقویم را بمناسبت لقب ملکشاه تقویم جلالی نامیدند . بهمین جهت از آن روز منجمان دو نوروز در تقویمها قایل شدند یکی نوروز یزدگردی یعنی نوروزی که در زمان یزدگرد سوم افتاده بود و دیگر نوروز سلطانی یا نوروز جلالی یعنی نوروز واقعی واول بهار و اول سال جلالی .

در دورهٔ پهلوی متوجه این عیب شدند که این تقویمهای مختلف کار را دشوار کرده‌است و ایرانیانی که از قدیم تقویم مخصوص و بهترین تقویم جهان را داشته‌اند دلیل‌نداشت رعایت تقویم‌باستانی وملی‌خودرا نکنند . این بودکه قانونی ازمجلس گذشت و بموجب آن تقویم باستانی و ملی ایران را رسمیت دادندواصلاح مهمی که درآن کردند این بود که پیش از آن ماهها یك در میان سی‌ویك و سی‌روز بود ودرین تقویم اصول

منظم‌تری قایل شدند که شش ماه اول سال سی‌ویك روز وپنج ماه‌سی‌روز و ماه اسفند ۲۹ روز باشد ودر سالهای کبیسه یعنی هرچهار سال یك‌بار اسفند ماه را هم سی‌روز حساب کنند . این اصلاح در امور زندگی روزانه و کـارهای اجتمـاعی و علمی یکی از مهمترین اصلاحاتیست که درین دوره کرده‌اند .

دیگر از اصلاحات شهری مهم که در رفاه و آسایش مردم بسیار مؤثر افتاده است ایجاد وسایل تفریح و تفرج و تفنن برای افراد مردم کشورست زیرا هیچ تردید نیست که افراد جامعه مخصوصا کسانی که وسایل تفریح و تفرج را خود نمی‌توانند با پول خود تهیه کنند گذشته از انجام وظایف ملی و اجتماعی و تأمین ضروریات مادی و معنوی احتیاجات ذوقی هم دارند که تأمین آنها از وظایف حتمی هردولت بیدار و جزو تکالیف اجتماعی و در شمار وسایل رفاه و آسودگی ودر حقیقت بهداشت روحانی و فکریست . در دوره های گذشته بهیچ وجه درین راه گامی برنداشته بودند واصلا آنرا جزو وظایف دولت‌نمی‌شمردند. پیداست‌مردمی‌که هیچ‌وسیله‌تفریح‌وتفنن ورفع‌خستگی واشتغال ذوقی نداشته باشند جز آنکه مایوس ودرمانده واز زندگی خسته و رنجور و بیزار باشند توقع دیگر ازیشان نمی‌توان داشت . قطعیست که هرملتی درکشور خود باید وسایل دلخوشی را بنحو اکمل داشته باشد تا بادل خوش کار کند واز هر حیث بکشور خود دلبسته و پای بست باشد و آنرا بهترین جابرای زندگی خودبداند و زندگی او نشاط و سروری داشته باشد که همیشه روح امید و دلاوری در وی بدمد و بزندگی آینده امیدوار کند و همیشه در کار خود با بشاشت و گشاده رویی و نشاط ودلسوزی وارد شود . این نکته بسیار مهم در دوره های گذشته بکلی عاطل مـانده بود و تنها در دورهٔ صفویه تا اندازه‌ای رعایت آنرا کـرده بودند اما پس‌از آن دوره دوباره از رونق افتاده بود وهمیشه دولت های ایران از آن غفلت می‌کردند تا آنکه در جزو اصلاحات اجتماعی مهم منظور شد و وسایل رفاه و آسایش و تفریح و تفرج مردم از هرجهـت فراهم آمد . گذشته از آنکه در هرشهری گـردشگـاه‌ها و باغهای ملـی‌ترتیب دادند وسایل دیگر را نیز آماده کردند و سازمان پرورش افکارکه در ۱۳۱۸ تشکیل شد توجه مخصوص نسبت بموسیقی و تئاتر و رادیو و سینما کرد ووسایل گوناگون برای تفریح و تربیت ذوقی مردم فراهم آمدکه باید آنها را نیزاز اصلاحات اجتماعی ضروری دانست .

نکتهٔ دیگری که در اصلاحات اجتماعی بسیار مؤثر بوده آبادی کشورست که اهمیت خاص دارد و جای تردید نیست که درین دوره کارهای‌بسیار مهم از پیش‌رفته است . گذشته از ساختمانها و بناهای مجلل باشکوه وخیابان سازیها واصلاحات‌شهری قدمهای بلند در اصلاح کشاورزی برداشته شده که در مبحث جداگانه‌ای دربارهٔ آنها سخن خواهـد رفت و نیز اقـداماتی دراصلاح کارهای‌اقتصادی وایجاد صنایع جدید و ساختمان بندرها وراه‌آهن وراههای شوسه‌وایجاد وسایل ارتباط‌مانند تلفن وتلگراف وتلگراف بی‌سیم و غیره و بنگاههای بهداری هریك در آبادانی ایران جای مخصوص و ممتازی دارد و همهٔ این‌کارها از اصلاحات شهری مهم بشمار می‌رود . گذشته ازین در

بسیاری‌ازنواحی‌کشور حتی‌روستاها خانه‌هایی برای‌روستاییان ساخته‌اندونیز برای سکونت‌وشهرنشین شدن‌چادرنشینان‌ساختمانهایی‌کرده‌اندونیز کارهای‌مهمی‌برای‌اصلاح آبیاری و مشروب کردن زمین های بایر و ترقی محصولات کشاورزی و صنعتی انجام داده‌اند که در آبادانی کشور بسود شهر نشینان بسیار مؤثر بوده‌است . بهمین جهت می‌توان گفت که ایران ازحیث آبادی وعمران قابل قیاس باگذشته نبوده و خرابی‌هایی که در دوره های پیشین روی آمده درین دور یکسره جبران شده‌است .

قدم دیگری که در اصلاح اوضاع اجتماعی و اصلاحات شهری برداشته شده قانون تعدیل مال‌الاجاره بوده است که در پایان سال ۱۳۱۷ وضع شد و فواید آن در آسایش عدهٔ کثیری از مردم پوشیده نیست و حاجت بتوضیح و تفسیر ندارد . وضع این قانون می‌رساند که دولت ایران در آن زمان تا چه‌اندازه در اندیشهٔ رفاه و آسایش مردم کشور بوده است .

اصلاح اجتماعی مهم دیگری که درین دوره شد تأسیس سازمان پرورش افکار بود. پیداست که وظیفهٔ دولت‌بیدار وآگاه در تربیت وراهنمایی مردم تنها عبارت ازین نیست که مسایل علمی‌را وارد ذهن جوانان کنند زیرا بسیاری از مسایل علمی‌هست‌که در خارج از آموزشگاه هم می‌توان آموخت ویا از یکی دو کتاب می‌تـوان فرا گرفت . مهم‌ترین وظیفهٔ راهنمایان ملل اینست که افراد ملت را همواره برای عالی‌ترین زندگی روز آماده کنند واین کلمهٔ مختصر شامل هزاران‌معنی دقیق وهزاران لطیفهٔ معنویست.

وظیفهٔ نخستین این راهنمایان‌وظیفهٔ اخلاقیست یعنی باید پیشوای جامعه و راهنمای مردم از حیث ملکات فاضله واخلاق کریمه و صفات ممتاز بشری یعنی مردی ومردانگی و مردمی باشند . تربیت درست آنست‌که تربیت ملی باشد یعنی هر علمی و هردانشی‌را برای‌ترقی ملت‌خود وبرای تقویت روح ملیت بخواهند وهردرسی بایدبرای آن باشد که یك فرد مفید برای جامعه تربیت کند و مرد و زن را از کودکی و جوانی چنان آماده کنندکه چون بزرگ شدند برای کشور خـود و هم نوع خویش سودمند و خدمت گزار باشند . باید در هر قدم و هر سخن همیشه روح ملی را تقویت کنند وهر درسی‌که می‌دهند این‌نتیجه‌را داشته باشد که روز بروز جوانان کشور خود وهموطن خویش را بیشتر دوست بدارند و همیشه در آرزوی آن باشند کـه هرچه زودتر در زندگی اجتماعی وارد شوند وزودتر بخدمت گـزاری بپردازند . وظیفـهٔ مهم دیگر این راهنمایان اینست که افکار و آرزوهای افراد را چنان یکسان کنند که اتحاد معنوی و اتفاق کلمهٔ واقعی در میان ایشان فراهم شود تا در میان افراد تحصیل کرده بهیچ‌وجه اندك اختلاف و دوگانگی از حیث افکار و آمال و آرزوهای انسانی پیش نیاید .

وظیفهٔ دیگر این گروه اینست که افراد کارآمد نیرومند برای جامعه تربیت کنند . باید کودکان را چنان بار بیاورند که چون بسن رشد رسیـدند همیشه باشور و شعف و نشاط و سرور زندگی کنند و زندگی را دوست داشته باشند و همیشه بآیندهٔ خود امیدوار باشند و ترس و ناکامی و ناامیدی را در دل‌خود راه‌ندهند یعنی در زندگی آینده خود دلیر واستوار و پا برجا و نیك‌بین و بشاش باشند .

پس راهنمایان جامعه می‌بایست آن سر شکستگی و خواری و زبونی را که دو سه قرن انحطاط و تنزل در فکر مردم ایران جای داده بود از میان ببرند و بجای آن رشادت و مردانگی و نشاط تولید کنند. سازمان پرورش افکاردر ۱۳۱۸ برای ادای این مقصود بسیار مهم فراهم شد و وظیفه‌اش این بود که آیندهٔ ایران را از حیث علم و اخلاق تأمین کند و با کسانی که آیندهٔ مادی کشور را بدست داشتند همکاری کند. بدین جهات تشکیل سازمان پرورش افکار یکی از مهم‌ترین اصلاحات اجتماعی و معنوی این دوره بود.

اصلاحات اقتصادی و مالی

یکی از مظاهر برجستهٔ دورهٔ پهلوی اصلاحات اقتصادی و مالیست که بهترین نمونهٔ قدرت دولت و استقلال و امنیت کشور بود. زیرا نمی‌توان منکر شد که زندگی آدمی‌زادگان زندگی‌مادیست وهرجامعه‌ای‌برای‌زندگی بیش‌ازهمه چیزوپیش‌ازهمه‌چیز بقوه‌ونیرو احتیاج‌دارد. نیروی‌بشری‌نخست‌درارتش وافرادمسلح‌وتجهیزات‌جنگیست‌و سپس در دارایی و تمول و تمکن مادی. آشکارتر ازین چیزی نیست که جامعهٔ بی‌زر و بی‌زور از هر حیث ناتوان ودرمانده است و بهمین جهت اصلاحات اقتصادی ومالی این دوره را پس‌از اصلاحات نظامی باید از کار های بسیار مهم بدانیم.

یکی از اصلاحات اقتصادی مهم کوتاه کردن دست متنفذان وعناصر ماجری جوی از کارهای مالی کشور و خزانهٔ مملکت بود. در دوره‌های گذشته درنتیجهٔ ناامنی و ضعف دولت مرکزی و حکومت ایلیاتی و ملوك‌الطوایف در هر ناحیه‌ای گـردن کش نافرمانی پیدا شده بود که گذشته از فراهم آوردن وسایل ناامنی و راهزنی و بیداد و ستم نسبت بزیردستان و مردم بی‌دفاع بـزور و جبر عواید و مالیـات ها را از مردم می‌گرفت و بکیسهٔ خود می‌ریخت و بهمین جهـت تا دست این عنـاصر کوتاه نمی‌شد اصلاح کارهای مالی کشور ممکن نبود. حتی کارگزاران مؤثر دولت از نفـوذی که در دستگاه دولتی داشتند بهره جویی می‌کردند و مالیات قانونی املاك و مستغلات خود را نمی‌پرداختند. چنانکه‌محمد ولی‌خان خلعت بری که نخست سپهدار اعظم لقب داشت و سپس سپهسالار اعظم لقب گرفت و نخست وزیر شده بود از روزی که در فتح‌تهران بدست مجاهدین و غلبهٔ بر محمدعلی شاه شرکت کرده بود مالیات املاك وسیعی را که در مازندران و حومهٔ تهران داشت نپرداخته بود و چون از او مطالبه کردند و سخت گرفتند باندازه‌ای بر خلاف عادت بود و بروی گران آمد که خود را کشت.

اصلاح دیگر عبارت بود از جمع آوری ومرکزیت دادن کامل درآمد های‌کشور ونظارت دقیق در خرج وهزینه های کشوری وازین حیث پیشرفت عظیمی در ایران نسبت بدوران گذشته حاصل شد. در ایران دوره‌هایی پیش آمد که اگر هم مختصر پولی بصندوق مالیهٔ محلی می‌رسید پیشکار مالیه یا امین مالیهٔ محل آشکارا آنرا بکیسهٔ خود می‌ریخت و بهیچ وجه پروا ازین کارنداشت. گذشته از روسای دارایی زیردستان و مخصوصا تحصیلداران نیز مالیات را بزور از مـردم می‌گرفتند و بخزانهٔ دولـت نمی‌رساندند.

گذشته از آن بسا اتفاق می‌افتاد که در نتیجهٔ ناامنی ناحیه‌ای ویران شده بود و عایدات آن ناحیه کفاف مالیات آنرا نمی‌داد و چون در صندوق مرکزی هم پولی نبودآن ناحیه مدتهای دراز درهمان‌حال زار مانده‌بود و اصول لامرکزیت چنان بر همه جا مسلط بود که برخی از نواحی را مانند آن بود که جزو ایران نمی‌دانستند و چون آن ناحیه ویران شده و مردم آن پریشان شده‌بودند می‌بایست بهمان فقر وتهی دستی خود بسازند و بهیچ وجه نه در دریافت عواید و نه در پرداخت مخارج کوشش و دقت ودلسوزی نمی‌کردند و در مقابل نادرستی ها هیچ باز خواست و کیفری درمیان نبود.

اصلاح دیگر توسعه و تحکیم سازمان و تشکیلات مالی در سراسر کشور بود. در دوره های گذشته تقریبا درهر ناحیه از ایران اصول خاصی‌برقرار بود وبسیاری از عوارض و مالیاتهای‌محلی بود که اختصاص بناحیهٔ معینی داشت و نواحی دیگر از آن معاف بودند و حتی در یك ناحیه برخی از اصناف و طبقات بپرداخت آن محکوم بودند و برخی دیگر از آن معاف بودند. تنها درین دوره سازمان و تشکیلات مالی در سراسر کشور یکسان شد و همهٔ افراد در برابر مالیات مساوی و برابر شدند.

دیگر از اصلاحات مالی واقتصادی درین دوره انتظام جمع و خرج کشور و توازن آن براساس بودجه های حقیقی بود واین نکته را کسانی که آگاهند نمی‌توانند منکر شوند. می‌توان گفت در دوره های سابق هرگز بودجه در کار نبود چنانکه در تمام مدتی که از مشروطیت ایران می‌گذشت تنها دوبار بودجه نوشته بودند یك‌بار مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله که وزیر مالیه شد بودجه‌ای ترتیب داد وباردیگر مرگان شوستر آمریکایی که خزانه‌دار ایران بودبودجهٔ دیگر نوشت. تازه‌اگر بودجه می‌نوشتند صورت مخارج را روی کاغذ می‌آوردند و چون چند ماهی ازسال‌می‌گذشت در آمدهای دولت بپایان می‌رسید و دیگر پولی در خزانه نبود و بقرض ورسوایی‌سال‌را هر طور بود بپایان می‌رساندند وناچار مطالبات مردم وحتی حقوق کارگزاران دولت می‌ماند وازاین سال بآن سال می‌رسید چنانکه کرارا در پایان ماه برای پرداخت مخارج جاری آن ماه از بانك شاهنشاهی ایران که یك شرکت انگلیسی بود وامتیاز انتشار اسکناس را داشت مبلغ مختصری قرض می‌کردند و چون نمی‌توانستند همهٔ احتیاجات را تأمین کنند بتناسب از هر مبلغی مقدار قلیلی می‌پرداختند. کارگزاران دولت که راه دیگری برای گذران‌خود جزهمان حقوق دولتی نداشتندحوالهٔ حقوق خودرا بصرافی ازقرار تومانی دو قران می‌فروختند یعنی بجای یك تومان دوریال ازومی‌گرفتند و وی آنقدر منتظر می‌شد تا بتواند آن مبلغ را وصول کند. در میان نواحی مختلف ایران مالیات برخی از نواحی زودتر وصول می‌شد و کسانی که وسیله داشتند می‌کوشیدند که حقوقشان را از بابت عایدات آن ناحیه بمستوفی آن نقطه حواله بدهند.

گاهی اوضاع مالیهٔ کشور باندازه‌ای پریشان می‌شد که همان مختصر وجه را برای پرداخت حقوق‌کارگزاران دیوان‌نداشتند وکرارا مستخدمان‌دولت پنج‌ماه و شش ماه حقوق طلب‌گار بودند. چند بار اتفاق افتاد که چون باز پول در خزانه دولت نبود بجای حقوق گندم و جو که از بابت مالیات جنسی در انبار دولت بود حواله کردند که

هرکس آنرا در بازار بفروشد و بحق خود برسد . یك بار آجر که از بابت مالیات جنسی کوره پزخانهای تهران گرفته بودند حواله کردند . باردیگر تفنگ های سر پرو سلاحهای ازکار افتاده‌را که در انبارها مانده بود در مقابل حقـوق وزارت جنگ دادند . باردیگر شاهنامه‌ای را که بخرج دولت در زمان مظفرالدین شاه بکوشش حسین پاشاخان امیر بهادر جنگ رییس کشیك خانهٔ دربارکه شاهنامه را دوست‌می‌داشت بقطع بسیار بزرگ چاپ کرده بودند و بشاهنامهٔ امیر بهادری معروف بود در برابر حقوق کارمندان وزارت خانها از قرار جلدی چهار تومان دادند .

بهترین دلیل اصلاحات اقتصادی و مالی درین دوره تفاوت شگفت در میان جمع بودجهٔ کشور در سال ۱۳۰۰ و سال ۱۳۲۰ است :

جمع‌کل هزینهٔ کشوردر سال ۱۳۰۰ مبلغ ۱۹،۵٦۱،۳۵۵ ریال‌و ۱۲۵۰۰۰۰ فرانك طلای سویس بوده است .

جمع کل بودجهٔ ۱۳۲۰ بدین گونه بوده‌است :

درآمد ۳،٦۱۳،۷٦۸،۷۱۸ ریال .

هزینه ٤،۳۲۳،۹۱۱،٦۷٦ ریال .

برای نمونه ترقی بودجه وزارت فرهنگ رادرین دوره درنظر بگیریم :

جمع کل بودجه سال ۱۳۰٤ مبلغ ۷،۷۳۱،۳۸۰ ریال .

جمع کل بودجهٔ سال ۱۳۲۰ مبلغ ۱۵٤،۸۵٦،۰۰۰ ریال .

بودجهٔ ارتش :

جمع‌کل بودجهٔ ارتش درسال ۱۳۰۰ مبلغ ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال .

جمع کل بودجهٔ ارتش در سال ۱۳۲۰ مبلغ ۵۹۳،۱۲۱،۵۲٤ ریال .

بدین گونه بودجهٔ کشور در مدت بیست سال تقـریبا بیست برابر ، بودجهٔ وزارت فرهنگ در مدت شانزده سال بیست‌ویك برابر و بودجهٔ ارتش در مدت بیست سال تقریبا شش برابر ونیم شده است .

بهترین معرف اصلاح اوضاع اقتصادی و مالی ایران‌اینست که‌با وجود مخارج بسیار سنگینـی که در راه آبادی و ترقی ایران و خرید اسلحـه وکارخانهای متعدد شده است دولت ایران درین مدت بهیچ وجه محتاج باستقراض در داخله یادر خارج از کشور نشده و حتی در هر سال مقداری از عایدات خود را صرفه جویی کرده وبعنوان ذخیرهٔ مملکتی نگاه‌داشته ومبالغ خطیری‌طلا خریده است‌وبر ثروت کشورافزوده‌است.

دلیل‌دیگر براصلاحات اقتصادی این دوره چند رقم دربارهٔ بانك‌ملی ایرانست:

درسال۱۳۰۷که سال‌تأسیس‌بانك بوده‌جمع‌ترازنامهٔ بانك ۱٦٦،۰۹۰،۰۱٦ریال بوده است .

در سال ۱۳۱٦این مبلغ به ۲،٦۱۱،٦۱۹،۷۰۲ ریال رسیده یعنی‌در ده‌سال‌بیش از پانزده برابر شده است .

موجودی فلزات گرا ن بهای بانك در سال ۱۳۰۷ معادل ٤۲،٦۵۱،٦٤۵ ریال بوده ودر پایان سال ۱۳۱٦ به ۷۱۵،۳۷۵،۲۲٦ ریال‌رسیده یعنی‌در ده‌سال بیش از ۱۷

برابر شده است.

در سال ۱۳۰۷ که بانك ملی ایران بکار آغاز کرده اندوخته نداشته است ودر سال ۱۳۲۰ اندوخته آن مبلغ ۹۶۹۱۵۶۷۷ ریال بوده‌است.

نکتهٔ بسیار مهم اینست که درسال ۱۳۲۰ که پایان این دوره بوده‌است دولت ایران یکی از دو سه دولت جهان بود که بهیچوجه وام داخلی و خارجی نداشت و بلکه ذخایر عمده در داخل و خارج کشور فراهم کرده بود وحال آنکه در پایان دورهٔ استیلای قاجارها دولت ایران یك فقره ۰۰۰ر۰۰۰ر۳۲ منات روسی‌مقروض‌بود که بنرخ آن روز ۰۰۰ر۰۰۰ر۱۹۵ریال وبنرخ‌امروز ۳۹۰ میلیون ریال می‌شد و یك فقره قرض دیگر۳۸۱ر۳۱۵ر۳ لیرهٔانگلیسی بودکه بنرخ‌آن‌روز۲۴۰ر۶۱۵ر۱۳۲ریال وبنرخ امروز ۴۸۰ر۲۳۰ر۲۶۵ ریال می‌شدو جمع‌قروض داخلی‌آن ۰۰۰ر۳۲۰ر۴۴ریال بود یعنی روی همرفته ۴۸۰ر۵۵۰ر۶۹۹ ریال‌مقروض بود. اگر این نکته را در نظر بگیریم که بالاترین رقم بودجهٔ ایران درآن‌سالها رقم بودجهٔ سال ۱۳۲۸ — ۱۳۲۹ قمری ۱۰۶۵۵۲۸۰۰ ریال بوده‌است معلوم‌می‌شود که بیش از بودجهٔ پنج سال خود مقروض بوده‌است.

برای اینکه زمینهٔ دیگری ازاوضاع‌مالی ایران در دست داشته باشیم باید در نظر گرفت که در همین بودجهٔ سال۱۳۲۸ــ۱۳۲۹ قمری مبلغ ۸۳ ۷۵۳ ۲۰۰ ریال از مبلغ ۱۰۶ میلیون کسر بودجه بوده‌است یعنی ۸۳ میلیون وکسری مخارج بی‌محل داشته‌اند. پس اینکه درپایان این دوره درپرتو استحکام اوضاع مالی دولت ایران دیناری مقروض نبوده بلکه وامهای سابق‌نیز ازمیان رفته بوده‌است‌بهترین دلیلیست که درین دوره چه اصلاحات مالی مهمی‌پیش آمده است.

اصلاح دیگری که درین راه شده اصلاح روش مالی کشور و اصول مالیاتی از حیث نرخ وطرز وصول بوسیلهٔ حذف‌مالیاتهای غیرعادی و مضر باقتصاد کشور بوده‌است مانندمالیاتهای ارضی‌وسرانه‌ودروازه‌بانی وراهداری‌وغیره وتعدیل‌مالیاتهای دیگر ووضع مالیاتهای جدید برای‌کارهای‌عام‌المنفعه مانند راه‌سازی و راه‌آهن و بهداری و مانند آن. اصول مالیاتی ایران‌یادگاردوره‌های تاریك‌وادوار ملوك‌الطوایف و حکومت ایلیاتی بودوپایهٔ درستی نداشت‌و بهیچوجه با مقتضیات روزگار وفق نمی‌داد ودر بسیاری از موارد عادلانه نبود،چنانکه همهٔ بار بردوش طبقهٔ کارگر و زارع‌وفروشنده‌شهری‌گذاشته‌شده‌بودیعنی‌مردمی‌که از دسترنج خود زندگی میکردند ودیگران که از راههای دیگر چندین برابرایشان درآمد داشتند بهیچ وجه مالیات نمی‌پرداختند و تنها اصناف و برزگران و این‌گونه مردم زیردست مالیات می‌دادند. ناچار می‌بایست در مالیات تعدیل کامل‌برقرار شود و اصولی پیش بگیرند که هر کس بتناسب درآمد خود مالیات بپردازدودر مخارج عمومی کشور شرکت‌کند واین اصلاح بسیار مهم درکار مالیات تنها درین‌دوره بعمل آمد.

نکتهٔ دیگری‌که در اصلاحات مالی‌و اقتصادی اهمیت بسزا دارد استقلال گمرکی ایران و اصلاح تعرفهٔ گمرکی براساس حفظ صنایع نوزاد و کالای داخلی

و محصولات کشورست . دردورهٔ قاجارهادر نتیجهٔ عهدنـامهٔ ترکمان چای کـه در سخت‌ترین مواقع ذلت و سرشکستگـی‌ایران بستـه شده بود ودر نتیجهٔ اصول کاپیتولاسیونها که در آن عهدنامه منظورکرده بودند وبرخی کشورهای دیگر نیـز از آن برخوردار شده بودند ایران درتعرفهٔ‌گمرکی خود بهیچ‌وجه استقلال نداشت و حداقل و حداکثری در حقوق گمرکـی‌برقرار کرده بودند واز واردات برخی از کشورهاکه بیشتر نفوذ داشتند حداقل وازدیگران‌حداکثر رامی‌گرفتند ودرصادرات نیز دو درجه حقوق گمرکی برای این دودسته بود . نرخهایی که در تعرفهٔ گمرکی منظور شده بود تغییرناپذیر بود زیرا که‌می‌بایست برضـایت دوطرف تغییر بدهند و طرف دیگر بتغییر آن رضایت نمی‌داد .در حقیقت تعرفهٔ گمرکی وسیله‌ای بودکه کالای بیگانه بهرصورتی که بیگانگان می‌خواستند وارد ایران‌شود وبیهایی‌که‌ایشان می‌پسندیدند بفروش برسد و درین موردکمترین استقلال واختیار برای ایران قایل نبودند .

دولت ایران برای اداره کـردن گمرکهای خود می بایست بمستشاران بلژیکی که طرف اعتماد دول بیگانه بودندمتوسل شود . حتی نوزنام بلژیکی رئیس کل گمرك ایران بمقـام وزارت رسید وعنوان « وزیر گمرکات » باو دادند و در سال اول‌مشروطیت بزحمت بسیار مجلس‌شورای ملی توانست دست اورا از کار کوتاه کند وپس‌از آن تا پایان دورهٔ قاجارها باز گمرك ایـران در دست مستشاران بلژیکی بودکه در کار خود صاحب اختیارمطلق بودند وحتی مرگان شوستر امریکایی مستشار مالیهٔ ایران نتوانست ایشان را ازکار بردارد . بدین‌گونه گمرك ایران یکی از مظاهر برجسته وآشکار مداخلات بیگانگان‌در کارهای داخلی ایران‌بوده‌است . بنابرین استقلال‌گمرکی ایران وتدوین تعرفهٔ‌گمرکی‌که کاملاً مطابق مصالح مـادی و معنوی ایران باشد وکوتاه کردن دست مستشاران‌بیگانه از گمرك ایران مهم‌ترین جنبه‌هـای اصلاحات مالی واقتصادی بوده‌است .

نکتهٔ دیگر درین زمینه جلب اعتمادعامهٔ مردم بکارهای مالی دولت بوسیلهٔ نظم و ترتیب درانجام خدمت و ادای تعهدات‌در موعد خود و قوام مالی کشور را باید دانست که گذشته از نتایج مادی که مردم‌در نتیجهٔ اعتمـاد بدولت تعهدات خود را منظماً پرداخته‌اند نتایج معنوی و اخلاقی‌نیز داشته است و اعتبار کامل برای دولت در مسایل اقتصادی و مالی فراهم کرده ،درصورتی‌که در دوره‌های گذشته یکسره برعکس این بوده و مردم از دولت سلب‌اعتماد کرده بودند و بهیچ‌وجه بتعهدات‌مالی ماموران مالیه اعتماد نداشتند .

نکتهٔ دیگرتهیهٔ اندوخته‌های مخصوص از درآمدهای دولتی بـرای اجـرای برنامه‌های مهم اقتصادی و رفع احتیاجات‌اجتماعی کشورست که انجام آنها با درآمد های عـادی دولت میسر نمی‌شد . درین‌زمینه نیز اقدامات مهمی کرده‌اند و بـر اندوختهٔ کشور هرسال مبـالغ خطیـری‌افزوده می‌شد و کارهای مهم مانند خرید اسلحه و کارخانهای فراوان را بدین وسیله‌تامین کردند .

دیگر تجدید نظر وبازبینی در امتیازات مختلفیست کـه در دورهٔ قاجارهـا باتباع داخله وخارجه داده بودند وبسیاری‌ازین امتیازات مخالف با مصالح کشور بود و الغای آنها نه‌تنها در اوضاع اقتصادی‌اثر بسیار داشت بلکه در تامین استقلال کشور نیز مؤثر بود . در ضمن می‌بایست‌مقررات برخی امتیازات را با منافع کشور تطبیق‌کنند مانند امتیاز نفت شرکت ایران و انگلیس وامتیاز شیلات دریـای خزر . برای این‌که اهمیت این‌کار و لغو این‌گونه‌امتیازات مسلم شود همین قدر کافیست بیاد بیاوریم‌که شرکت نفت ایران وانگلیس‌بنابر امتیازی که از بی‌راهه بدست آورده بود و منافع سرشار ازآن می‌برد در سال ۱۸۷۲۱ لیره و هجده شیلینگ و شش‌پنس سهم دولت ایران را می‌پرداخت و درپایان‌دورهٔ قاجارها قسمت عمده از آن رابرای استهلاك‌اصل وفرع‌قروضی که از انگلستان‌کرده بودند برمی‌داشتند .

در امتیازی که درین دوره در۱۳۰۹ داده شد سهم دولت ایران ۴۷۸ ۴۳۳ ۱ لیره و سیزده شیلینگ و هشت پنس و۱۶۹۴۲۴ لیره ونه‌شیلینگ ونه‌پنس مالیات شرکت بود یعنی روی‌همرفته ۳ ۹۰۳ ۶۰۲ ا لیره و سه‌شیلینگ و پنج‌پنس بخزانهٔ ایران پرداخته می‌شد یعنی بیش از هشت‌برابر ونیم سهم سابق .

دیگر از اقدامات اقتصادی مهم تاسیس بانك ملی ایران در ۱۳۰۷ و لغو امتیـاز انتشار اسکناس بتوسط بـانك‌شاهنشاهی ایران بموجب قانون ٦ خرداد ۱۳۰۹ بوده است . بانك شاهنشاهی ایران‌یك شرکت انگلیسی بود کـه در سلطنت ناصرالدینشاه امتیاز انحصاری حق انتشاراسکناس را در ایران‌گرفته‌بود وشعبه‌های مختلف در همهٔ شهرهای درجهٔ اول ودرجهٔ دوم ایران برقرار کرده بود و در ضمن معاملات تجارتی و استقراضی هم‌می‌کرد .

وضع معاملات صرافی آن وضـع‌خاصی‌بودباین معنی‌که اسکناس رابنواحی مختلف‌تقسیم کرده بودوروی هراسکناسی‌مهری زده بودکه مثلا « فقط در تبریـز ادا خواهد شد » وآن اسکناس را در هرجای دیگر ببانك می‌بردند مبلغی از ارزش آن کم می‌کرد و می‌پرداخت و پیداست‌که‌این معامله تا چه اندازه نامشروع وبرخلاف مقررات بانکی کشورهای جهان بود . لغواین امتیاز یکی از کارهای بسیار مهم بود زیرا پیداست که انتشار اسکناس پـایهٔ‌اقتصادواساس زندگی مادی هرکشوریست و ملتی‌که حق انتشار اسکنـاس را خودنداشته‌باشد وببیگانگان بدهدالبته استقلال اقتصادی خودرا از دست داده و همیشه‌دستخوش منافع دیگران‌خواهدبود . بهمین جهت تاسیس بانك‌ملی‌راکه از آغاز مشروطیت آرزوی ایرانیان بود و بدان کامیاب نمی‌شدند و لغو امتیاز اسکناس را که بیك‌بانك خارجی سپرده شده بود ازمهمترین قدمهای اقتصادی و مهم‌تریـن عوامل دراستقلال اقتصادی ایران باید دانست .

در نتیجهٔ لغو امتیاز اسکناس و تاسیس بانك ملی ایران وضع پول ایـران کاملا ثابت شد وبرای پول کشور پشتوانهٔ‌بسیار محکمی از طلا و جواهرات سلطنتی اندوخته شد و پیداست که بدین گونه پول‌ایران در جهان اعتبار کامل یافت و یکی از معتبرترین پولهای آن عصر بشماررفت.

از جمله کارهایی کـه در اصلاح اوضاع اقتصادی ایران کردند تاسیس بانك پهلوی قشون در اردی بهشت ماه ۱۳۰٤ بودکه بعدها بنام بانك سپه نامیده شد . پس از آن تاسیس بانك رهنی را بـرای کارگشایی مردم و رهایی ایشان از دست کسانی که از نیازمندیهای مردم تنگ‌دست بهره‌جویی‌های شگرف می‌کردند وتاسیس بانك فلاحتی و صنعتی ایران را برای کمك بکشاورزان و صنعتگران و یاری درآبادی و عمران کشور و تقویت نیروی تولیـد وتوسعـهٔ صنعت و پیشه وتاسیس بانـك کارگشایی را باید ازکارهای مهم اقتصادی دانست .

دیگر از اصلاحات اقتصادی وضع قانون نظارت در معـاملات ارزی بـرای تنظیم داد وستد پولی کشور با خارج وجلوگیری از خروج سرمایه و تلف کردن دارایی کشور بوده است . این اقدام رانیز می‌توان از کارهای مهم در اقتصاد کشور دانست زیـرا باین وسیلـه توانستند درصادرات و واردات کشور تعادل فراهـم کنند و نگذارند سرمـایهٔ کشور بیهـوده بخارج برود وبحران تولید شود .

دیگراز اصلاحات اقتصادی وضع یك سیاست اساسی برای تامین استقلال اقتصادی کشور و تطبیق فعالیت هـای اقتصادی با مقاصد عالیه و منافع کشور بوده است . این کار مخصوصا از حیث ترویج مصنوعات ایران چه در داخل وچه در خارج اهمیت بسیار داشته و البته درآبادانی کشور نیز بسیار مؤثر بوده‌است .

اقدام مهم دیگری کـه باز درین زمینه بعمل آمده جلوگیری ازنفوذ بیگانگان در اقتصاد و امور بازرگانی و معامـلات نقدی و جنسی بوده است . چنانکه پیش ازین هم اشاره رفت کارهـایی کـه درین زمینه کرده‌اند در استحکام مبانی استقلال ایران بسیار مؤثر بوده ویکی از وسایـل سلب مداخلهٔ بیگانگان درکارهای کشورست. تردیدی نیست کـه پیش از آن همیشه بیگانگان کوشیده‌اند منافع اقتصادی خودرا بوسیلهٔ مداخلات در کارهای ایران تامین کنند و همیشه در همه‌جا استعمار بـرای تامین منافع اقتصادی بوده است والبته هرجاکه در ضمن اصلاحـات اقتصادی از نفوذ بیگانگان کاسته شود در سیاست نیز مؤثر خواهد بود . درین زمینه کارهـای اساسی تاسیس سازمـانهـای لازم برای اجرای این مقصود مانند تاسیس وزارت پیشه وهنر و وزارت بازرگانی و ادارهٔ کل کشاورزی وشورای عالی اقتصاد واتاقهای تجارت شهرها بوده است . یکی ازکارهای مهمی که درین زمینه کرده‌اند وضع مقررات لازم برای تعادل صادرات و واردات بوده‌است مانند قانون انحصار تجارت خارجی و نظامات مربوط بآن و منـع ورود اشیاء تجملی و غیرلازم و تشویق وارداتی کـه برای استقـلال اقتصادی کشور و رفـع حوایج اولیهٔ جامعه ضرورت دارد مانـنـد ماشین‌ها و دارو وجزآن و نیز تشویق صادرات و معرفی کالای ایران دربازارهای مهم جهان وتهیهٔ بازارهای تازه برای متاع ایران . هریك ازین اقدامات نیز در حد خود در استقلال اقتصادی کشور مؤثر بوده‌است . برای اجرای این مقاصد عالـی یك سلسله کارهای اساسی کرده‌اند مانندراهنمایی بازرگانان باصول بازرگانی جدید و تاسیس مدارس تجارتی از آن جملـه مدرسهٔ عالی تجارت در تهـران و انتشار

مطبوعات تجارتی و تاسیس نمایشگاه های کالاهـای داخلی در شهرهـای عمده و مخصوصاً در تهران وشرکت درنمایشگاه‌هاو بازارهای مکارهٔ بین‌الملل و حمـایت از بازرگانان و تاسیس نمایندگی‌های تجارتی ایران در کشورهای بیگانه و عقد پیمانها و قراردادهای بازرگانی و تجارتی وتهاتر و پایاپای با دول بیگانه و کوشش در رفع موانع و مشکلات تجارت خارجی کشور . مخصوصاً چیزی که درین میان اهمیت خاص دارد اینست که در نتیجهٔ ایـن ارشادها و راهنمایی‌های مدبرانه و تشویق های دولت کالاهای ایران درین مدت درظاهر وباطن ترقیات بسیار کرده و قـابل قیاس با کالاهای دوره‌های پیشین نبوده‌است . صنایعی‌که سالها بود ازمیان رفته یا تنزل فاحش کرده بود بوجود آمده ویاپیشرفت‌های محسوسی کرده است و کالا های جدید در ایران بعمل آورده‌اند کـه نه‌تنها قسمت عمده از نیازمندیهای مردم کشور را تامین کرده و جانشین موادی که‌از خارج می‌آورده‌اند شده‌است بلکه برخی از آنها را هم ازایران صادر کرده‌اند .

دیگر از کارهایی که برای تامین سیاست اقتصادی کشور کرده‌اند تاسیس شرکتهای دولتی بـرای استقرار اصول تجارت کشور براساس اقتصاد جدید بوده است و نیز تشویق سرمایه‌داران ایرانـی بتاسیس شرکتهـای خصوصی درین کـار موثر افتاده است . نکتهٔ دیگر اتخاذ تدبیرهای لازم برای آن بوده‌است که نیازمندیهای نخستین کشور در ایران فراهم شود و باکمال آسانی و بابهای ارزان‌تر بدست مردم برسد و این نکته در تسهیل معاش وزندگی فرد فرد مردم اثر مهمی داشته است . در همین زمینه باید خرید محصولات عمدهٔ کشاورزی را با بهای بیشتر مانند پنبه و گندم وتریاك وتوتون و چای و چغندر وغیره دانست و منظور از آن نه‌تنها کمك اقتصادی بتولیدکنندگان بلکه فراهم‌آوردن‌وسایل ارزانی زندگـی و کمك باقتصـاد شخصی افراد مردم بوده است .

اقدام دیگریکه‌شده وآن نیزاهمیت‌خاص دارد مطالعـه در اوضاع عمومـی کشاورزی کشور برای تبدیل زراعت‌های‌اندك فایده بزراعت‌های مفید مانند چغندر قندوچای ونباتات دهنی‌والیافی‌وغیره‌بوده‌است . چنانکه سابقا یکـی از محصولات عمدهٔ ایران در بسیاری از نواحی برنج‌بودکه پیش از آن بازار داشت و سپس بازار آن بکلی بسته شد و بااین همه برزگران‌ایرانی بعادت قدیم آنرا بعمل می‌آوردند وخریدار نداشت . ناچار می‌بایست زراعت‌آنرا ترك کنند و بجای آن چیزی‌که بیشتر خریدار می‌داشت بکارنـد . نیز برخـی‌مواد بود که اگر فوایـد اقتصادی داشت ضررهای اخلاقی و اجتمـاعی فراوان درآن بود مانند تریاك که مضار گوناگون در جامعهٔ ایرانی فراهم کرده بود و قطعـاً می‌بایست زراعت آنرابسیار محدود بکنند.

دیگر از کارهای مهم درین زمینه‌تهیهٔ وسایل تولید برای برزگران بوده‌است مانند دادن مساعده های نقدی و جنسی وتهیهٔ تخم وجزآن ونیز اقداماتی که دررفع نواقص ومشکلات کشاورزی کرده‌اند مانندتهیهٔ وسایل آبیاری و دفع آفات نباتی و حیوانی و اصلاح نژاد نباتات و حیوانات و تهیهٔ‌تخم‌های‌خوب و ممتاز . درین زمینه

یکی از مهم‌ترین وسایلی که بکار رفته علاقمند کردن مردم بکارهای کشاورزی بوده است و در راس کارهایی‌که برای پیشرفت‌این مقصود کرده‌اند شهرنشین کردن مردم چادرنشین و بیابان‌گرد بوده است کـه‌بفواید گوناگون این کار مهم پیش ازیــن اشاره کرده‌ام . گذشته از اثری کــه درامنیت کشور داشته می‌توان گفت این کار نیز فواید فراوان در آبادانی و اصلاح‌اموراقتصادی کشور داشته است .کمترین فایدهٔ آن این بود که چند صد هــزارتن بر طبقات کارگر و صنعتگر و برزگـر ایرانی افزوده شد و راستی مانند آن‌بودکه چند صد هزار تن بر جمعیت ایران افزوده شده باشد و عده بسیاری را کــه‌بجز غارت و راهزنی کار دیگر نداشته‌اند بشریف‌ترین مشاغل بشری که کارکردن وخدمت کردن بنــوع و جامعه و میهن و سودمند بودنست وادار کــرده باشند وعدهٔ کثیری را در راه آبادانی وترقی‌کشور بکار گماشته باشند .

دیگر از کارهای مهمی که دریــن‌رهگذر شده واگذاری زمین‌ها و امــلاك خالصهٔ خوزستان و سیستان بکشاورزان‌محل ووضع مقررات لازم بنفع ایشان بوده است و پس از آن اقداماتیست کــه در فروش زمینهای خالصهٔ دولت ببرزگران و فروش همهٔ املاك خــالصه بمردم بوده‌است . پیداست که این‌کار نیز در آبادی ایران اهمیت بسیار داشته است زیرا کــه‌دولت ایران املاك خالصهٔ بسیار داشت که بهیچ‌وجه‌نمی‌توانست‌بآبادکردن ونگاهداری‌آنها بپردازد زیرا که وسایل وعوامل بسیار می‌خواست و آن صرفه‌جویی و دلسوزی‌که مالك می‌کند در مامور دولت یا مستاجر نبود و قطعاً هنگامی که این املاك بمردم‌تعلق گرفت بمراتب آبادتر شد وبر آبادی ایران افزود .

اقدام دیگر در ضمن اصلاحــات‌اقتصادی وضع مقررات قانونی برای‌الزام مردم بعمران و آبادی نقــاط حاصل خیزکشور با دستیاری دولــت و نیز رفــع احتیاجات مادی کشور بوسیلهٔ وسایــل‌صنعتی بوده است مانند کارخانهای قنــد ریزی و پارچه‌بافی و حریربافی وکبریت‌سازی و صابون‌سازی و جزآن چه بدست دولت و چه بدست اشخاص .

اقدام مهم دیگر عبارت بوده است‌از توجه و حمایت صنایع قدیم ایرانی‌که در دورهٔ گذشته انــدك اندك رو بنیستی‌می‌رفت مانند قالی‌بافی وزری‌بافی وکاشی سازی و جز آن ، کوششی‌که در توسعــه‌و رواج این صنایع ملــی ایران کرده‌اند گذشته از فواید اقتصادی بهترین وسیلــهٔ‌جلب شهرت ایران در خارج و معرفــی ذوق و هنر ایرانی و جلب توجه جهانیان‌بشمار رفته است .

دیگر از اقدامات مهم اقتصادی که درین دوره نتیجهٔ مهمی بخشیده توجه بمنابع ثروت زیــرزمینی کشورست کــه‌قرنها بیهوده ودست نخورده مانده بود و درین زمینه نه‌تنها دولت خود باستخراج‌آنها پرداخته بلکه عامهٔ مردم ایران را هم باین‌کارها تشویق کرده است .

قدم مهم دیگری‌که دراصلاح وضع‌اقتصادی‌ایران برداشته شده تامین‌خطوط ووسایل ارتباط کافی درکشور بوده است‌مانند راه‌آهن و راههای شوسه و پست و تلگراف و تلفن وتلگراف بی‌سیم‌وهواپیمایی‌و غیره‌که در مبحث جداگانه دربارهٔ آنها بحث خواهم کرد .

اصلاحات کشاورزی

شکی نیست‌که کشاورزی درایران قرنها مهم‌ترین منبـع ثروت بوده است و عدهٔ بسیار از مردم کشور همیشه سرگرم‌این کار بوده‌اند . بهمین جهت همیشه در هر دوره ترقی اقتصادی ایران بسته بـه‌پیشرفت کشاورزی و افزونـی محصول زمین بوده است و همهٔ پیشوایان بزرگ‌ایران که در آبادی کشور قدم برداشته‌اند هم خودرا صرف آبادکـردن زمین‌هـای‌زراعتی و آسودگی خاطر طبقهٔ کشاورزان و امنیت دادن بایشان و اصلاح اصـول‌آبیاری کرده‌اند . مثلا در دورهٔ ساسانیان که ایران یکی از آبادترین کشورهای جهان‌بوده‌است کوشش‌های بسیار و مخـارج سنگین در راه زراعت کرده‌اند و سدهای‌متعدد بر روی رودخانهـا مخصوصاً در خوزستان و بین‌النهرین که در آن زمـان‌از ایالات ایران بوده است برای آبیـاری نواحی بسیار وسیع ساخته‌اند . بهتریـن‌دلیل اینست که پس از هزار و چند صد سال پایه‌های آن سدها در گوشه و کنارباقیست و نیز در بین‌النهرین نهرهـای متعدد ساخته بودند که هنوز قسمت عمده‌از آنها باقیست و زمین‌های زراعتی را از آنها مشروب می‌کنند . عدهٔ این نهرها که‌از رود فرات و رود دجله منشعب می‌شده باندازه‌ای بوده است که از آب این دو رودبزرگ دیگر آنقدر نمی‌مـانده است کـه شط‌العرب تشکیل شود و فرات و دجلـه‌هردو جداگانه بخلیج فارس می‌ریختند .

ازطرف دیگر از روزی‌که نیاگان‌ماآریاییان ایرانی از کوههای پامیر بدشت های آسیای مرکزی فرود آمده‌اند اصول‌مخصوصی در آبیاری بکار برده‌اند که از هفت هزار سال پیش تاکنون معمولست ومنحصر بنژاد ایرانی بوده و تنها در قلمرو این نژاد در نجد ایران دیده می‌شود وآن‌کندن قنات و کاریز و بردن آب در مجرا های زیرزمینی تا فواصل بسیار و گاهی‌تا چند فرسنگست .

از پادشاهان ایران کـه اهتمـام‌بسیار در آسایش خاطر برزگران داشتـه طاهربن حسین مؤسس سلسلهٔ طاهریست‌که مخصوصاً در زمان وی و بدستور او کاریزهای بسیار در خراسان کنده‌اند که‌برخی از آنها تاکنـون باقیست و بآنهـا «قنات طاهری» می‌گویند . حتی افسانه‌ای‌از قدیم در میان مردم خراسان بوده کـه وی را « طاهر آب شناس » لقـب داده‌بودند ودر هرجاکه مـردم از یافتن آب ناامید بوده‌اند او با وسایل مخصوص آب‌پیدا می‌کرده و کاریزی می‌کنده‌است .

نکتهٔ مهم‌تر از همه اینست که داریوش بزرگ هنگامی‌که سرزمین مصر جزو

متصرفات ایران بوده است همان کاری را که اروپاییان پس‌از ۲٤۸۰ سال بعد بنام ترعهٔ سوئز کرده‌اند در نظر گرفته و شروع بحفر ترعه‌ای کرده است که آثار آن هنوز باقیست و کتیبه‌ای که برای ساختمان آن کنده‌اند درمصر پیدا شده‌است .

در زمان صفویه نیز کوشش بسیار در اصلاحات کشاورزی در ایران کرده‌اند و بهمین جهت ایران در آن روزگار یکی از آبادترین کشورهای جهان بوده است و نه تنها زراعت غلات و پرورش جانورهای اهلی در ایران بمنتهی درجه ترقی کرده بود بلکه در ضمن توجه خاص بپرورش کرم ابریشم کرده بودند و قسمت اعظم ابریشمی که در جهان بمصرف می‌رسید از ایران می‌رفت و یکی از کالاهای مهم ایران پارچه و مخمل وقالی ابریشمی بود وحتی هنرمندان ایرانی را برای رواج و ترقی پرورش کرم ابریشم باروپا می‌بردند .

پس از دوران صفویه بواسطهٔ جنگهای داخلی و پریشانی و آشفتگی اوضاع وناامنی کشور و دشواریهایی که در کارکشاورزی پیش آمد و بدبختی‌هایی که برزگران ایرانی دوچار آن شدند زراعت ایران بمنتهی درجه تنزل کرده‌بود و قسمت عمده از آبادیهای سابق از میان رفته وکشاورزان از زادگاه خود هجرت کرده بودند . در ضمن درین دوره پیشرفت‌های بسیار مهم در اصول کشاورزی در جهان فراهم شده بود ودر ایران بهیچ‌وجه راه‌نیافته بود و حتی اصول زراعت قدیم نیز تنزل کرده بود چنانکه پرورش دواب ومواشی بسیار کم شده بود وپرورش کرم ابریشم تقریباً از میان‌رفته‌بود و ازچندین‌ناحیهٔ مهم مانند یزد و کاشان وبرخی از نواحی خراسان و فارس و آذربایجان که‌در زمان صفویه در آنجا کرم ابریشم پرورش‌می‌دادند تنهاناحیهٔ بسیارمحدودی‌در گیلان مانده بود و درآنجا هم آفت‌ها و بیماریهای گوناگون در میان پیله و کرم‌ابریشم پیدا شده بود و چیزی نمانده بود که این منبع اقتصادی که تا سی سال پیش‌یکی از مهم‌ترین منابع ثروت هر کشوری بود یکسره نابود شود .

در نتیجهٔ این اوضاع در دوره قاجارها زراعت ایران کاملا در اصول بدوی متوقف مانده بود و تنها محصول‌بسیار مختصری که بزحمت خوراك مردم کشور را تامین می‌کرد در برخی ازنواحی‌که آباد مانده بود بعمل می‌آمد و نواحی دیگر بیشتر در سالهای غیرعادی که‌محصول ناحیه‌ای از دوردست بآن نمی رسید دوچار قحطی و تنگی و گرسنگی‌می‌شدند و بارها بوارد کردن غله از کشور های بیگانه ناچار شدند . بهمین جهت اصلاحات فلاحتی ایران در راس کارهایی بود که می‌بایست در آباد کردن ایران ورفاه مردم کشور و تامین زندگی ایشان بکنند و درین دوره یك سلسله اصلاحات‌مهم در کشاورزی ایران شده‌است .

نکته‌ای که بیش‌از همه در اصلاحات کشاورزی اهمیت داشته امنیت کشور بوده است زیرا تردیدی نیست که زراعت‌بیش‌از هرکار دیگری بامنیت احتیاج دارد و کشتزارها در زمین‌های دورافتاده قراردارند که هیچ مانعی در برابر تاخت و تاز بدکاران و هیچ پاسبان و مدافعی ندارندو تاکشوری کاملا امن نباشد و طبقهٔ زارع

ازهر حیث آسودگی و امان نداشته باشدنمی‌تواند بکار خود بپردازد و ازآب وزمین خود بهره‌مـــند شود و محصول خود رابردارد وببازار ببرد وبزندگی خود ونتیجهٔ رنج و کوشش خود امیدوار باشد . بهمین‌جهت‌نخستین‌وسیلهٔ بهبوداوضاع‌کشاورزی در ایران این بود که کشور کاملا در امان‌باشد و دست راهزنان و غارتگران مسلح را که دشمن زراعت و آبادانی هستنـــدکوتاه کنند و کشاورز را کاملا در امان و آسایش نگاه بدارند .

دومین قدمی که در اصلاح کشاورزی ایران برداشته شد تـاسیس ادارهٔ ثبت اسناد و املاك بود زیرا بدیهیست تاکشاورز نتواند حق خـودرا حفظ کنـد و دارایی خویش را در برابر تجاوز بیدادگران نگاه دارد دلبستگی کامل وامیدواری تمام بملك خود نخواهد داشت و مـالك‌مسلم ملك و زمین خود نخـواهد بود و بناچار درصدد آباد کردن و بهره‌مند شدن‌از آن برنخواهد آمد . اگر برزگر همواره در معرض طمع و بیدادگری این و آن باشدملك خودرا همیشه در خطر خواهد دید و توجهی در آباد نگاه داشتن آن نخواهدکرد و ناچار کشور مرتبـاً رو بویرانـی میرود هم‌چنانکه در دورهٔ گذشته شده بودو هرمردمتنفذی می‌توانست منتهای‌تعدی را نسبت ببرزگر و کشاورز بکند و چـون‌سند معتبری در دست مالك حقیقی نبود نمی‌توانست بحق خود برسد . بهمین جهت‌ثبت املاك و اسناد بهترین راه بود که هر کشاورزی مطمئن باشد کـه زمین او ازتعرض و طمع این و آن‌مصونست ومیتواند منتهای کوشش را در آباد کردن آن بکندو بدین وسیله در آبادانی کشور شریك باشد .

اقدام دیگـری کـه در اصلاحات‌کشاورزی ایران نتیجه بسیار مهم داشته است و آنرا نیز در راس مهم ترین کار هاباید قرار داد واگذاری و فروش امـلاك خالصه دولت بکشاورزان بود زیرا که ازقدیم املاك بسیاری بدست‌دولت مانده بود که چون ماموران دولت دلسوزی لازم رانداشتند و بهیچ وجه آماده بهره‌برداری از آنها نبودند همیشه بکسانی‌که نفوذ داشتنداجاره می‌دادند و ایشان هم جز آنکه نفعی ازین کار ببرند اقدام دیگری نمی‌کردند وهرگز یك دینار برای تعمیر و مرمت یـا اصلاح آن ملك خرج نمی‌کردند . بهمین‌جهت این املاك پهناور که قسمت عمده از خاك ایران را فرامی‌گرفت سالیان درازبایر وویران وحتی متروك افتاده بود وبسیاری ازکشاورزان در نتیجه تعدی مستاجران‌یا ماموران دولت از آنها هجرت کرده‌بودند و کسانی هم که مانده بودند چون خودرامالك نمی‌دانستند وکسی حقی برای ایشان قایل نبود در آبادی ملك انـدك دلسوزی‌نداشتند و بهیچ وجه در صدد ترقی کار خود برنمی‌آمدند . پیداست بمحض اینکه‌دولت این املاك خالصه را بکشاورزان یـا مالکان خصوصی واگذار کرد فورا توجهی‌در میان طبقات‌برزگر و تولید کننده نسبت بآن زمین های پهناور پیدا شد و وسایل‌آبادانی آنها فراهم آمد و بهمین جهتست که این اقدام دولت نیز اهمیت خاصـی‌داشته است و از قدمهای بلندی بوده است که برای‌اصلاح کشاورزی‌ایران برداشته‌اند.

دیگر از اقداماتی که در اصلاح‌کشاورزی اهمیت داشته شهر نشین کردن ایلات و طوایف چادر نشین ایران بوده‌است ، زیرا که از قدیم و از نخستین‌روز های تمدن نژاد آریایی ایرانی گروهی ازمردم بهمین‌حال واردتمدن شده‌اند وسپس چادرنشین های دیگر از خـارج بایـران‌آمده اند و گروه فراوانی از مردم ایران که بدلایل معتبر بیش از ثلث جمعیت‌ایران رافراهم می‌ساختند تا پایان دورهٔ قاجار ها بحال بیابان گردی و چادر نشینی در همه‌نواحی ایران زندگی می‌کردند و برخی از نواحی سراسر محل سکنی و آمد ورفت‌ایشان بود و ییلاق و قشلاق می‌کردند .

بدین‌گونــه چون در جای معینی‌ساکن نبوده‌اند بهیچ وجه گرد زراعــت نمی‌گشتند و تنها برخی از طوایف ایشان‌بپرورش اغنام وگله‌داری یا پرورش اسب مشغول بودند و در ضمن بواسطهٔ راهزنی‌و غارتگری پیوسته مخل آسایش برزگران بودند و اغلب محصول ایشان را تـاراج‌می‌کردند . همین که این چند میلیون چادر نشین ازآن حال بیابان گردی نجات یافتندو در نواحی حاصل خیز کشور جاگرفتند پیداست که چگونه در آبـادی کشور وکشاورزی و تولید ثروت وجـود ایشان موثر شد و مانند این بودکه یك‌باره چنـدمیلیون مردم کارآمد برنفوس ایران وطبقه کارگر و مولد ثروت افزوده شده باشد .

اقدام دیگری که در اصـلاحات‌کشاورزی باید اهمیت خاصی بـدان داد تاسیس آمـوزشگـاه هـای کشاورزی ودانشکدهٔ کشاورزی و بنگاه هـای بسیار برای تعلیمـات کشاورزی و راهنمایی بکشاورزان در سراسر کشور بوده است . نیـز در دبستانـهای مراکـز کشاورزی‌بروستایی زادگان و کـودکـان کشاورزان تعلیمات فلاحتی داده‌اند . بدین وسیلـه‌اصول علمی کشاورزی و پیشرفت هـای زراعت جدید و انکشافها و اختراعهایی راکه درین راه شده است بکودکان و جوانان کشور آموختند و وسایل علمی و اساسی‌در پیشرفت زراعت ایران و فنون مربوط بفلاحت و پرورش دام و جزآن را بایشان‌یاددادند و ازین راه پیشرفت مهمی در کشاورزی ایران پیش آمد و بهمین جهت‌جای آن دارد که‌باین کار نیز اهمیت بسیار بدهیم .

نکته دیگر اینست که در نتیجـه‌فراهم آمدن منابع جدید نیازمندیهایـی نسبت ببرخی از محصولات کشاورزی‌پیداشد ناچار این زراعت هاکه توسعه بسیار یافت سبب آبادی کشور و رفاه و آسایش‌برزگران شد و درآمد ایشان افزوده گشت چنانکه در نتیجه توسعه صنایع ریسندگی‌و بافندگی و تاسیس کارخانه های متعدد برای این رشته ها در همه نواحی کشوربر محصول پنبه ایران بسیار افزوده شد و نوع پنبه ترقی روزافزون کرد . درنتیجه‌تولید صنعت پشم بافی پشم نیز بمقدار بیشتر و بهتر فراهم شد و در پرورش‌اغنام و گله داری پیشرفت محسوسی پیش آمد . در نتیجه ایجاد کارخانه های قندریزی متعددکشت چغندر قند که سابقا در ایران هیچ‌سابقه نداشت توسعه فوق‌العاده‌گرفت .هم چنین‌درنتیجه اقبال مردم بتهیه خشکبار و بهبودی که درین صنعت فراهم‌شد و افزایش‌صادرات ایران‌ازین راه میوه ایران بمراتب فراوان تر و بهتر از پیش شدو نیز درنتیجه بکار افتادن کارخانه بزرگ

دخانیات محصول توتون نسبت بگذشته‌چندین برابر شد .

دیگر ازکارهایی که در اصلاحات‌کشاورزی کرده‌اند توجه بترقی و توسعه پرورش پیله و کرم ابریشم و صنعت تخم‌نوغان ایران بوده است که در دوره قاجار ها در نتیجه غفلت دولت رو بتباهی می‌رفت . پیش‌ازین‌اشاره رفت که این صنعت مهم که تا سی سال پیش یکی از مهم‌ترین‌منابع ثروت کشاورزی بود در چندین ناحیه ایران حتما معمول بوده است از آن‌جمله در کاشان و یزد و برخی از نواحی خراسان و آذربایجان و فارس و در اواخر دوره قاجارها تنها آن هم بمقدار کم در گیلان باقی مانده بود و در نتیجه بی‌مبالاتی‌و سهل‌انگاری و بی‌قیدی دولت در حال فساد و نیستی بود وچندین بیماری مسری‌که مخصوص کرم ابریشمست از خارج وارد ایران شده بود و هرسال مقدارمحصول نسبت بسال گذشته رو بنقصان می‌رفت و انحصار ورود تخم نوغان راکه‌از اروپا می‌خریدند و محتاج بدان بودند بیك تن از سیاست مداران تهران داده‌بودند . بهمین جهت این صنعت مهم که در زمان صفویه در ایران در منتهای رونق ویکی از مهم ترین منابع عایدی ایران وجلب ثروت بود کاملا راه زوال را می‌پیمود وچیزی نمانده بود که از میان برود . بهمین جهت در دوره پهلوی توجه خاصی نسبت‌باین صنعت و پرورش پیله و کرم ابریشم و تخم نوغان کردند ودرین زمینه پیشرفت‌هایی روی داد و در نواحی دیگر بجز گیلان وسایل نوغان داری و پرورش پیله‌فراهم شد و نیز صنعت ابریشم بافی با اصول جدید نه‌تنها نیازمندی کشوررا ازین‌حیث کاملا تامین کرده و مردم ایران را از پارچه های‌ابریشمی خارجی بی‌نیاز ساخته‌است بلکه صادراتی نیز فراهم آورده‌است.

نکته دیگری‌که درضمن اصلاحات‌کشاورزی باید بآن توجه کرد پیشرفت محسوس و بهبودمحصول فلاحتی‌ایرانست‌که درین دوره تامین شد و محصول عمده ایران مانندپنبه و پشم و خشکبار وابریشم و چغندر قند و کنف و چای و توتون ترقی عمده کرد و هم از حیث کمیت و هم ازحیث کیفیت قابل قیاس با ادوار پیشین نبوده است .مخصوصا ایجاد نمایشگاه‌های‌کالای ایران در تهران و شهر های عمده‌که محصول فلاحتی در آن بیشتر جلوه داشته‌است دررسیدن باین نتیجه بسیار موثر بوده است .

اصلاح‌دیگری‌که درین زمینه بعمل‌آمده ایجاد ادارات تثبیت غله است تا محصول غله ایران را ببهترین بهایی که‌ممکن باشد از برزگران و تولید کنندگان بخرند و در شهرها همواره برای تامین‌زندگی و آزوغهٔ مردم شهر بحد وفور و با کمال دلسوزی در جاهای مناسب نگاه‌دارند ومازاد خوراك مردم را ببهترین‌بهایی که بتوانند صادرکنند . ازین حیث ترقی‌عظیمی در زراعت غله ایران فراهم شد و گشایش‌فوق‌العاده‌ای در کارهای‌کشاورزی‌برزگران پیش‌آمد و این نیز یکی از قدمهای بلندی بود که در اصلاح کشاورزی ایران‌برداشته شد .

دیگر از اصلاحات کشاورزی مهم‌که در ایران شد توسعه و اصلاح چای کاریست که پیش ازین دوره باندازه ای‌ناچیز بود که جزو محصول کشور بشمار نمی‌رفت و قابل اعتنا نبود . در پایان دوره‌پهلوی قسمت مهم از مصرف چای کشور

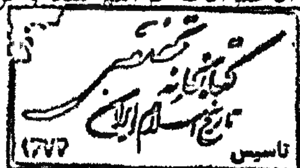
در ایران بعمل می‌آمد و توسعه و ترقی فوق‌العاده درین زراعت فراهم شد و دیگر بجای کشور های دیگر چندان نیازمند نبودند و منبع درآمد تازه‌ای برای کشاورزان ایرانی پیدا شد .

دیگر از اصلاحات کشاورزی که درین دوره بعمل آمد اصلاح جنگلها بود . در پایان دوره قاجار ها بواسطه بی‌اعتنایی جنگلهای چندین هزار ساله ایران رو بنیستی می‌رفت وهیچ اصول درستی برای حراست و پاسبانی و نگاهداری جنگلها و مخصوصا جنگلهای شمال و کرانهای دریای خزر که درسراسر جهان معروفست درمیان نبود . هرسال در نتیجه بی‌قیدی ماموران دولت مقداری از درختان کهن وگران بها را برای هیزم ساختن و چوب بریدن یا خانه ساختن و حتی زغال درست کردن می‌انداختند و بجای آنها چیزی نمی‌کاشتند . بدین گونه هرسال از سطح جنگلهای ایران کاسته می‌شد و بهمین جهت دولت توجه خاصی بجنگلها کرد و اصول منظمی برای حراست و پاسبانی آنها وضع شد و جنگلهای ایران را از خطر نیستی نجات دادند .

دیگر از اقدامات مفیدی که دراصلاحات کشاورزی شده توجه مخصوص نسبت بآبیاری و ساختن سد های جدید و بندهای مهم و کندن چاههای آرتزین و بکار بردن اصول جدید درآبیاری کشتزارها بوده است تا بدین وسیله آبهای ایران بهدر نرود وبمصرف زراعت برسد وجاهایی که مستعد آباد شدنست باندازه کافی آب داشته باشد .درین زمینه اقدامات گوناگون کرده‌اند که در آبادی ایران نتایج مهم در برداشته است .

دیگر از اصلاحات کشاورزی این دوره بکار بردن اصول جدید در زراعت و متداول کردن ماشین و وسایل جراثقالی و تراکتور و غیره در زراعت بوده است که پیش ازآن مطلقا در ایران سابقه نداشت واز جمله اصلاحات مهم درین زمینه بشمار می‌رود .

اصلاح دیگری که باز درین زمینـه کرده‌اند ودرکشاورزی ایران اهمیت بسیار دارد تاسیس بنگاههای دفع آفات حیوانی و نباتیست که برای جلوگیری از بیماریهای حیوانات اهلی و اغنام واحشام و چهارپایان ودواب ودفع آفات زراعت تاسیس شده و با اصول علمی جدید این گونه آفت ها راکه سابقا در ایران چاره نداشت و با اصول بدوی چاره جویی می‌کردند و نتیجه آن بسیار ضعیف بود دریندوره باوسایل علمی جدید از میان بردند. برای این کار موسسات بسیار مهم ووسیع در کشور فراهم شد و برزگران وپرورش دهندگان دام وچهارپایان ازآنها کاملا بهره‌مند شدند .نیز دربسیاری از نواحی کشور و مخصوصا در مراکـز زراعتی کشت زارها و باغهای نمونه برای ترویج اصول زراعت علمی وانتشار بذرهای خوب تاسیس کـردند و وسایلی آمـاده ساختند که با ماشین های جدید مزارع راشخم بزنند و ازین حیث دستیاری بسیار مهمی با کشاورزان کردند . هم چنین بهترین نمونه های جانور های اهلی و دواب و احشام و اغنام را در کشور فراهم کردندو برخی ازآنها رااز کشور های دیگرآوردند وبدین گونه کامل ترین وسایل اصلاح نژادحیوانات فراهم شد و برزگران و صاحبان املاك ازین بذرها و حیوانات بهره بردند .

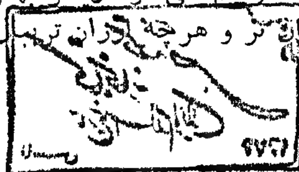


نکته‌دیگر تاسیس ادارات کشاورزی و بنگاه‌های متعدد باعضویت مردم تحصیل کرده و آزموده در سراسر کشور بود که‌بهیچ‌وجه با دوره های گذشته قابل سنجش نبود و نیز تاسیس آمار کشاورزی واحصائیه محصول‌زراعتی‌ایران‌بااصول‌جدید را باید از کارهای جالب دانست . در دوره‌های گذشته نیز بهیچ وجه اثری ازین‌گونه کارها در ایران نبود . در ضمن مقررات‌بسیاری برای بهبود احوال کشاورزان و فراهم کردن وسایل رفاه و آسایش وبهداشت در روستاها وقصبه ها ونشریات کشاورزی وضع کردند و ازین حیث نیزبرزگران بسیار بهره‌مند شدند و فواید مادی و معنوی بسیار بردند .

دیگر از اصلاحات کشاورزی درین‌دوره تاسیس بانك کشاورزی بود که در آبادی کشور و آسایش برزگران اثر بسیارمهمی بخشید و بدین وسیله ایشان وسایل مادی برای آباد کردن زمین خود و ترقی‌محصول‌خودبا شرایط بسیارآسان یافتند. در ضمن آنکه بانك کشاورزی عهده‌داربودبآسان ترین شرایط وسایل مادی را برای آباد کردن املاك و پیشرفت زراعت آماده‌کند و قرضه‌هایی را که‌داده است باقساط کم مستهلك کند نیزموظف بود ازراهنمایی‌وتهیه وسایل معنوی و فکری و مساعدت علمی با برزگران خودداری نکند و بهمین‌جهتست که تاسیس این بانك را در آبادانی کشور و ترقی زراعت ایران و رفاه‌کشاورزان باید از مهم‌ترین اقدامات دانست .

نکته دیگری‌که در ضمن اصلاحات‌کشاورزی باید بدان اهمیت بسیار داد و درآبادانی کشور و رفع نیاز مندیها ازکشور های بیگانه بسیار موثر بوده است حمایت از محصولات داخلی بوده است که‌مخصوصا دولت در ضمن سیاست مالی و گمرکی خود کاملا رعایت آنرا می‌کرد و هرمحصولی‌که در داخله‌کشور فراهم می‌آمد و رفع حاجت را از کالای کشور های‌دیگر می‌کرد ورود آنرا ممنوع کرده بودندو همواره صادرات کشاورزی را تشویق می کردندوبهروسیله‌ای‌که‌ممکن‌بودمی‌کوشیدند که هم کیفیت و هم کمیت آن ترقی بکندو برمقدار آن افزوده بشود و نوع آن بهتر باشد تا بیش از پیش جلب توجه بازار های‌بیگانه را بکند . درین دوره درین زمینه ترقیات بسیارمحسوسی درانواع‌محصولات‌کشاورزی ایران فراهم شد و هر سال مقدار محصول و نوع آن و صادرات آن‌بکشور های بیگانه و فروش آن در بازار های جهان ترقی محسوس می‌کرد وبهیچ‌وجه با دوره های گذشته قابل قیاس نبود و بهمین جهت این کار را باید ازمهم ترین کار ها در اصلاح کشاورزی دانست .

کار دیگری که در اصلاح کشاورزی وآبادی کشور بسیار موثر بوده و نمی‌توان منکر فواید سرشار آن شد توسعهٔ وسایل‌ارتباط وساختمان‌راهها و پلها و مخصوصا راه آهن بوده‌است ، زیرا هیچ تردیدنیست‌که بازرگانی وکشاورزی‌وصنعت بی‌وسایل ارتباط ممکن‌نیست‌و هرچه وسایل ارتباط‌سریع تر و بهتر باشد ترقی زراعت و آبادانی مملکت بهتر فراهم می‌شود زیرا بهترین وسیله است که محصول هر چه زودتر و هرچه آسان‌تر و هرچه ارزان‌تر ببازار وبدست خریدار برسد و در راه



آسیب نبیند و تباه نشود و همیشه درمواقع معین و بهر مقدار که لازم باشد در بازار فراهم باشد و توجه خریداران رابخود جلب‌کند. بهمین جهت راهها وپلهای متعدد ووسایل ارتباط گوناگون که درین‌دوره درایران فراهم شد اثرمهم دراصلاح کشاورزی ایران داشته است و هم‌چنان‌که در همه مظاهر آبادی و پیشرفت موثر بوده درین زمینه نیز اثر بخشیده است .

اصلاحات و پیشرفتهای صنعتی

همواره در تمدن بشر مادیات مهم‌ترین رکن زندگی بوده و در تمدن کنونی اهمیت آن روز بروز آشکار تر می‌شود وروزی نیست که در صنایع جهان پیشرفتی که کار را همواره آسان تر می‌کند روی‌ندهد . از اواسط قرن نوزدهم میلادی صنعت پی‌درپی راه پیشرفت را می‌پیمایدو بهمین‌جهت ممکن نیست‌هیچ ملتی‌بتواند ازصنایع جدید بی‌نیاز باشد وهرکشوری‌که‌نتواند احتیاجات‌دایمی خودرا بدین وسیله فراهم‌کند محکوم بزوال خواهد بود .

در ایران در دوره های گذشته که‌نزدیك دویست سال کشور گرفتار انقلابات داخلی و جنگهای خانگی و لشکر کشی‌های‌خارجی وبدبختی های گوناگون بود مردم از کاروان تمدن یکسره باز مانده بودند وازهرپیشرفت و ترقی محروم‌گشته بودند و حتی درصد سال آخر در نتیجه ناامنی‌عجیبی که پیش ازین کرارا درباره آن بحث کرده‌ام و زوال و انقراض حقیقی نتیجه‌آن‌شده بودکه‌صنایع داخلی ایران‌که مخصوصا در زمان صفویه از دوره شاه عباس اول‌ببعد در منتهای رواج بود رو بنیستی می رفت و می‌توان گفت در پایان دوره قاجارها بهیچ وجه صنعتی در ایران نبود و همه نیازمندیهای مردم از بیرون می‌آمد وحتی‌واجب ترین چیز ها را وارد می‌کردند و در نتیجه هرسال نقصان فاحشی در تجارت‌ایران پیش‌می‌آمد . سال بسال از صادرات کاسته می‌شد و برواردات افزوده می‌گشت‌و اگرآن اوضاع سپری نمی‌شدقطعا چندی نمی‌گذشت که ایران کاملا ورشکسته‌می‌شد و بحران اقتصادی عجیبی کشور را یك‌باره ازپادرمی‌آورد و درنتیجه‌آن‌انقلاب‌عظیمی روی می‌داد که استقلال ایران را از میان می‌برد و دیگر شاید امید بازگشت‌نبود .

بهمین جهت در دوره پهلوی درجزو اصلاحات‌اقتصادی مهمی‌که بدان‌آغاز کردند قهرا می‌بایست توجه خاصی درباره‌صنایع بکنند و صنایع جدید را در ایران برقرار سازند و ازین حیث کشور را ازتوسل بخارج بی‌نیاز کنند و قسمت اعظم از نیازمندیهای ایران را در داخله کشور واز کالای ایران‌برآورند و آن فقر اقتصادی شگفت را که سربنیستی می‌زد از میان‌ببرند .

درین‌راه یك سلسله اقدامات‌بسیارمهم کرده‌اند . در قدم نخست باید تاسیس کارخانه هارا قرارداد زیرا مهم ترین‌اساس‌اقتصادی در تمدن امروز کارخانه‌هاییست که در کشوری دایر می‌کنند وهمیشه برای‌مملکت می‌ماند و سبب پدید آمدن صنایع ملی و سلب احتیاج مردم از مصنوعات‌بیگانه می‌شود . بدین وسیله یکی از مهم

ترین مسایل اجتماعی را که رفع بحران وپیداکردن کار برای کارگران کشورست حل می‌کند و مواد اولیه ای را که در کشور فراهم می‌آید بجای آنکه ببهای ارزان بخارج بفروشند و در برابر آن نیازمندیهای خودرا ببهای گران تر بخرند در داخل کشور بدست مردم مملکت بمصنوعات داخلی تبدیل می‌کنند . روی همرفته فواید اقتصادی و اجتماعی گوناگون در تاسیس کارخانه ها نهفته است و چندان آشکار است که حاجت بتوضیح ندارد .

درین دوره درین زمینه ایران پیشرفت های عظیم کرده است . در دوره گذشته اگرگاه گاه مرد نیك اندیش دوربینی پیدا می‌شد و می‌خواست با تاسیس کارخانه ای یکی از حوایج مردم را تامین بکند از یك سو بواسطه مداخله بیگانگان در کارهای داخلی کشور و رقابت های نامشروع و سیاست استعماری و از سوی دیگر بواسطه آنکه دولت هیچ وسیله نداشت مصنوعات داخلی را حمایت کند و سیاست گمرکی و اقتصادی نداشت محصول آن کارخانه رواج نمی‌یافت و بزودی کارخانه تعطیل می‌شد . راهی که بیگانگان برای پیش بردن این مقصود داشتند این بود که کالای خود را موقتا چنان ارزان می‌کردندکه کالای آن کارخانه دیگر خریدار نداشت و ناچار کارخانه بسته می‌شد . چنانکه درآن دوره کارخانه های چند مانند قندریزی و کبریت سازی و ریسمان بافی و بلورسازی و جز آن در ایران دایر شده و هر یك در قدم اول ازمیان رفته و نابود شده‌است و معروف ترین آنها کارخانه کبریت سازی الهیه و قندریزی کهریزك بود کـه حاج میرزاعلی خان امین‌الدوله دایرکرد و کارخانه ریسمان بافی که مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله در تهران تاسیس کرد .

اما دردوره پهلوی برعکس استقلال مملکت کاملا پابرجا شده و دولت از هر حیث نیروی کامل یافته بود و سیاست اقتصادی و گمرکی روشنی داشت که بـا کمال بصیرت و آگاهی دنبال می‌کرد وپیشرفت های مهمی در صنایع پیش آمد . درین دوره کارخانه‌های ریسندگی وبافندگی و کبریت سازی و صابون پزی و قندریزی و گونی بافی و کش بافی و کارخانه های برق و چرم سازی و مقوا سازی وخشکبار و پارچه بافی و پشم بافی و حریربافی وکنسرو سازی وپشم ریسی وسیمان سازی و آجر پزی و بریکت سازی و نوشابه‌سازی و جزآن در اندك مدتی درایران بکار مشغول شدند . می‌توان گفت در نتیجه کوششهای بسیار و توجه خاص دولت درین راه و وسایل گوناگونی که برای تشویق مردم درین زمینه بکار برده‌اند درین دوره همه نیازمندیهای درجه اول کشور در داخـل مملکت فراهم شده است .هر سال قدمهای بیشتری درین راه برداشتند و بسیاری ازمواد که سابقا بمقدار کثیر از خارج می آوردند و از اقلام مهم واردات کشور بوددر مملکت بدست مردم ایران فراهم شد و دیگر دیناری ازپول مردم از آن بابت بخارج نرفت . آن کالارا ببهترین وجهی در ایران ساختند و بارزان‌ترین بهـای ممکن بحـدوفور در بازار های ایران عرضه داشتند . همه آنها بسرمایه ایرانی بدست ایرانی باتازه ترین وسایل فنی و بهترین ماشین های ممکن فراهم گشت .

درپایان دوره پهلوی کمترین شهری در ایران بود که در آن یا در همسایگی آن

یکی چندکارخانه مهم‌مشغول‌بکارنشده‌باشدو مخصوصا در درجه اول تهران و اصفهان و تبریز و مشهد و در درجه دوم شهرهای‌دیگر مانند رشت و قزوین و قم و یزد و اهواز و زنجان وهمدان و سمنان و شیرازو کرمان مراکز صنعت جدید ایران شدند . در هـر یك از آنهـا مبالـغ خطیری ازسرمایه ایرانی چندین هزار کارگر ایرانی از زن و مرد وکودك را بکار مشغول کرده‌است .

از طرف دیگردولت با سرمایه خوداقدام بیك سلسله کار های صنعتی بسیار مهم کرده است چنانکه همه کارخانه های‌قند ریزی کشور را که درین دوره احداث کردند دولت فراهم آورد و کارخانه های‌مهم دیگر مانند حریر بـافی و تراورس سازی و گودرون سازی و سیمان سازی وغیره را فراهم کرد و در پایان این دوره مشغول بیکی از مهم ترین کار های صنعتی‌یعنی ایجاد کارخانه ذوب آهن شد کـــه متاسفانه جنگ‌جهانی دوم مانع ازپیشرفت‌این مقصود عالی گشت .

از سوی دیگـر شهرداریـها دربسیاری از شهر های ایران کارخانه های برق ودرشهرهای مهم‌ترسیلوها وانبارهای‌بسیار بزرگ‌ووسایل‌جدید برای نگاهداری غلات و آزوغهٔ شهرها ترتیب داده‌اند کـه‌هر یك از آنها دستگاه بزرگیست و از جمله جدیدترین وسایل فنی امروز بشمارمی‌رود .

دستگاه بسیار بزرگ دیگری کـه‌دولت فراهم کرده‌کارخانه دخانیاتست تا عده کثیری از مرد و زن و کودك درآنجاکار کنند و محصول این کارخانه که در خاور میانه نظیر ندارد در کشور هـای‌دیگر نیز خریدار دارد .

نکته دیگری که در ضمن اصلاحات‌صنعتی باید بدان توجه کرد توسعه واصلاح صنایع قدیم ایرانست که در حقیقت درین‌دوره آنها را احیا کردند و از نوبوجـود آوردند زیرا چنانکه گفته شد در دوره پیش‌چنان تنزل کرده بود که تقریبا ازمیان رفته و نابود شده بود . سالها و بلکه بیش ازیك‌قرن بودکه دیگر درایران زری نمی‌بافتند و این صنعتی که ایرانیان درجهان معمول‌کـرده بودند درایران فراموش شده بود و نیز نقاشی و تذهیب از میان رفته بودو رشته های دیگر صنایع ملی مانند کاشی پزی و قلمدان سازی و خاتم سازی و نقره‌سازی و کنده‌کاری و ملیله سازی و قالی بافی و زر دوزی و قلاب دوزی و قلمکارسازی وجز آن تنزل بسیار فاحش کرده بود و هنر صنعتگران ایرانی دوره صفویه‌که سراسر جهان را اززبردستی و ذوق و سلیقه سرشار خود خیره کرده بودندبچیز های بسیار پست بدل شده بود که باعث تعجب و گاهی نیز مایهٔ تاسف بود که‌چه شده است بازماندگان آن هنرمندان چیره دست بدین‌گونه بی‌ذوق و بی‌سلیقه‌شده‌اند . پیداست که یگانـه دلیـل آن پریشانی‌اوضاع وبی‌اعتنایی‌دولتهابدین‌گونه کارهای اساسی و ملی بوده است .

در دوره پهلوی در هریك ازین‌صنایع ملی ایران‌ترقی آشکاری پیش‌آمد و بجرات می‌توان گفت برخی از آنها بهمان‌درجه زیبایی دوره صفویه رسید و حتی برخی دیگر اززمان صفویه هم پیش افتاد ،چنانکه هیچ تردیدی نیست که قالی ها و زریها و نقره کاریها و برنجهای کنده‌کاری‌این دوره بمراتب بهتر از شاهکار هـای زمان صفویه شده بود . درین اندك مدت‌دوباره نهضت صنعتی عجیبی در ایران

پدیدار شد و دوباره ذوق و هنرنمایی‌ایرانیان درین‌راه گل‌کرد و بیش از پیش بسوی تکامل رفت و دوباره صنایع ایران‌جلب توجه جهانیان را کرد و مسلم شد که این ملت هنرمند با ذوق هرگاه روی‌آسایش ببیند باز مقامی را که در دوره انحطاط از دست داده بود در جهان بدست‌می‌آورد و باز راه ترقی را در اندك مدتی شتابان می‌پیماید و در راه نمی‌ماند .

درین زمینه‌مخصوصا باید باحیای‌صنعت قالی بافی توجه کرد زیرا که این صنعت ملی ایرانست که از قدیم‌الایام‌خاص نژادایرانی بوده و همیشه اختصاص بسرزمین ماداشته‌است چنانکه در پازیریك‌در سیبری در میان لوازم خانه‌ای از دوره هخامنشیان که‌سیل آنرافراگرفته و سپس‌در زیر یخ مانده و تازمان حاضر باقی‌مانده است یك قالی دوره هخامنشیان یافته‌اندکه از ایران بسیبری برده بودند . در دوره قاجار ها این صنعت بمنتهای تنزل خودرسیده بود و حتی در آنهم دسایس سیاسی و مداخلات بیگانگان رخنه کرده بود ودرانتشار رنگهای جوهری آنیلین و نخهای بد می‌کوشیدند تا شهرت جهانی قالی ایران‌را از میان ببرند و قالی های کشور های دیگر بیشتر مشتری داشته باشد . بدین‌وسیله بازار های دنیا را برروی کالای ملی ایران بسته بودند و بوسایل گوناگون‌صنعتگران نادان ساده لوح ما را غافل می‌کردند و فریب می‌دادند و می‌کوشیدنداین صنعت را محو کنند تا رقیبان از آن بهره مند شوند . درین دوره این صنعت‌ایرانی باندازه‌ای ترقی کرد که راستی باعث تعجب شد و همه جهانیان را دوباره‌خیره ساخت و چنانکه اشاره رفت قالی بافی ایران حتی از دوره صفویه هم پیش‌افتاد و از حیث نقشه و رنگ آمیزی و انتخاب پشم و نخ و طرح ریزی و بافت وذوق و سلیقه ای که در آن بکار بردند و حتی از حیث ظریف کاری و نازك کاری‌بمنتهی درجه ترقی خود رسید و قالی‌هایی در ایران بافتند که در هیچ دوره‌ای بخوبی‌آنها نبافته بودند .

دیگر از صنایع ملی ایران که دردوره پهلوی احیا شد و بمنتهای ترقی خود رسید صنایع ظریفه و مخصوصا نقاشی‌باسلوب قدیم یا باصطلاح نقاشی چینی (مینیاتور) و تذهیب و خاتم سازی و زری‌بافی و مخصوصا کنده‌کاری روی نقره و برنج بود که هریك از آنها در حد خـودترقی عظیم‌کرد واین هم نتیجه وسایلیست که دولت فراهم کرد و تشویقهای گوناگون‌و حمایتهای‌مهمیست که ازصنایع وصنعت گران ایرانی کرده است .

در راس کارهایی که دولت برای‌احیای‌صنایع‌قدیم ایران کرده است تشکیل نمایشگاه های کالای ایران را در تهران وشهرستانها باید دانست و نیز تاسیس هنرستان‌های‌متعدددرنواحی مختلف‌کشوراز آن جمله در مراکز هنری مانند تهران و اصفهـان و شیرازست . پیداست کـه‌تاسیس این‌گونه آموزشگاه ها چه اقدام اساسی برای ترقی و توسعه هرفن وهنریست و در جهان کنونی مدرسه و آموزشگاه موثرترین وسیله ایجاد تمدنهاوپیشرفت هنر ها و غیره است .

دیگر از وسایل بسیار موثر کـه‌سابقا هم بدان اشاره رفت حمایت بسیار دقیقیست که دولت در ضمن سیاسـت‌مالی و گمرکی خود از کالاها و محصولها

و مصنوعهای ایران کرد و بمحض اینکه کالایی در ایران فراهم می‌شد کـه کفاف نیازمندیهای مردم را می‌داد فورا بوسیله تعرفهٔ گمرکی و سهمیه واردات هر سال و اصول تجارت و اینکه بازرگانی خارجی انحصار بدولت داشت منتهای حمایت را از آن جنس می‌کرد و گاهی بر حقـوق گمرکی آن می‌افزود تا کالای بیگانه نتواند با آن رقابت بکند و گاهی نیز ورود کالای بیگانه رامنع می‌کرد وبهمین جهت این وسیله را مهم‌ترین و موثر ترین وسیله برای ایجادو پیشرفت صنایع ایران باید دانست و این وسیله‌ایست که در دوره های گذشتـه بواسطه ضعف دولت و مداخلات بیگانگان و پیشرفت های سیاست اقتصادی ایشان مطلقا نبود و با هـزاران کـوشش هـم نمی‌توانستند بدست بیاورند .

دیگراز اصلاحاتی که درصنایع ایران درین دوره شده استخراج و بهره‌برداری از کانهای ایران بوده است . شکی نیست که ایران کشوریست که ذخایر زیرزمینی و معادن بسیاردارد و درین مدت بهیچ وجه درصدد کشف آن برنیامده بودند ووسایل علمی و فنی این کار رانداشتند و معادن سطحی مانند معادن نمك و آهك و زاج و غیره را اجاره می‌دادند و مبلغ ناچیزی ازاجاره آنها وارد خزانه کشور می‌شد . وانگهی بواسطه استخراجهایی که مطابق بااصول علمی نبود بسیاری از معادن ایران را خراب کرده و از فایده انداخته بودند .چنانکه برخی معادن در ایران بوده که در قدیم شهرت جهانگیر داشته و در نتیجه همین اصول نادرست که دراستخراج آنها بکار برده‌اند امروز دیگر اثری از آنهـانیست،چنانکه معدن معروف لاجورد کاشان معلوم نیست درکجا بوده است .

گذشته از آن معدنهای بسیاری درایران بود که از قدیم بی‌مصرف افتاده بود و کسی توجه بآنها نداشت . بهمین جهت اقداماتی که در دوره پهلوی برای استخراج و بهره‌برداری از معادن ایران کرده‌انـد اهمیت خاصی دارد . قانون خاصی برای این کار وضع شد و اصول جدیدی که کاملا با اصول علمی جدید وفق می‌داد برقرار کردند و البته روزی که این کار بنتیجه می‌رسید درآیندهٔ ایران اثر بسیار مهمی می‌داشت و ثروت ایران قطعا چند برابرمی‌شد و برای چندین هزار مردم کار فراهم می‌آمد و ترقی عظیمی در اوضاع ایران پیش می‌آمد . در ضمن دولت خود توجه خاصی در استخراج برخی ازمعادن کرده است و معادن مهم و معروف انارك را با همین اصول بکار انداخت وترتیب اساسی برای معادن نفت جنوب و مغرب ایران داد و امتیاز سابق را تبدیل بقراردادی کردکه سهم ایران در آن چند برابر شد و نیز اگر کارخانه ذوب آهن چنانکه در نظر بوددایر می‌شد معادن ایران یکی از مهم‌ترین منابع ثروت کشور می‌شد .

دیگر از صنایعی که درین دوره ترقی بسیار کرد صنعت ساختمان بود . شکی نیست که ایرانیان از قدیم مردمانی بوده‌اند که توجه جهانیـان را ببناهـای باشکوه و عظیمی که همواره می‌ساخته‌اندجلب می‌کرده‌اند ودر هر دوره‌ای نمونهای بسیار مهم از معماری ایران در جهان بوده‌است که مردم روزگار را خیره می‌کرده و جزو بناهای مهم عالم و شاهکار صبر وحوصله وهمت و پشت‌کار و علم و دقت



شاهنشاه ایران وسایل جدید راه‌آهن را بازدید می‌کنند

و ذوق و سلیقه بوده‌است چنانکه نام‌بناهایی مانندآرامگاه کورش وتخت‌جمشید و ایوان مداین و شادروان شوشتر و سددزفول و گنبد قابوس وگنبد سلطانیه و مسجد جامع اصفهان و مسجد کبود تبریز و مسجد ورامین و مدرسهٔ گوهرشاد و مسجد شیخ لطف‌الله ومسجد شاه اصفهان و مسجد ومدرسهٔ مادر شاه اصفهان و مسجد وکیل در شیراز و پل خواجو وسی‌وسه‌پل اصفهان و بند امیر فارس و ارگ شیراز درهمهٔ‌کتابها وبرسرهمهٔ‌زبانهاهست و نیز شاهکارهای معماری ایرانی که امروز خارج‌ازخاك ایرانست مانند قبرامیراسماعیل سامانی دربخارا وقبرسلطان سنجر درمرو وقبرامیر تیمور درسمرقندو مدارس معروف بخارا و سمرقند وخیوه و شهرهای دیگر آسیای مرکزی استعدادایرانیان را درین صنعت مهم مسلم کرده است . هنرمندان ایرانی اصول معماری‌ایران را ازیك سو بهند برده و بناهای معروفی مانند تاج محل و مسجد جامع‌دهلی و مسجد جامع لاهور و چندین قبر پادشاهان بابری‌هندفراهم ساخته‌اند. از طرف دیگر هنر خود را بآسیای صغیر و خاك عثمانی برده‌اند و بناهای مهم بغدادو قونیه واستانبول و شهرهای دیگرترکیه وسوریه را یادگار گذاشته‌اند . از سوی‌دیگر معماران کلیساهای ارمنستان و گرجستان نیز برخی از معماری دورهٔ‌ساسانی ایران و برخی دیگر از معماری دورهٔ سلجوقی ایران متاثر شده‌اند وسپس‌این اصول از ارمنستان و گرجستان بروسیه رفته و نفوذ آن در کلیساهایی‌که‌در روسیه ساخته‌اند آشکارست .

متأسفانه درین فن نیز ایرانیان‌بهمان عللی‌که بارها در موارد دیگر اشاره کرده‌ام در دویست سال‌گذشته ومخصوصاً‌در صد سال از دورهٔ قاجارها راه تنزل را پیموده‌بودند. پیش از آن باآنکه معماری‌از زمان صفویه ببعد تنزل کرده بود باز بناهای جالبی ساخته می‌شد که از آن‌جمله است ساختمانهای کریم‌خان زند در شیراز . اما پس‌از آن در مدت صد سال‌روزبروز تنزل آشکارتر بود و سلیقه و ذوق و هنرنمایی در صنعت ساختمان ازهرحیث از میان رفته بود وباعث تعجب بودکه بازماندگان آن هنرمندان بزرگ قدیم تا بدین‌اندازه‌تنزل کرده‌باشند. بهمین‌جهت درین دوره‌که در بیشتر شهرهای ایران‌ساختمانهای مهم کرده‌اند و کیفیت وکمیت آنها از هرحیث جالب توجهست درصنعت‌ساختمان و معماری پیشرفت آشکاری روی داده است ودر ساختن بناها و پلهاهمهٔ اصول جدید معماری و مهندسی را رعایت کرده‌اند و بهترین مصالح و اصول‌فنی و علمی را بکار برده‌اند و شکی نیست که ساختمانهای این دوره تا سالیان درازدر ایران باقی خواهد ماند .

برای ترقی این صنعت و عظمت‌صنایع قدیم ایران درین دوره اقدامات گوناگون کرده‌اند . یکی از مهم‌ترین مراحل‌آنرا حفریات علمی باستان شناسی را باید دانست که هم اثر بسیار مهمی در تاریخ‌دارد و هم فواید گوناگون درصنعت .زیرا آثار بسیاری از صنایع هزاران سال تمدن‌ایرانی درزیر خاك درگوشه وکنارپنهانست و باید بوسایل علمی آنها را ازشکم خاك‌بیرون آورد ودر آنها مطالعهٔ دقیق کرد و بسیار نکات مهم تاریخ قدیم ایران هست‌که در هیچ سندی و کتابی نیست وراهی

برای پی‌بردن بآنهـا جز باستان شناسی‌نخواهد بود . بسا می‌شود که حفریـات تاریخ دورهٔ مجهولی را کاملا روشن می‌کندیا تاریخ دورهٔ معلومی را یکسره زیر ورو می‌کند و تغییر می‌دهد ، بهمین جهـت‌امتیازی بی مدت‌که درسلطنت مظفرالدین شاه بفرانسویان داده بودند که حفریـات‌در ایران انحصـار بایشان داشتـه باشد ضررهای فراوان داشت و این امتیاز رادولت ایران درین دوره لغوکرد و وسایل علمی برای باستان‌شناسی در ایران فراهم‌شد و اصول علمی کامل برای حفریـات بتصویب رسید و موزهٔ بسیار مجلـل ووسیعی در تهران ساخته شد و نتـایج گوناگون بسیار مهمی که از حفریات دسته‌های مختلف دانشمندان اروپایی وامریکایی در نواحی مختلف از آغـاز تمدن ایـران‌بدست آمد دریـن مـوزه گذاشته شد . پیداست که فایدهٔ مهم ایـن حفریات درصنایع اینست که اصول و مراحل تکامـل هر صنعتی را کاملا معلوم می‌کند و تاریخ‌آن صنعت روشن می‌شود وهمواره اندیشه های نوین و اصول و نقشه‌ها و رنگ‌آمیزی‌های‌جدید برای صنایع روزبدست می‌آید. بهمین جهتست که حفریات علمی‌راکه درین‌دوره در خاك ایـران شده و موزهٔ ایران باستان و ادارهٔ باستان‌شناسی را که درین‌دوره تاسیس کرده‌اند از جمله کارهـای مهم در پیشرفت‌های صنعتی باید دانست.

اقدام مهم دیگری که در پیشرفت‌صنایع شده تعمیر بناهای تاریخی ایـران بوده است . شکی نیست‌که این ساختمانهایادگارهای بسیار زیبا و بسیار باشکوه از مفاخر تاریخی و ذوق صنعتی و هنرنمایی‌هنرمندان ایـرانیست و آنچـه در دورهٔ قاجارها ویران نکرده بودنـد یا دستبردروزگار و بـی‌اعتنایی از میان نبرده بود بحال زار افتاده بود وروبویرانی می‌رفت،زیرا که در دورهٔ پیش اندك توجهـی در نگاهداری از آنها نکرده بودند و تعمیرآنهایکی از مهم‌ترین کارها در تشیید مبانـی ملیت ایران وترقی هنر ایرانیـان بود .بهمین جهت درین دوره کوشش‌های بسیار و توجه مخصوص بتعمیر واحیای بناهای‌تاریخی کرده‌اند که باید جزو کارهای مهم بشمار آورد .

دیگر از اقدامات بسیار مهم کـه‌درین دوره شده و در پیشرفت صنایـع ایران بسیار موثر بوده است ایجادِ وسایل‌ارتباط گوناگون مـانند راهها و پلهـا و راه‌آهن و غیره است . پیداست که وسایل‌ارتباط چگونه‌ترقی صنایع‌ورفاه‌صنعتگران را تامین‌می‌کند زیرامکن نیست تصورکرددر کشوری کارخانهایی باشد و برای حمل مصنوعات آن راه‌آهن و راه کامیون‌رو ومانند آن وجود نداشته باشد . چنانکه در بارهٔ اصلاحات کشاورزی هم اشاره کردم‌وسایل ارتباط در اقتصاد و در اصلاحات اجتماعی و امنیت وآبادانی و رفاه ایـران‌اثر بسیار مهمی بخشیده واز مهم ترین کارهای این دوره بشمار تواند آمد .

تردیدی نیست که این اصلاحـات‌صنعتی مهم این دوره چگونه در رفـاه و آسایش کارگران کشور و آبادانی مملکت‌مؤثربوده است‌وشك‌نیست‌که درهردوره‌ای که‌کار بیشتربشود وبکارگران بیشتر توجه‌بکنند عامهٔ مردم کشور بیشتر در رفاه

خواهند بود وکشور آبادتر می‌شود .

یکی از وسایلی که در پیشرفت‌های صنعتی ایران مؤثر بوده است گذشته از تاسیس شرکت‌های دولتی و خصوصی و تشکیل وزارت پیشه و هنر در آن دوره و تربیت گروهی از مهندسان فنون مختلف ایجاد بانك فلاحتی و صنعتی نیز اثر بسیار داشته است .

دیگر از اقدامات مهمی که دربارهٔ پیشرفت صنایع درین دوره شده و سابقاً هم بدان اشاره کردم ایجاد صنایع جنگی و تاسیس ادارهٔ تخشایی ارتش را باید دانست . بدین‌گونه وسایل ساختن همه قسم اسلحه و مهمات بزرگ و کوچك و حتی وسایل هواپیمایی در ایران بدست ایرانیان فراهم آمده است و با بهترین وسایل و ماشین‌های جدید در کارخانهای بسیار مهمی که بنا کرده‌اند ساخته می‌شود ودر پایان این دوره کشور ایران دیگر احتیاجی بخرید اسلحه و مهمات از خارج نداشت و چندین هزار کارگر ایرانی درین مؤسسات کار می‌کردند و این نکته را نیز باید از نکات برجستهٔ اصلاحات صنعتی درین دوره دانست .

برای اینکه زمینه‌ای در دست خوانندگان از کارخانهای مهمی که در دورهٔ پهلوی دولت ایران در نواحی مختلف ساخته است باشد فهرست کارخانهای مزبور بدین‌گونه است :

هشت کارخانهٔ قندریزی درکرج و کهریزك و شاه‌آباد غرب و شازند و مرودشت و آبکوه ومیاندوآب و ورامین .کارخانهٔ سیمان ری ، جوهرنمك وگودرن، اشباع تراورس در شیرگاه ، حریربافی درچالوس ، نساجی درشاهی ، نساجی در بهشهر ، گونی‌بافی در شاهی ، کربنات‌دوسود در امین‌آباد ، شیمیایی پارچین ، گلیسرین ایران ، مواد نسوز امین‌آباد ،روغن‌کشی ورامین ، کنسرو ماهی بندر عباس ، کنسرو شاهی ، شمارهٔ پنج درونك .

سدهای مهمی که برای آبیاری درین دوره ساخته شده بدین‌گونه است : سد شاوور در اهواز در ۱۳۱۵ ، سدخیرآباد در اهواز در ۱۳۱۸ ، سد روانسر در کرمانشاهان در ۱۳۱۹ ، سد شبانکاره‌در برازجان در ۱۳۲۰ .

اصلاحات فرهنگی

شکی نیست که در میان اصلاحات اجتماعی و مدنی که بمراتب پایدارتر از اصلاحات مادیست توجه بمدارس ومراکز آموزش و پرورش بیشتر از اصلاحات دیگر اهمیت دارد زیرا در اصلاحات اجتماعی که متوجه سالمندانست کسانی مورد اصلاح قرار می‌گیرند که قسمتی از زندگی ایشان گذشته است و خوب یا بد باصولی عادت کرده‌اند و مانوس شده‌اند و البته اصلاح ایشان ناممکن نیست اما بمراتب دشوارتر از اصلاح اخلاق و معتقدات کودکانست که هنوز هیچ رنگی نپذیرفته و دوچار افکار ناصواب نشده‌اند که برانداختن آنها بواسطه عادت ممتد و گذشت روزگار دشوار شده باشد و نیازمند بپیکار وکشمکش جدی باشد . بهمین جهت در ساختن تمدنها و پیش‌بردن اصلاحات معنوی اجتماعی و اخلاقی توجه بطبقهٔ نوزاد و عناصری که باید بزودی جامعه‌راتشکیل بدهند و سالیان دراز درآن جمع زندگی کنند بمراتب واجب‌تر و مهم‌تر ازهرکار دیگرست و بمنزلهٔ ساختن پی‌ها و بنیادهاییست که اساس اجتماع را روی‌آن باید قرار داد وساختمان تمدن را روی آن باید کرد .

بهمین جهت یك سلسله کارهای مهمی که درین دوره در ایران کرده‌اند توجه بامور معارفی و فرهنگی بوده و این‌اصلاحات را از خصایص برجسته و نمایندهٔ واقعی عصر پهلوی باید شمردزیرا اساسی‌بودکه آیندهٔ ایران‌را تامین‌کرد و نسلهای آینده از آن برخوردار شدند .در ایران در دوره‌های پیش از آن توجه قطعی و مؤثری درین کار نشده بود ومخصوصاً در دویست سال آخر که علم و معرفت در تمدن جدید با سرعت هرچه‌تمامتر پیش می‌رفت بهیچ وجه مساعی مهمی برای انتشار آن علوم و رواج اصول‌تربیت جدید درایران بکار نبرده بودند .

تنها در اواخر دورهٔ قاجارها تقریباً از صدسال پیش در برخی از ادوار اندك توجهی بعلوم جدید داشته‌اند وبرخی‌کوشش‌هایی جسته جسته برای‌انتشار علم و معرفت کرده‌اند اما آن اقدامات متوالی‌و پیوسته نبوده و دامنهٔ آن همیشه امتداد نداشته است . گاهی‌که اتفاقاً مرد بزرگی‌درایران برسرکار آمده بمیل و شوق شخصی خود برخی کارها کرده است اماچندان نگذشته که وی از میان رفته و کسی که بجای او آمده دنبالهٔ کار او رانگرفته وسالیان‌درازآن اصلاحات بی‌نتیجه مانده است . چنانکه کارهای بسیار مهمی‌که میرزا تقی‌خان امیر کبیر و حاج میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار درین‌زمینه بچندسال فاصله کرده بودند پس

ازیشان ناتمام ماند و مدتها کسی دنبالهٔ آنرا نگرفت تا آنکه حاج میرزا علی خان امین‌الدوله دوباره نزدیك پنجاه سال بعدنیز قدمهای بلندی برداشت و آن نیز پس ازو ناتمام و ناقص ماند .

بیشتر قدمهای مهمی که برای‌انتشار علوم و معارف جدید در ایران برداشته‌اند مرهون همت یك عده مردم‌دانش‌دوستیست که دولت بهیچ وجه محرك و مشوق و حتی پشتیبان ایشان‌نبوده وتنها بذوق شخصی و شور وعشقی که خود داشته‌اند کارهای مهم کرده‌اند .ده سال پیش از مشروطیت عده‌ای ازین دانش‌پروران انجمنی درتهران بنام «انجمن‌معارف» تاسیس کردند و هفت تن از اعضای این انجمن برعهده گرفتند که هریك مدرسه‌ای بوسایل شخصی وبااعانه‌ای که از دانش‌پروران می‌گرفتند تاسیس کنندواین هفت مدرسه در تهران نخستین مدارس ملی بوده است که در آنها علوم‌جدید را تدریس می‌کرده‌اند . این انجمن یك کتابخانهٔ عمومی نیز تاسیس کرد که‌کتابهای آن پس‌از چندی بغارت رفت و یك روزنامهٔ هفتگی بنام « معارف » نیزانتشار می‌داد . درآن موقع وزارت‌خانه‌ای بنام وزارف‌معارف در ایران بودکه نخست‌وزارت علوم نام داشت و کار این وزارت خانه تنها اداره کردن مدرسهٔ دارالفنون‌بود که چند سال اول متوسطه را با مختصری از دوهٔ عالی در رشته‌های طب‌و مهندسی و نظام تدریس می‌کردند و میرزاتقی‌خان امیر اساس آنرا گذاشته بودو پس از عزل او بکار آغاز کرد و همیشه بیشترمعلمان‌آن اروپایی ازفرانسه واتریش‌و ایتالیا بودند . وزارت معارف بهیچ‌وجه وسیله یاری با مدارسی که این دانش‌دوستان تاسیس کرده بودند و بیشتر آنها مجانی بود نداشت و اعضای انجمن‌معارف برای اداره‌کردن مدارسی‌که تاسیس کرده بودند در باغ بهارستان گاردن پارتی‌دادند و از عایدات آن چندی آن مدارس را گرداندند .

هنگامی که حکومت مشروطه درایران برسرکار آمد باآنکه در هر انقلاب و در هرحکومت ملی و آزاد توجه خاصی‌بکارهای آموزش و پرورش داشته‌اند نهضت علمی درین دوره در ایران بسیارضعیف بوده و انقلاب ایران هیچ اثری در مدارس نکرد چنانکه سالیان دراز مدارس‌تهران تنها شامل دورهٔ ابتدایی و دبستان بود و پس‌از آنکه در یك مدرسه دوره‌متوسطه را دایر کردند تا چند سال تنها دورهٔ اول متوسطه یعنی دورهٔ سه‌ساله رادرس می‌دادند .

سبب عمدهٔ این بی‌قیدی حکومت‌مشروطه نسبت بآموزش و پرورش نوآموزان این بود که روحانیان هم‌چنان‌در آن نفوذ سرشاری‌که پیش ازمشروطیت داشتند باقی مانده بودند و بزرگ ترین‌مانع جنبش علمی جدید در ایران بشمار می‌رفتند و بهترین دلیل آنست که دردورهٔ‌مشروطیت حتی تنزل محسوسی درنهضت علمی نسبت بسی و چهل سال پیش ازآن‌دیده می‌شود . بهمین جهت درین دوره سالیان دراز کسانی که بتربیت فرزندان‌خود اهمیت می‌دادند ایشان را بمدارسی که فرانسویان و انگلیسها و آلمانی‌ها وروسها و امریکایی‌ها در شهرهای مختلف



بس آن بنا سست و بی‌تناسب بود درهم کوفتند وساختمان دیگری کردند . بجز آن دیگر در سراسر این دوره بنایی برای مدرسه ساخته نشده است و حال آنکه در دورهٔ پهلوی هیچ شهری در ایران نبود که لااقل دوسه بنای باشکوه برای کارهای آموزش و پرورش در آن ایجاد نکرده باشد.

نکتهٔ دیگری که نمایندهٔ پیشرفتهای معارفی درین دوره‌است اعزام عدهٔ کثیری از جوانان ایرانی برای فراگرفتن علوم و فنون جدید بکشور های مختلف اروپاست . برای این کار قانون مخصوصی از مجلس گذشت واز سال ۱۳۰۸ بجز سالهایی که مصادف با جنگ جهانی دوم شد هرسال صد تن از جوانان ایرانی که دورهٔ متوسطه یا قسمتی از دورهٔ عالی را پیموده بودند برای افزایش معلومات خود بخرج دولت باروپا رفتند و در کشور های مختلف مانند فرانسه و آلمان وانگلستان و سویس و بلژیك تحصیلات خود را بپایان رسانیدند ودر بازگشت چه در دانشگاه و چه در کارهای دیگر در رأس کار قرار گرفتند . نه تنها وزارت فرهنگ در هرسال صدتن‌راباروپا فرستاده بلکه وزارت خانهای دیگر و مؤسسات وادارات دولتی نیز برای کار های فنی خود خرج تحصیل عدهٔ کثیری را تحمل کرده‌اند و مخصوصا وزارت جنگ یك عده کثیر ازجوانان ایرانی را در مدارس نظامی معروف فرانسه وادار بتحصیل و فرا گرفتن تخصص کرده است . می‌توان گفت بیش‌از ده هزار تن ازجوانان ایرانی درین دوره برای مهم‌ترین کار های فنی و علمی جدید بخرج دولت ایران در اروپا تربیت شده‌اند . در دورهٔ قاجارها نیز کوشیده‌اند عده‌ای از ایرانیان‌را برای فراگرفتن فنون وعلوم جدید باروپا بفرستند واز زمان فتحعلی شاه باین کار آغاز کردند اما قطعا می‌توان گفت که در مدت نود سال بحداکثر بیش‌از شصت تن بدین وسیله تربیت نشدند .

نکتهٔ دیگر اینست که در آغاز این دوره تا زمانی که هنوز عدهٔ معلم ایرانی‌آگاه بعلوم‌جدید برای مدارس ایران کافی نبودواحتیاج بمعلمین اروپایی‌هنوز بپایان‌نرسیده بود وزارت فرهنگ یك عده معلم بیشتر از فرانسه برای تدریس در دبیرستانها و دانشکده‌ها و آموزشگاههای دیگر استخدام کرد و بتدریس گماشت اما بمحض اینکه عدهٔ کافی معلم ایرانی تحصیلات خود را در اروپا بپایان رسانیدند وبایران بازگشتند دیگر استخدام معلم اروپایی ضرور نبود و بهمین جهت در قانون قید شد که هرکس را که از اروپا بعنوان مستشار یا معلم می‌خواهند بایران بیاورند باید مجلس شورای ملی تصویب کند .

گذشته از آموزشگاه هایی که وزارت فرهنگ سابق تأسیس کرده و گذشته از بنگاه هایی که برای تربیت افراد و افسران ارتش‌در صنوف‌مختلف ودر قسمت‌های گوناگون ایجاد کرده‌اند و پیش ازین در مبحث اصلاحات نظامی بدآنها اشاره رفت ادارات و بنگاه های دولتی دیگر نیز آموزشگاه های متعدد برای تربیت افراد کشور و کارمندان خود دایر کرده‌اند که شمارهٔ آنها و نتایجی که از آنها گرفته شده نیز بسیار جالب توجه بوده‌است مانند کلاس قضایی وکلاس ثبت‌اسناد وکلاس آمار وآموزشگاه تخصصی وزارت کشور و وزارت دارایی و مدرسهٔ پست و تلگراف و غیره . البته

آموزشگاهها و هنرستان های صنعتی متعدد و دانشکدهٔ کشاورزی و توابع آن وعده بسیار کودکستانها و پرورشگاه‌های یتیمان و فرزندان عشایر و هنرستان دختران را نیز باید در نظر گرفت . در ۱۳۱۸ نیز سازمان پرورش افکار برای‌تعلیم اصول‌نمایش و تئاتر و روزنامه نویسی بنگاه‌هایی تأسیس کرد و هریك ازین دستگاه ها نمایندهٔ پیشرفتیست که درین دوره نصیب فرهنگ ایران شده است .

دیگر از مراحل پیشرفتهای این دوره ترقیات جالبیست که در مطبوعات و صنعت چاپ فراهم شده ودرین دوره‌جنبش‌مخصوصی درین زمینه فراهم آمده‌است چنانکه مطبوعات ایران از روزنامه و مجله پیشرفتهای فراوان کردند و مخصوصاً‌دولت محرك عمدهٔ این ترقیات بود و در اصلاح مطبوعات توجه خاصی داشت و کار مهمی که درین زمینه کرد اجازهٔ نشر مطبوعاتی را که برای بدگویی و بهره‌جویی در دورهٔ‌پیش بسیار بود نداد و تنها از مطبوعاتی که راهنمای مردم باشند تشویق کرد . نیز جنبش مهمی در چاپ کتابهای علوم وادبیات ایران و ترجمه کتابهای سودمند در رشته های مختلف از زبانهای بیگانه و تألیف کتابهای نو در فنون مختلف پیش آمد وازین حیث یادگار های بسیار جالب ازین دوره ماند واین کارچه بتشویق وراهنمایی دولت انجام گرفت و چه بواسطهٔ آنکه هرسال منظما بر عدهٔ مردم تحصیل کرده و کتاب خوان افزوده می‌شد .

درین دوره ترقی محسوسی نیز در ادب فارسی پیش آمده است واین‌رشته که مدتهای مدید راکد مانده بود واز ادبیات جدید بی‌بهره بود درین دوره وارد نهضت قطعی شد و عظمت واهمیت ادبیات ایران در نظر همه‌کس هویدا گشت و مردم توجه خاصی نسبت بادبیات کردند . سبك‌ها وروشهای جدید در تحقیقات ادبی و طرزهای نویسندگی وانواع مختلف آثار ادبی پیدا شد که آیندهٔ درخشانی را نوید داد . می‌توان گفت ایرانیان دوباره راه را باز کردند که بوسیلهٔ ادبیات خود مقام مهمی در عالم تمدن بدست آورند ودنبالهٔ ادبیات قدیم خود را که همواره در جهان منتهای شهرت‌را داشته است بگیرند . مهم‌ترین نکته اینست که پیش از دورهٔ‌پهلوی یأس و بیزاری سراسر ادبیات مخصوصاً شعر را فرا گرفته بود و شاهکار های پسندیده نوحه‌سرایی ها و زاریهای دلخراش سرایندگان نومید شده بود . درین دوره پیشرفت های ایران درهای امید و نشاط و سرور را برروی ادبیات باز کرد و آن روح مرثیه سرایی از میان رفت.

دیگر از مظاهر ترقیات فرهنگ درین دوره‌اصلاح مدارس قدیم‌را باید دانست که در دورهٔ پیش از هر حیث راه انحطاط و تنزل روز افزون را می‌پیمود و دیگر هیچ یك از نیازمندیهای علمی ایران را تأمین نمی‌کرد . موقوفات بسیاری که از قدیم برای این کار بسیار مهم نیکوکاران ایران گذاشته بودند بمصرف خود که واقف قید کرده‌بود نمی‌رسید . درین دوره توجه خاصی نسبت باین‌کارشد ودر هرجا که لازم بوددبیرستان های معقول و منقول در همان محلهای مدارس قدیم که بسیاری از آنها را تعمیر کردند از همان درآمد موقوفات تأسیس شد و اصلاح اساسی در برنامها و روش تدریس آنها بعمل آمد . بهمین جهت جمعی کثیر از جوانان ایران درین دبیرستانها با اصول درست مشغول تحصیل شدند والبته تأسیس دانشکدهٔ معقول و منقول را که برای

تکمیل تحصیلات این جوانان در دانشگاه تهران تأسیس شده و با همان اصول دایر شده است از جمله کار های مهم باید دانست .

نکتهٔ بسیار مهم تعلیم اکابر و سالمندان و پیکار با بی‌سوادی بوده است . بسیاری از مردم ایران سالیان درازدر نتیجهٔ نادانی وغفلت دولتها از بهره‌های گوناگون مادی ومعنوی علم ودانش بی‌نصیب ومحروم مانده بودند و کسی هرگز در صدد دستگیری ازیشان ودانایی و بینایی ایشان برنیامد . درین دوره وسایل گوناگون برای تعلیم این عدهٔ بسیار که‌اکثریت ملت ایران را تشکیل می‌داد فراهم شد و هر سال جمع کثیری از زن و مرد بآسان ترین راه و با بهترین اصول از جهل و نادانی بعلم و دانایی گراییدند واز خواری و سرشکستگی که لازمهٔ بی‌سوادیست بیرون آمدند و در اندك مدتی خواندن و نوشتن را فرا گرفتند . بهمین جهت این کار را هم باید از کارهای مهم عصر پهلوی دانست .

یکی از مهم‌ترین کارهایی که در راه پیشرفت دانش در ایران‌درین دوره بپایان رسید تأسیس دانشگاه تهران بود که در آغاز شامل شش دانشکده و یك عده مدارس عالیه شد . بدین وسیله همهٔ علوم عالی را که در کشورهای دیگر پسر ودختر فرا می‌گیرند در دانشکده های مختلف تهران بزبان فارسی تدریس کردندواین خود بهترین دلیل رشد علمی و معارفی ایران درین دوره است . نداشتن دانشگاه برای ایران مخصوصاً سرشکستگی بود زیرا که ایرانیان نخستین ملتی در جهان بوده‌اند که‌دانشگاه تأسیس کرده‌اند و دانشگاه معروف گندی شاپور در خوزستان‌که درآغاز دورهٔ‌ساسانی تقریباً در ۱۷۲۰ سال پیش تأسیس شده نخستین دانشگاه جهان بوده است . پس‌از آن در دورهٔ اسلامی نیز وزیر معروف ایرانی نظام الملك طوسی چندین دانشگاه در بغداد وبلخ ومرو ونیشابور واصفهان واهواز تأسیس‌کرده است . پیش ازتشکیل دانشگاه تهران درایران‌تنهایك‌دانشکده پزشکی ویك‌مدرسهٔ‌حقوق وعلوم‌سیاسی‌ویك‌دانشسرای عالی و یك مدرسهٔ کشاورزی و یك مدرسهٔ تجارت بود که بجوانان ایرانی معلوماتی بیشتر از دورهٔ متوسط می‌دادند ولی دانشگاهی نظیر دانشگاه های اروپا که شامل همه دانشکده هاو همهٔ‌علوم عالیه باشدوجود نداشت ودانشگاه تهران یادگاراین دوره است. البته تردیدی نیست که در تمدن امروز کشور هایی که هنوز دانشگاه ندارند نه تنها در علوم جدید بحد رشد و کمال نرسیده‌اند بلکه در تمدن نیز پا برجا نشده‌اند . بهمین جهت پس از تکمیل دبستانها و دبیرستانها می‌بایست دانشگاهی شامل همهٔ دانشکده‌ها تأسیس شود تا جوانان ایرانی از پسر و دختر بتوانند پس از دورهٔ متوسطه معلومات خودرا تکمیل کنند و برای فراگرفتن علوم جدید محتاج بدانشگاههای اروپا وآمریکا و سفر بخارج از ایران نشوند و این علوم را در کشور خود فرا بگیرند و درضمن دانشگاه یك بنگاه علمی باشد که در پیشرفت ها و ترقیات علمی دستیاری کند و وسیلهٔ کمال هر علمی را فراهم سازد .

دیگر از مظاهر پیشرفت های علمی درین دوره قانون تربیت معلم و تأسیس دانش‌سرای عالی‌برای‌تربیت‌دبیران ودانش‌سراهای مقدماتی‌برای تربیت‌آموزگارانست

که برتری و فواید این کار بسیار آشکارست . پیداست که تربیت معلم خوب چه اقدام اساسی در کار آموزش و پرورش بشمار می‌رود و تاعدهٔ کافی معلم تحصیل کردهٔ دانا و آزموده در کشور نباشد نمی‌توان بنتیجه‌ای که از مدارس بایدبدست آید مطمئن بود . بهمین جهت گذشته از اصلاحات اساسی که در کتابهای درسی شد می‌بایست مخصوصاً توجه تامی در پرورش آموزگاران و دبیران بکنند . زیرا کتاب هرچه خوب و سودمند باشد تا آموزگار و دبیر آزموده‌و آموخته نباشد نمی‌توان از کتاب خوب نتیجهٔ قطعی و مؤثر گرفت . بهمین جهت تأسیس دانش‌سرای عالی و دانش‌سراهای مقدماتی پسرانه ودخترانه یکی از کارهای بسیار مهم در معارف ایران بود که در دوره های گذشته بکلی از آن غافل مانده بودند واگر هم توجهی می‌کردند بسیار مختصربود.

دیگر از کارهای مهم این دوره اصلاح کتابهای درسی بود که وزارت فرهنگ خود مستقیماً درین کار وارد شد و یك سلسله کتاب های بسیار خوب وپاکیزه وخوش چاپ برای دبستانها و دبیرستانها که آگاهان هر فن تألیف کرده‌بودند چاپ شد وببهای ارزان در سراسرکشور انتشار یافت . کسانی که نمونه‌ای از کتابهای درسی پیش از دورهٔ پهلوی را بدست بیاورند و نظری برآنها بیفگنند می‌بینند که این کار وزارت فرهنگ چگونه لازم بوده‌است و چگونه نوآموزان این کشور از کتابهای بد چاپ وپر غلط که تنها کسانی برای سودجویی خود چاپ می‌کردند و چندین برابر بهایی را که داشت از مردم می‌گرفتند نجات یافتند .

دیگر از نکات مهمی که در اصلاحات فرهنگ ایران باید در نظر داشت تأسیس دبستانهای مختلط بود که پسر و دختر تاسن چهارده سالگی وپایان دورهٔ ابتدایی باهم درس بخوانند . گذشته از آنکه در جامعهٔ متمدن باید مرد وزن و پسر و دختر در همه حقوق ومزایا برابرباشند در برخی مراحل باید باهم‌محشور باشندتااختلافاتی‌که‌باعث تفرقهٔ جامعه و نفاق در میان افرادست برخیزد و مرد و زن از روحیات واحساسات یك دیگر هرچه بیشترآگاه باشند وبتعاون با یك دیگرعادت کنند و همه خودرا اعضای یك پیکر و عضو یك جامعه بدانند تا در زندگی خانوادگی یگانگی مطلق فراهم گردد . در عمل نیز ثابت شده است که در سالهای نخستین دبستان کودکان نوآموز از آموزگاری که زن باشد بیشتر و بهتر پیروی می‌کنندو اورا مادر خود می‌دانند و نتیجهٔ بهتر بدست‌می‌آید . وانگهی استعدادزنان برای‌تدریس‌در دبستان‌ها ودلسوزی وپشتکارشان درین زمینه‌بیشترست و بهمین جهت یکی از مهم‌ترین وسایلی که می‌بایست دراصلاح دبستانها وروش آموزش و پرورش در آنها بکنند تأسیس دبستانهای مختلط بودکه‌پسر ودختر در مراحل اولیهٔ تحصیل باهم شریك و معاشر باشند وکارکنان و آموزگاران این دبستانهازن باشند . این‌اصلاح درین دوره صورت‌گرفت وباید آنرا یکی ازاصلاحات مهم شمرد . البته درین ضمن باید در نظر داشت که پذیرفتن دختران در دانشکده ها نیز بهمان درجه از اهمیت بوده است زیرا تردیدی نیست که در تمدن امروز جهان زن و مرد باید بتساوی شریك و سهیم و مخصوصاً در کسب دانش برابر باشند زیرا بسیاری از فنون و رشته ها هست که زنان بیش از مردان در آن استعداد دارند و هیچ

دلیلی نیست که آنها را از فراگرفتن این فنون محروم کنند و جامعه از ترقیاتی که ممکنست درین راه پیش آید بی‌نصیب بماند. بهمین جهت درین دوره پسر و دختر باهم دردبستانهای مختلط ودردانشگاه‌پذیرفته شدند و قرار بود اندکی که گذشت و تجربه های لازم بدست آمد در دبیرستان هم باهم باشند. دریغا که پس‌از انقضای این دوره دبستانهای مختلط را که از کارهای حکیمانه عصر پهلوی بود منحل کردند.

دیگر از اصلاحات مهمی که درین زمینه صورت گرفت تصفیهٔ زبان فارسی از کلمات و الفاظ و ترکیبات ناملایم و ناگوار زبانهای بیگانه و تاسیس فرهنگستان ایران برای این‌کار و اقداماتی بود که درین دوره درین راه بعمل آمد. تردیدی نیست که زبان یکی از آثار عمدهٔ ملیت هر قومیست وباید نمایندهٔ روح ملی آن مردم و مهیج ومسبب این روح باشد. چنانکه درتاریخ هزارسالهٔ‌گذشتهٔ‌ایران هرگاه‌که‌روح‌ملی‌درکشوربیدار شده‌و نیروگرفته‌است بزرگان ایران‌یکی‌ازمهم‌ترین چاره‌جویی‌ها رابرای نافرمانی از بیگانگان‌ترویج‌زبان وادبیات‌وتصفیهٔ‌زبان دانسته‌اند. دانشمندان بزرگ‌ماکه روح‌ایرانی نیرومند داشته‌اند تنها بنوشتن کتابهای مخصوص‌برای‌این‌که ازین‌کارپشتیبانی‌کرده باشند قناعت نکرده‌اند بلکه جدی در ساختن اصطلاحات و بی‌نیاز کردن زبان ازکلمات و ترکیبات زبانهای بیگانه داشته‌اند واین کار یکی از چاره جویی های بسیار مهم و مؤثری بوده که همواره در مدت‌هزار سال بزرگان ایران درهرفن‌و هررشته که بوده‌اند وجههٔ همت خود قرارداده‌اند. از طرف دیگر درمدت‌دویست سال گذشته و مخصوصاً در سی‌سال پایان‌دورهٔ قاجار ها زبان فارسی بسیار تباه و فاسد شده بود و بهمین جهت روح ادبی آن تنزل کرده و ضعیف تر از هر زمانی شده بود. از طرف دیگر علوم جدیدی در تمدن امروز پیدا شده بود که برای هیچ یك از آنها اصطلاحاتی در زبان فارسی نبود و ممکن نبود با نداشتن آن اصطلاحات آن علوم را بزبان فارسی تدریس کنند و یا تألیف کنند. ناچار یك سلسله اصطلاحات مهم ضرورت کامل داشت. قهراً این وضع ایجاب می‌کرد که باصلاحات مهم و کارهای عمده در زبان فارسی آغاز کنند که خود زمینهٔ یك سلسله اقدامات اساسی باشد واین آرزوی هزار سالهٔ دانشمندان ایران برآورده شود. این مشکل بزرگ ملیت ایران بفرهنگستان ایران که درین دوره برای این مقصود عالی تشکیل یافت سپرده شد و بزودی نتایج مهم آن در زبان فارسی پدید آمر ومردم با ذوق ایران نیز راهنمایی های حکیمانهٔ فرهنگستان ایران را باکمال آسانی و خوشرویی پذیرفتند و نتایج این کار بزرگ در زبان فارسی محسوس شد.

دیگر از کارهای مهمی که درین دوره شده تصویب قانون طبابت و مقررات واصولیست که دربارهٔ پزشکان وضع‌کردندتاکسانی که باین شغل شریف می‌پردازند همهٔ جهات علمی دریشان جمع باشد واگر از دانشگاههای معتبر اسنادی در دست ندارند امتحانهایی بدهندولیاقت علمی‌خودرا ثابت‌کنند واگرتحصیلات‌کامل نکرده‌اند بعنوان طبیب مجاز تنها بمعالجه برخی ازبیماریها بپردازند و این عنوان ازین عده‌که گذشت در آینده بکسان دیگر داده نشود. چون این کار نیز آثار عمده در زندگی مردم کشور داشته است جا دارد که آنرا نیز ازاصلاحات اساسی این عصر بشماریم.

دیگر از کارهای بسیار مهمی که درین دوره شده و جزو اصلاحات اساسی معارف ایران باید دانست موضوع ورزش و تربیت‌بدنیست کـه نخست قانونی برای اجباری بودن ورزش در مدارس گذشت و سپس یك سلسله کار های مهم در تأسیس انجمن های تربیت بدنی و فراهم کردن زمین های ورزش و تأسیس پیش‌آهنگی در میان دختران وپسران و برقرار کردن جایزه ها و مسابقه های ورزشی وآماده ساختن جوانان کشور ازپسر و دختر برای شرکت در رژه‌ها ودفیله‌ها و جزآن انجام‌گرفت. درین دوره کوشش بسیار درین زمینـه بنتایج مهم رسید و سبب شد که بزودی ورزشکاران ایران با ورزشکاران کشورهای‌دیگر برابر شدند وبرخی ازیشان درمسابقه های بین‌الملل بردیگران برتری یافتند. تردیدی نیست که هرچه آدمی زاده نیرومندتر وزورمندتر وتن‌درست‌تر باشد پیشرفت کار او در جهان بیشتر خواهد بود و اندیشه او سالم تر و صائب‌تر ودماغ او تروتازه تر واستعداد او برای اخذ علم و هنر بیشتر خواهدشد ، مخصوصاً درمیان‌مللی‌که بواسطهٔ‌سالها خواری وسرشکستگی ودرماندگی و نومیدی زندگی بار گرانی شده بود و در پرورش جسم خود نمی‌کوشیدند بیشتر باید باصلاح نژاد و پرورش افراد زورمند و تن درست‌پرداخت‌زیراکه‌زورمندی‌وتن‌درستی قهراً نشاط وشوروشعفی درزندگی فراهم‌می‌کندکه برنیروی‌کار وخدمت می‌افزاید.

البته چنانکـه سابقا هم اشاره رفت خدمت نظـام یکـی از مؤثرتـرین وسایل درین زمینه بوده‌است ولی می‌بایست‌کودکان را از آغاززندگی و پیش از آنکه بسن خدمت نظامی برسند نیرومند و تن درست بکنند و یگانه راه همان اصول ورزش در آموزشگاهها و تربیت بدنی و مخصوصاً پیش‌آهنگی بوده است که گذشته از تقویت جسم بتقویت روح هم می‌پردازد و کودکان از آغاز زندگی باستقلال واتکای بنفس و معاونت بایك دیگر و دستگیری از افراد وانس بزندگی اجتماعی خو می‌گیرند و هزاران نکتهٔ دیگر در ذهنشان جای گزین و فطری ایشان می‌شود .بدین جهاتست که توسعهٔ تربیت بدنی را که مطلقا در دوره های گذشته در آموزشگاه‌های ایران نبود و تنها درین دوره برقرار شد باید یکی از مهم‌ترین اصلاحات معارفی وفرهنگی دانست.

دیگر از اصلاحات معارفی مهم این‌دوره تعظیم و تکریم از بزرگـان ایران و بزرگداشت مفاخرکشور واقدامات‌گوناگونی‌بوده است که درین دوره برای بزرگ‌کردن وجاودان کردن نام دانشمندان و هنرمندان و مردان بزرگ تاریخ کرده‌اند . در ضمن بحث دربارهٔ اصلاحات اجتماعی این دوره باین نکتهٔ بسیار مهم اشاره کردم واینك جا دارد دربارهٔ آنچه مخصوصاً در حق دانشمندان و هنرمـندان ایران کرده‌اند توجـه خوانندگان‌را جلب کنم زیرا که‌این بزرگان‌نه تنهاوثیقه‌های پایدار وبرقرار وافتخارات جاودانی ایرانندواین‌کارتنهاوسیله‌ایست‌که ایرانی درجهان‌دانش‌عظمت‌ملت‌خودرا نشان دهد و سهمی را که پدرانش در علم و هنر و تمدن جهان داشته‌اند ثابت‌کند بلکه بهترین وسیله‌است که نام نیك نیاگان بزرگوار خود را در جهان پراگنده سازد واحترام واقعی و حقیقی در همهٔ جهان بدست آورد . در ضمن این کار بهترین سرمشـق و محرك و راهنما و نمونه برای افراد کشور و آیندگان خواهد بود تاازین مردان بزرگ پیـروی

کنند و بدیشان بگروند و بکوشند همواره ازکارهای بزرگی که‌ایشان کرده‌اند سرمشق بگیرند و منتهای آرزوشان این باشد که بپایهٔ این مردان بزرگ برسند و یك قسم‌عبادت و پرستشی‌درمیان مردم نسبت باین بزرگان‌که‌همیشه راهنمای‌آدمی‌زادگان ورهبران تمدنها بوده‌اند فراهم شود.

برای اینکه‌اهمیت اصلاحات فرهنگی و معارفی‌درعصر پهلوی کاملا برجسته باشد ارقامی دربارهٔ چند سال از آغاز و پایان این دوره کاملا مطالبی را که درین‌بحث آورده‌ام روشن خواهد کرد:

سال ۱۳۰٤ بودجهٔ وزارت فرهنگ ۷۷۳۱۳۸۰ ریال.

سال ۱۳۰۹ بودجهٔ وزارت فرهنگ ۱۸۹۸۳۷۵۰ ریال.

سال ۱۳۱٤ بودجهٔ وزارت فرهنگ ۵۸۰۰٤۰۷۰ ریال.

سال ۱۳۲۰ بودجهٔ وزارت فرهنگ ۱۵٤۸۵٦۰۰۰ ریال.

سال ۱۲۹۷ عدهٔ دبستانها ٤۵ عدهٔ دبیرستانها ۱۱.

سال ۳۰۳ – ۱۳۰٤ شمارهٔ دبستانها ٦٤۸ شمارهٔ دبیرستانها ۸٦.

سال ۱۳۰۸ – ۱۳۰۹ شمارهٔ دبستانها ۱۰۰۰ شمارهٔ دبیرستانها ۱٤۱.

سال ۱۳۱۳ – ۱۳۱٤ شمارهٔ دبستانها ۱۳۰۱ شمارهٔ دبیرستانها ۱٦۰.

سال ۱۳۱۹ – ۱۳۲۰ شمارهٔ دبستانها ۲۳۳۱ شمارهٔ دبیرستانها ۳۲۱.

مدارس حرفه‌ای تنها در ۱۳۱۳ تأسیس شد و عدهٔ آنها بده رسید.

دانش سراهای مقدماتی نیز در ۱۳۱۳ دایر شد و عدهٔ آنها در آن سال ۷ بود ودر ۱۳۱۹ به ۲۹ رسید.

سال ۱۲۹۷ شمارهٔ دانش آموزان دبستانها ۲٤۰۳۳.

سال ۱۳۰۳ – ۱۳۰٤ شمارهٔ دانش آموزان دبستانها ۵۵۹٦۰.

سال ۱۳۰۸ – ۱۳۰۹ شمارهٔ دانش‌آموزان دبستانها ۱۱۲٤۸۵.

سال ۱۳۱۳ – ۱۳۱٤ شمارهٔ دانش‌آموزان دبستانها ۱٦۷٦۸۲.

سال ۱۳۱۹ – ۱۳۲۰ شمارهٔ دانش‌آموزان دبستانها ۲۸٦۵۹۸.

سال ۱۲۹۷ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۲۳۹۲.

سال ۱۳۰۳ – ۱۳۰٤ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۷۷۹۳.

سال ۱۳۰۸ – ۱۳۰۹ شمارهٔ دانش‌آموزان دبیرستانها ۱۰۰٦۱.

سال ۱۳۱۳ – ۱۳۱٤ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۱۳۵۸۰.

سال ۱۳۱۹ – ۱۳۲۰ شمارهٔ دانش آموزان دبیرستانها ۲٦۸۷۳.

سال ۱۳۱۳ – ۱۳۱٤ شمارهٔ شاگردان مدارس حرفه‌ای ۷۹۳.

سال ۱۳۱۹ – ۱۳۲۰ شمارهٔ شاگردان مدارس حرفه‌ای ٦۱۵.

سال ۱۳۱۳ – ۱۳۱٤ شمارهٔ شاگردان دانش سراهای مقدماتی ۵٤۲.

سال ۱۳۱۹ – ۱۳۲۰ شمارهٔ شاگردان دانش سراهای مقدماتی ۱۲٦۹.

کودکستانها تنها در ۱۳۱۳ دایرشده‌اند. درین سال عدهٔ کودکان ۲٤٤۷ ودر ۱۳۲۰ عدهٔ آنها ۱۸٦٤ بوده‌است.

وسایل ارتباط

کشور ما سرزمین بسیار پهناوریست که یك میلیون و ششصد و چهل‌وچهار هزارکیلومتر مساحت دارد واطراف آنراکوهستان‌ونواحی‌کوهستانی فراگرفته‌ودرمیان این حاشیه از کوههای بلند دشت ها و جلگه ها ییست که‌نواحی مرکزی ایران‌را فراهم ساخته است. بهمین جهت ایرانیان در تاریخ نخستین ملتی بوده‌اند که راههای بزرگ ساخته‌اند ودر راهسازی اهتمام کامل داشته‌اند . بنابرآنچه تاریخ‌نشان می‌دهددر زمان‌داریوش‌بزرگ شاهراهی‌ساخته‌شده‌بود که‌آسیای شرقی رابآسیای غربی‌متصل میکردوازسرحدچین ازروی‌رودجیحون‌سرزمین ماوراءالنهر را طی می‌کرد و از آنجا بخراسان می‌رسید واز همان راه امروزی خراسان بشهرری می‌آمد واز همان راه امروزی تهران بسرحد عراق یا بین‌النهرین امروز و شهر معروف بابل می‌رفت وازآنجا بآسیای صغیر می‌رسید واز شهر سارد پای‌تخت کشور لیدی که خراج‌گزار ایران‌شده بودمی‌گذشت وازآنجا باقصای‌آسیای‌غربی‌بسواحل‌دریا می‌رسید . این‌راه را مورخان قدیم راه شاهنشاهی نام نهاده بودندودر سراسر تاریخ قدیم‌اهمیت بسیار بآن داده‌اند زیرا که یگانه راه بازرگانی در میان اروپا و آسیا بود و شهرهای بزرگ ایران قدیم‌مانند بخارا و سمرقند و مرو وبلخ و هرات و طوس و نیشابور وری و همدان و تیسفون برسر این شاهراه قرار گرفته بودند. بنا برآنچه مورخان قدیم گفته‌اند در طول این راه همه جا راهدار خانهای بسیار ساخته بودند که وسایل رسانیدن چاپار در آنجا ها فراهم بود و حتی میلها و تپه‌ها و بلندیهایی در فواصل معین‌تعبیه کرده بودند وفاصلهٔ میان هردو میل یك منزل بود بهمین جهت میل بالاترین مقیاس طول شده بود. شب‌ها روی این بلندیها آتش می‌افروختند تا خط سیر راه معلوم باشد و مسافران و کاروانها بیراهه نروند و گمراه نشوند. چنان می‌نماید که گذشته ازین شاهراه معروف در دوره هخامنشیان‌راههای دیگری برای‌لشکرکشی بیونان و مصر ساخته‌اندکه جسته جسته آثار آن را باستانشناسان در ترکیه و سوریه کشف کرده‌اند.

در دوره های بعد مخصوصاً در دورهٔ ساسانیان که تجارت ابریشم چین پیش از آنکه پرورش کرم ابریشم در ایران معمول شود بدست ایرانیان واز راه ایران تأمین می شد وبرای کشور های غرب اهمیت بسیار داشت‌این شاهراه را راه ابریشم‌نامیدند واهمیت بسیار در تجارت و سیاست جهان داشت و حتی یکی از دلایل عمدهٔ رقابت های سخت در میان امپراتوری رم و دربارهای اشکانیان و ساسانیان بر سر همین راه

بود. سپس مدتهای مدید پس از انقراض ساسانیان در دوره هـای اسلامی این راه هم‌چنان در اهمیت قدیم خود باقی مانده بود و خلفا نیز بدان اهمیت بسیار می‌دادند وهمان تشکیلات چاپارهای زمان ساسانیان را که بهمان اصطلاح قدیم زبانهای ایرانی «برید» می‌گفتند باقی نگاه داشته بودند ویکی از مهم‌ترین مناصب در هردرباری‌منصب «صاحب برید» بود که تقریباً مقام وزارت داشت. ترتیب برید این بودکه در هردو فرسنگ یا دوازده میل ایستگاه هایی بود که همواره در آنها چهار پاهایی زین کرده برای رساندن مراسلات رسمی آماده بود و حامل آن مراسلات که می‌رسید مرکوبی را که سوار بود رها می‌کرد و برآن مرکوب تازه نفس‌می‌نشست وراه خود را دنبال‌می‌کرد. این ترتیب از دورهٔ هخامنشیان تا آن زمان باقی مانده بود وبدین جهت می‌توان گفت که ایرانیان نخستین ملتی هستند که در تاریخ جهان اصول چاپار وپست را برقـرار کرده‌اند و آتشهایی که روی بلندیها می‌افروختند علایمی برای رساندن خبر بود واین هم یك قسم تلگراف یا تلفن بوده‌است.

این راه تجارتی معروف نزدیك دو هزار و چهارصد سال یگانه رابطه در میان آسیا و اروپا بود، تا آنکه در ۱۸۶۹ میلادی حفر ترعهٔ سوئز بپایان رسیـد واین راه اهمیت خود را از دست داد زیرا چون راه دریایی در میان اروپا و خاور دور دایر شد قهرا این راه دیگر آن اهمیت بین‌الملل را نداشت.

در دوره‌های‌بعدهم چنان درایران براه‌سازی اهمیت بسیارداده‌اند. مخصوصاً در زمان صفویه که شاه‌عباس اول‌براه سازی بسیار توجه داشته‌است‌و نه تنها راههای قدیم را که ویران شده بود دوباره تسطیح کرد و در طول آن راهها کاروانسرا های متعددساخت که بسیاری ازآنهاهنوز باقیست‌وبنام کاروانسرای‌شاه‌عباسی‌معروفست بلکه راههای جدیدی ساخت که معروفترین آنها راه مازندران و کرانهٔ دریای خزر از راه تهران باصفهان بوده‌است. بسیاری از قسمت های این راه را سنگ فرش کرده بودند چنانکه قسمتی از آن سنگ فرشها در میان علی‌آباد سابق(شاهی امروز) وساری باقی مانده بود و در عصر پهلوی کـه راه شوسه مازندران را می‌ساختند بآن سنـگ فرشها پی بردند و نیز در طول این راه پلهای متعدد ساخته بودند.

صنعت پل سازی نیز از زمانهای بسیار کهن‌در ایران درکمال‌ترقی بوده است و پلهایی که در دوره های مختلف تاریخ در ایران ساخته‌اند همیشه در منتهای شکوه واستحکام بوده است. از پلهایی که پیش از ساسانیان در ایران ساخته‌اند اندك آثاری باقیست و پیداست که در آن زمان پل سازی رواج کامل داشتـه است. اما از دورهٔ ساسانیان پلهایی که برخی ازآنها نزدیك هزار و هفتصد سال‌عمر کرده‌اند در خوزستان وفارس باقیست و برخی از پلهای ایران مانند پلهای خوزستان‌واصفهان‌که‌یادگاردورهٔ صفویه و پیش از صفویه‌اند از شاهکار های پل‌سازی با سنگ وآجر بشمارمی‌روند.

چنانکه سابقاً اشاره‌رفت ایرانیان در ساختن سد نیز بسیار هنرمند بوده‌اند و سدهای خوزستان وبند امیر درفارس که از یادگارهای عضدالدوله دیلمی آل‌بویه است بهترین نمونهٔ سد سازی هـای قدیمست.

اما در دورهٔ قاجار ها مخصوصاً در صد سال آخر آن دوره آن توجه باستانی که پیوسته ایرانیان براه سازی داشته‌اند در نتیجه ناامنی وانقلابهای داخلی و آشفتگی اوضاع کشور وضعف وسستی دولتهای‌وقت از میان رفته بودونه تنهاراههای جدیدی نساخته بودند بلکه راههای قدیم یکسره بایر و ویران شده بود ، چنانکه همان راه معروف مازندران که شاه‌عباس اول ساخته بود کور شده بود . اگر راههایی درایران فراهم شد برخی ازآنها رامردم نیکوکاربرای آسایش مردم راهگذر ساخته بودند یا راههایی‌بودکه امتیازآنهارابیگانگان داده‌بودندویاراههایی‌بودکه درجنگ‌جهانی‌اول‌برای حوائج نظامی ولشکرکشی‌های دول بیگانه‌تسطیح‌کرده بودند. چنانکه‌یگانه‌راه تجارتی شمال بپای‌تخت راه‌بندرانزلی(پهلوی) بتهران‌بودکه امتیازآنرا بیك‌شرکت روسی داده بودند واز مسافر و کالا راهداری می‌گرفتند و یگانه راه تجارتی پای‌تخت‌بجنوب‌هم‌راه تهران بقم وسلطان‌آباد (اراك) واهواز بود که امتیازآنرا هم بیك شرکت انگلیسی‌داده بودند وراهداری می‌گرفت . تنها راهی که در مغرب ایـران وجود داشت راه تهـران بقزوین و همدان وکرمانشاه وسنندج و خسروی بود که در جنگ جهانی اول برای لشکرکشی ساخته بودند . دیگر راه اردبیل‌بآستارابودکه یکی ازبازرگانان تهران امتیاز آنرا گرفتـه بود و راهداری می‌گرفت . یگانه راهی کـه دولت در پـایان دورهٔ قاجار ها ساخت راه تهران بدماوند بود که یك مهندس بلژیکی مامور ساختما ن‌آن‌شده بود ودر آن نیز راهداری می‌گرفتند . پیداست که این راهها نیز از دزدان و غارتگران چادرنشین مسلح در امان نبودند ودر گردنه ها وتنگه ها وپیچ وخمهای آن ها همیشه مسافر وکاروان در خطر غارت ویغما وگاهی کشتار بودند .

بهمین جهت در دوره پهلوی یکی‌از کارهای بسیار مهم که در راه امنیت و آبادانی کشور شده تسطیح راههای قدیم‌و ایجاد راههای جدید بوده است که یك رشته از مهم ترین وپر خرج ترین کارهای‌دولت را درین مدت در بردارد . در ضمن همه وسایل ارتباط جدید مانند وسایـل‌نقلیهٔ سریع‌السیر و بندرها و پسـت‌و تلگراف و تلفن و پست هوایی و تلگراف‌بی‌سیم و کشتی رانی بازرگانی و غیره فراهم شده است .

در آغاز باید ساختمان راههای شوسه و اتومبیل رو را در نظر گرفت . چنانکه پیش ازین اشاره کردم در پایان‌دورهٔ قاجارها تنها راه پهلوی بتهران و اهواز بتهران و خسروی بتهران و دماوندبتهران و اردبیل بآستارا بود که شرکت عمومی بنابرامتیازی ساخته بود و جمع‌مسافت آنها روی همرفته در حدود دو هزار کیلومتر بود و حال آنکه در دوره‌پهلوی بیش از دوازده هزار کیلومتر راه شوسهٔ اتومبیل رو در کمال خوبی ساخته‌شده است که شش برابر راهها ی‌سابق می‌شود . این دوازده هزار کیلومتر شامل۱٦ شاهراه بزرگ و ۱۰ راه فرعی درمیان چند شهر بوده است .

گذشته ازین‌همان راههای ساخته‌شده سابق را باردیگر تسطیح کرده و در بسیاری از جاهای آن پلهای بزرگ وکوچك ساخته‌اند. در بسیاری از نواحی

راههای سابق را گشادتر کرده‌اند و درمیان آنها راههایی هست که پیش از آن وجود نداشت یعنی راههای تنگ پر نشیب و فراز بود که گاهی کاروان هم بدشواری از آنجا می‌گذشت . در میان شاهراه های مهم که درین دوره ساخته شده چندین راه بسیار مهم هست که از حیث تجارت و اقتصاد و رفاه مردم کشور و توسعه قدرت دولت و بسط نفوذ آن و امنیت کشور اهمیت بسیار دارند مانند راه تهران بمازندران از راه دماوند و راه تهران بمازندران از راه چالوس و راه کناره در طول سواحل دریای خزر و راه تهران بمشهد و مرزهای مشرق ایران و راه تهران ببوشهر و کرانه های خلیج فارس و راه تهران بتبریز و از انجا بشهر های عمده آذربایجان و راه تهران بخرم شهر و سایر نواحی خوزستان و راه تهران بکرمان که هر يك درحد خود اهمیت خاصی داشته‌اند و ساختمان و تسطیح آنها نه تنها یکی از مهم ترین کارهای این دوره بود بلکه گاهی از دشوارترین و پرخرج ترین کارها بشمار می‌رفت . بسیاری از نواحی ایران بود که حتی مردم پای تخت سابقا آنها را بچشم ندیده بودند و تنها نامی از آنها شنیده بودند ودرین دوره مردم توانستند با کمال آسودگی و آسانی پس از چندساعت بآنجا برسند . نکته‌ای که مخصوصا باید متوجه آن بود برداشتن موانع بسیارست که درین راهها بود و گذشته از ساختمان پلهای بسیاربزرگ برروی رودها مانند پل اهواز بر کارون و پل سفیدرود برسر راه رشت بلاهیجان نیز کوهها و کتلهای بسیار در سرراه بوده است که تنها همت مرد بزرگی می‌بایست آنها را ازمیان بردارد مانند گردنه معروف قافلانکوه برسر راه آذربایجان و کوههای بسیارسخت متعدد در لرستان برسرراه خوزستان و موانع بسیار در سرراه شیراز ببوشهر . هرکس که سفری از تهران بچالوس کرده باشد و یا نقشه این قسمت از ایران را ببیند و عده پلها وتونلهایی را که برای ساختن این راه لازم بوده است بنگرد می‌داند که چه کوشش هایی درین زمینه کرده‌اند . البته موضوع راه‌آهن ایران بحث جداگانه دارد که پس‌ازین در مبحث خاص بمیان خواهد آمد .

دیگراز پیشرفت‌های مهم درین دوره پیشرفت وسایل نقلیه بوده است و شکی نیست که ایران درین دوره ترقیات عظیمی کرده است . تا پایان دوره قاجارها وسایل نقلیه در ایران منحصر بهمان وسایل بدوی قرنهای گذشته بود و بجز یکی دو راه که در آنها کالسکه و دلیجان با کمال دشواری راه می‌پیمود و باکمال کندی پیش می‌رفت. در راههای دیگر جز شتر و اسب و الاغ و قاطر چیزی برای راه پیمایی نبود . درراه هایی هم که کالسکه و دلیجان کار می‌کرد باندازه‌ای راه بد بود که بکالسکه ای که چهارتن در آن می‌نشستند چهار اسب می‌بستند و آن اسبها در يك منزل راه باندازه ای خسته شده بودند که می‌بایست آنها را رها کنند واسبهای تازه نفس بجای آنها ببندند و کالسکه‌چی ومسافر نیز چنان کوفته شده‌بودند که می‌بایست چند ساعت راحت کنند و اگر شب فرارسیده بود شب‌را در آن منزل و در راهدار خانه بمانند . در آن‌زمان مسافت از طهران تا بندر پهلوی‌را مسافران اروپا چهار پنج روزه طی

می‌کردند و برای بردن پست جز گاری‌وسیله دیگری در میان نبود . درپایان دوره پهلوی بیش از سی‌هزار اتومبیل بارکش وسواری در راههای ایران از شمال بجنوب و از شرق بغرب راه می‌پیمود و درازترین‌راه های کشور باین پهناوری بیش از سه روز وقت‌نمی‌گرفت .حتی در میان بسیاری‌از قصبه ها و ده های کشور درین مدت راههای فرعی ساخته‌اند چنانکه بده‌ها نیزمی‌توانستندبااتومبیل بروند وروی همرفته درین زمینه ترقی فوق‌العاده‌ای پیش آمده‌و درین دوره زندگی ایران ازین حیث دگرگون شده و این کار ها تا این اندازه درآبادانی کشور موثر بوده است .

دیگر از کار های مهمی که در زمینه‌وسایل ارتباط کرده‌اند ساختمان بندرهای جدید و اصلاح بندر های سابقست که‌پیداست تا چه اندازه این کار در بازرگانی ایران اهمیت دارد . درین دوره کوشش‌فراوان درین زمینه کرده و مبالغ خطیری درین راه خرج کرده‌اند . در خلیج فارس‌بندر شاهپور با اصول علمی جدید ساخته شد و از هر حیث برای پناه دادن کشتی‌های بزرگ اوقیانوس پیما آماده گشت . در شمال بندر های چند در کرانه دریای‌خزر ساخته شد که مهم ترین آنها بندر شاه و بندر نوشهرست ونیز دربندرهای دیگرایران که محتاج باصلاحات اساسی بوده‌اند کارهای مهم کرده‌اند از آن جمله در بندرپهلوی و بندر خرمشهر بوده است .

دیگر از وسایل ارتباط که درین دوره‌توسعه‌یافته پست وتلگراف وتلفن‌درسراسر کشور بوده است . نه تنها کارهای پست‌اصلاح اساسی بخود دید و وسایل کار را تکمیل کردند و نظم و ترتیب خاصی درآن‌دادند بلکه‌دفتر های‌پستی و تلگرافی‌متعدد درین دوره درجاهایی‌که سابقه نداشت‌دایرشد و چندخط تلگرافی تازه نیزبکار افتاد ، چنانکه در پایان دوره قاجار ها تنها ۲۱۸ دفتر پست و تلگراف درین کشور بدین وسعت‌دایر بودودرپایان‌سال۱۳۱۶ این‌شماره به‌۴۷۵رسیدیعنی درمدت۱۶سال بیش از دو برابر شد . کار مهم دیگر این بوده‌است که وسایل رساندن پست را بتوسط وسایط نقلیه سریع‌السیر کاملا تامین کردند .

نکته‌ای که درین مورد باید توجه‌خاصی بدان کرد اینست که امنیت کشور در پیشرفت کار بسیار موثر بوده است .زیراکه در دوره های گذشته بارها اتفاق افتاده است که محمولات پستی را در راه‌راهزنان و غارتگران ربوده و تاراج کرده‌اند و ناچار بمقصد نرسیده است و نیز سیمهای تلگراف را سرکشان و تاراجگران پاره می‌کردند و مدتهای مدید روابط پستی وتلگرافی ناحیه‌ای باناحیه دیگروحتی با پای‌تخت‌قطع می‌شدوبسیار اتفاق افتادکه‌ادارات تلگراف بعنوان‌آنکه سیم‌پاره شده‌و تلگراف دایرنیست ازپذیرفتن‌تلگرافها خودداری‌کردند. پیشرفت‌دیگری‌که درین‌زمینه فراهم شده اینست که در دوره قاجار ها برخی از خطوط عمده تگراف ایران متعلق بشرکت انگلیسی تلگراف هند و اروپا بودو بدست‌بیگانگان‌اداره می‌شد و رابطه ایران با اروپا بدست همان شرکت بود. پیداست که‌این‌وضع منافی‌باحیثیت‌کشور بودومضار گوناگون داشت وآن رشته سیمها درین دوره بدولت ایران تعلق‌گرفت ودیگر دست بیگانه درکار تلگراف ایران دخالت نکرد . درهمان‌دوره بیگانگان در ضمن‌انقلابات و

تجاوزات بخاک ایران دربرخی نواحی جنوب ایران پستی ازخود دایرکرده و محمولات پستی را می‌پذیرفتند واین وضع نیز درین دوره بپایان رسید .

دیگر از اصلاحات اساسی درین دوره اصلاح تلفن را باید در نظر داشت . در دوره قاجارها در بسیای از شهر ها ونواحی ایران تلفن نبود و در هر جا که بود بهیچ‌وجه ترقی نکرده بود و بهمان اصول قدیم باقی مانده بود و احتیاج مردم را برنمی‌آورد . تلفن همه شهرها را باشخاص امتیاز داده بودند و ایشان تنها رعایت نفع خود را می‌کردند و رفاه و آسایش مردم درنظر نبود . درین دوره در نتیجه اقدامهای گوناگون دولت اصلاح اساسی درتلفن‌های شهرها و نواحی مختلف بعمل آمد و ازین حیث نیز پیشرفتی فراهم شد و رشته‌های جدید در میان نواحی متعدد مملکت دایرگشت . تلفن تهران که بهمان اصول سابق باقی مانده بود خودکار شد و وسایلی فراهم آمد که تلفن برخی از شهر های دیگررا هم خودکار بکنند .

دیگر از کار های مهم در زمینه‌وسایل ارتباط ایجاد پست هوایی بوده است که جدیدترین وسیله این کار بشمارمی‌آید و هنگامی که ایران بدین کار آغاز کرد هنوز بسیاری‌از کشور ها پست هوایی‌نداشتند . نخست اجازه‌ای بشرکت هواپیمایی آلمانی یونکرس برای تاسیس‌پست هوایی در میان شهر های مهم ایران و ایران و اروپا داده شد و چندی هم‌دایربود اما چون‌شرکت‌مزبود ازین کار منصرف شد پست هوایی داخله کشور تعطیل شد و سپس اجازه دیگری بشرکت لوفت هانزا که‌شرکت هواپیمایی‌آلمانی دیگری بودبرای‌دایرکردن‌پست هوایی‌درمیان ایران و اروپا و ایران و افغانستان داده شد که محمولات پستی و مسافرببرد و سپس دولت درصدد برآمد خطوط هواپیمایی غیر نظامی چنددر ایران دایرکند وروابط هوایی را درمیان نواحی مختلف کشور برقرار سازد .

دیگر از وسایل ارتباط بسیار مهم که در آغاز این دوره برقرار شد تلگراف بی‌سیم بود که آن نیز اثر مهمی درآبادانی‌و عمران و امنیت کشور و ایجاد تمدن جدید و بیدار کردن مردم و فراهم آوردن‌وسایل آسایش داشت . مرکز مهمی برای تلگراف بی‌سیم با بهترین وسایل جدید دربیرون شهر تهران دایر شد و رابطه تلگراف بی‌سیم ایران با همه کشور های جهان فراهم آمد و همه مردم کشور توانستند از آن بهره مندگردند و این وسیله مخصوصادر بازرگانی امروز که نیازمند بسریع ترین وسایل مخابره‌است اهمیت بسیار دارد وازوسایل عمده دول جدید و کشور های متمدن بشمارمی‌رود ونمی‌توان منکر فوایدگوناگون آن شد .

دیگر از وسایل ارتباط که دولت‌درصدد تهیه آن برآمد کشتی‌رانی تجارتی بود که در ایران پیش از آن بهیچ وجه‌در اندیشه آن نبوده‌اند و تنها برخی از اتباع ایران کشتی های کوچکی که بیشترآنها فرسوده و مندرس بود در رودهای جنوب و برخی از نواحی خلیج فارس ازقدیم دایر کرده بودند که مدتهای مدید

هیچ اصلاح و ترقی در آنها وارد نشده‌بودو بهیچوجه کفاف نیازمندیهای کشور را نمی‌داد . بهمین جهت تمام حمل و نقــل‌دریایی ایران را کشتی های شرکت هــای بیگانه بعهده‌داشتند و قطعا لازم بود روزی‌وسایل دریایی متعلق بایران پیدا شود و این حاجت عمومی و مهم کشور را تامین‌کند . بهمین جهت دولت درصدد شد درین کار مقدم باشد و سرمشق عملی بدیگران‌بدهد و پس از آنکه نیروی دریایی جنوب آماده شد و بدین وسیله امنیت دریاهای‌جنوب فراهم آمد و وسایل مهم برای‌جلو-گیری از قاچاق دریایی در خلیج فارس ورودهای جنوب ایران مهیا گشت و ازاین حیث دیگر هیچ نگرانی نماند موقع آن‌رسیده بود که‌کشتی رانی بازرگانی در دریا ها و رودهای جنوب ایران برقرار شود ودولت بخریدسه کشتی پنج هزار تنی اقدام کرد و چیزی نمانده بود این کــار مهــم بپایان برسد که جنگ جهــانی دوم مانع از انجام آن شد .

دیگر از وسایل ارتباط که دریــن‌دوره فراهم شد وسایل انتشار اخبار و مطالب بوسیله رادیو بود که مراد از آن‌رادیو دیفوزیون باشد . جزو برنامه عملیات مهمی که برای سازمان پرورش افکار درنظر گرفته شده بود توجه خاصی بان کار کردند . کمیسیون‌مخصوصی بنام‌کمیسیون‌رادیو با کمال جد و جهد مشغول بکــار شد و نقشه علمیات بسیار وسیعی برای این‌کار کشیدکه‌قسمت‌عمده آن‌ازشهریورماه۱۳۱۸ عملی شد . بدین وسیله یك مرکز نیرومندانتشار اخبار و مطالب در تهران دایرشد که سه دستگاه فرستندهٔ موجهای متوسط‌و بلند وکوتاه داشت و انتشارات آن در همهٔ کشور و سراسر کشورهای بیگانــه‌شنیده شــد و در نظــر گرفته شد در دوازده شهر ایران دوازده فرستندهٔموج‌متوسط باشد که همان مطالب را ازمرکز تهران بگیرند و در آن ناحیه منتشر کنند .در ضمن ترتیب کار چنان داده شد کــه گیرنــده‌هــای بسیــار ارزان همیشه دردسترس مردم باشد وبا کمترین خرجــی بتوانند مطالب و اخبار را بشنوند چنانکه‌تا ۲۵ کیلومتر در اطراف دستگاه هــای فرستندهٔ موج متوسط ممکن بود باگیرنده‌های کوچکی که قابل حمل ونقل بودمطالب واخباررا گرفت ودر ضمن دولت‌تسهیلات‌بسیاری‌فراهم کردکه مردم بتوانندباقساط دستگاه‌های گیرنــده را بخرند و همواره‌لوازم یدکی آن موجود باشد و نیز تمام وسایل تعمیر دستگاهها را در مراکزعمدهٔ‌کشور آماده کنند ونیز در مجامع عمومی و مؤسسات و بنگاه‌های علمی‌که در مطالب‌عمده ومسایل علمی و غیره بحث می‌کنند وسایلی آماده شد که همهٔ مردم کشور درهرجا باشند و حتی در خارج از ایــران بتوانند آن گفتگوها و مباحث و مطالب‌رابشنوند و حتی درسهای عمده و خطابــه های جالب را که ایراد می‌کنند در همه جابگیرند .

در ضمن وسایلی فراهم شد که‌هر روز تمام اخبار و مطالبی که بــرای عموم مردم سودمنــدست رادیو بمــردم‌بدهد و گذشته از آن در هرروز در مدتی که مردم را خسته نکننــد مثــلا در ظرف‌یك ربع ساعت اطلاعات و مطالبی که برای

مردم‌لازم باشد مانند‌اطلاعاتی درکشاورزی‌و بهداشت و تاریخ و جغرافیا و ورزش و جز آن باین وسایل داده شود ، حتی ازدادن دستور هایی و راهنمایی‌هایی‌که‌برای زندگانی روزانهٔ طبقات مختلف مردم‌کشوراز زن و مرد و خرد وبزرگ ضرورت‌دارد خودداری نکنند . بدین وسیله حوائج‌روزانه همهٔ طبقات مردم از حیث اطلاعات و معلومات و راهنمایی‌ها و اخبار و غیره‌تامین شد و البته این‌کار نتیجه بسیار مهمی بخشید و مخصوصاً در جنگ جهانی‌دوم و مراحل مختلف آن و حوادث‌بسیار ناگوار شهریور ماه ۱۳۲۰ بهترین وسله‌ارشاد مردم و آرام کردن احساسات‌اهالی کشور و جلوگیری از آشفتگی‌ها بود ،زیرا هر روز مطالب و اخباری که برای تسلیت مردم و باطل کردن اخبار نادرست‌لازم بود درآن واحد بوسیلهٔ هرسه‌دستگاه فرستنده که در تهران کار می‌کرد بمردم‌داده شد .

دستگاه موج متوسط تهران با امواج ۲۳۵ متر کار می‌کرد ودو کیلووات قوه داشت . دستگاه موج کوتاه با امواج ٤۸متر و ٦٤ متر کار می‌کرد و آن نیز دو کیلووات قوه داشت . یک دستگاه موج‌کوتاه دیگربا امواج ۱۹ متر و۳۰ متر و٤۸ متر و بیست کیلووات قوه نیز پس از آن‌کار گذاشته شد وهر یك از دستگاه‌های موج متوسط که در شهرهای دیگر بنا بودبکار بیندازند‌می‌بایست‌صدوات قوه‌داشته باشد . پیداست که این اساس در زندگی‌جدید چه اثر مهمی داشته و برای تربیت فکری جامعه و تولید و تشیید روح ملیت‌و مخصوصاً دادن اطلاعات و معلوماتی که مردم بدان نیازمند بودند تا چه اندازه مؤثر بوده است .

راه‌آهن ایران

تردیدی نیست که داشتن راه‌آهن جزو آرزوهای مردم ایران در سالیان دراز بوده است . اما انجام آن همواره بمشکلات سیاسی و اقتصادی و اداری و فنی گوناگون برمی‌خورده است و بهمین جهت منتهی بعمل نمی‌شده است .بزرگترین مانع راه‌آهن در ایران این بود که هندوستان مستعمرهٔ انگلستان بود و همهٔ کشورهای بزرگ از آن جمله روسیهٔ تساری چشم طمع بدان دوخته بودند و روسها تدریجاً بمرزهای هندوستان نزدیك می‌شدند وانگلستان نخست چاره‌ای که در برابر ایشان اندیشید این بود که افغانستان مستقلی که دست نشاندهٔ آن دولت باشد در میان متصرفات روسیه وانگلستان حایل باشد . پس از آنکه راه‌آهن در جهان توسعه یافت وایرانیان هم باهمیت آن پی بردند دولت انگلستان همیشه کوشید راه‌آهنی در ایران نباشد که روسها رازودتر بمرزهای غربی هندوستان از راه ایران برساند و بهمین جهت راه‌آهن ایران موضوع سیاسی بسیار پیچیده‌ای شده‌بود که قاجارها هرگز نتوانستند آنرا حل کنند . این موضوع تنها در دورهٔ پهلوی حل شد ویکی از عظیم‌ترین کارهایی بودکه‌ممکنست ملتی در تاریخ خود کرده باشد . ساختمان راه‌آهن سراسری ایران وخطوط فرعی آن نه تنها در زندگی داخلی ایران و دراوضاع اقتصادی کشور اهمیت داشت بلکه از وقایع مهم بشمار رفت و حتی در اقتصاد عمومی جهان نیز مؤثر شدچنانکه در جنگ دوم جهانی که انگلستان و امریکا در صدد برآمدند آلمان هیتلری‌را ازپا درآورند و هرچه بیشتر اسلحه بشوروی برسانند یگانه وسیله‌ای که درجهان یافتند واین کار بسیار مهم را باآن تامین کردند همین راه‌آهن سراسری‌ایران بود وبهمین جهت ایران را « پل پیروزی » نام دادند .

گذشته از جنبهٔ جهانی اگر جنبهٔ ملی راه آهن ایران را در نظر بگیریم می‌بینیم که در اصلاح اوضاع اجتماعی واقتصادی و بسط نفوذ دولت در اقطار کشور و حفظ امنیت و پاسبانی ازحیثیت و آبروی دولت و تامین رفاه و آسایش مردم و استقرار تمدن جدید و توسعهٔ آن در کشور یگانه راه اساسی راه‌آهن بود و یگانه وسیله‌ای بود که ایران را در شمار کشورهای متمدن جهان درآورد . بهمین جهت همواره آرزوی نیك اندیشان وصلاح بینان ایرانی این‌بوده است که راه‌آهن سراسری در کشور شان برقرار شود .

در مدت نزدیك بصد سال پیش‌از آن که از ساختمان راه‌آهن و اختراع

آن در جهان متمدن می‌گذشت بسیاری ازکسانی که در آبادی و اصلاح اوضاع ایران چاره‌اندیشی کرده بودند راه‌آهن راموثرترین وسیله دانسته و همواره آرزوی آنرا کرده بودند و حتی در مدت هفتاد وسه سال تمام پیشنهادهای مختلف درین باره شده بود و امتیازات گوناگون باتباع‌کشورهای مختلف داده بودند و باز این‌کار عملی نشده بود وهمان موانع سیاسی وناهموار مانع از انجام این کار مهم گشته بود و چنانکه اشاره رفت مهم‌تر از همه‌رقابت‌های کشورهای بیگانه درامورداخلی ایران بود . درین میان تنها هفت خط فرعی بسیار کوچك از راه‌آهن در ایران ساخته شده‌بود : یکی‌راه‌آهن تهران‌بشاه‌عبدالعظیم‌که درسال ۱۳۰۵ قمری یك‌شرکت مختلط بلژیکی‌وروسی که دو میلیون فرانك‌سرمایه‌داشت آنرا ساخت . دیگر راه‌آهن محمود آباد بآمل در ۱۸ کیلومتر که مقارن همان‌زمان حاج محمد حسن امین‌الضرب بازرگان تهران ساخت . سوم راه‌آهن جلفابتبریز واز آنجا بشرف خانه در کنار دریاچهٔ رضاییه (ارومیه) بود که در ۲۰۰کیلومتر در سال ۱۳۳۱ بانك استقراضی روی که امتیازآنرا داشت ساخت . چهارم‌راه‌آهنی بود که برای مقاصد نظامی و رساندن نیرو از قفقاز بآذربایجان دربرابرسپاهیان عثمانی در جنگ جهانی اول سپاهیان روسیهٔ تساری از ساحل رودارس تاماکو وازآنجا تامرز ترکیه ساختند ودر حدود صد کیلومتر آن از خاك ایران‌می‌گذشت . پنجم راه‌آهن زاهدان بودکه برای رسیدن سپاهیان هندی بکرمان وفارس از هند وارد خاك ایران می‌شد و آنرا هم درجنگ جهانی اول ساخته بودند.ششم راه‌آهنی بودکه درسال ۱۳۳۷ قمری بطول ۵۰ کیلومتر از بوشهر تا برازجان‌نظامیان انگلیسی برای لشکرکشی ساخته بودند و برچیدند . هفتم راه‌آهن باریکی‌بود که خشتاریا از اتباع روسیهٔ تساری امتیاز آنرا گرفته‌بود واز رشت بپیله بازارمی‌رفت .

بدین‌گونه درسراسر این مدت تنهانزدیك پانصد کیلومتر راه‌آهن درین هفت خط ساخته شده بود که بهیچ وجه کفاف‌ایران و منافع حیاتی آنرا نمی‌داد و هیچ خطی با خط دیگر رابطه نداشت و از حیث‌مصالح و اصول مهندسی و لوازم فنی و عرض خط بایك‌دیگر سازگار نبودند .جز آن هر نقشه‌ای که در طرح راه‌آهن سراسری ایران کشیده بودند عقیم مانده‌بود و بهیچ نتیجهٔ اساسی نرسیده بود و بسیاری از امتیازات که درین زمینه داده‌بودند روی کاغذ مانده بود و حتی گاهی که موضوع راه آهن ایران بعمل نزدیك‌می‌شد فورآدشواریهای بسیار روی می‌داد و کار بی‌نتیجه می‌ماند .

بهمین جهت در دورهٔ پهلوی همین که بنیاد استقلال ایران استوار شد و دولت ایران در کار خود پابرجا ومستقل‌گشت ودست بیگانگان کوتاه شد فورا ساختمان راه‌آهن بزرگی که شمال بجنوب‌کشور را بهم پیوسته کند در راس‌کارهای اساسی و مهم قرار گرفت . در نتیجه‌در تاریخ نهم خردادماه ۱۳۰٤ قانونی گذشت که از هرسه کیلوگرم قند و شکرو چای که بایران وارد می‌شود یا درکشور فراهم می‌کنند دو ریال عوارض برای‌ساختمان راه‌آهن بگیرند و بدین وسیله

هزینهٔ ساختمان راه‌آهن سراسری ایـران فراهم شد . سپس در ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۰٤ قانون نقشه برداری و ساختمان راه‌آهن از مجلس گذشت و برای انجام این مقصود يك عده مهندس امریکایـی بایران دعوت کردند و ادارهٔ راه‌آهن تاسیس شد . در ۲۳مهرماه ۱۳۰٦ شاهنشاه ایران نخستین کلنگ ساختمان راه‌آهن را در محلی کـه می‌بایست ایستگاه تهران در آنجا ساختـه‌شود بدست خود زد و ازآن روز ساختمان راه‌آهن ایران وارد مرحلهٔ عمل شد . درمدت نزدیك بیك سال و هفت‌ماه که نقشه برداری و عملیات مهندسی راه‌آهن ایران‌طول کشید شش دسته مهندس و کارگـر فنی در شمال و جنوب کشور مشغول کارشدند و این‌کارهـا نخست بتوسط ۲٦۷ کارگر آغاز شد و سپس شمارهٔ آنهاتدریجاً به ۱۹٦۷ رسید .

درین مدت این عملیات صورت گرفت :

۱) بازدیدهای فنی در مسافت ۲۳٤٥ کیلومتر مسیر راه‌آهن .

۲) نقشه‌برداری مقدماتی در طول۱٥۱۲ کیلومتر .

۳) نقشه‌برداری قطعی در طول ۳٥٦ کیلومتر درشمال وجنوب .

٤) مطالعات درآبهای ساحلی شمال و جنوب وتهیهٔ نقشه‌های زمینی .

٥) تسطیح و خاك‌ریزی کامل ۱٥۸ کیلومتر درشمال وجنوب .

٦) نقشه‌برداری وانجام برخی کارهای مقدماتی درایستگاه تهران .

پس‌ازین کارها در ۱۷ تیرماه ۱۳۰۷ سندیکای راه‌آهن ایران مرکب از سه شرکت آلمانی و يك شرکـت امریکایـی‌تشکیل شد تا عملیات ساختمان راه‌آهـن را دنبال کنند و نیز ۱٥۰ کیلومتر راهی‌راکه‌ادارهٔ راه‌آهن سابق درشمال وجنوب ساخته بود تکمیل کنند و اسکله‌های بندرشاه و بندرشاهپور و سد وپل اهواز را بسازند و برای هر يك‌کیلو متر راه ۳٦۸۰۰ریال اجرت بگیرنـد و صدی ده بـرای عملیات ساختمـانی و مخـارج اداری وحق‌الزحمه دریافت‌کنند .

این سندیکا ۱۲۷ کیلومتر درشمال‌و ۲٥۰ کیلومتر در جنوب خاکریـزی و شن‌ریزی و ریل‌گذاری کرد و این کار راتا مهرماه ۱۳۱۰ بپایان رساند و چـون کارهای آن رضایت‌بخش نبود درین تاریخ‌منحل شد . ازآن پس دولت ساختمـان راه‌آهن را خود بدست گرفت و بتوسط‌مهندسان سوئدی در شمال و امریکایی در جنوب کار را دنبال‌کرد . سوئدیها درمدت دوسال قسمتی از خط شاهی تـا کیلومتـر ۲۸٥ را تسطیح کـردند و درجنوب‌هم امریکاییان‌کارهای ناتمام‌سندیکای سابق را بپایان رساندند .

سپس در اول خردادماه ۱۳۱۲ ساختمان راه آهن ایـران بکنسرسیوم کامپساکس‌که شرکت دانمارکی بود واگذارشد تا بعنوان مشاور فنی ونمایندهٔ وزارت راه تشکیلاتی برای این کار بدهد وتقریباًهزارکیلومتر راه را بسازد وتا اوایل سال ۱۳۱۸ تحویل بدهـد یعنی پس از مدت‌شش سال بدین‌گونه که در چهارسال اول خط شمال را بپایان برساند و پس ازشش‌سال در ۱۳۱۸ خط جنوب را تمام کند . قرار شد از بابت کار مزد و حق‌السعی‌متری پنج دلار طلاياهرکیلومتری پنج‌هزار



شاهنشاه ایران درباره یکی از نقشه‌های راه‌آهن توضیح می‌خواهد

دلاربکامپساکس پرداخته شود وهزینه‌های‌دیگر بعهدهٔ دولت‌باشد .کامپساکس‌سراسر خط را که ناتمام مانده بود به ٤٣ قطعه(٢٣ قطعه در شمال و ٢٠ قطعه درجنوب) تقسیم کرد و هر قطعه‌ای را پی‌درپی بمناقصه گذاشت .

در سالهای ١٣١٤ و ١٣١٥ و ١٣١٦ که منتهای شدت عمل بود در هرروز بیش از شصت هزار تن در ساختمان‌راه‌آهن کار می‌کردند . درین مدت بیش‌از چهل شرکت اروپایی وایرانی در ساختمان‌آن شرکت کرده‌اند وکارها را بمناقصه انجام داده‌اند . سرانجام در نتیجهٔ این‌عملیات راه‌آهن سراسری ایران بپایان رسید . عرض این راه ١٤٣٥ میلی‌متر ومطابق عرض همهٔ راه‌آهن های جهانست . شیب های عمدهٔ آن بدین قرارست :

در میان بندرشاه و شاهی ٧٧ درهزار .
در میان شاهی و پل سفید ١٥درهزار .
درمیان پل سفید و فیروزکوه ٢٨ در هزار .
درمیان فیروزکوه و بن‌کوه ١٨ ونیم در هزار .
در میان بن‌کوه و تهران ١٥ درهزار .
در میان تهران و اندیمشك ١٥ در هزار .
درمیان اندیمشك و بندرشاهپوره درهزار .

درین راه بیست و هشت میلیون‌متر مکعب‌خاك‌ریزی وخاك‌برداری‌کرده‌اند. طبقهٔ شنی‌که برروی زمین‌ریخته‌اند بعرض٣ متر و ٢٠ سانتی‌متر وحداکثر بقطر ٤٠ سانتی‌متر بوده است . طول خط از بندرشاه تا بندرشاهپور ١٣٩٤ کیلومترست که نزدیك ٩٨٠ کیلومتر آنرا تراورس چوبی‌گذاشته‌اند و در٤١٤ کیلومتر آن تراورس فلزی بکار برده‌اند . ازین ١٣٩٤ کیلومتر٨٥٢ کیلومتر را از طرف شمال و ٥٤٢ کیلومتر را از طرف جنوب ریل‌گذاری‌کرده‌اند . در هرکیلو متر از ١٢٨٠ تا ١٤٤٠ تراورس فلزی واز ١٣٦٠ تا ١٥٢٠تراورس چوبی بکار برده‌اند . قطارهای باربری با سرعت ٥٠ کیلومتر و قطار های‌مسافری با سرعت صد کیلومتر در ساعت می‌توانند درین راه سیر کنند .

در طول این راه ٢٢٤ تونل ساخته‌شده که ٩٣ تونل آن از شاهی تا تهران و ١٣١ تونل آن از اندیمشك تا تهرانست.مجموع این تونلها ٨٣٦٦٦ متر را فرا می‌گیرد که ٢٣٥٩٩ متر آن در شمال و٦٠٠٦٧ متر آن در جنوبست و طول تونلهای آن معادل شش درصد تمام‌خطست . برای ایجاد این تونلها سه‌میلیون و سیصدهزار متر مکعب خاك‌برداری شده‌و یك میلیون متر مکعب عملیات ساختمانی و بنایی لازم شده‌است ونیز ٣٣٤ تن‌باروت‌کوه‌کنی و ٢٨٠٠ تن دینامیت و ١٧٠٠٠٠ تن بتون بکار برده‌اند . درازترین تونل‌در شمال تونل گدوکست که ٢ کیلومتر و ٨٨٠ متر طول دارد و طویل‌ترین تونلهای‌راه‌آهن‌ایرانست .درازترین تونل‌درجنوب تونل تنگ چهار آبدیزست که دوکیلومتر و ٥٢٦ متر طول دارد . از تونلهای شمال چهار تونل هست که هریك بیش از یك‌کیلومتر طول دارند ونه تونل که هریك

بیش‌از نیم‌کیلومتر طول دارند . ازتونلهای‌جنوب چهار تونل هریك بیش از دو کیلو متر و ۱۷ تونل هریك بیش‌از یك کیلومترو ۱٦ تونل هریك بیش از نیم کیلومتر طول دارند .

در طول این خط ۴۱۹۰ پل بزرگ و کوچك و آبروطاقدار و لولهٔ فلزی و گذرگاه ساخته شده است کـه از آن‌جمله ۳٦۰ پل بزرگ و کوچکست که بـا مصالح بنایی و فلز ساخته‌اند و مهم‌ترین‌آنها پل اورین و پل ورسك و پل ایستگاه تهران در شمال و پل رودشور و آبدیـز و پل‌کارون در جنوبست که هریك از آنها را شاهکارهای فنی مهندسی و ساختمان‌دانسته‌اند . روی همرفته ساختمانهایـی که برای عبور راه‌آهن از شمـال بجنوب‌شده در خط شمال ۱۹۳۳ دستگاه بطول ٦۸۴۲ متر ودر خط جنوب ۲۸۳۹ دستگاه‌بطول ۱۸۵۳ وروی همرفته ۴۷۷۲ دستگاه بطول ۸٦۹۵ مترست .

در طول خط ۹۰ ایستگاه ساخته‌شده که ۳۱ ایستگاه آن در شمال تا تهران و ۵۹ ایستگاه آن در جنوب از تهران تاانتهای‌خطست و معادل ۳۴ هزار مترمربع زمین زیر بـناهای اصلی و فرعی ایـن‌ساختمانـها قرار دارد . پس از اتـمام ساختمان راه‌آهن که قطارهای مسافری وباری شروع برفت و آمد کردند مقداری لوازم برای بهره‌برداری راه‌آهن‌فراهم شدکه در آغاز شامل ۱۳۲ لکوموتیو و ۲۲۹۷ واگون بوده‌است . ارزش راه‌آهن ایـران‌ببهایی که در ۱۳۲٦ تخمین زده‌انـد از حیث زمین و ساختمانها و وسایط نقلیه‌و خط وهمهٔ‌وسایل ارتباطی و بهره‌برداری معادل با ۷۵۲۵ میلیون ریال بوده‌است .

گذشته از کارهایی که برای ساختمان راه کرده‌اند یك عده کارخانهـای تعمیرات نیز درایستگاه‌های مختلف برای‌تعمیر لکوموتیو و واگونها و لوازم دیگـر فراهم شده است که نخست شامل شش‌کارخانهٔ تعمیرات در تهران و بندرشاه و اهواز و اندیمشك و پل سفید و قم بوده‌و پس از آن دو کـارخـانهٔ دیگـر در اراك ودورود دایـر کرده‌اند . کارخـانهٔ‌تهران که از همه‌کامل‌ترست شامل قسمت های مختلف مانند ماشین‌خانه و نجارخانه‌و کارخانهٔ ریخته‌گری و تعمیرات واگون و تعمیرات دیگ بخار وغیره‌است و دستگاه‌بسیاربزرگیست‌که از هرحیث بامؤسسات مهم کشورهای دیگر برابری می‌کند و همهٔ‌تعمیراتی را که ممکنست در راه‌آهن ایران لازم بشود انجام خواهد داد . از آن جمله‌دو دستگاه جرثقیل الکتریك دارد که هر یك از آنهـا دارای چهل تن نیروست ومی‌تواند دیگهای لکوموتیو را حمل و نقل کند .

گذشته از آن در ایستگاه تهران‌آشیانه‌ای دارای نه خط ساخته شده که گنجایش ۱۸ دستگاه لکوموتیو بـزرگ رادارد . کارخانهای دیگر کـه در اهواز و اندیمشك و بندرشاه و اراك و پل سفیدو دورود و قم ساخته شده هریك نیـز وسایل لازم را برای تعمیرات دارند . در۳۵ ایستگاه که ۱۳ دستگاه آن در شمال و ۲۴ دستگاه آن در جنوبست دستگاه آب‌گیری برای پرکردن‌لکوموتیوها فراهم‌شده

واین دستگاه‌ها را نیز بااصول فنی جدیدوباکمال دقت ساخته‌اند و از هر حیث جالب توجهست .

از سوی دیگر برای احتیاجات برق دو مرکز بزرگ برق برای راه‌آهن یکی در تهران دارای سه موتور دیزل‌و نیروی ۱۵۰۰ اسب بخار و ۱۳۵۰ کیلواوات آمپر و دیگری در اهواز دارای‌سه موتور دیزل و نیروی ۷۶۰ اسب بخار و ۷۰۰ کیلوواتآمپرفراهم کرده‌اند.نخست‌مرکز برق تهران در هر شبانروز سه‌هزار کیلووات برق بمصرف می‌رسید و پس ازآنکه کارهای تعمیرات‌راه‌آهن توسعه یافت بده هزار کیلووات رسید و در مرکزبرق اهواز ماهی ۳۵۰۰۰کیلووات بمصرف رسیده است .

گذشته ازین اقدامات مهمی‌که درطول راه بعمل آمد ساختمان دو بندر مهم یکی در خلیج استراباد در کنار دریای‌خزر بنام بندر شاه ودیگری درگوشهٔ غربی خلیج فارس‌بنام بندرشاهپور جزو عملیات‌ساختمان راه‌آهن بوده‌است .

در بندر شاه در حدود ۲۵۰ کیلومتر آبهای ساحلی را نقشه‌برداری کرده و عمق آنها را معلوم کرده‌اند و یك اسکلهٔ‌چوبی بطول ۱٤۹ متر ساخته‌اند . دربندر شاه‌پور نیز در حدود هزار کیلومتر مربع‌آبهای ساحلی را مساحی کرده و عمق‌آنها را معلوم کرده‌اند واسکلهٔ بزرگی ساخته‌اندکه ٤۱۲ متر طول دارد .

دیگر از کارهای مهم ساختمان راه‌آهن بهداری کارگران بوده است که در چندین سال چندین هزار تن ازیشان درهر فصلی در نواحی مختلف سردسیر و گرمسیر مشغول کارهای گوناگون بوده‌اند.بهمین جهت در ضمن عملیات ساختمان توجه تامی ببهداشت کارگران داشته‌اندو ادارهٔ بهداری منظمی با عدهٔ کثیر کارمند تاسیس‌کرده‌اند واین اداره درنقاط مختلف‌مسیر راه‌آهن صد و یك بیمارستان‌بزرگ و کوچك دایر کرده است که چهل تن‌پزشك و چهار صدتن پزشکیار و داروساز و پرستار و غیره و ۲٤ آمبولانس و پنج‌اتومبیل سواری برای تامین نیازمندیهای این بیمارستانها درین زمینه مشغول کاربوده‌اند وگذشته ازآن‌درهرقطعهٔ ساختمانی راه‌آهن یك پست امدادی دارای ۱۵ تا۲۲ تخت خواب دایر بوده و نیز درنواحی کوهستانی در هر پنج کیلومتر مسافت‌و در نواحی دیگر در هرده تاپانزده‌کیلومتر مسافت یك پست امدادی دارای دو تخت‌خواب بوده‌است .

از سال ۱۳۱۲ تا پایان ساختمان‌در ٥٤ میلیون روز کار بیشتر از ۲٤۸۸تن از کارگران گرفتار حوادث و اتفاقات درحین انجام وظیفه شده‌اند و ازین عده ۱۱۳۷ تن معالجه شده و ٦۷۷ تن ناقص‌گشته و ٦۷٤ تن درگذشته‌اند . درمدتی که کنسرسیوم کامپساکس مشغول کار بودتا پایان اردی‌بهشت ماه ۱۳۱۷ مبلغ بیست میلیون و سیصد هزار ریال خرج‌بهداری‌کارگران شده‌است .

جمع کل درآمدی‌که برای ساختمان راه‌آهن سراسری در مدتی که عملیات ساختمان ادامه داشته وصول شده است‌مبلغ ۲،۱۹۵،۱۸۰،۷۰۰ ریال یا ٥،۸۷،٤٤۸ لیرهٔ انگلیسی بوده است . ازین‌مبلغ ۲،۱۸۸،۳۳٤،۲۲۰ ریال خرج شده و

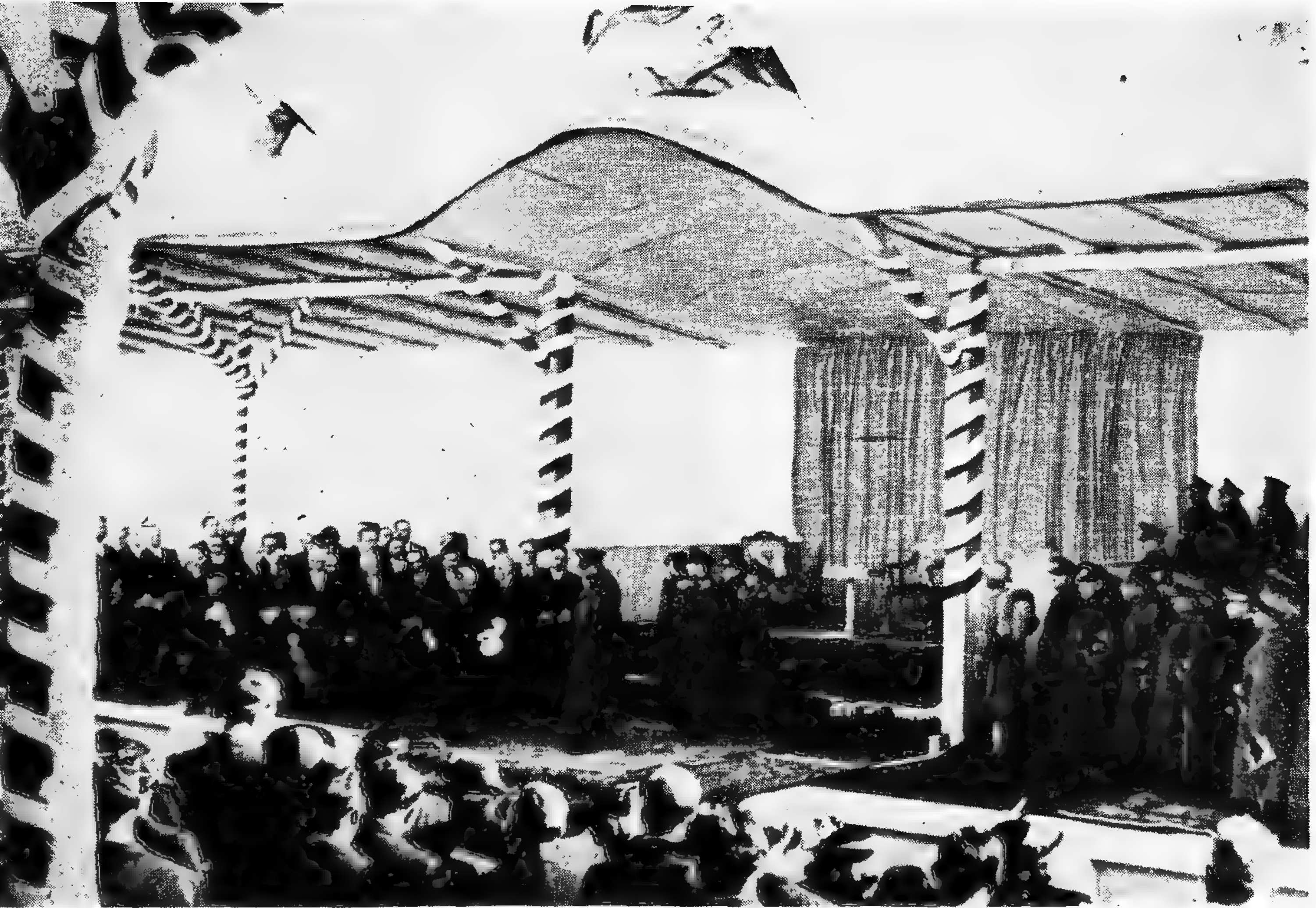
پس از اتمام عملیات ساختمان مبلغ ۶،۸۴۶،۴۸۰ ریال ازین درآمد باقی بوده است .

سرانجام راه‌آهن سراسری ایران‌که ساختمان آن از مهم‌ترین وقایع تاریخ کشور ماست و شامل ۱۳۹۴ کیلومترست‌و شمال کشور را بجنوب آن می‌پیوندد‌پس از آنکه ده سال و یازده ماه و یازده روزساختمان آن کشید در۴ شهریورماه ۱۳۱۷ در ایستگاه فوزیه بهم متصل شد و کاملابراه‌افتاد و بدست شاهنشاه ایران افتتاح یافت و بدین گونه شش‌ماه‌و۲۴ روز زودتراز آنچه انتظار می‌رفت و پیش‌بینی شده بود بپایان رسید .

نکته‌ای که درین‌باره اهمیت بسیار دارد اینست که برای ساختمان این راه‌آهن باین عظمت که یکی از درازترین‌خطوط راه‌آهن در جهانست دولت ایران دیناری از هیچ کشور بیگانه استعانت‌نخواست و بهیچ‌وجه نه‌در داخله و نه در خارجه برای انجام کاری بدین بزرگی‌که هفتاد سال در راس آرزوهای ایرانیان بود و بهزاران دشواری سیاست بین‌الملل‌برمی‌خورد قرضی نکرد و همهٔ هزینه های سنگین آنرا که از دو میلیارد ریال بیشتربوداز عایدات جاری بودجهٔ کشورپرداخت و قسمت اعظم کارهای آن بدست‌ایرانیان‌انجام گرفت و همهٔ کارگران آن ایرانی بودند و اندك مددی از خارج برای این‌کارنشد و یکی از مشکل‌ترین و پرخرج‌ترین راه‌آهن‌های جهان و یکی از دشوارترین‌مسایل اقتصادی و سیاسی آسیا بدین آسانی حل شد و جهانیان در شگفت‌ماندند زیرا تا زمانی که این کار بپایان نرسیده‌بود کسی گمان نمی‌کرد بدین‌آسانی‌و بدین زودی انجام بگیرد .

پس از اتمام راه‌آهن سراسری ایران که شمال کشور را بجنوب آن متصل کرد دولت ایران بهمان قانع نشد وبلافاصله‌نقشهٔ وسیع دیگری برای‌ساختمان راههای فرعی طرح کرد که مشرق ومغرب کشور را بخط شمال و جنوب و شهرها و مراکز عمدهٔ صنعت و اقتصادرا بیك‌دیگر مربوط کند و بدین جهت نخست سه خط راه‌آهن دیگر طرح‌کردندو فورا بساختمان آنها پرداختند : یکی خط تهران بآذربایجان و از آنجا بمرزترکیه که تسطیح آن تا زنجان رسید و جنگ جهانی دوم مانع شد که بپایان‌برسد . دیگر خط جنوب شرقی که می‌بایست از تهران بمعادن انارك و ازآنجابیزد و کرمان و کرانه‌های خلیج فارس برسد و تسطیح آن تا انارك رسید و باز حوادث جنگ مایع از اتمام آن شد . سوم خط خراسان و نواحی شمال شرقی که یك قسمت از آن یعنی راه‌آهن گرمسار بسمنان تمام شد و در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۱۸ افتتاح‌یافت و در میان سمنان و شاهرود نیز عملیات تسطیح بپایان رسیده بودکه جنگ مانع شد .

خط‌گرمسار بسمنان در دیماه ۱۳۱۶ بساختمان آن شروع‌کردند و این خط تا شاهرود ۳۱۵ کیلومترست و قسمت عمدهٔ آن از کویر مشرق ایران می‌گذرد و برای ساختمان آن دوچار دشواریهای بسیاری‌بوده‌اند. برای ساختمان این‌خط ازگرمسار بسمنان ۷۴ میلیون ریال‌خرج کرده‌اند وهرکیلومتر آن در حدود ۶۱۰ هزارریال‌ارزش



شاهنشاه ایران در جشن اتصال راه‌آهن سراسری

یافته است . مجموع عملیات ساختمانی آن نــه ماه‌کشید و درین مدت یك میلیون و دویست هزار مترمکعب خاك‌ریزی وخاك‌برداری‌کردند و چهل هزارمترمکعب ساختمان کرده‌اند و دوپل بزرگ درآن ساخته‌اند که‌هریك ۵۵ ، ۹٤ متر طول داردودرهر روز هشت هزارکارگر ایرانی درآن‌کارمی‌کرده‌اند . ازسوی دیگر روزی ٤٥۰ مترریل‌گذاری درآن شده وگاهی هم به ۹۰۰ متررسیده است و درحدود ده هزار تن ریل و صد و هفتاد هزار تراورس کارخانه شیرگاه درآن بمصرف رسیده است .

گذشته از ساختمان این خطوط راه آهن اقدام مهم دیگری که درین زمینه شده تربیت یك عده کارمند و کارگرفنی برای کارهای مختلف راه آهن‌ست . ازآن جمله یك‌عده جوان ایرانی‌را برای فراگرفتن‌فنون مربوط باین‌کاربکشورهای اروپافرستادند و ایشان‌را برای تامین حوایج آیندهٔ ایران تربیت‌کردند . نیزدربنگاه راه‌آهن یك عده آموزشگاه مختلف برای کارهای مربوط براه‌آهن تأسیس کردند و ازین حیث‌احتیاجات راه‌آهن ایران کاملا تامین شد . این‌کار بدین بزرگی‌که دراندك مدتی باکمال آسانی‌بپایان رسید همیشه بدست ایرانیان اداره خواهد شد و راه‌آهن هارا افرادکشور خود اداره خواهند کرد .

دیگر ازکارهایی‌که دربارهٔ راه‌آهن‌های ایران شده اصلاح اساسیست‌که در راه‌آهن جلفا بتبریز و شرف‌خانه بعمل‌آمده و درین مدت تعمیرهای اساسی و اصلاح فراوان در آن کرده‌اند ولوازم بسیار ازلکوموتیو وواگون وغیره‌برای آن آماده‌شده است و ازهرحیث آنرا تجدیدکرده و راه‌آهن مندرس و فرسودهٔ دورهٔ گذشته بکلی ازآن حال سابق بیرون آمده و هزینه‌های فراوانی‌که کرده‌اند آنرا بصورت راه‌آهن جدیدی درآورده‌است مانند آنکه آنرا ازنو ساخته باشند .

اصلاحات بهداشتی

در میان اصلاحات فراوانی کـه دردورهٔ پهلوی درایران‌کرده‌اند باصلاحات بهداشتی نیز اهمیت بسیار باید داد. پیداست کـه تن درستی اساس زندگیست و هیچ‌کس هرگز تردید نکرده است که افرادرنجور و ناتوان ودردمند نمی‌توانند جامعهٔ نیرومند و کشور توانایی تشکیل دهند و این نکته‌از بدیهی ترین‌مسایل زندگیست‌که تن‌درستی افراد و بهداشت ایشان یکی از مهم‌ترین وظایف هردولتیست زیرا بسیار آشکارست‌که ازمردم ناتوان کارساخته نیست و از قدیم گفته‌اند عقل سلیم دربدن سالمست.

درین دوره ازهرجهت نسبت ببهداشت مردم ایران توجه‌کرده‌اند و درهیچ دورهٔ دیگرنظیرآن درتاریخ کشور ما دیده نمی‌شود و یکی ازآشکارترین دلایل برتری این دوره بردوره‌های پیش ازآنست. دردوره‌های‌گذشته بهیچ‌وجه در بهداشت عمومی و خصوصی افراد کشور توجه نمی‌کردند وبهترین دلیل‌آنست‌که هروقت درهمسایگی ایران یکی از بیماریهای مسری بروزمی‌کرد فورا بایران راه می‌یافت و در ادوارگذشته درتاریخ ایران مرتباً می‌بینیم‌که هرچند یك بار بیماریهای مسری مانند وبا و طاعون و حصبه و غیره عمومی شده است و گریبان همه کس را گرفته و هزاران تن جان سپرده‌اند. درایران هنوزکسانی‌هستند که‌یکی‌دوسال وبایی پایان‌دورهٔ قاجارهارا بیاد دارند و آن حصبهٔ مطبقه و گریپ عمومی سال قحطی ۱۲۹۶ را جوان‌ترها نیزازیاد نبرده‌اند.

اما درین دوره توجه خاصی نسبت ببهداشت عمومی‌کردند و یکی از نخستین قدمهایی‌که درین راه برداشتند درین زمینه بود. پس از کودتای ۱۲۹۹ وزارت خانه تازه‌ای در ایران باسم وزارت صحیه وامورخیریه تاسیس شد و پس از چندی تبدیل شد بادارهٔ کل صحیهٔ مملکتی و ادارهٔ کل بهداشت‌کشور و سپس بوزارت بهداری و حال آنکه پیش از آن تنها یك شعبهٔ صحیه در وزارت داخله مرکب از دوتن عضو ویك مجلس حفظ‌الصحه بودکه اعضای‌آن افتخاری‌کار می‌کردند و جلسات مرتبی نداشت. درین دوره ادارهٔ‌کل بهداشت و ادارات بهداشت شهرداریها یك سلسله کارهای مهم در بهداری عمومی‌کرده‌اند.

یکی از نخستین اقدامها تاسیس ادارات بهداری در شهرداریها بوده است و بدین وسیله نه تنها پست‌های امدادی در نقاط مختلف‌کشور دایر شده بلکه دربسیاری

ازشهرهای ایران بیمارستانهایی ساخته‌اندکه بهداری آن شهر متصدی آن بوده است و برخی ازآنها را وزارت بهداری ساخته است . ازآن جمله درتهران چند بیمارستان جدید مانند بیمارستان شهرداری و بیمارستان وزیری و بیمارستان گوهرشاد و بیمارستان فیروزآبادی و بیمارستان پانصد تختخوابی بکار آغازکرده‌اند و حال‌آنکه درپایان دورهٔ قاجارها در تهران تنها یك بیمارستان دولتی و یك بیمارستان نظامی احمدیه و یك بیمارستان زنان دایر بود .گذشته‌از آن‌بیمارستانهای مخصوصی‌مانند بیمارستان مسلولین درشاه‌آباد تهران و بیمارستان امراض مقاربتی درشهر تأسیس کرده‌اند و نیزدرشهرهای دیگرمانند رشت و تبریز وشیراز وکرمان وقم بیمارستانهای دیگر دایر شده‌که معروف‌تر و مهم‌تر ازهمه بیمارستان شهرضا در مشهدست‌که از بنگاه‌های مهم بشمار می‌رود . درضمن بیمارستانهای سابق را نیز تکمیل واصلاح‌کرده و شعبه‌های تازه برای بیماریهای دیگردرآنها دایرکرده‌اند .

دیگر توجه خاصیست که ببهداشت‌افراد نظامی کرده‌اند و نه تنها در مراکز عمده بیمارستانهای نظامی دایرشده بلکه‌درهرواحدی نیزبیمارستان مخصوصی‌فراهم کرده‌اند و نیزبنگاه رادیو لوژی (پرتوشناسی) مهمی برای ارتش تاسیس‌کرده‌اند . در ضمن بیمارستانهای ارتش راکه سابقا تاسیس‌کرده بودند تکمیل کردند و دو بیمارستان شمارهٔ یك وشماره دو ارتش ازمهم‌ترین تاسیسات بهداری شده‌است . نیزدارالمجانین (تیمارستان) تهران توسعهٔ‌کامل یافته و درآن نیز اصلاحات مهم‌کرده‌اند . گذشته از پست‌های امدادی و بیمارستانها دربسیاری از شهرهای ایران مخصوصا در تهران بنگاه‌های بهداشتی دیگری چه بدست شهرداریها وچه بدست ادارهٔ‌کل بهداری تاسیس شده‌است مانند زایشگاهها و شیر خوارگاهها و مطب های عمومی و غیره .

دیگرازکارهای مهمی‌که درین زمینه‌کرده‌اند تاسیس بنگاه پاستور درایرانست که پیش ازآن بهیچ‌وجه سابقه نداشت و از موسسات مهمیست‌که درآغاز این دوره در تهران برقرار شد و اینك آنچه سرم و مایه (واکسن) وغیره‌برای احتیاجات بهداری کشور لازم باشد هم چنانکه درکشورهای متمدن جهان می‌سازند دربنگاه پاستور تهران نیز تهیه می‌کنند . پس‌از آن بنگاه سرم سازی حصارك‌درنزدیکی کرج‌تاسیس شدواین کار نیز از اقدامات بسیار مهم این دوره‌بوده است .

کارمهم دیگرکه درراه بهداشت‌کشورکرده‌اند ترویج فوق‌العادهٔ ورزش‌وتربیت بدنیست‌که سابقا بفوایدگوناگون آن اشاره‌کردم و سودهای بی‌شماری که این‌کار بزرگ دراصلاح نژاد ایرانی و بهداشت و تن درستی جوانان از پسر و دختر دارد برکسی پوشیده نیست . درین زمینه تاسیسات پیش‌آهنگی دختران و پسران و مسابقه‌های ورزشی را نیزباید ازکارهای مهم در بهبود نژاد و بهداشت جوانان دانست .

دیگرازکارهای مهم توسعهٔ فوق‌العاده‌ایست‌که در آبله کوبی داده شد و بهیچ وجه با دستگاه دوره‌های گذشته قابل قیاس نیست چنانکه ازآن پس دیگردرایران مبتلای بآبله دیده نشد و حال آنکه دردورهٔ‌گذشته بسیار فراوان بود . اهمیت این‌کار بیشترازین جهتست که‌مبتکر آبله‌کوبی درجهان ایرانیان بوده‌اند و پزشکان‌قدیم‌ایران

پوستی راکه روی دانه‌های آبله بسته می‌شد می‌گرفتند وبدن دیگری‌را خراش می‌دادند و آن پوست را در آنجا می‌گذاشتند وکسی‌که این‌عمل‌را درو کرده بودند مبتلا بآبله نمی‌شد .

دیگر ازکارهای اساسی این دوره توجه خاصی ببهداشت مادران و نوزادان و کودکان شیرخوارست ، چنانکه بیمارستان مخصوص بیماریهای زنان و کودکان گذشته از زایشگاهها و شیرخوارگاه‌هایی که پیش ازین بآنها اشاره رفت تاسیس کردند و روز بروز توسعه یافت و نیز آموزشگاه مخصوص مامایی و آموزشگاه مخصوص پرستاری تاسیس شد و هرسال عده‌ای اززنان ایرانی‌ازین آموزشگاهها بیرون‌می‌آیند و بخدمات مهم خود می‌پردازند .

دیگر ازکارهای مهم درین زمینه معاینهٔ بهداشتی کودکان وجوانان دردبستانها و دبیرستانها ودانشکده‌هاست که‌آن نیز دردورهٔ پیشین معمول نبودواداره‌ٔ مخصوصی برای بهداری مدارس با وسایل کامل‌فراهم‌شده است . درین زمینه معاینهٔ صحی پیش از ازدواج و محروم‌کردن پسر و دختر نابالغ را از زناشویی باید اهمیت داد زیرا که در حد خود فواید محسوسی داردکه حاجت بتاکید نیست .

قدم بسیار بلنددیگری که‌برداشته‌اند تربیت یك عده کثیر از پزشکانست و هرسال عدهٔ بسیار ازجوانان را برای فراگرفتن علم طب وکارآموزی دربیمارستانهای بزرگ و معروف جهان بکشور های متمدن فرستاده‌اند و نیز عده‌ای پزشك برای ارتش تربیت کرده‌اند و دانشکدهٔ طب تهران توسعهٔ کامل یافته واصلاحات بسیار در آن کرده‌اند و بنای بسیار باشکوهی در دانشگاه تهران برای آن ساخته‌اند و مخصوصاً قسمت تشریح را در آنجا تأسیس کرده‌اندواین اقدامات نیز دربهداری عمومی بسیار مهم بوده است .

قدم مهم دیگری که در بهداری عمومی برداشتند وضع واجرای قانون طبابت بودکه بموجب‌آن تاکسی‌ازدانشگاههای‌کشورهای متمدن گواهی نامه‌نداشته‌وامتحان در فن خود نداده باشد از طبابت محروم‌باشد . بدین وسیله زیانهای بسیار که‌از یك عده مردم نادان که در نواحی مختلف پیش خود بطبابت مشغول بودند بجان مردم می‌رسید از میان رفت واین شغل شریف منحصر بکسانی شد که واقعا تحصیلات‌کامل درین رشته کرده بودند . کسانی که طب‌قدیم‌را فراگرفته بودند بعنوان پزشك‌مجاز اجازه یافتند بمداوای برخی از امراض‌مخصوص بپردازند و پس‌از آنکه این‌عده از میان رفتند دیگر بکسی این اجازه داده نشد .

دیگراز کارهای بسیارمهمی که‌درین دوره‌شد تأسیس جمعیت شیروخورشید سرخ برای مردان و زنان بوده است که ازآن‌نیز در دورهٔپیشین خبری‌نبود .این‌بنگاه ملی بسیار مهم که دستیاریهای گوناگون در بهداری عمومی و خصوصی می‌کند یکی از مؤثرترین وسایل دستگیری از مردم بی‌نوا و بی‌کس و رنجور و بیمارست . مخصوصا در مواقعی که بلاها و آفاتی نازل می‌شود خدمات مهم بجامعه می‌کند ، چنانکه چندین بار در موقع زلزله و سیل و وقایع دیگرچه مستقیما از عایدات خود وچه بوسیلهٔ

جمع‌آوری اعانه خدمات جالبی بآفت زدگان کرده‌است . توجه تام و دلسوزی کاملی که دولت ایران نسبت بافراد کشور داشت‌درین مواقع و بدین وسیله کاملا آشکارشد و هرگاه خطری یا آفت و بلایی متوجه مردم قسمتی از کشور شد فورا در صدد رفع و جبران آن برآمدند و ببهترین وجهی آن آفت و بلای آسمانی را چاره کردند و بزرگترین سرمشق نوع پرستی وانسان دوستی را دولت ایران خود داد وبهمین‌جهت تأسیس جمعیت شیر و خورشید سرخ را که مهم ترین بنگاه ملی برای دستگیری از بی‌نوایانست از کارهای مهم این دوره باید دانست .

قدم بسیار مهم دیگری که درین راه برداشته شد تأسیس ادارات بهداری‌کامل شهرستانها و شهرها بود . در دورهٔ سابق اگرهم بهداری وجود داشت منحصر بپای‌ـ تخت بود و مردم شهرهای دیگر از آن محروم بودند . در بسیاری از شهرهای درجهٔ اول ودوم ایران بیمارستان نبود وحال‌آنکه‌ایرانیان نخستین ملتی در جهان هستند که بیمارستان دایر کرده‌اند ودر دورهٔ ساسالیان درگند شاپورکه مرکز فراگرفتن‌علم پزشکی بوده مؤسسه‌ای بنام «مارستان» وجود داشته که کار بیمارستانهای امروز را می‌کرده است . در دورهٔ اسلامی بیمارستانهایی که امیر عضدالدوله دیلمی در شهرری ودر شهر بغداد دایر کرده بود از وقایع‌مهم‌تاریخ بشمار می‌رود . در دوره های گذشته‌مردم بسیاری‌از شهرها ازدارو ودرمان محروم بودند اما درین دوره دراکناف‌و اطراف ایران بنگاه های بهداری که تابع شهرداریها یا وزارت بهداری بوده‌اند تشکیل داده‌اند ودر هرشهری نیز ادارهٔ بهداری تابع وزارت بهداری تأسیس کرده‌اند وهمهٔ مردم ایران علی‌السویه ازین نعمت‌ها برخوردار شدند ودیگر منحصر بمردم پای‌تخت نبودونیز ادارات‌نظامی‌که درسراسر کشوربودند وسایل کامل‌بهداشت‌افرادخود را آماده ساختند . در مرزهای کشور و جاهایی که در خطر هجوم امراض بودند وسایل کامل قرنطین از هرحیث آماده شد و همین که خطری پیش بینی می‌شد با سریع‌ترین وسایل و کامل‌ترین وسایطی که در کار هست‌از آن خطرجلوگیری کردند وبوسایل علمی افراد را از خطر رهاندند .

از سوی‌دیگر چنانکه درمبحث مخصوص براه‌آهن اشاره رفت دولت همواره توجه خاص ببهداشت کارگران و طبقات رنج برکشور داشته است . در ضمن‌ساختمان راه‌آهن‌دقت تام‌ببهداشت افراد کرده‌اند و نیزدر کارخانهای‌متعدد که در نواحی‌مختلف درین دوره بوجود آورده‌اند وسایل‌کامل بهداری‌را فراهم کرده‌اند وتوجه‌خاصی‌نسبت باین مسئله داشته‌اند . حتی در بسیاری از قراردادها و امتیازاتی که درین دوره امضا شده‌موادمخصوصی‌برای تأمین‌بهداشت‌افرادهست وصاحبان‌امتیازات‌راوادارکرده‌اند توجه‌تام‌ببهداری‌افراد وکارگران وخدمت‌گزاران‌خودداشته‌باشند. دراماکن‌عمومی‌مانند مهمانخانها‌وکافه‌هاورستورانهاوسینماها وغیره‌ودرمغازه‌ها ودکانها مخصوصادرگرمابه ها ومغازه‌های سلمانی و دکانهای فروشندگان مواد خوراکی و آشامیدنی ازآن‌جمله نانواها و قصابها و میوه فروشها و خوراك پزها و بستنی فروشها و قهوه خانه ها و غیره‌مرتبا رعایت شرایط‌بهداری ومراقبت و بازرسی‌کامل می‌کردند و مقررات‌خاصی

برای بهداشت هریك از آنها وضع کردند واجـرای آنها را جدا خواستـار بودند و شهرداریها و شهربانی‌ها هریك درحد خود مامور نظارت درین کارها بودند . از جمله اقداماتی که درین زمینه شده تبدیل خزانهای عمومی گرمابها بدوش بوده است که در سراسر کشور مراقبت کرده‌اند و فواید این کار در بهداری عمومی و برای اجتناب از بیماریهای ساری و مخصوصا بیماریهای جلدی و مقاربتی بسیارست . دیگراز اقداماتی که درین راه شده معاینهٔ‌صحی کارگران گرمابها و سلمانیها و رستورانها و دکانهاییست که مواد خوراکی می‌فروشند و فواید این کار نیز آشکارست .

دیگر از کارهایی که در بهداشت عمومی بسیار مؤثر بوده است ترویج درخت کاری و حراست درختهای کهن را باید دانست . این کار مورد توجه خاص دولت بود و مخصوصا روزی را در سال برای جشن درخت‌کاری مقرر کردند و در میان آموزشگاه های مختلف کشور عمومی شد تا بدین وسیله شمارهٔ درختان کشور روز بروز بیشتر بشود و در تصفیهٔ هوا مؤثر باشد و در بهداری عمومی و خصوصی مردم یاری کند . درین زمینه سرپرستی و مراقبت کامل از جنگلهای کشور را نیز باید در نظر داشت‌که تنها یکی ازمنابع اقتصادی کشور نیست‌بلکه یکی‌ازوسایل بهداری افرادنیز بشمارست.

اقدام دیگری که در بهداری عمومی شده ایجاد گردش گاهها و تفرج گاهها و باغهای عمومی در شهر ها و آبادی های کشور بوده است و همه جا اقدامات گوناگون درین راه کرده‌اند و وسایل مختلف برای تفریح و تفرج افراد فراهم آورده‌اند و نتایج این کار مهم نیز در بهداشت عمومی معلومست .

دیگر از کارهای بسیار مفید که در سراسر کشور بدان توجه داشته‌اند وکمال جد وجهد را در آن بکار برده‌اند مراقبت کامل در پاکیزگی‌شهرها و آبادیها ومخصوصا کوی و برزنها و میدانها و مجامع عمومی بوده‌است که آن نیز در دورهٔ پیشین معمول نبود و کارگزاران دولت کمترین توجهی بدان نمی‌کردند .

دربارهٔ بهداشت زنان قدم بسیار بزرگی که برداشته شد رفع حجاب بود . پیداست که حجاب گذشته از مفاسد اخلاقی واجتماعی و مدنی مضار بهداشتی بسیار نیز داشته است . تردیدی نیست موجودی که مدتی از روز وشب از هوا و آفتاب که دو عنصر مهم بهداری و تن درستیست محروم باشد موجود زودرنج ناتوانیست که تن‌درستی او دستخوش آفت وزیانست و بهمین جهت رفع حجـاب را که مهمترین اصلاح اخلاقی و اجتماعی و مدنی این دوره است یکی از اصلاحات بهداشتی زنان‌ایران نیز باید دانست واین فایدهٔ عظیم آنرا جزو فوایدی که پیش ازین بدآنها اشاره کردم باید بشمار آورد .

دیگر از اصلاحاتی که در زمینهٔ بهداشت عمومی پیش آمده توجه خاصیست که براهنمایی دولت و دانشگاه تهران بعلم‌پزشکی وکتابهای سودمند بزبان فارسی در رشته های مختلف این علم ودر بهداشت و غیره کرده‌اند . مخصوصا این توجه سبب شده است که هرچند یك‌بار کتابهای بسیار سودمند در رشتـه های مختلـف طب و بهداشت بزبان فارسی بنویسند یاترجمه کنندوبطبع ونشرآنهابپردازند وبدین‌وسیله

معلومات لازم را بهمهٔ طبقات مردم کشور برسانند . درین‌دوره کتابهای چند درین‌زمینه بزبان فارسی انتشار یافته است که بهیچ وجه تا آن زمان نظیر نداشته بودند .

اصلاح دیگری که‌در زمینهٔ بهداشت عمومی‌شده ترقیاتیست‌که درفن داروسازی فراهم آمده و بسیاری از دواها و موادطبی راکه‌طرف حاجت عمومیست وپیش‌از آن از خارج می‌آوردند در ایران بدست کارگران ایرانی ساختند و شرکت های چند برای این کار تشکیل یافت و یك قسمت از نیازمندیهای مردم کشور را تامین کردند .

پیشرفت دیگری که درین زمینه فراهم شده ایجاد و تأسیس آزمایشگاه ها و لابراتوارهای طبی خصوصی برای آزمایشهای ذره‌بینی و پزشکیست که گذشته از آزمایشگاه های وزارت بهداری و بیمارستانها و بهداریهای شهرها و غیره دانشمندان ایرانی خود عده‌ای معتناءبه از آنها تأسیس کرده‌اند واحتیاجات مردم را ازین حیث تامین می‌کنند واین نیز کاریست که در دوره های‌سابق معمول نبودو مردم راهی برای رفع این نیازمندی نداشتند .

دیگر از کارهای مهمی که در بهداری عمومی ایران درین دوره شده‌است استخراج واستفاده از آبهای معدنی و حمامهای معدنی بوده است که برای اصلاح بیماریهای جلدی و درونی و کمك در تن درستی مردم بسیار مؤثر بوده‌است و بسا امراض را ازین راه علاج کرده‌اند . این آبهای معدنی که از بدو تکوین زمین در ایران بوده است قرنهای متمادی بهدر می‌رفت و هیچ کس از آنها بهره‌مند نمی‌شد . درین دوره این آبها را ببهترین وجهی در معرض بهره‌مندی مردم قرار دادند و هرکس توانست در مداوای خود از آنها بهره ببرد . از آن جمله بود آب معدنی چشمه علی نزدیك رودهن و آبهای معدنی رامسر که ببهترین وجهی مردم از آن بهره‌یاب شدند و بنگاه های زیبا و باشکوهی در سر آن چشمه ها ساختند و هر گونه وسیله برای همه‌کس در آنجا فراهم آمد تارنجوران و بیماران از فواید این آبهای شفابخش بی نصیب نمانند .

منابع این کتاب

در تیرماه ۱۳۱۳ شاهنشاه رضا شاه پهلوی بهیئت دولت دستور دادند صورتی از کسانی که برای تدوین و تالیف‌تاریخ دوران‌شهریاری‌آن شاهنشاه مناسب باشند آماده کند . درمیان‌کسانی‌که نامشان‌برده شده بود مرا بدین افتخار نایل کردند و من صمیمانه این خدمت را بعهده‌گرفتم زیرا که دورهٔ پیش از شهریاری آن شاهنشاه را درك کرده بودم و پیشرفتهایی‌را که روزبروز در پرتو کوشش شبانروزی این مرد بزرگ بهرهٔ ایران می‌شد می‌دیدم.در همان زمان دستوری بنخست‌وزیر آن روز دادند که بهمهٔ وزارخانها ودستگاه‌های دولتی بنویسند هرگونه اطلاعی راکه برای این کار لازم دارم از دادن آن دریغ‌نکنند . منابع این کتاب بدین‌گونه‌از درست ترین اطلاعاتی که در دستگاههای دولتی‌بود فراهم آمد وبسیار شادم که خلاصه‌ای از آنها که راهنمای تاریخ‌نویسان در آینده‌خواهد بود بدین‌گونه درین صحاف انتشار می‌یابد .



تاریخ ۲۴ر۴ ۱۳۱۳
نمره ۲۵۵۸
ضمیمه ۳

کابینهٔ ریاست وزراء

جناب آقای میرزا سعید خان نفیسی

مراسله شریفه مورخه ۲۱ تیرماه ۱۳۱۳ که تقاضا شده بود سوادی از اوامر صادره
از مقام منیع ریاست وزراء دایر باینکه جناب تهیه اطلاعات لازمه جهت تدوین
تاریخ سلطنت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه بوزارتخانه‌ها و کلیه ادارات
دولتی برای جنابعالی ارسال شود واصل و اینک سواد [illegible] از
آن مقام منیع در موضوع فوق صادر گردیده لفاً ارسال میشود.



توضیح

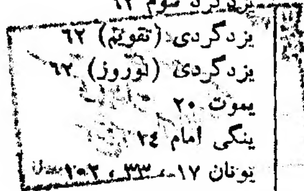
درین کتاب کلمهٔ « شهریاری » رابمعنی حقیقی آن‌که مرادف کشورداری و فرمانروایی‌ست بکار برده‌ام . معمول شده‌است‌درین‌زمان درین‌مورد کلمهٔ«زمامداری» را بکار می‌برند . زمام بکسر اول بـزبان‌تازی بمعنی مهار و رشته‌ایست که دربینی شتر بندند و بدین‌گونه زمامداری بدیـن‌معنی که امروز بکار می‌برند ناپسندست و باید ازآن پرهیز کرد . معنی حقیقی شهردر زبانهای ایرانی آن چیزیست که بـآن کشور هم گفته‌اند چنانکه کشور ایران رادر قدیم « ایرانشهر » می‌گفتند و کلمهٔ « شثرپت » که در زبان دری « شهربد » باید گفت و همانست که یونانیـان آنـرا « ساتراپ » تلفظ کرده‌اند بمعنی کسیست‌که فرمـان‌فرمـای کشوری بوده است . فرهنگ‌نویسان هم « شهریار » را کلانترو بزرگ شهر معنی کرده‌اند و شهر درین جا بمعنی کشورست . پس معنی درست « شهریاری» فرمانروایی وکشورداریست ودرین کتاب نیز بدین معنی بکار برده‌ام .

غلطنامه

از خوانندگان درخواست می‌رود این چند غلط را که در چاپ روی داده‌است تصحیح کنند .

صحیفه	سطر	نادرست	درست
۷	۲	۱۲۰۰	۱۲۱۰
۱۰	۳	ودلت	دولت
۱۵	۱۴	ارتش	دانش
۱۵	۱۶	خاصی	خاص
۱۵	۳۳	۱۶۴۴۰۰۰۰	۱۶۴۴۰۰۰
۱۷	۱۰	کرد	کردند
۱۷	۳۴	برده	نبرده
۲۷	۲۰	اینست	امنیت
۲۹	۱۲	شکر	لشکر
۳۶	۲۹	انتخاب‌می‌کردند	فراهم‌می‌کردند
۴۱	۱۹	ددگاههای	دادگاههای
۴۸	۴	زول	زوال
۴۸	۱۱	ماسد	مفاسد
۵۶	۳۰	محسوسیت	محسوسست
۸۴	۱۲	بودکه	بود
۱۱۱	۱۳	روی	روسی

فهرست نامهای خاص



فهرست مندرجات

